

از بودجه سرمایه جاویدان  
بنامکانه روانشاد فریدون  
اشتری (خسروی) نوبت دوم  
توسط سازمان انتشارات  
فروهر به چاپ رسیده است.

اوستا. یستا. گاهان. فارسی
گاتها: سرودهای زرتشت ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژمنامه / عباس شوشتاری مهرین. -
[تهران]: فروهر، ۱۳۷۸.
پانزده [۳۰۶] ص: عکس.
ISBN 964-6320-08-2
فهرستنويسي براساس اطلاعات فيها. چاپ دوم.
۱- اوستا. یستا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف، مهرین، عباس، ۱۲۵۹ -
ب. عنوان. ج. عنوان: سرودهای زرتشت: ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژمنامه.
۲۹۵/۸۲ PIR ۴۷۳
۱۳۷۸-۱۲۵۷۹ الف کتابخانه ملی ایران



موسسه فرهنگي و انتشاراتي فروهر

گاتها (سرودهای) زرتشت

موسسه فرهنگي انتشاراتي فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۲۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

برگردان به فارسی: پروفسور عباس شوشتاری (مهرین)

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

I.S.B.N: 964 - 6320 - 08- 2 شابک ۲-۰۸-۰۲۲۰-۶۴۶

# گات ها

## سرود های زرتشت

ترجمه متن اوستایی گانها با تفسیر و واژه نامه

پروفور عباس شوستری

مهرین



(سروری) بانو همایون رشید

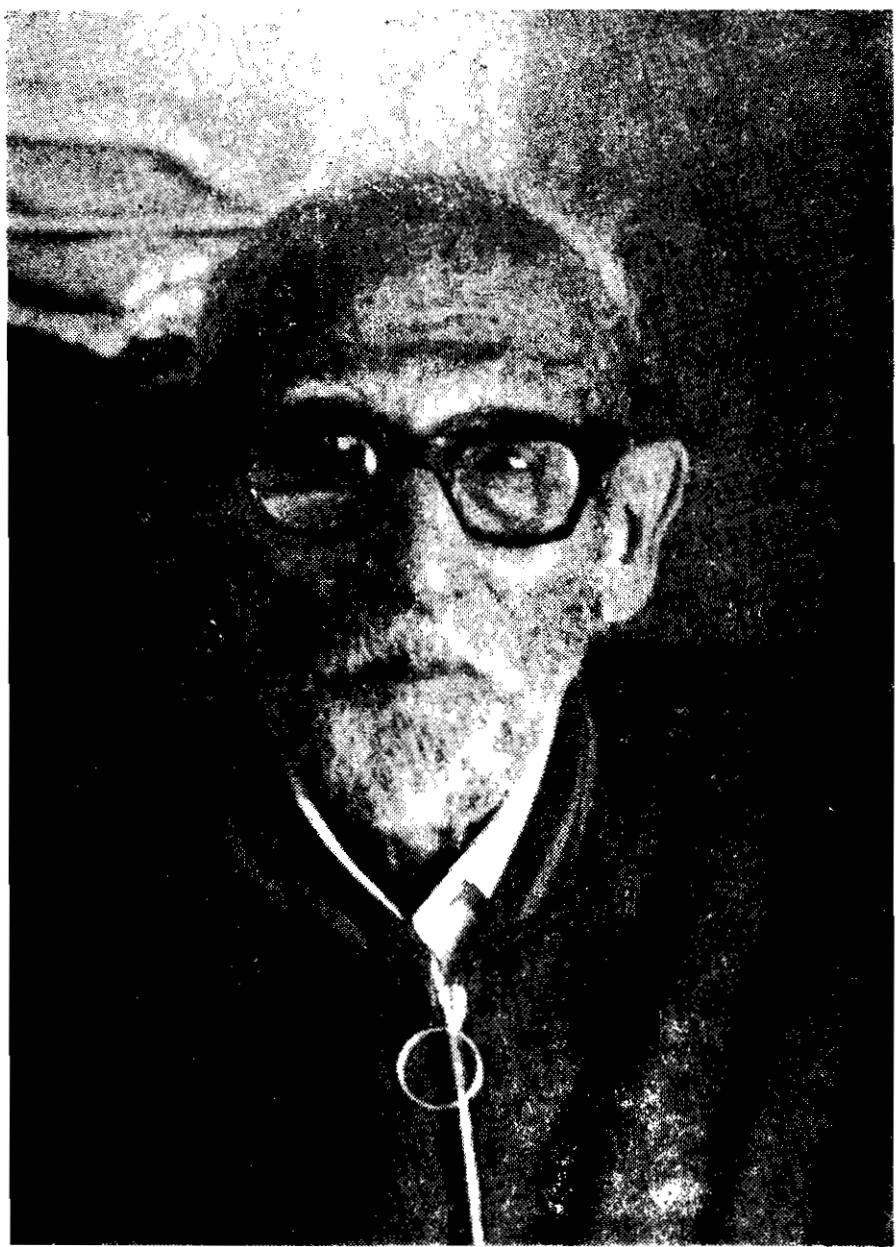


رستم برزوی سروری

اهورا مزدا را سپاس وستایش که آرزوی دیرینم برآورده شد و برگردان پارسی گاتها از دانشمند بلندپایه پروفسور عباس شوشتري (مهرین) به زیور چاپ آراسته گشت . دیرزمانی در این اندیشه بودم که بشود این گوهر تابناک نیز در کنار دیگر برگردان های پارسی گاتها جای گیرد و نورافشانی کند. این سخن را با آقای رستم برزو سروری در میان نهادم و ایشان با گشاده روئی هزینه چاپ آنرا پذیرفتند. رستم برزو و دیگر آموزگاران آموزش دیده وازن پس دریزد و کرمان به پیشه بازار گانی پرداختند ۱۲۷۴ در یزد بدنیا آمد در دبیرستان کیخسروی یزد نزد شادروان ماستر خدا بخش و دیگر آموزگاران آموزش دیده وازن پس دریزد و کرمان به پیشه بازار گانی پرداختند و به سال ۱۳۰۰ بادختردائی خود همایون رشید پیمان همسری بستند. رستم سروری با آنکه از توانگران نیستند خوی بی نیازی دارند و در نیکوکاری و داد و دهش و دستگیری مستمندان پیش گام بوده به اندازه توانایی چیزی فروگزار نکرده اند. تندرستی و دبر زیوی ایشان و همسر گرامی شان را از خداوند خواستارم زبان سپاس من و همکیشان و دوستداران فرهنگ ایران از پایمردی و همربانی و گذشت استاد بزرگوار پروفسور عباس شوشتري (مهرین) دوست چهل ساله که همیشه از خوان دانش گسترده ایشان بهره ها برده ایم کوتاه است از درگاه خدای بزرگ آرمان دارم تندرست و شاد کام باشند.

تهران شهریور ۱۳۵۶

دکتر فریدون ورجاوند



پروفسور عباس شوستری «مهرین»

## زندگی نامه استاد

محمد عباس شوشتاری «مهرین» روز جمیعه هشتم ذی الحجه سال ۱۲۹۸ قمری در حیدر آباد (دکن) از پدر و مادری ایرانی متولد شد. پدرش محمدعلی و شاعر بود که تخلص «حزین» را برای خود برگزیده بود. محمدعلی حزین مردی فاضل و دانشمند و شاعری خوش ذوق بود. مجموعه‌یی از اشعار وی تحت عنوان «ناله حزین» در هندوستان به چاپ رسیده است.

به سال ۱۳۱۱، یعنی در سیزده سالگی، آقای شوشتاری به اتفاق پدر به شهر «پونه» که نزدیک بمیثی بود رفت و در یک دبستان به تحصیل پرداخت. اما حادثه‌یی پیش آمد و دو سال در تحصیل وقفه حاصل شد. لیکن پس از این دو سال، در شهر بنگلور، به مدرسه «سن پاتریک» رفته و به ادامه درس مشغول شد. تند ذهن بود. بسیار زود در می‌یافت. امین و مورد اعتماد بود. به همین جهت بکی از بازرگانان ایرانی به نام آقای محمدعلی شیرازی از وی درخواست کرد تا به «مدرانس» رفته و در تجارتخانه ایشان به کار پردازد.

در تجارتخانه مذکور مدت چندماه به کار پرداخت و بیش از حد مورد توجه از لحاظ امانت و درستی و صداقت قرار گرفت. اما حادثه‌یی روی داد. دست روزگار

رقم زده بود که مدتی به سیروسیاحت به پردازد و تجربه و دانش بیندوزد.  
عمویش در ژاپن تجارت می کرد و آقای علیرضا شوشتاری نام داشت. طی نامه‌بی  
به برادر زاده خود اطلاع داد که هرگاه مایل باشد، وسایل سفری را به ژاپن فراهم  
کند تا در تجارتخانه وی به کار مشغول گردد.

این دعوت و فراخوانی مورد قبول آقای شوشتاری واقع شد و در حقیقت از آن  
استقبال نیز کرد، چون هم فال بود و هم تماشا. هم کاری برایش فراهم بود و هم به  
سیروسی و سفر می پرداخت.

به سال ۱۹۰۳ میلادی، از راه دریا عازم ژاپن شد. سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ را در ژاپن بود. کار می کرد و سیاحت و از کار دانش اندوزی غفلت نمی ورزید. هر چند سفر دریابی طولانی و درازمدت بود و به وی سخت گذشت، اما در عوض، مدت اقامت دوساله در ژاپن، دوران بسیار خوشی بود. استاد از این دوران با خوشی و شادمانی یاد می کند. مردم ژاپن را بسیار فعال و پرکار و میهن پرست و دلیر و رزم آور و دانش پرور توصیف می نماید. مدت دوسال چنان از محبت و پذیرائی و صفات نیک مردم این سرزمین برخوردار شد که اینک پس از هفتاد سال، به روشنی آن دوران خوش را به یاد می آورد.

در ژاپن، با مرحوم میرزا علی‌اصغر خان اتابک (امین‌السلطان) و مرحوم مخبر‌السلطنه آشنا شد. مرحوم اتابک ایشان را تشویق کرد تا به امریکا رفته و به تحصیل ادامه دهد و پس از آن به ایران برگردد تا مصدرکاری سزاوار شود. در آن هنگام میان روسیه و ژاپن جنگ در گرفته بود و درباره این جنگ، روزنامه‌ها گزارش‌ها و مقالاتی مصور به چاپ می رساندند. آقای شوشتاری از موقعیت بهره گرفت و اندیشید چه بهتر که به عنوان یک خبرنگار جنگی شروع به کار کند. به همین جهت سلسله مقالاتی به فارسی نوشت و به تدریج به کلکته فرستاد تا در روزنامه «حبل‌المتین» به چاپ رسد. در واقع وی نخستین خبرنگار جنگی ایرانی بود که گزارش‌های جنگ را برای چاپ به کلکته ارسال می داشت.

چنانکه اشاره شد، روزگار رقم زده بود که آقای شوشتاری مدتی هم چنان در سیر و سفر باشد. عده‌بی از دوستانش در زاپن مصمم بودند که به امریکا عزیمت کنند. ایشان نیز براین عزم شدند که راهی امریکا گردند و به تحصیل پردازند. اما مشکل بزرگ آن بود که پولی در بساط نبود و خرج و هزینه سفرنداشتند. مناعت طبع و بزرگ منشی بدایشان اجازه نمی‌داد که از عموم و یا کسی دیگر چیزی دریافت کند. از همین روی مدت شش‌ماه کارکرده و صرفه‌جویی و پس‌انداز نمود تا سرانجام هزینه سفر را فراهم کرد.

ینگه دنبای را در پیش داشت با دلی پرشور و پرامید و آرزو. به کشتن نشست و سفر دریابی مجدد آغاز شد، اما این‌بار آن سختی‌ها و ناراحتی‌ها وجود نداشت عاقبت در بندر «پورتلند» پیاده شد. اندوخته‌بی بسیار ناچیز برایش باقیمانده بود. مجبور بود با کمال قناعت و صرفه‌جویی زندگی کند تا شاید موفق شود کاری بیابد. در این ایام که فوق‌العاده از لحاظ معیشت نگران بود و کار نیز نمی‌یافتد بکی از دوستان وی خبر کرد که در یک دانشکده کشاورزی که در یکی از شهرهای کوچک «اوریگون» واقع است دانشجو می‌پذیرند، دانشجویی که در ضمن تحصیل کارهای می‌تواند انجام دهد.

آقای شوشتاری که روحنه امیدی یافته بود، بدون اتفاف وقت عازم آن شهر شد. رئیس دانشکده مزبور، مردی بود به نام «دکتروینتی کمب». هنگامی که موفق شد دانشکده را بیابد، درحالی که نگران بود و حالت بیم و امید داشت، زنگ دانشکده را به صدا درآورد. پس از مدتی در باز شد و مردی درحالی که جاروبی دسته بلند به دست داشت با فروتنی و مهربانی پرسید: «چه خدمتی می‌توانم برای شما انجام دهم؟» این مرد در حقیقت رئیس دانشکده بود. آقای شوشتاری در پاسخ، با نهایت صراحة و روشنی گفت: «من از ایران آمده‌ام و می‌خواهم تحصیل کنم، اما نه پولی دارم و نه کسی هست که هزینه تحصیل مرا به پردازد. به همین جهت می‌خواهم در اینجا هم تحصیل کنم و هم کار تا مخارجم تأمین شود.»

دکتر ویتی کمب از صراحت کلام و سادگی بی پیرایه آقای شوستری که نشانی از اعتماد به نفس و بزرگ منشی داشت خوش آمده و وی را به عنوان دانشجو می پذیرد که در ایام فراغت به کار و امور دانشکده سرگرم باشد. پس در این دانشکده آقای شوستری برای گرفتن درجه «B.A» به تحصیل می پردازد. برای تحصیل دروس: شبیمی، گیاه‌شناسی، باکترولوژی، رسم، زبان آلمانی و تاریخ را انتخاب می‌کند. از ساعت پنج صبح تا د شب، بی وقه و با پشتکار به فعالیت می‌پرداخت. کوشش می‌کرد که هم به کار برسد و هم از تحصیل غافل نماند. در ضمن درس، متوجه شد که در شیمی استعداد چندانی نداشته و در عوض به باکترولوژی بسیار علاقه مند است. به همین جهت نیروی خود را بر آموختن این علم هرچه بیشتر متوجه کر ساخت.

در باکترولوژی به کسب نمرات قابل توجهی نایل آمد. همین امر موجب شد که خود را برای تحصیل در دانش پزشکی آماده نماید. این مسئله را با استاد خود آقای «پروفسور پرنو» در میان نهاد. اما این استاد که از ذوق شاگرد خود آگاهی داشت، وی را منصرف ساخت و اندرز داد بهتر این است که دنبال رشته‌یی بروی که قبل از بدان علاقه واقعی داری.

این راهنمایی و اندرز بسیار در آقای شوستری مؤثر واقع شد. با خود خلوت کرد تا دریابد به چه رشته و چه دانشی دلبستگی دارد. آنگاه دریافت که علاقه‌نهايی- اش به ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران است؛ و از همین هنگام بود که با پشت کار و علاقه همت‌گماشت و عمر خود را وقف تحصیل در تاریخ و فرهنگ و ادب ایران کرد. اینک از آن ایام درست هفتاد سال می‌گذرد و استاد همچنان با همت و علاقه کار خود را دنبال می‌کند.

باری، چند سال در آن دانشکده به تحصیل سرگرم بود و کار می‌کرد اما در نهادش شور و بی قراری وجود داشت. هنوز به آنچه که می‌خواست دست نیافته بود. در همین دوران عازم نیویورک شد و با مردی به نام «رگسن» آشنایی یافت.

## هشت

رگسن دلبستگی عمیقی به فلسفه و آینه هندوی به ویژه و دانشیم و آینه بودایی داشت، طبع انزوا و اکناره گزینی از اجتماع و فراهم کردن خلوتی برای دور بودن از گیرودار و هیاهوی زندگی، وی را وادار کرده بود که قطعه زمین وسیعی به مساحت ۵۰۰ جریب خریده و چون «روبنسن کروفزو» زندگی کند.

رگمن و همسرش تنها بودند و فرزندی تشدیشتند. چون نجابت و علو طبع و پاکیزه خوبی آقای شوستری در وی مؤثری واقع شده بود، ازوی دعوت کرد که در صورت تعایل می تواند به آنها پیوسته و در آن زمین زندگی کند.

استاد پیشنهادش را پذیرفت. اما تنهایی و خلوت و تهی بودن زندگی در چنان زمین وسیعی، موجب شد که بیش از یک ماه دوام نیاورده به همین جهت از دوستش خدا حافظی کرد و قصد سانفرانسیسکو را کرد.

بایستی برای تأمین معاش کاری پیدا می کرد. پس در کارخانه بی برایش کاری پیدا شد و مشغول شد. چند ماهی در این شهر بزرگ زندگی بی دغدغه و آرامی را سپری ساخت. اما وقوع یک زلزله شدید روزی وی را که خواب بود هراسان پیدار کرد. این زلزله که فقط پنج دقیقه دوام داشت، یک سوم سانفرانسیسکو را ویران ساخت.

پس از این شهر نیز دل بریده و به شیکاگو گرفت. در شیکاگو نیز آرامشی پیدا نکرد و دلبستگی برایش فراهم نشد. از این روی دوباره به نیویورک برگشت. در نیویورک با عده بی از کسانی که بعدها جزو مشاهیر و رجال امریکا شدند آشنایی پیدا کرد. در همین دوران بود که نا پروفسور ویلیام جکسون و دستور دلال آشنایی یافت. جکسون که اطلاعات و معلومات وی را درباره ایران سنجیده بود، پیشنهاد کرد که رساله بی درباره ایران بنویسد. گویا در این زمان بود که شرار پنهان در وجودش یک باره زبانه کشید و در پرتو آن مصمم شد تا راهی را ادامه دهد. دریافت که این بیقراری و عدم دلبستگی به کار درینگه دنیا چیست. وی به مشرق زمین تعلق داشت و بایستی رخت بدانسوی می کشید.

اما با این حال، سیاحت و جهانگردی پایان نیافته بود. بار سفر بست و به

لندن رهسپار شد. این سفر وی را خسته و کسل کرد. اندوهمند و گمگشته بود. دیری در لندن نهایید، به پاریس رفت. سال ۱۹۰۶ بود. چند ماهی در فرانسه برای بازرگانان هندی کار کرد و معاش خود را تأمین نمود. اما آشفته بود و بی قرار. با یکی از دوستانش به نام «همبیانو» به نسویس و از آنجا به رم رفت و مدتی در این شهر ونابل به سر برداشت. اوقات استاد در ایتالیا اغلب به گردش و مشاهده آثار تاریخی مصروف می شد. در رم نسبت به آثار «ماتسینی» میهن پرست مشهور ایتالیابی کشش فوق العاده بی پیدا کرده و به مطالعه آنها پرداخت.

دیگر خسته شده بود. دلش هوای مشرق زمین و دیدار عزیزان داشت. به کشتنی نشست و راهی بغداد شد. مدتی در کاظمین میهمان خویشان بود. سپس به سال ۱۹۰۸ راهی ایران شد و در کرمانشاه اقامت گزید. خویشان و اقوام تشویقش کردند تا همسری بگزیند. به همین جهت با دختر عمومیش «مریم» ازدواج کرد و به عراق برگشت و در کاظمین در مدرسه اخوت به سمت معلم مشغول کارشد.

پس از ده سال که استاد در عراق و ایران به سربرد، به سال ۱۹۱۹ به هندوستان مراجعت کرد. در این هنگام دانشگاه میسور به استاد نیازمند بود و آقای شوستری به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی استخدام شده و شروع به کار کرد. مدت بیست و پنج سال سرگرم تدریس بود. در اثر علاقه شدیدی که به فرهنگ ایران باستان داشت در ایام تعطیلات تابستانی دانشگاه به بمبهی مسافرت می کرد و در محضر استادانی بزرگ و مسلم چون: بهرام گور انگلسریا. دکترا بر ج تاراپور والا، آقای پونیگر، رستم دابر، جمشید - جی، مددی شمس العلماء. حمشید بلسرا و پروفسور وادیبا به تکمیل معلومات خود در زبان و فرهنگ اوستایی می پرداخت. از این میان با پروفسور وادیبا دوستی محکم و استواری داشت و برای این دانشمند به نام ارزش ویژه بیانی قابل بود.

باره نمایی و هم فکری چنین استادانی بود که ترجمه بی بسیار منفع و خوب از گاتها، سرودهای زرتشت به فارسی فراهم آورد. ترجمه و تحقیقی که بسیار عالمانه

است، به ویژه که کسانی چون دکتر ناراپور والا و دکتر انکلسر یا کاملا در کار آن نظارت داشته‌اند.

هم‌چنین در همین ایام بود که ترجمه فرهنگ اوستایی بارتولومه را نیز با راهنمایی و همکاری استادان مذکور به فارسی برگرداند. دو گنجینه‌یی که جایشان در زبان فارسی بسیار خالی است؛ و در همین دوران بود که یادداشت‌هایی فراوان در باره تاریخ و فرهنگ ایران باستان تهیه می‌کردند و جلد اول مجموعه ایران نامه که راجع به تاریخ ایران باستان است در همین دوران به چاپ رسید.

در سال ۱۹۴۰ - استاد از دانشگاه میسور، درخواست استعفا کرد. خواستشان آن بود که بازنشسته شونده خستگی از سویی و گرفتاریهای خانوادگی از دیگر سو، انگیزه این کناره‌گیری بود. دانشگاه موافقت کرد. استاد به ایران آمد و مدت چهار سال یعنی تا ۱۹۴۴ در ایران ماند.

در سال ۱۹۴۵ - دانشگاه پنجاب در لاہور از ایشان درخواست کرد که به سمت استاد در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پنجاب بکار پردازد. این کار تا سال ۱۹۵۰ به طول انجامید. اما ضعف فوق العاده در بینایی و آب مروارید، کهولت سن که وجود ایشان را ناتوان ساخته بود، موجب شد که از کار کناره‌گیرند.

از سال ۱۹۵۰ - استاد دیگر تدریس نکرده و تاکنون به کار تحقیق و تألیف پرداخته. دامنه معلومات ایشان بسیار وسیع و عمیق است. اما دویار و دو معشووق جدا نشدنی دارند که اوستا و قرآن است. اغلب عمر استاد صرف تحقیق و ترجمه و واژه شناسی و لغتنویسی و تفسیر این دو کتاب دینی شد. بهترین گفت و گو و بحث برای استاد هنگامی است که از این دو اثر بزرگ سخن بهمیان باشد، و قسمت اعظم این هردو کتاب را از حفظ هستند و کتابهایی که در این دوزمینه نوشته‌اند حاکی از شوروشوقی شگرف می‌باشد.

پروفسور شوستری در زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو بسیار مسلط و ورزیده هستند. آنچنان در اردو چیره می‌باشند که آرزو می‌کنند کاش به این زبان

یازده

کتابهایی نوشته بودند و می‌گویند هرگاه عشق و علاقه بذبان پارسی و پارسی نویسی نبود، ترجیح می‌دادم به اردو چیز بنویسم.

فرانسه و آلمانی را در حدی که احتیاجاتشان در امور ترجمه و تحقیق برطرف شود می‌دانند. از زبانهای باستان، زبان اوستایی و سنسکریت و پهلوی و فرس باستان را نیک میدانند. اغلب کتبهای هخامنشی و اوستا را از حفظ هستند، ترجمة گاتاها از متن اوستایی و ترجمة کتاب «بهگوت گیتا Bhagvat Gita» از متن سنسکریت نشان تبحر ایشان در این زبانهاست.

کتاب «تاریخ ادبیات عصر هخامنشی» و نیز کتاب «تاریخ ادبیات عصر ساسانی» که همراه با مختصر گرامر این دوزبان و ترجمه‌هایی مستقیم از متون پهلوی و فرس باستان است نیز نشان کارآیی و تجربت‌شان در دوزبان است. هم‌چنین مقالات و دو کتابی که به انگلیسی نوشته‌اند، نشان‌گر آن است که در این زبان چون فارسی، چه ساده و رووان می‌نویسن. زبان ژاپنی را نیز در هنگام اقامت در ژاپن فراگرفته بودند که اکنون چندان به یاد ندارند.

برنامه منظم زندگی روزمره، در خور و خواب و کار و مطاعه و تفریح را آنقدر دقیق به مورد اجرا می‌گذارند که گاه به سرحد و سواس می‌رسد. هر کسар و عملی، زمان معین و دقیقی دارد، که به هیچ وجه ترک نمی‌شود. در این مورد، آدمی امازوئل کانترا به یاد می‌آورد. بالفرض هرگاه استاد عصره‌ای از خانه برای قدم زدن خارج شود، اطرافیان می‌فهمند که درست رأس ساعت چهار است و سایر امور نیز از همین درست می‌باشد.

در بسیاری اوقات، با علاقه، اوستا و قرآن را با آواز مخصوص و قرائت‌ویژه تلاوت می‌کنند ولذت می‌برند. در برنامه غذایی، کم خوراکی را پیشه ساخته و بسیار کم خوراک می‌باشند. از دارو و پزشک‌گریزان بوده و تاکنون به ندرت اتفاق افتاده که در گیر و دارو و درمان واقع شوند.

از هر فرصتی برای تحقیق و تألیف بهره‌بری می‌کنند و تاکنون آثار فراوانی

دوازده

- از استاد به چاپ رسیده و به همان نسبتی که چاپ شده، تقریباً آماده چاپ می‌باشد.
- در اینجا فهرستی از آثار چاپ شده و چاپ نشده استاد آورده می‌شود که عبارتند از:
- ۱- خود را بشناس. به سال ۱۹۱۲ در کرمانشاه چاپ شده است.
  - ۲- نورآسیا «زندگی بودا» ترجمه ازانگلیسی که در ایران نامه، جلد دوم مجدداً به چاپ رسیده است.
  - ۳- ایران نامه، عصر ماد و هخامنشی. در سال ۱۹۲۵ در هند به تعداد ۲۵۰ نسخه چاپ شده و هزینه آنرا مهاراجه میسور پرداخت.
  - ۴- داستان کوشنا، ترجمه بهگوت گیتاکه به وسیله آقای وحید دستگردی به چاپ رسید.
  - ۵- ۶- ایران نامه «کارنامه اشکانیان» در دو جلد که توسط وزارت فرهنگ در زمان آقای اسماعیل مرآت طبق دستور نخست وزیر وقت جناب آقای علی منصور به چاپ رسید.
  - ۷- چه دیدم و شنیدم - زندگی نامه استاد به قلم خودشان که هنوز به چاپ نرسیده.
- ۸- قصه پیروز و پرون.
- ۹- ایران نامه - جلد سوم «تاریخ ساسانیان»
  - ۱۰- جامعه ایران در عصر ساسانیان..
  - ۱۱- کشور داری در عصر ساسانیان.
  - ۱۲- همسایگان ایران در عصر ساسانیان.
  - ۱۳- کیشهاي ایران در عصر ساسانیان.
  - ۱۴- تاریخ ادبیات ایران در عصر ساسانی.
  - ۱۵- تاریخ ادبیات در عصر اوستایی.
  - ۱۶- تاریخ ادبیات در عصر هخامنشی.
  - ۱۷- تاریخ ادبیات ایران در عصر خلافت عرب.

- ۱۸- تاریخ ادبیات ایران در عصر سامانیان و غزنویان.
- ۱۹- تاریخ ادبیات ایران در عصر سلجوکی «زیر چاپ»
- ۲۰- تاریخ ادبیات ایران در عصر چنگیزیان.
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران در عصر تیمور تا نادر.
- ۲۲- تاریخ ادبیات ایران از عصر کریم خان زند تا احمدشاه.
- ۲۳- تاریخ ادبیات ایران در دوره معاصر.
- ۲۴- نغمه ایزدی - ترجمه بهگوت گینتا. همان داستان کریشن است که از من سانسکریت مجدد ترجمه شده.
- ۲۵- تصویف چه بود و چه باید بشود.
- ۲۶- قهرمانان ایران باستان.
- ۲۷- فرهنگ اوستا.
- ۲۸- ترجمه ریکودا، دو کتاب مذکور با کمال تأسف مفقود شده است.
- ۲۹- ترجمه گاتها.
- ۳۰- انتخاب از مشنونی مولانا بلخی با توضیحات و یادداشت.
- ۳۱- فرهنگ لغات قرآن.
- ۳۲- خاتم النبیین - جلد اول
- ۳۳- خاتم النبیین - جلد دوم
- ۳۴- زبان و ادبیات ایران خارج از ایران.
- ۳۵- مجموعه مقالات- به انگلیسی و فارسی در مجله «ایران لیگ» و نشریه دانشگاه پنجاب و نشریه سفارت هند در تهران.

### 36- Out lines of Islamic culture

کتاب فوق دوبار تاکنون به چاپ رسیده است.

### History of Persian Literature

استاد برای کتاب ارزنده «قهرمانان ایران باستان» که از شاه نامه الهام گرفته شده بود، به سال ۱۳۴۴- از طرف یونسکو به اخذ بهترین جایزه نایل آمد. به سال

۱۹۶۱- از طرف دانشگاه میسور، دکترای افتخاری به استاد اهدا شد و سمت پروفسوری در ادبیات یافت. به سال ۱۳۵۰ در اردیبهشت ماه از طرف وزارت آموزش و پرورش، یک قطعه نشان سپاس درجه یک طی تشریفاتی به استاد اهداء شد:  
بلند طبعی و مناعت و صفات و سجاپایی استاد، برای همه آنها بی که از دور و نزدیک ایشان را می‌شناسد، قابل تقدیر است. استاد مهرین تقریباً همه آثار خود را با هزینه شخصی چاپ و منتشر کرده‌اند و برای اکثر آثار دیگری که به وسیله مؤسسات چاپ و انتشار چاپ شده حق التأليفی دریافت نکرده‌اند. اما متأسفانه ضعف فوق-العاده در بیانایی و جسم سبب شده که آثار ایشان چنانکه بایستی خوب و بی‌غلط به چاپ نرسد. استاد می‌گوید با کمال تأسف در ایران تأليف و نوشتن، بسیار سهل‌تر است تا به چاپ رسانند.

تشهیکتابی که برای استاد درآمدی داشته، کتابی است به انگلیسی به نام «خلاصه تعالیم اسلام»، که به دستور مهاراجه میسور به چاپ رسید و مبلغی در حدود هشت هزار روپیه به ایشان پرداخت شد. استاد با کمال بزرگواری و بلند طبعی؛ با آنکه خود از این وجه بی‌نیاز نبودند، آن را تمام‌آ در اختیار دانشگاه میسور قراردادند تا برای کمک به محصلان بی‌بصاعت مصرف شود.

## موبدان

رهبردینی که تدریجاً به مفهوم دانشمند در آمد. موبدانیکه روحانی بودند و به امور آتشکده خدمت میکردند و ظایفی داشتند، از جمله:

- ۱- نگهداشت آتش مقدس که نبایستی هرگز خاموش بشود
- ۲- تهیه هوم و نیاز نان و زمزمه و نیایش
- ۳- پاک کردن پلیدیها - بنایه دستوریکه دروندیداد داده شده به اقتضای وقت و محیطگاهی
- ۴- اجرای حدود شرعی
- ۵- اجرای رسومی که در ولادت و کسنتی بندان بجا آورده میشوند
- ۶- رسم ازدواج
- ۷- خواندن سرود حین نماز
- ۸- تجهیز و بردن میت به دخمه و رسوم دخمه
- ۹- شرکت در رسوم سوگ و سوز
- ۱۰- ستاره شناسی و پژوهشکی نیز میدانستند

## ترجمه و تفسیر اوستا

احتمال دارد از عصر هخامنشی واشکانی بسبب قدامت زبان اوستائیکه در آن عصر در دست بود موبدان به ترجمه و تفسیر بسیار نیازمند شدند . تفاسیر گوناگون نوشته شدند بلکه نوعی از علوم کلام نیز وجود یافت و در نتیجه اختلاف در ترجمه و تفسیر، مذاهب تازه ظهور کردند . قدیم ترین آنها باید عقیده زروانی باشد که بنابر نوشته برخی از مورخین مؤسس آن دانشمندی بنام ارشاک بود که در

اواخر عصر هخامنشیان میزیست (برای تفصیل رجوع شود به تأثیف نگارنده بنام ایران نامه ، عصر اشکانیان) کلمه ابن وقت یادگار عصر زروانی است. باستان‌ترین نوشته پهلوی که اکنون در دست داریم از عصر شاهپور دوم و نوشیروان است. نوشته‌های پیش از آن پراکنده در دیگر نوشته‌های اواخر عصر ساسانی واوایل اسلام پیدا می‌شوند. ترجمه سرودهای به ویژه‌گاتا به پهلوی اکنون برای دانستن آموزش زرتشتی کملک بزرگی است.

### انتشار و تبلیغ کیش زرتشتی

بزبان پهلوی کلمه فرورانه (EraVarana) بمفهوم تبلیغ است. وظیفه هر زرتشتی ، تبلیغ دین و انتشاردادن به آموزش زرتشت است. دریسنای ۴۶ در بند ۳ میفرماید:

ای مزدا! چه وقت خواهد بود که برای نگهداری از آفرینش، اشایدید شود  
چه وقت آموزش نجات دهنده خواهد درخشید  
وبه یاوری دانش خواهد رسید  
ای اهورا! برای آموزش کیش تنها ترا برگزیده‌ام  
در این قطعه که اشاره به تبلیغ دین است، از خود زرتشت آغار گشت. از شاهان ساسانی اردشیر بابکان و شاهپور اول و دوم تبلیغ کیش را وظیفه میدانستند. دستور آذربد وزیر شاهپور در کارتبلیغ معین پادشاه بود و مردم را به وعده و وعد بهدین بھی دعوت میکرد و اگر بندی غیر زرتشتی کیش زرتشتی را می‌پذیرفت، از بندگی آزادمیشد، بگفته الیوس (ELisaus) یزدگرد دوم و شاه بانوی او به نیروی شاهی ارمنیهای مسیحی را میخواستند زرتشتی بکنند آنانرا به دادن رتبه و مقام، بخشیدن مالیات و بخشش القاب تشویق میکردند الیوس کشیش مسیحی بود و ممکن است در آنچه نوشته مبالغه کرده باشد

از مبلغین زرتشتی مهرنرسی وزیر بزرگ یزدگرد دوم بود فرمانی بنام پادشاه خطاب به رعایای ارمی صادر کرد و آنها را به کیش زرتشتی دعوت نمود و همچنین در گرجستانی و البانی (فقاراز) و دیگر ممالک کیش زرتشتی تبلیغ میشد که جواب تبلیغات کشیشهای مسیحی بود و مردم مسیحی را به دین زرتشت دعوت مینمود.

بنابر نوشته آقای بدرالدین حی چینی، شاه بانوی لن تای خو (Lin tai khou) زرتشتی شد و به پیروی او بسیاری از بزرگان چین زرتشتی شدند و آتشکده‌ها بنادردند تا اینکه در سال چهارم و ته (Wu teu) که مطابق با سنه ۶۲۱ میلادی میشود، یعنی هفت سال پیش از برافتادن و کشته شدن خسرو پرویز در کشور چین به اندازه‌ای کثرت زرتشتی‌ها بود که دولت چین اداره‌ای تشکیل داد که امور آتشکده‌هارا بررسی کند. بنابر تاریخ چین در آنوقت در پایتخت آن کشور که شهر (سی آن) نامیده میشد، چندین آتشکده بنا شدند یکی از آنها در جانب مغرب و جنوب «پوچن فانگ» (Puchin fang) و دومی در سمت غرب شمال در محله لی چوان فانگ (Lichuan fang) و سومی در محله بوئن فانگ (Bunin fang) و چهارمی در محله جن کوفانگ (Gan Kuo fang) و یکی در استان هونان (hunan) و نیز در شهر لیانگ چاو (Liang chau) بنابر کثرت آتشکده‌ها باید چندین موبدان زرتشتی به آنجا رفته باشند و بعد نیست به این مناسبت یزدگرد سوم و اپسین شاه ساسانی با همراهان بجای هند به چین رفته باشد. اگر از شاهان ساسانی یکی آزاد منش و بی‌تعصب بود، موبدان متعصب، با اوخالفت میکردند و گاهی نوبت به خلع و زندانی شدن او میرسید - هرمزد چهارم پسر انوشیروان دو خصلت بسیار ستوده داشت و مورد وسیب تباہی او شدند. یکی یاری و حمایت از بینوایان و زیردستان که نمی‌گذشت بزرگان بر آنهاست کنند و دیگر آزادمنشی او که با پیروان هم کیش یکسان رفتار میکرد و این بر عکس سیاست پدرش بود، زیرا انوشیروان ظاهراً سخت حامی موبدان بود. هرگاه موبدان بر هر فرد ایراد گرفته گفت تخت من بر چهار پا استوار است و می‌باید با همه رعایا یکسان رفتار کنم و البته این اندیشه او

بسیار درست بود ولی به نظر موبدان نادرست و ناپسندیده در آمد.

با وجود تعصب موبدان و کوشش برخی از بزرگان به دعوت کیش زرتشتی روی هم رفته، موبدان در آن کار مسامحه میکردند و سست بودند. کیش زرتشتی در مغرب پیشرفت کرد ولی در مشرق تا مغولستان پیش رفت.

### سوشی بنت یا نجات دهنده‌گان

دوره‌های انتشار کیش زرتشتی در چهار دور تقسیم می‌شود به این ترتیب:-

۱- دوره زرین و این نخستین دوره عصر شاه ویشتاب است که ایرانیها تازه آموزش مزدیسنی را پذیرفته و در کیش زرتشتی نشاط بی اندازه داشتند، و میکوشیدند که رهبران ایرانی، در ایران و کشورهای همسایه آموزش اشائی را معرفی کنند آنچه فردوسی توصیف از تبلیغ اسفندیار کرده از این دوره هست

۲- دوره سیمین - پس از زرتشت کم کم فساد پدید می‌شود و در عصر ساسانی ایران زرتشتی هست ولی نشاط و صداقت عصر ویشتابی را ندارد

۳- دوره پولادین - روبه انحطاط میروند

۴- دوره آهنین - فرهنگ آریائی در انقراض دوره‌های ساسانی به نهایت پستی رسید که هنوز ادامه دارد و زرتشتیها منتظر هستند که مانند پیش‌گوئی یهود به ظهور مسیح و مسیحیان به ظهور پدر و مسلمانان به ظهور مهدی و هندوان به ظهور او تار دهم دنیاها از نوبه راستی و نظم درستی تبدیل گردد و برای اینکار سه تن از فرزندان زرتشت را در نظر دارند البته اینها فرزندان معنوی او هستند به این ترتیب:

۱- هوشوار - بزبان اوستایی اخشت ارتا (Ukhshyat ereta) و او در سن سی سال از اورمزد الهام خواهد یافت و به نشان پدید شدن او خورشید تا ده روز بربیک جا ساکن می‌ماند و از این تغییر بزرگ مردم نگران می‌شوند و منتظر می‌گردند

که حادثه بزرگ در پیش است، تا اینکه هو شوار فرمانروای جهان می‌شود و جهان پر از فراوانی و پرهیزگاری می‌گردد. از سه بهره دو بهره مردم پاکدامن می‌شوند و به جانوران تندبار کمتر آزار می‌رسانند.

دوم فرزند بنام هو شدار ماه، به زبان اوستایی اختیت نمنگهه – (Ukh ) shyat Namangh او نیز در سی سال از اورمزد الهام می‌یابد و به نشان ظهور او خورشید بیست روز ساکن می‌ماند و در زمان او مردم ستوده‌تر می‌شوند و زندیار شیر بیشتر میدهند. خوراک مردم کمتر و تندرنستی بهتر می‌شود سوم فرزند بنام سوشیوس وا در سن سی سال ظهور می‌کند و به نشان ظهور او خورشید یکماه بر جای می‌ماند. تن سوشیوس چون خورشید روش و چشم او بینائی شش چشم (شش جفت) را دارد. در زمان اودنیا پر از شادی و آسایش است او را چندین تن باری خواهند کرد از جمله:

۱- اگرای رتا یا اغریبرث برادر نیک افراسیاب (فرن رسین)

۲- بر سد گاو

۳- ار و تدنرا Ur vata Nara

۴- نرسی، توس، گیو، پشوتن با چترا مهر و یکصد تن دیگر.

در برخی از نوشته‌های پهلوی نام ابای رز ibai raz و اشاورزه نیز می‌یابیم که با هوارن در خدمت کیخسر و به باری سوشیوس میرسند برخی نوشته‌اند که باران او پانزده تن زنو پانزده تن مرد خواهند بود. در آنوقت ازی دهک از بند دماوندرها شده جهان را فاسد خواهد کرد و به فرمان اورمزد سروش و نریسو سنگ گرشاسب را از خواب طولانی بیدار خواهند کرد و او ازی دهک را خواهد کشت. سوشیوس و هفت تن از یاوران بنام روشن چشم - خور چشم، فروت گدمان (Fraut cadman) و وروت

گَدْمَنْ وَكَامَكْ وَوَخْشَنْ vaKhshishn وَكَامَكْ سُوُبِرْهَفْتْ كَشْوَرْشَاهِيْ خَوَاهِنْدْ  
كَرْدْ وَكَرْجَهْ ازْهَمْ دُورْخَوَاهِنْدْ بُودْ ولَىْ بهْ نَيْرَوِيْ رَوَانِيْ ازْ هَمْ آَكَاهْ خَوَاهِنْدْ شَدْ  
سُوْشِيوْسْ درْ خَوَايِيرْسْ (ایران) مِيمَانْدْ وَچَنانْكَهْ درْ جَاهْ دِيْكَرْ اينْ نَامَهْ اشارَهْ شَدْ  
سَنَارَهْ دِنَبَالَهْ دَارْ بَرْ زَمِينْ افتَادَهْ ، زَمِينْ رَا باْ آَنْجَهْ درْ آَنْ هَسْتْ ، نَابُودْ خَوَاهِنْدْ كَرْدْ  
اينْ افسَانَهْ الْبَتَهْ رَبْطَىْ بَهْ سَرْوَدَهَاهِيْ گَاتَاهْ نَذَارَهْ وَمَنْ درْ آَورَدَهْ عَصَرْسَاسَانِيْ اسْتْ  
ولَىْ درْ گَاتَاهْ نَامْ سُوشِيْنَتْ مَكْرَرْ ذَكْرَ شَدَهْ ازْ جَمَلَهْ درْ سَرْوَدْ ۴۸ بَنَدْ ۱۲ سَطَرْ اولْ  
مِيفَرْ مَايِيدْ :

يَقِينًاً چَنِينْ خَوَاهِدْ بُودْ نَجَاتْ دَهَنْدَهْ زَمِينْهَا وَنَيْزْ دَرْبَنَدْ ۹ مِيفَرْ مَايِيدْ :  
نَجَاتْ دَهَنْدَهْ بَايدْ بَدَانَدْ چَگَونَهْ بَسْرَكَتْ اوْ جَرِيَانْ خَوَاهِدْ يَافَتْ وَنَيْزْ درْ  
سَرْوَدْ ۳۴ بَنَدْ ۱۳ سَطَرْ سَومْ  
آَمُوزَشْ نَجَاتْ دَهَنْدَگَانْ  
سُوشِيْنَتْ نَخْسِتَيْنْ خَوْدْ زَرْتَشْتَ اسْتْ وَعَصَرْ زَرَيْنْ هَمْ عَصَرِيْ اسْتَكَهْ اوْ  
آَمُوزَشْ خَوْدَرَا اَعْلَامْ كَرَدْ.

### گَوَنَايِ سَهَّـگَانَهِ يَا كَيْفِيَاتِ يَا نَفَسِ ذَهَنِي

بَزْ بَانْ سَنْسَكَرْتْ گَوَنَا بَهْ فَارَسِيْ باَسْتَانِ ماَيِينْ يُو بَمَفَهُومْ اَحْسَاسِ يَا نَفَسِ بَهْ  
عَقِيْدَهْ حَكَمَاهِ هَنْدَ گَوَنَا سَهِ نوعِ مِيشَونَدْ باَيِينْ تَرْتِيبْ  
۱ - گَوَنَايِ «سَتْ» رَاسْتْ وَدَرْسَتْ وَنَظَمْ وَپَاكِي  
۲ - گَوَنَايِ «رجَسْ» فَعَالْ وَچَونْ بَهْ يَكَى ازْ دَوْ نَفَسِ دِيْكَرْ پَيوْسَتْ آَنَرا  
نَقوِيَتْ مِيْكَنَدْ

۳ - گَوَنَايِ تَمَسْ (Tamas) تَيْرَگَى ، تَنْ پَرَورِي ، بَيْ نَظَمِي وَجَهَلْ .  
مَقَابِلَ گَوَنَايِ هَنْدَ قَرَآنْ مَجِيدَهَهْ نَفَسْ دَارَدْ يَكَى نَفَسِ مَطْمَئِنَهَ دَوْمْ نَفَسِ لَوَامَهْ  
وَسَوْمْ نَفَسِ اَمَارَهْ وَذَرْ اَيْرَانْ بَهْ دَوْمَحدَدَهْ شَدَهَانَدْ يَكَى نَفَسِ سَپِنَتَا يَا سَپِنِيَا وَدِيْكَرِي  
انَّگَرا يَا اَهْرِيَمَنْ . اينَهَا كَرْ چَهْ بَهَمْ مَيْ آَمِيزَنَدْ وَازْ آَمِيزَشْ اينَهَا جَهَانْ تَنْ تَشَكِيلْ

شده ولی به فرموده گاتا سرود ۴۵ بند دوم در عین آمیزش استقلال خود را ازدست نمیدهند و به اندازه کاهش یا افزایش اینها دارنده بصورت مخصوص در می آید اینها منحصر به بشر نیستند بلکه در حیوان و نباتات نیز تأثیر دارند . حیوان درنده به تربیت اهلی میشود و موقتاً درنده‌گی را فراموش میکند یا در او تعديل پیدا میشود ولی باطن او اصل را از دست نداده ، اگر یکی در اخلاق صدی پنجاه است و بیست رجس و سی تمس باشد مرد نیک و فعال ولی نیکی او محدود است گونا گذشته بر سیرت صورت را نیز تغییر میدهند و اختلاف در صورت و سیرت و رفتار و کردار از آمیزش آنهاست و هر که چنین آمیزش را پذیرفت در عقیده جبری میشود مگر اینکه بگوید به تربیت و اراده قوی گونا ضعیف بلکه موقتاً نابود می‌گرددند .

### ساخت بشر

بنا بر آموزش اوستا ساخت بشر را اگر از ترکیب به تجرد بگیریم چنین می شود .

- ۱ - تنو یا تن - پیوستن عناصر مختلف که ممکن است هر آن از هم گسیخته و متلاشی و پراکنده شوند
- ۲ - گینتا یا گیتی - اعضای حباتی
- ۳ - اروا - اعصاب
- ۴ - کرپا یا کالبد - تن لطیف
- ۵ - اشتانه نیرو یا نگهدارنده زندگی
- ۶ - ته وشی Teuishi نیروی اندیشه
- ۷ - روان عنصری که مظهر آن جنبش است و تن را روشن و متحرک میسازد
- ۸ - بود Baodh شعوریاور روان
- ۹ - دای نه daena وجودیان یاور شعور یا عقل
- ۱۰ - فروشی یا فروهر - حقیقت که بسیط و مجرد است

گذشته بر این هر فردی همزاد دارد و پس از مرگ همزاد او که جنبه ذهنی  
دارد پایدار میماندگر چه آن نیز بوقت معین نابود می گردد .  
بنا بر اوستاروان پیش از جهان تن آفسریده شده ولی قرآن تن را بر روان  
مقدم داشته میفرماید : چون تن بشر صورت یافت خداوند در آن روح را دمید .  
در گاتا یسنای ۳۴ بند ۱۵ اشاره شده میفرماید :  
ای مزدا بنا بر این به من بهترین اندیشه و سخن و کار بیاموز و اینها یقیناً  
به وسیله و هومن و اشا (اشتیاق) مرا به ستایش از تو نشان خواهند داد و به نیروی  
تو ای اهورا در زیست آینده (نو) مرا چنانکه میخواهی راست نما .

## آغاز سرودهای گاتا

پیش از خواندن سرود گاتائی این دعا که به نثر موزون گفته شده میخوانند:  
اندیشه و سخن و کار زرتشت پاک و پر از سعادت است  
(امیدواریم) این گاتاهای را امشاسبیدان به پذیرند  
و نماز میبریم بشما ای گاتاهای پاک.

توضیح: این دعا را داشتمدیکه سرودهای گاتا را مرتب نموده از خود  
افزوده است و احتمال دارد از عصر ساسانیان باشد.

## سرود ۳۹ بند نخستین

(قیمت‌داده. مردم‌داده. ۲۹)

(۱) سلیمان‌درسه. قم‌درده. (س. ق) (علویه.  
و سره‌درده. س. لکه‌س (علویه. و م. س. هبیع‌س.  
س. س. سلیمان‌درده. مردم‌داده.  
(چه). سره‌درده. و (علویه‌درده. و (علویه‌درده.  
چه. چه. واسده‌درده. سلیمان‌درده. سرده.  
سلیه. چه. واسده‌درده. سلیمان‌درده. و (علویه‌درده.  
سلیه. چه. ده‌سده‌درده. و (علویه. واسده‌درده (درده.

ترجمه: بشما روانگاو (زمین) مینالد. برای چه مر ا آفریدید. که مر اساخت

بر من از همه سو خشم و تباہی و ستم و آزار و کینه (تاخته زندگی را دشوار کرده اند) و جز شما کسی دیگر برای من کیست که مرا نگهبانی کنید پس (برای من) پاسدار خوب برگزینید.

**توضیح:** اوستاشناسان اروپا و دانشمندان زرتشتی (پارسی هند) بجای اینکه سرودهای گاتا را از سرود ۲۸ آغاز کنند از سرود ۲۹ شروع کرده اند زیرا که در این سرود (که به سبک فمایش گفته شده) اعلام پیغمبری حضرت زرتشت است و مطالب ۲۸ و ۳۰ آن چنانکه آقای دکتر ایرج تاراپور والا نوشته اند نزدیکتر و پیوسته تر بهم دیگر می باشند و به این ترتیب سلسله افکار در سرود ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ بهتر پیوسته می شود.

(۲) اللَّهُمَّ مَلِكَ الْعِزَّةِ، إِنَّمَا أَنْتَ مَلِكٌ لِّلْأَنْعَامِ.  
إِنَّمَا أَنْتَ مَلِكٌ لِّلْأَنْعَامِ، وَلَنْ يَكُونَ لِّلْأَنْعَامِ مَلِكٌ إِلَّا أَنْتَ.  
اللَّهُمَّ وَسِّعْ رَحْمَتَكَ، وَسِّعْ مُلْكَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ.  
اللَّهُمَّ وَسِّعْ رَحْمَتَكَ، وَسِّعْ مُلْكَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ.  
وَسِّعْ رَحْمَتَكَ، وَسِّعْ مُلْكَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ.  
وَسِّعْ رَحْمَتَكَ، وَسِّعْ مُلْكَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ، وَسِّعْ بَلْقَانَكَ.

**ترجمه:** ایدون سازنده گاو (گبته) از اشا پرسید که را تو بر گاو رتو (یعنی پیشوای) برمیگزینی او که اورا خداوند دادور و نگهدار و با دهش و پوینده (جفاکش) که اورا خداوند روشن باشد و بتواند بد کیشان و خشم کنندگان را از او بازدارد

**توضیح:** کلمه گاو در زبان سنسکریت معانی زیر را دارد:  
 نام حیوان معروف و آنچه به آن تعلق دارد چون شیر و گوشت و چرم وغیره-  
 ستارگان- تازیانه برق- شاعر الماس- سخن- واژه- مادر- آب چشم- موی بدن-

خورشید. شماره ۹ خواننده - ماه - خانه و غیره و غیره نامهای زیاد از آن ترکیب شده‌اند در فارسی گاو میش - گورنگ - گودرز - گاوه وغیره و در زبان سنسکرت. گوپال - گووند وغیره. از گیوش اروآ یاروان گاو در این یستا مقصود روان جهان تن است . در جهان پدید خواه جمادات یا نباتات یا حی- وان با کرات آسمانی و ستارگان چیزی نیست که در تحت شاعر روان گاو یعنی روان جهان نباشد.

(۳) سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ).  
 سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ). سـ(ـمـعـهـدـ).

ترجمه : به او (یعنی اهورا) اشا پاسخ داد که نیست باوری که آزار را ( از گاوزمین ) بازدارد. از آنان ( که اکنون وجود دارند ) یکی هم دانسته نشده که نیکان به همراهی او مقابل بدکیشان صفت آرا شوند. از میرندگان ( یعنی آدمیزاد ) یکی که بسیار تو اناست باید بیایم که بر دعوت او مابشتاپ ( پاسخ دهیم و برویم )

توضیح: بنابر نوشته شادروان دکتر تاراپور والا پاسخ دهنده به پرسش اهورامزدا اشاست که میگوید کسی که بتواند ستم را از مادرگیتی دور کند باید مرد بسیار تو انا باشد که دعوت اورا همه پاسخ دهد.

(۱۴) سکوی سعی دندی سعید (۱۴). نسدا (دندمچ).  
 و سسد. کش. فاسد (۱۴) چیز. نسدا (دندمچ).  
 و نفع (سد) ندیس. ندیس در سد در سد.  
 و سسدیس. فاسد (۱۴) سعید (۱۴). سد در دندمچ.  
 نه (۱۴). فایز (۱۴). نسدا (۱۴). فاسد سعید.  
 نسدا. ام. سد در سعید. و سسدیس. نه (۱۴). فاسد سعید.

ترجمه: مزدا (همه) نماز (التجا) را بهتر می‌سنجد که به راستی از زمان  
 بسیار باستانی به او گفته شده چه از دیوان و چه از میرنگان (آدمیزاد)  
 و نیز (همه نماز - درخواست) که به او گفته خواهد شد در زمان آینده تنها  
 اهورا یگانه دادور است،  
 پس باید هم چنان که او می‌خواهد بخواهیم و بشود.

(۱۵) نفع. فاسد. دندس (سد) ندیس. ندیس (سد).  
 ندیس در سد در سد. (۱۴) نسدا. سعید (سد). سد.  
 نه. (۱۴) سد. نفع (سد) ندیس. سد در سعید.  
 چیز. (۱۴) فلک (چیز) در چیز. (۱۴) نفع در سد در سد.  
 چیز. نفع (در سد) سعید (۱۴). و سد (۱۴) سد در چیز.

ترجمه: اکنون با دست بلند کرده ما (هردو) مهربانی اهورمزدا را  
 خواستاریم - روان من و نیز روان گیتی بارور که اهورمزدا (درخواست) ما را بدهد  
 و نگذارد که به جانداران نیک آزار برسد و نه هم به شبان که میان نار استان هستند.

(٦) سعیم و اسد طبریم سعیم (ج) سعیم و ایوب سعیم و اسد طبریم خارددسخارددس  
ج) سعیم سعیم و ایوب سعیم و اسد طبریم خارددسخارددس  
سعیم سعیم و ایوب سعیم و اسد طبریم خارددسخارددس

ترجمه: پس اهورمزدا فرمود حقایق را از دانش باطنی دانسته (آیا نیست) (حنی) یک اهو (خداآنندگان) و نه یک رتو (خداآنند روان) از اشا دانسته شده! (که قابل برآوردن آرزوی شما بشود) برای این چه برای شبانی و چه یاوری آفریننده تورا تعیین کرد.

توضیح: اهور مزد به اشا میفرماید: تو را که شبان و یاور آفریده شدگان تعیین کرده‌ام آیا یک اهو یا رتو برای گاو (گینی) درنظر نداری

(٧) ٦٩٣ . سیکھی گئی دن بعد . سمن (ج).  
 عینوں (ج) . ملے ویسے ہیں . ملے ویسے وہیں بھی ویسے .  
 سی ویسے . پس «ج» دیں . ملے ویسے «پ» ویسے .  
 پون (ج) . (لیکن سوچوں درجی) . پون (پیونج) . مدد داد روسد .  
 وند فرمی . خانہ رہ . ملے ویسے جوں رسد .  
 قمیں . پس . وہیں درجیں . ملے ویسے (ج) . ملے ویسے (ج) .

ترجمه: این سخن مقدس نیاز اهورا هم اراده با اشا فرموده شد و مزدا (پیمان کرد) که از شیرینی مادرگیتی (همه نیکان را بهره مند خواهد نمود) (پس به و هونمن متوجه شده فرمود) آیا تو کسی را در نظر داری که به میرندگان (آدمیزاد) یاری نماید.

(۸) سعی). ۶۷۰. دوس. خادمه‌گی.  
و ۶۴۰. ۶۰۰. سعی «جی». مددود سعی. ۶۷۰  
ی (سی) (نی) (جی). ندیم ده سه‌گی.  
مع (جی). ۶۰۰. سعی دوس. واسن بده. ندیم سه‌گی.  
مع (جی) (س). ندیم (س) در ده (جی) در ده.  
مع ده سعی. مع (جی). مع (جی). در سه. و در سه. و این (جی) (جی) در سه.

ترجمه: یکی در اینجاست که اورا می‌شناسم (آشناست بمن)  
و او تنها کسی است که فرمان مارا (به توجه) شنیده.  
(واو) اسپیتاما زرتشر است  
درباره مزدا و اشا او تنها آماده هست (مایل است)  
که بواسطه سرود ستایش (فرمان ایزی را) اعلام بکند  
بنابراین به او باید شیرینی سخن بخشدیده شود (داده شود)  
توضیح: این پاسخ که زرتشت تنها کسی است بزرگین که میتواند فرمان ایزدی  
را به هم نواعش برساند از و هومن (عقل کل) هست والبته عقل باید چنین رأی بدهد

(١) سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (س). (الْمُتَدَبِّرُونَ)  
 قَدْرٍ. سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (س). مَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ فَإِنَّمَا (سُورَةُ)  
 حَاسِدٍ. (الْمُتَدَبِّرُونَ). سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (س).  
 قَدْرٍ. اللَّهُ فَاسِدٌ لِّكُلِّ دُنْيَا (س). يَعْصِي اللَّهَ فَإِنَّمَا (سُورَةُ)  
 وَسْوَلَةٍ. فَهُوَ اللَّهُ (س). لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ (س). سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (س).  
 قَدْرٍ. لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ (س). وَسْوَلَةٍ. فَهُوَ اللَّهُ (س). لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ (س).

ترجمه: اما آنگاه روانگاو (گیتی) ناله کرد (و گفت) پس من باید این یاور کمزور را به پذیرم (یعنی) سخنان مردی بدون همت در صورتیکه من پیشوای نیرومند می خواستم. هر گاه یکی چنین پذید خواهد شد که هست که به من یاور زیر دست خواهد آورد.

توضیح: مادر گیتی ناله میکند و میگوید که من برای انتشار افکارم مرد زبردست، سردار توانا را لازم دارم و اینک از دربار اهورمزدی برای یاری من مردی پارسا و سخنگو تعیین شده و این یاری برای ترویج مقصودم بسیار ضعیف است آیا وقتی خواهد رسید که مردی نیرومند یعنی پادشاهی یا ورمن گردد.

(۱۰) فرموده‌ی سعید را رد کرد. سعید (رس).  
 سطع پی و سده‌س. سعید س. بن سعید (رس).  
 سعید. طاطیم. سبزه‌دوش.  
 و سده. سعید ده‌پنهان. (رس) پهلو (رس). و سده.  
 سعید. سعید دوشه. سبزه‌دوش.  
 لکه‌پهلو. هم‌گذره. رست (رس). و سعید (رس).

ترجمه: مادر گیتی گفت ای اهورا! به اینها نیروی زندگی به بخش- وای اشا! توانائی وای و هومن! به او دانش عطا کن تا او ما را بسوی رامش و شادی رهنمایگردد. ای مزدا! ما همه اورا بصورت بهترین آفرینش تو می‌پذیریم.

توضیح: مادر گیتی برگزیده ایزدی را می‌پذیرد و عرض میکند که اهورمزد به او نیروی حیات و اشا توانائی و و هومن دانش به بخشند و میگوید این بهترین تحصیل شده از دربار اهورمزد است و امیددارد که او به نوع بشر رامش و شادی بیاورد و بهترین رهنمایگردد و اینکه بجای اورا- اینها را گفته شاید مقصودش زرتشت و آنها هستند که به او پیروی خواهند کرد.

(۱۱) و دو سه سی و پنجم و بیست و نهم  
 هشتاد و سی و سه سی و چهارم و بیست و سه سی و پنجم  
 و بیست و نهم و بیست و سی و سه سی و پنجم  
 هشتاد و سی و سه سی و پنجم و بیست و سه سی و پنجم  
 سی و سه سی و سه سی و پنجم و بیست و سی و سه سی و پنجم  
 هشتاد و سی و سه سی و سه سی و پنجم و بیست و سی و سه سی و پنجم

ترجمه: کی اشا و هومن و خشنتر بشتاب سوی من خواهند رسید. شما ای مزدابرای این آموزش (نو) به مگای بزرگ شناسائی (خود، به بخشید) وای اهورا اکنون که بما یاری رسید ما برای بندگی به مانند شما صمیمانه آماده هستیم.  
 توضیح: این بند بزبان گاؤگیتی گفته شده که از اهورمزدا التجا میکند که اشا و هومن و خشنتر (اهورمزدی) شتابانه به یاری او بیانند و آموزش نو از زرتشت که از تیره مگای بزرگ است مورد شناسائی و پذیرفتنگی اهورمزدگرد و در آخر عرض میکند اکنون که یاری بما رسید ما برای بندگی و خدمت مشتاقانه آماده هستیم.

## خلاصه سرو در ۲۹

گویندگان نوشته مقدس دینی بنابر اقتضای محیط و صورت جامعه که در آن زندگی میکردند الفاظی از روی استعاره استعمال کرده‌اند که به محیط مناسب و موزون بوده از جمله در قرآن مکرر از باز رگانی و خرید و فروش و سود و زیان اشاره شده مثلاً میفرماید:

تخم خربندگمراهی را به هدایت دل. گوینده بشت یا بسنای او ستا چونکه

در اجتماع کشاورزان بود باستی بگوید کاشتند گمراهی را بجای تخم مدایت و هم چنین در قرآن اشاره از حیوان بسیار سودمند شده میفرماید:

آیا نمی نگرند به شتر چگونه آفریده شده، ولی در اوستا وویدا بجای شتر حیوان سودمند گاو بود، از اینرو مکرراهه گاو توصیف کردند و ستدند و زمین را به گاو تشبیه نمودند و هم چنین نظم و امنیت دهنده جامعه راشبان و نگهبان گفته اند و ایران شناسان اروبا چنین الفاظ را بمعنی لغوی گرفته و در آن تأمل زیاد نکرده به این نتیجه رسیدند که نهضت زرتشتی نهضت کشاورزی بود واومیخواست که قومش پیشه کشاورزی را اختیار کنند و شبان بشوند در صورتیکه طرز زندگی به نهضت دینی نمیشود بلکه به موقع جفرافیائی و عمل دیگر است. در سرود ۲۹ که به سبک نمایش سروده شده ولی نمایش نیست زیرا که بهقصد نمایش گفته نشده و در حسن بیان بی نظیر است تصور کنید که در دربار اهورمزدی گاو زمین حضور می یابد و ناله میکنند که زور و ستم مردم فاسد، آبادی را به ویرانی مبدل نموده و تقاضا میکنند که اهورمزدا یکی را برگزیند که جامعه فاسد را اصلاح نماید. در دربار صفات ایزدی که امشاسبندان باشند حضور دارند، اهورمزد اولاً به اشا که یار زیست و نظم میباشد رومیکنند و می پرسد که در نظر او کدام کس برای چنین وظیفه موزون است؟ اشا پاسخ میدهد که کسی را در نظر ندارد ولی هر که باشد باید تو انا باشد و چنین کسی را اهورمزدا بهتر میداند. پس اهورمزد به وهم من که مایه دانش و عقل کل میباشد متوجه شده از او می پرسد که در نظر او که میباشد که التماس گاو زمین را عملی سازد و او اشاره به زرتشت مینماید و زرتشت عرض میکند اگر اشا و وهم من و خشنتر ایزدی مرا یاری کنند این وظیفه را به انجام میرسانم. آنگاه گاو زمین باز ناله میکنند و میگویند که زرتشت شخص پارسا و سرود گوست و برای اینکار مرد دلیر و مقتدر موزون تراست. ولی چون دانست که اشا و وهم من و خشنتر زرتشت را یاری خواهند کرد تسلی می یابد و خوشنود می شود و میگوید در این صورت او را که اهورمزدا برگزیده ما (یعنی گاو زمین و میرندگان یا مردم جامعه) می پذیرند و

زرتشت عرض میکند که هر گاه اشا (نیروی زندگی) و وهم من (جوهردانش) بشتاب  
به من برستند و باری کنند من این آموزش نورا که اهورمزد به فردی از تیره مگای  
بزرگ عطا فرموده انتشار خواهم داد و برای بندگی و بجا آوردن این وظیفه آماده  
هستم.

## سرود ۲۸

**فَلَلَّهُ لِلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

( وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ) ۲۸

(۱) وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: اورا اکنون میستایم و نماز میبرم

با دستها برداشته برای سعادت کامل

به روان پاک ای مزدا در نهضتین  
 بواسطه اعمالیکه الهام شده از اشا هستند (من دعا میکنم) برای همه (دانش)  
 و (دعا میکنم) برای خرد و هومنی تا (به این طریق) بتوانم نیز روان مادرگیتی را  
 (از خود) خوشنودسازم

توضیح: این سرود در بحری بنام گایتری یاد ر بحر انشتبوب (ویدائی) گفته شده و درسه فرد و هر فرد در شانزده سیلاب است و افکار این سرود با آنچه در سرود ۲۹ گفته شده موزون میباشند یعنی شت زرتشت پس از آنکه از دربار اهورمزدی به رساندن پیام ایزدی مامور میشود و برای آن وظیفه آماده میگردد نخستین کار او مناجات به درگاه اهورمزدی و ستایش صفات او یعنی امشاسبیندان است که در این سرود میباییم شت زرتشت از آنان در وظیفه خود بیاری میخواهد . این سرود را میتوان بگوئیم که ستایش نامه اهورمزد و امشاسبیندان است

ترجمه: من به راستی ای مزدا اهورا: بسما  
بواسطه و هومن نزدیک خواهم شد  
که به من در هر دو جهان بخشیده شود  
سعادت چه تنی (دراین زندگی) و چه روانی (در زیست آینده)  
بواسطه اشا و تاکه تو رهنمائی کنی گرویدگان (آموزش، ترا) به جهان

توضیح: بنابر نوشته آقای دکتر تاراپور والا مقصود گوینده در قطعه بالا این است که به پاکی دل حضور اهورمزد را دریابد و چون یافت سعادت نمی و معنوی از پیروی به آئین اشا نیز خواهد یافت و به برترین مقام روانی که بهشت برین است عروج خواهد نمود

(۳) و سعی-فیسعی سعی سعد. (لورسی).  
 همدیده دیده سعد. فاطمه. سعی سط (بی).  
سید و پیوه سعد. سعی (بی).  
 و سعی عذر داده. بن و سعی (بی) سعد. سعی سط (سید).  
 خانه (بی) و سعد. ساده دیده دیده.  
 س. همچند. اسکندر. کسر (بی) سعد. هن دیده سعد.

ترجمه: من به تو ای اشا (سرود) می سرایم  
 به و هومن چنانکه پیش از این (کسی نسرا نیده)  
 و به مزدا اهورا که به (مهر بانی) شما و خشترم که (نمیر نده) جاویداست و نیز  
 ارمایتی را در خود بیافر ایم. بیا بیداینجا (اکنون) و بمساعدت کامل بخشید.

توضیح: به سرودن یستنا و ستدن اهورمزد و اشا و و هومن امیدوار است که در او خشترم یعنی نیروی ایزدی و پاکی ارمایتی پدیده شوند و استعداد پذیرفتن و عمل کردن به مشیت ایزدی بیابد.

(۱۴) وَسِعَ . («يَوْمَ : وَسِعَ » فَسَادٌ)  
وَاطِّنَةٌ . وَسُوقٌ بَرْسَيْنَ (س). وَسَسْوَنَ  
وَسِعَيْنَ بَرْدَسَه . وَدَوْرَسْطَنْ (س){يَوْمَ}  
وَيَوْمَ . وَسِيَوْسَعَ . سَنَنْ (س){مَحَرَسَه}  
وَسَسَه (س). دَدَسَه. هَدَه (س){سَسَه}  
هَهَه (س). بَلَدَسَه. سَقِيعَيْنَوْلَه . سَقِيعَيْنَدَلَدَسَه .

ترجمه: به راستی در بهشت برین روانم یا روانیکه به و هومن پیوسته رهنمایی خواهم کرد و از آنجاییکه از سعادتی که (از بجا آوردن) کارهای نیک (بنام) اهورمزد می یابیم آگاه شده تا زمانیکه اراده و توانائی دارم به (مردم) خواهم آموخت که برای (کاراشائی) بکوشند.

توضیح: آرزومند است که فکر او در بهشت برین (حالت سکون و طبیعی) به و هومن یعنی دانش ایزدی نزدیک شده و از آن سعادت یافته و ضمیر او روشن گشته و مشیت اهورمزدی و آئین اشا را نیک درک کرده آنچه پسندیده اهورمزد است بجا آورد و در تربیت افراد جامعه بکوشد.

(۱۵) سَقِيعَه . وَهَهَه . هَكَهَه . وَسَهَه (س){دَدَسَه} .  
هَهَه (س){دَدَسَه} . وَاطِّنَه . وَاسِقَه (س){يَوْمَ} .  
سَهَهَه (س). سَهَهَه (س). دَهَهَه (س). وَسِيَوْسَه .  
سَهَهَه (س). يَهَهَه (س). هَهَه (س){دَهَهَه} .  
وَاسَهَه (س){يَهَهَه} . بَلَهَهَه (س){دَهَهَه} (س). هَهَهَه (س).

ترجمه: ای اشاکی تورا خواهم دید (یافت)  
 و نیز به دانش پی برده و هومن (را یابم)  
 و نیز (چه زمان خواهم یافت) راه اهورمزد تو انا

وسروش را (یا بوسیله سروش) وبا داشتن این منتهی یعنی سخن مقدس به برترین (راه) ما بتوانیم به زبان (سخن) مردم نادان و گمراه را (به راه راست) بر گردانیم توضیح: تمایل کند که اشا و وهم را در بارگاه اهورمزدی به بیند، بدکشان را رهنماei کند و رهنماei را به منتهی و هر وا یعنی سخن پاک وزبان خوش عملی سازد.

(١) فاطمة بنى شقيق عيسى رسول الله.  
وسدوي بن يعسى-وسع. وسا<sup>ج</sup>عرسورج.  
اع<sup>ج</sup>سرسورج. نجمرسورج. رسدوس.  
رساللهبندهمرس. رسطعنجبررسمع اللهج.  
رسمعاللهجبررسورس. رسمعاللهج.  
رسمعاللهجبررسورس.

ترجمه : با و هومن بسوی ما بیا و بخشش جاوید را بما بده  
ای مزدا ! براستی بنابر سخنان راست تو به زرتشت شادی زیست باطن را  
عطافرما و نیز به (همه) ما ای اهورا ! تا (بتوانیم) بر نفرت دشمنان چیره گردیم

توضیح: بخشش جاوید اشا (یا زندگی طولانی) و توانائی روان که به دانستن سخنان راست (پاک) میسر میشود از اهورمزد برای خودوپیروانش خواستار است و میگوید با این بخشش بر نفرت گروه مخالف چیره خواهد گشت.

(۷) وسدویه سویسند ۲۵ همچو، ندویسند.  
 واسدزونم دند سدررندزند سد، هندزونجند.  
 وسدویه ۴۹ سد (سند) سد همچو  
 فاین بند سددزند سد، بیسیع ۴، هندزند سد.  
 وسیع همچو، هندزونه من وسیع سد سد سد.  
 قیسند، چام، همچو (س)، دند (ب) سد، (سویس) سه.

ترجمه: ای اشا! سعادتی که و هومن به پاداش میدهد عطا فرما  
 وای ارمایتی! آرزوی (خواهش) و شتاب سپ و نیز مردم (پیروان) مرا برآور.  
 ای مزدا! به خداوندی خود بده (هوش) بما تا ما بندگان گرویسده فرمان  
 ترا اجر اکنیم (به ورزیم)

تفوضیح: از اشا بخشش زندگی جاوید و از و هومن دانش و راستی و از  
 ارمایتی آرزوی شاه گستاخ سپ و گرویسدن مردم به کیش مزدیستی و از اهور مزد  
 نیروی شنیدن و پی بردن به سخنان الهام ایزدی خواستار است

(۸) فاین بند ۴۴، فیکن سد، واسدزون بند سد.  
 ۶۴۵۰ سویسند، واسدزون بند سد، من سی سط بیسیع ۴.  
 بیسیع ۴، قیسند سد سد، فایسند (ند)  
 هندزونه، ه (س) سی سط بند سد، هندزند سد.  
 همچو دند سد سد سد، بیسیع، (س) سی سه سی سه سی سه سی سه سه.  
 فاین بند سد سد، وسیس (و)، واسدزونم (ند)، هندزونجند.

ترجمه: ای برتین هاز تو بهترین بخشش (مقام) که یگانه هست با برترین  
 اشا (از تو میخواهم) و از اهورا به آرزو النجا میکنم برای جوانمرد (قهرمان)  
 فرشا و شتره و نیز برای مردم من و برای همه آنانکه خواهی بخشید سعادت و هومنی  
 در همه زمان (جاوید)

توضیح : بهترین بخشش و هومن (که دانش راست باشد) برای فهرمان فرشا و شتره و نیز برای پیروان خود و مردمیکه در علم ایزدی از سعادت بخشش و هومنی در همه زمان پرخوردار خواهند شد از اهورمزد و اشا خواستار است .

ترجمه: هر گزای اهورامزدا شمارا به این نیایش‌ها برانگیخته نخواهیم کرد و نه اشاؤنه و هومن را (که بهترین است) اما که مشتاقانه می‌کوشیم که سرو دستایش را بشما تقدیم کنیم زیرا شما سزاوار تسریب هستید که شتوده شوید در نمایز با خشترا ای نیر و مند.

توضیح : هر گز ای اهورمزدا سوء استفاده از بخشش‌های شما نخواهیم کرد و شما و اشا و هومن را برانگیخته نخواهیم نمود بلکه آرزومندانه می‌کوشیم که سرود ستایش ما را بشماتقدیم کنیم، شما و خشنتر نیرومند را که سزاوارترین هستید به ستایش.

(۱۰) سمع قسم پیوچ سمع سمع لرد فایل دندانه سد  
و اندونم دندانه سد و ساقم پیوچ ناس اس درج  
کله پیوچ هیوس سد بدن (سد)  
سمع دندانه لر (سد) سمع سد دندانه و سد (سد)  
سمع فام بن پیوچ دندانه دندانه سد  
و اندونم سد پیوچ آس دندانه و اندونم دندانه دندانه سد

ترجمه: ای اهورمزدا! چون میدانی (برخی) به سبب اشائی (نیک) بودن و به سبب دل پر مهر دانشمند و راست هستند پس آرزوی آنانرا به کامیابی در کارشان برآور- زیرا میدانم از تو نماز نیازمندانه برای اینکه انجام نیک بشود بی پاسخ نمی ماند.

توضیح: آرزو می کند که اهورمزد آنانرا که دل پر مهر و ارادت دارند نیک و دانشمند هستند و برای آرزوهای نیک و هدف راست میکوشند کامیاب کندو

(۱۱) قسم سد دندانه سد پیوچ { دندانه سد عروج  
سد سد دندانه وایل عروج قسم «سمع دندانه سد عروج  
نم. هیوس سد بدن (سد)  
لر (سد). هیوس دندانه کله سد پیوچ سمع فایل دندانه سد  
هد دندانه سد کله سد هیوس سد پیوچ دندانه سد  
و اندونم سد سد پیوچ دندانه لر (سد) لر (سد)

ترجمه: پس بوسیله این (ستایشها) جاوید خواهم داشت اشا و و هومن را با خود نگه دارم و ای اهورمزدا آیا بمن بوسیله ماینبو (نفس) و نیز از دهن خود خواهی آموخت تا من به دنیا اعلام کنم که از کجا (و چگونه) آغاز آفرینش شد و موجودات به وجود آمدند.

## خلاصه سرو در ۲۸

در سرو در گذشته شت زرتشت به پیامبری بر گزیده میشود. در این سرو لازم بود که برای عنایت سپاس گذارد و بنا بر این میتوان گفت که سرو بیست و هشتم او لا ستایش و بعد به اختصار بر نامه ایست که به آن می خواهد مشیت ایزدی را اجرا بکند. در بنداول پس از تشکر و ستایش از اهورمزد و امشاسبان در وظیفه ایکه به آن تعیین شده و پذیرفته از آنان یاری میخواهد و در بنده دوم میگوید که تنها به اندیشه نیک و پاکی دل و به پیروی از آئین اشا که آین راستی و درستی است آدمیزاد به برترین مقام معنوی رسیده به حضور اهورمزد نزدیک میشود - و در بنده سوم امیدوار است که به ارادت و ستایش از اهورمزد و سه صفات بر جسته ایزدی یعنی و هومن یا عقل کل و اشا یا نفس کل و آرمائی یعنی گرویدگی و عفت جوینده حقیقت برای عمل موافق مشیت ایزدی سعادتمند میگردد - و در بنده چهارم میفرماید با اندیشه نیک میتواند در بهشت برین که برترین مقام معنوی و روانی است به و هومن و اشا نزدیک شده و از آنان الهام یافته با ضمیر روشن در میان افراد جامعه آنچه پسندیده اهورمزد است بجا آورد و در تربیت آنان بکوشدو در بنده پنجم تمنامیکند که به و هومن و اشا در بارگاه ایزدی نزدیک شده آنها را به بیند، یعنی نسبت به آنان معرفت بیابد و گمراهن و بدکشان را رهنماei کند و رهنمائی او باید به سخنان پاک و خوش عملی گردد - و در بنده ششم از اهورمزد خواستار است که زندگی در ازو توائی روان برای خود و پیروان نیک بیابد تا بیشتر فرست وقت داشته بتواند فساد را از جامعه دورسازد و بر معنویات و اعمال مفسدان پیروز گردد - و در بنده هفتم از اهورمزد التماس میکند که شاه گشتناسب را در کار انتشار کیش بهی یاری کند و آرزو دارد که بالهای ایزدی بی برد - و در بنده هشتم بهترین بخشش اهورمزد که دانش صحیح باشد برای قهرمان کیش مزدیسنی

یعنی فرشاوشتره و دیگر پیروان نیک از اهورمزد و اشا خواستار است. و در بند نهم به اهورمزدا عرض میکنند که هر گز بد هیچ اندیشه و هیچ عمل نکند که سبب برانگیخته شدن او و اشا و وهمن و خشتر گردد و همیشه ارادت خود را به سرود ستایش تقدیم بارگاه اهورمزدائی خواهد کرد و در دو بند آخر که دهم و یازدهم باشند عرايض خود را که در حقیقت سپاس نامه اوست به دو تمنا به پایان میرساند: یکی اینکه اهورمزد آنان را که دل پر مهر وارد دارند و نیک و داناهستند در آرزوی آنان که راستی و درستی است موفق کند و دوم هر گز اشاره های اشا و وهمن را از یاد نبرد و آنچه به او از اهورمزد الهام میشود به دنیا اعلام کند و به مردم نشان دهد که آنها از کجا آمده‌اند و آفرینش چگونه آغاز شده و چگونه موجودات وجود یافته‌اند.

این است مختصر سپاس نامه و برنامه زرتشنی که گرچه بزبان زرتشت است ولی در حقیقت برای همه پیروان او بلکه نوع بشر است.

## سرود ۳۰

( ویسند ) سو سه ده سه .

(۱) سع سه . وابن سع در سه . دیس سه سه .  
 و سه . سه سه . سه سه . سه سه . وابن سه .  
 ده سه سه . سه سه . سه سه .  
 سه سه سه . سه سه . سه سه . سه سه .  
 سه سه سه . سه سه . سه سه . سه سه .

ترجمه: اکنون به آنانکه خواهشمندمی باشند خواهم گفت از دو طریق که آفریده شده هستند از - مزدا و ابن همه (آموزش) برای دانایان است و خواهم (برخواند) سرودها به اهورا و ستایشها به و هومن (و هم چنین توضیح خواهم داد) آموزش نیک اشا را تا شما کامل گردید و به جهان روشن در آئید .

توضیح: در این سرود از طریق مزدیسنی و دیویسنی یا کیفیاتیکه در جهان تن علت تنوع میشوند اشاره شده و مختصراً از آموزش خود میفرماید که :

۱ - ستایش به اهورا ۲ - نیایش به و هومن ۳ - آموزش اشائی شما را به روشنائی رهنمای شده کامل خواهد کرد .

(۲) داده طفیل است. قاعده نمودن است. و این در بودن است.  
 سه نمودن است. داده علاوه است. و سه نمودن است.  
 داده نمودن است. و این در بودن در بودن است.  
 سه نمودن است. سه نمودن است. سه نمودن است.  
 داده نمودن است. و سه نمودن است. نمودن است.  
 نمودن است. نمودن است.

ترجمه: بشنوید یه گوشهاتان به بهترین (حقیقت) و بستجید با ذهن روشن پیش از آنکه میان دو راه (یکی را اختیار کنید) مرد به مرد یا مرد وزن هر یک (آزادانه) برای خود پیش از اینکه دوره بزرگ آغاز گردد بیدار شوید هر یک (از شما جدا گانه) و این پیام را انتشار دهید.

توضیح : بند اول و دوم این سرود در سرواد ۴۵ تکرار شده و چنانکه در جای دیگر این نامه اشاره شد ممکن است که ازدو راه یکی راه مزدیسنی یا سپنتا مینوئی و دیگر راه دیویستی یا اهریمنی باشد .

(٣) سمع هرس. هرس درج. هرس طی (درجه).  
 هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس.  
 هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس.  
 هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس.  
 هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس.  
 هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس.  
 هرس. هرس. هرس. هرس. هرس. هرس.

ترجمه: اکنون بدانید که از ازل این دو میتو بودند که (هر دو) خود را با هم (توأم) به فعالیت آشکار کردند، چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار این دو (آشکار میشوند) بصورت خوب یا بد و از این دو آنانکه دانا هستند راست (خوب) را بر میگزینند ولی آنانکه نادان باشند (بد را) اختیار میکنند.

توضیح : تسلسل فکر دو بند گذشته است.

(۴) سعی در سد. نه در سد. هم سد. نه هم. هم هم در سد.  
 نه در سد و هم در سد. نه سد («س»). و سی و سی.  
 نه در هم سد. نه در هم در سد («س»). نه هم در هم.  
 نه هم در سد سد. نه در هم. نه هم در هم. نه هم در هم.  
 سی و سی در سد («س»). و («س») در سد.  
 سد. نه در سد («س»). و سی و سی در سد («س»).

ترجمه : و اکنون هرگاه این دو ماینیو بهم آمدند و پدید شدند از نخستین زیست و مرگ را آفریدند (علت شدند) و به این ترتیب مقصود آفرینش به انجام خواهد رسید. بدترین (در بهره) ناراستان ولی بهترین حالت ذهنی برای پیروان راستی خواهد شد (یا و هومن - دانش، برای پیروان راستی خواهد شد)

توضیح : زیست و نازیست یا مرگ، هم به مفهوم تنی است و هم بمعنی زیست و مرگ اخلاقی - هم چنانکه دوماینیو علت خوبی یا بدی و نظم یا بی نظمی میشوند، دوروش مختلف نیز یکی و سیله اصلاح و خوبی جامعه و دیگر علت خرابی و فساد میگردد و احتمال کلی دارد که گوینده حقیقت نخستین را برای دومی مثال آورده است .

(۵) نه در سعی. نه در («سعی»). و سی و سی در سد.  
 و هم. و («س»). سی و سی در سد («س») در سد.  
 نه در سعی. نه در («سعی»). نه در سد («سد»).  
 و هم. نه («سد») در سد («سد») هم در سد («سد»). و سی و سی در سد.  
 و هم. نه («سد») در سد («سد»). نه در سد («سد»). نه در سد («سد»).  
 نه در سد («سد»). نه در سد («سد»). نه در سد («سد»). نه در سد («سد»).

ترجمه : از این دوماینیو بر میگزیند او که ناراست است و بدترین (کار) میکند، اما (او که) پاکترین نفس است راستی را - او که خود را به جامه روشنائی نا

تباه شدنی می‌بوشند و او که اهورا را (از خود) خوشنود می‌سازد به کردن کارهای راست (و درست) او مزدا را باید برگزیند.  
توضیح: تسلسل فکر بندهای گذشته می‌باشد.

(٦) سدرسیع. {چهارم. (چهارم. وای ویعنی در سده ایشان  
ویعنی در سده ایشان. بود روزیع. یعنی. سویا سطیح  
لر (چهارم. (چهارم. (چهارم. (چهارم. (چهارم.  
بروز روزیع. وای (چهارم. سعدیه ایشان. چهارم. چهارم.  
چهارم. سویا ویعنی در سده ایشان. چهارم. چهارم.  
ویعنی در روزیع. وای (چهارم. سعدیه ایشان. چهارم.

ترجمه: از این دو ناراستان راستی را بر نمیگزینند زیرا که فریبنده در زمانیکه به شک و تردید متوقف شده بودند نزدیک شد، از اینرو آنان اندیشه بد را بر گزیدند و با او (فریبنده) او به خشم تاختند و به این ترتیب زندگی و مردم را آلوده (و پلید کردند)

توضیح: همه بندهای گذشته در نکوهش دیویسی ها گفته شده اند.  
(۷) سه بند دارند. بنی ویسی (سد. نیزه دندان).  
سد. بندون سد. واط بندون سد.  
سد. ویس (نیزه). «۹۵ سه درجه درون».  
وسوسیدم. سد (سد. سه درجه درون). پیوی سد.  
سد. بندون سد. سه درجه درون. ویسی سد.

ترجمه: و به چنین کس خواهد آمد خستر (نیرو) ایزدی و نیز و هون با اشا. و پیش رفت تن جاوید را ارمایتی مهر بان خواهد داد. برای آنها خواهد بود (هم چنان که برای) تو هست، زیرا او در آزمایش سخت (گویا) آهن (گداخته)

توضیح : بند هفت سلسله بند پنج و هشت از تسلسل فکر بند شش میباشد آهن گداخته بعداً به معنی لغوی آن گرفته شده ولی در گاتاها باید مفهوم آزمایش سخت باشد و آهن برای آن بمفهوم استعاره میباشد.

(۸) سُقُونَسْ وَسُوْسَ سُقُونَسْ بِعْلَمْيُونْ  
وَسُقُونَسْ بَعْلَمْيُونْ دَرْجَةْ سُقُونَسْ بِعْلَمْيُونْ  
سُقُونْ سُوْسْ مَسْدَرْ دَرْجَةْ بَعْلَمْيُونْ (۴۴).  
سُقُونْ سُوْسْ مَسْدَرْ دَرْجَةْ بَعْلَمْيُونْ (۴۴).  
سُقُونْ دَرْجَةْ دَدْدَدْدَهْ سُقُونْ (س)  
وَسْجَدْ. سُقُونْ سُدْ. وَسْوَءْ دَدْدَدْدَهْ دَرْجَةْ وَلَبْلَبْ (۶۶).

ترجمه : ولی زمانیکه کین (سزای) گناهانشان بر آنها فروخواهد آمد - پس ای مزدا نیروی (آئین) تو آشکار از و هومن پدید خواهد شد و آنگاه ای اهورا آموزش داده خواهد شد تا که بدست اشا آنان ناراستان را تسلیم بکنند (بدهنند)

توضیح : این بند سلسله فکر بند شش میباشد که دیویسمی یا ناراستان از اهربیمن فریب خورده و در شک و تردید مانده بدی را بر گزیدند و به سوی خشم و نفرت رفتند و دنیائی رابه اعمال ناشایسته پلید ساختند و هر گاه به سزای گناهانشان رسیدند خشتر یعنی نیروی ایزدی از و هومن یعنی دانش ایزدی پدید شد و آموزش درست داده ناراستان را بدست اشا یعنی درستی و راستی تسلیم کرد.

(۱) سعیم‌س. می‌خواهد. فاصله‌ی ع. سعیم‌س.  
و می‌خواهد. به. لایه‌ی ع. و هایه‌ی سط. سعیم.  
همی‌و سعیده‌ی س. سعیم (سعیده‌ی).  
سعیده‌ی دیده‌ی س. لایه‌ی س. سعیده‌ی س.  
هره‌ی سعیم. بروزه‌ی س. سعیم. لایه‌ی س.  
و هایه‌ی س. عده‌ی دیده. سعیم. هایه‌ی س.

ترجمه : (و امیدواریم) که ما از تو بشویم (هم‌چنانکه) می‌شوند مردمیکه این جهان را نو می‌کنند. ای مزدا و ای اهورا (خداآنند آفریده شدگان و خداآنند جان) وزندگی به کنیم بوسیله اشا به مهر و عشق (باتو) به این ترتیب (امید) بشویم یکسو در دل هرگاه که نیروی تمیز ما در شک بشود و تردید توضیح : از مزدا ( خداوند آفرینش ) و اهورا ( خداوند جان ) سه آرزو می‌کند :

- ۱ - از تو بشوم و جامعه را از سر نو اصلاح کنم.
- ۲ - بوسیله اشا یعنی راستی و درستی به تو عشق ورزیم و با مشیت تو همنگ و همساز گردم.
- ۳ - هرگاه نیروی تمیز ما به شک و تردید گردد، بکوشیم تا در ذهن یکسوئی پیدا شود .

ترجمه: هرگاه بر پیروزی ناراستان تباھی فروآید آنگاه آنان (یعنی نیکان) آرزوی باطن را خواهند یافت و راست به مکان برکت و هومن و مزدا و اشا (خواهند رسید) در حالیکه پیوسته برای نام نیک کوشان باشند.

توضیح : در این بند میفرماید پیروزی و افتخار ناراستان زمانی خواهد رسید که مبدل به شکست بشود و در آنوقت آنان «بعضی مفسرین ضمیر را راجع به ناراستان ترجمه کرده‌اند یعنی ناراستان و برخی گفته‌اند که ضمیر راجع به نیکان یعنی پیروان حضرت زرتشت است که در آنوقت آنان باززوی باطن که شکست دیویسنه است رسیده به مکان سعادت و شادی را که از مزدا و و هومن و اشامی باشد در صورتیکه پیوسته برای آوازه و نام نیک کوشان هستند خواهند بیافتد.

(١١) مَعْرِفَةٌ فَوْسَدٌ («مَعْرِفَةٌ فَوْسَدٌ») نَدَبٌ وَمَعْنَى لِلْأَسْدِ  
 فَوْسَدٌ مُسْتَوْسَعٌ وَمُسْتَوْسَدٌ مُسْتَوْسَعٌ وَمُسْتَوْسَدٌ  
 سَلَكٌ فَوْسَدٌ لِلْأَسْدِ. فَوْسَدٌ لِلْأَسْدِ.

ترجمه: اگر شما این آئین (مذیسنی) را دانستید (آئینی است) که مزدا فرموده است (و آئین) سعادت است (به سعادت میرسید) ولی آئینی که درد دارد

و سزائی است برای همه (روزهای) عمر (و آن) از نار استان است.  
 پیش رفت رویه بلندی (روانی) از نیکان است و آنگاه بواسیله آئین  
 (مردیسنی) روشنائی (روانی) بشما نزدیک خواهد شد.  
 توضیح: میفرماید - خطاب به مردم - که دو آئین بشما تقدیم میشوند  
 یکی از دیویسنی که برای همه عمر درد ورنج آورنده است و دیگر آئینی که مزدا  
 فرمود و آن شما را به بلندی و کمال روانی رهنماست و در انجام روشنائی و  
 خورسندی روانی را خواهید یافت.

## خلاصه سرود سی

در این سرود از دونیرو یا کیفیتی که در جهان تن علت تنوع فکر و قیافه و  
 شکل و عمل میشوند اشاره شده و بعداً مفسرین آنرا بصورت دیگر در آورده اند  
 بويژه مانی و مانند او. در اصل از زمان بسیار باستان در میان همه ملل از جمله آریای  
 هند و ایران افسانه ها و حکایتها ازداد و یداد و از خوبی و بدی و روشنائی و تاریکی  
 گفته میشدند. قهرمانان نیز در دروغ طبقه یکی مروج عدل و دیگر عامل ستم معرفی  
 میگشتند مانند رام و راون در هند و فریدون و ضحاک در ایران. حضرت زرتشت در  
 سرود سی این فکر را با اختلافیکه در آموزش او و رهبران دیویسنی بود تطبیق  
 فرموده و در سرود ۴۵ صریحاً گفته که اندیشه و سخنان و عمل و آموزش و وجودان  
 غیره من و شما یکسان نیستند آنچه شما می آموزید مادی است و آنچه من میگویم  
 معنوی و روانی میباشد. در عبادت شما هزاران گاو و گوسفند کشته میشوند و بانی آن  
 رسم یا عبادت مبلغ هنگفت به صورت انعام به سرود گویان بخشش میکند و چندماه  
 به سازو آواز و حیوان کشی مشغول میشوید و من این رسم عبادت را بیهوده میشمارم  
 و پیروان خود را از ظاهر به باطن متوجه میسازم. پروردگار من اهور مزد و صفات یا  
 مظاہر او امشاسبندان هستند که در هر یک از آنان حقیقتی معرفی شده که بشر باید به آن

متوجه گردد و متousel شود و در خود بیافزاید. در بنده خستین این سرود اشاره شده به آنانکه جوینده حقیقت هستند که این دو نیرو در طبیعت و اخلاق و قیافه و شکل هر بشری نمایان هستند و آنرا از هم ممتاز میسازند. من مزدا را میستایم و سخن از و هومن و اشا میگویم تا شما آنانرا دانسته به جهان روشن درآید و این پیام مرا بسنجید و بعد پذیرفته در میان مردم انتشار دهید. در ما بد خوب چه در اندیشه و چه در کار وجود دارند، آنانکه دانا هستند خوب را برمیگزینند و او که نادان است بدرآ اختیار میکند. یکی زنده سوی مرگ اخلاقی میرود و دیگر از مرگ اخلاقی در آمده روان زنده مییابد و در تاریکی تن و ذهن خودرا به جامه روشنائی روشن میکند و مزدا را برمیگزیند. ناراستان یعنی دیویسنها راستی را نمیجویند و در شک و تردید به پاره مو هومات چسبیده اند. در بنده هفتم اشاره به آزمایشی است که بعد آنرا آزمایش آهن گذاخته گفته اند و مقصود گویا از آزمایش بسیار سخت است که آنرا به آهن تاخته یا گذاخته تشبيه کرده اند و در بنده هشتم پیشگوئی میکند که در انجام راستی بر ناراستی پیروز خواهد شد و ناراستی شکست خواهد خورد و طنزآ میفرماید که شکست آنها به یک مفهوم پیروزی آنهاست و در بنده یازدهم خطاب به پیروان خود میفرماید این آثین که اهور مزدی است و بشما بیان میکنم شما را به سعادت رهنماست و به پیروی به آن روشنائی روانی خواهید یافت و به کمال روانی خواهید رسید.

## سرود سی و یکم

( و بس ددیه . بندیده . ۳۱ )

(۱) مدد . فام . («سد» س . ه (بیرونی )  
 سقونده س . واشیع . ددم شیخ من سد س - عیه .  
 سقوند روچ . و سرچ . («سد» سدروه . واچه .  
 سقوند بروزرس . ق سقوند شیع . واچه (بیرونی )  
 سقوند روچ . واشیع دن بدده س .  
 و سرچ . س (سی ) و سع . س (سی ) و سد .

ترجمه : این آثین شمار ادر خاطرداشته - ماپیام (اهورمزدی را) اعلام میکنیم  
 و گوش به سخن آنانکه (پیروی از) آموزش ما راستان میکنند و جهان اشائی را  
 تباہ میسازند نمیدهیم .

بویزه (شنیدن و دانستن این آثین) بهتر است به آنانکه دلشان را به مزدا داده اند.

توضیح: زرتشت میفرماید آثینیکه بمن الهام شده و در ذهنم هست آشکار  
 میکنم و گوش به سخنان آنانکه دیویستی میباشند و جهان اشائی را تباہ میسازند  
 نمیدهم. آنها یکه دلشان را به مزدا سپرده اند و صمیعی میباشند این آثین را از همه  
 آثین ها بهتر خواهند یافت.

(۲) و<sup>س</sup>ع<sup>و</sup>ي<sup>د</sup>. سدن<sup>د</sup>. {ج<sup>ن</sup>د<sup>ه</sup>}. (س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>)  
س<sup>و</sup>ر<sup>س</sup>ع<sup>ه</sup>. سدر<sup>ج<sup>ن</sup>ه</sup>-و<sup>ع</sup>ا<sup>ع</sup>ن<sup>د</sup>سد. و<sup>س</sup>ع<sup>و</sup>ر<sup>س</sup>د.  
 س<sup>ع</sup>ه. واسع. واي<sup>د</sup>د<sup>ه</sup>ع<sup>م</sup>ب<sup>ه</sup>ي<sup>و</sup>ن<sup>ه</sup>. سدر<sup>ج<sup>ن</sup>ه</sup>  
 و<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>ي<sup>و</sup>ن<sup>ه</sup>د. (س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>ج<sup>ن</sup>ه). سدن<sup>ه</sup>{ج<sup>ن</sup>ه} و<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>ي<sup>و</sup>ن<sup>ه</sup>د  
و<sup>س</sup>ع<sup>ه</sup>. ندر<sup>س</sup>ع<sup>ه</sup>. ب<sup>ه</sup>ود<sup>ه</sup>د<sup>ه</sup>ر<sup>س</sup>ع<sup>ه</sup>.  
 و<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>د. ب<sup>ه</sup>وع<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>د. ب<sup>ه</sup>ون<sup>ه</sup>ر<sup>س</sup>د. ب<sup>ه</sup>ع<sup>ه</sup> (س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>). ب<sup>ه</sup>ون<sup>ه</sup>ر<sup>س</sup>د.

ترجمه: از آنجاییکه بسبب این (گفته‌های گمراه کننده) برای برگزیدن راهی بهتر و واضح در نظر نیست. بنابراین بسوی شماهمه (به وظیفه) آموزگار آمده‌ام که اهورا تعیین کرده واورا که میان این دو گروه مزدا فرستاده تاکه ما (همه) بتوانیم همنگ با اشا زندگی بکنیم.

توضیح: در این بند صریحاً زرتشت پیغامبری خودرا اعلام میفرماید و نیز اشاره میکند که میان دو گروه دادور شده و جانب اشا را ترجیح داده است.

(۳) و<sup>س</sup>ي<sup>و</sup>ه. وسع. و<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>د<sup>ه</sup>ج. سدن<sup>ه</sup>(س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>).  
 و<sup>س</sup>ع<sup>و</sup>س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>د. ب<sup>ه</sup>ج<sup>ن</sup>د<sup>ه</sup>. (س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>)<sup>ج</sup>د<sup>ه</sup>ر<sup>س</sup>د. ب<sup>ه</sup>ل<sup>ه</sup>ب<sup>ه</sup>ن<sup>ه</sup>ج<sup>ن</sup>ه.  
 ب<sup>ه</sup>ود<sup>ه</sup>ل<sup>ه</sup>ع<sup>ه</sup>. (س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>). ب<sup>ه</sup>س<sup>و</sup>ي<sup>و</sup>ه<sup>ج</sup>ب<sup>ه</sup>و<sup>س</sup>ه<sup>ه</sup>«س<sup>و</sup>ع<sup>ه</sup>»<sup>ج</sup>د<sup>ه</sup>.  
 س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>ج<sup>ن</sup>ه. {ع<sup>ه</sup>}. و<sup>س</sup>ي<sup>و</sup>ه<sup>ه</sup>. واي<sup>و</sup>«س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>»<sup>ج</sup>د<sup>ه</sup>. و<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>ت<sup>ه</sup>ر<sup>س</sup>د.  
 و<sup>س</sup>س<sup>د</sup>ه. ب<sup>ه</sup>ك<sup>ه</sup>ن<sup>ه</sup>ن<sup>ه</sup>ر<sup>س</sup>د. س<sup>ع</sup>و<sup>س</sup>ن<sup>ه</sup>ج<sup>ن</sup>ه.  
 و<sup>س</sup>س<sup>د</sup>ه. ب<sup>ه</sup>ع<sup>ه</sup>«س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>»<sup>ج</sup>د<sup>ه</sup>. واي<sup>د</sup>د<sup>ه</sup>ع<sup>م</sup>ب<sup>ه</sup>ي<sup>و</sup>ن<sup>ه</sup>. وا<sup>س</sup>د<sup>ه</sup>(س<sup>د</sup>ن<sup>ه</sup>)ه

ترجمه: آنچه بوسیله آتش روانی میدهی و سعادتیکه بوسیله اشا به هر دو گروه و عده نموده‌ای و آئینی که برای دانشمند کامل هست ای مزدا برای آگاهی ما اعلام کن از سخنانی که بزبان خودت باشند تاکه من همه زندگانی را به آن رهنمائی (تبليغ) کنم

توضیح: ای مزدا آن خورسندي روانی (باطني) که بوسیله آتش مجرد و

پاک و اشا میدهی و از آن پیمان که مارا به الهام آگاه فرمودی که بتوانیم آین ایزدی مزادائی را درست بدانیم و میان اندیشه دیگران و خود امتیاز دهیم به سخن و زبان خود آشکار کن تا من (زرتشت) مردم را به آن دین رهنماei کنم. از این بند معلوم میشود که تبلیغ در کیش زرتشتی امر لازمی بود که اکنون نیست.

(۱۴) وسوسه. سویس. یعنی (ای).

سویس. هدیه. سویس دهد. سویس (سیوری).

سویس دهد. هدایت دهد.

واسیه دهد. دویس دهد. هدایت دهد.

هسد دهد. بنیس (ای). سخنچی همچون (سی).

بیهیا - وردآ - ون اما - دروجه

ترجمه: هرگاه به درخواست (نماز) ما متوجه هستند اشا و نیز مزدا اهورا با ارمایتی پاک، پس بوسیله و هومن خواهم خواست خشنتر نیرومند را برای خودمان که به بالیدگی (توانایی) او در ما بر ناراستان چیره گردیم.

توضیح: در این بند نام اشا و ارمایتی و هومن و خشتربا نام اهورمزد ذکر شده و شباهت دارد به دعای داریوش که در کتبیه هایش میگوید اهورمزد و دیگر ایزدان شاهی مرا به پایند.

بر دند. هیچ. سویس. وسوسه. واسیه دری.

واسیه دری. واسیه. هدایت دهد.

هسد دهد. وسوسه. وسوسه. هسد دهد. هسد. یعنی دهد.

وسوسه. هیچ. واسه. سویس. سویس دهد. واسه.

ترجمه: آنرا به من برگوئتا برگزینم که بوسیله چه (بما) فرموده ای و (آن چیست) بهتر برای من که پیروی کنم. آنرا به من آشکار کن بوسیله و هومن تابدایم

و خود را (در آنچه) از خوبی روی میدهد بر تراحساس بگنم و همت بیا بام - و همه اینها (از چیزهای خوب) ای مزدا اهورا خواه بمن بر سند یا نرسند.

**توضیح:** میفرماید ای مزدا اهور! آینشی که از اشا بهمن برگو تا برگزینم راهیکه به آن مردم را رهنمای شوم واز وهمن بدانم تا در خود برتری یعنی اعتماد احساس کنم- در هر چه برای من (وپیروانم) نیک است خواه آنها (ازمن) بشونند یا نشونند- یعنی خواه بتوانم به انجام رسانم یا نتوانم .

(٦) سـعـيـسـدـ. سـعـيـسـخـ. فـاسـعـدـنـسـهـ. سـعـيـسـخـ.  
فـاسـعـهـ. سـعـيـسـخـ. فـاسـعـهـ. فـاسـطـلـسـخـ. سـعـدـلـبـهـ.  
سـعـيـلـهـ. سـعـدـهـ. سـعـدـلـهـ. فـاسـطـلـسـخـ.  
سـعـيـلـهـ. سـعـدـهـ. سـعـدـلـهـ. فـاسـطـلـسـخـ.  
سـعـيـلـهـ. سـعـدـهـ. سـعـدـلـهـ. فـاسـطـلـسـخـ.

ترجمه: بهترین (سعادت) برای آن دانشمند خواهد بود که (سخنان) راست مرا انتشار دهد سخنان (پاک ماترا) که (رهنماست) به اشا و خرداد یا (کمال روحانی) و امرداد (زندگی جاوید) و همچنین خواهد بود خشتی یا نیروی مزدایی که بواسیله و هومن در پاطن او افزون گردد.

توضیح: اشاره به انتشار و تبلیغ کیش زرتشنی است. اشا و هشت و خرداد و امرداد برای دانشمندی هستند که ماترا با سخنان پاک ایزدی را میان مردم انتشار میدهد تا نیروی مزادائی بوسیله و هومن در آنها افزون گردد.

(۷) فیضه داده‌ام. چو بسیاره‌ام. نع سلطان درجه.  
 (سلطان) ایند. (آن) دلکه‌ی. سیستم‌الله.  
 و پیش. من آن دلکه‌ی. همچو دنده. سیستم.  
 و سند. و سند (بدونه). خارج دنده‌ی. همچو.  
 همچو. همچو. همچو (بدونه). سیستم‌الله. همچو.

ترجمه: او که از آن (سمخن پاک) که درازل اندیشید که روشنائی از روشنائی آسمانی روان خواهد شد، خود او در خرد او و آفریننده آئین ابدی است که بواسطه آن او بهترین نفس (وهمن) را دارد وای مزدا! (درخواست میکنم) که از آن روشنائی بوسیله نفس (پاک خودت) باطن مارا روشن کن (آن روشنائی) که ای اهورا! تا کنون همان است که بود.

توضیح: در این بند نکات زیر اشاره شده‌اند:

- ۱- روشنائی یعنی دانش بشر همان باید باشد که ایزدی و آسمانی است
- ۲- و هم چنین آئین
- ۳- باید باطن پاک و روشن باشد تا ظاهر نیز پاک و روشن گردد بنابراین از خداوند درخواست میکند که به آئین ایزدی رهنما شود و باطن را از نوری روشن سازد که از خود او هست و جاوید بدون کاهش و تغییر و تبدیل پاینده است.

ترجمه: تاکه بیانسدهشم (وبشناسم) تراهم چنان که از لی (وقدیم) هستی ای مزدا! هم چنان جوانترین هستی در ذهنم و پدر (معنوی) و هومن (هستی) و تاکه در چشم من کاملاً (تنها) ترا برگیرم که آفریننده حقیقی اشا هستی و برترین دادور بر (همه) کارهای موجودات میباشد.

**توضیح:** خطاب به اهورامزدا عرض ممکنند:

تو آغاز و انجام وقدیم و جدید هستی و تو پدر معنوی و هومن و آفریننده اشای برترین دادور براعمال ما موجودات هستی بنابراین تنها قرا کاملاً در چشم (ذهنم) بر میگیریم.

(٩) **لِكَفَهْ كَيْدَ.** سـدـ. سـدـ (لـدـ) دـوـدـ دـوـدـ.  
**لِكَفَهْ سـدـ.** قـعـ (لـدـ) دـوـدـ دـوـدـ سـدـ. سـدـ (لـدـ) دـوـدـ.  
**لـدـ دـوـدـ دـوـدـ.** عـسـيـ وـسـدـ. سـمـنـ (سـدـ).  
**لـدـ دـوـدـ دـوـدـ.** لـدـ دـوـدـ دـوـدـ. وـبـوـسـ. لـدـ دـوـدـ دـوـدـ.  
**وـاسـدـ دـوـدـ دـوـدـ.** فـاسـ. سـدـ دـوـدـ.  
**وـسـعـ.** فـاسـ. { كـيـ دـمـ. سـدـ دـوـدـ. وـاسـدـ دـوـدـ }.

ترجمه: از توهست ارمایتی و نیز از توهست دانش آفرینش گاو (گیتی) و نفس ای مزدا اهورا.  
زیرا به او (گیتی)، تو دادهای راه (آزادی) در بر گزیدن یا اینکه شبان را

ترک کند یا اورا که هیچ گاه شبان نبود (اختیار نماید).  
توضیح: از برگریدن راه مقصود گویا کیش باستانی (با دیویسی) یا کیش تو (مزدیسني است) یکی زندگی بدويت و دیگری شهریت، یکی مادی و دیگر معنوی بود. کلمه گاو به معانی گوناگون استعمال میشود و از سازنده گاو آفریننده زیست دنیوی است. نام ارمایتی به مناسبت نام گیتی ذکر شده.

(۱۰) سـعـ. سـعـ. سـعـ. سـعـ. سـعـ.  
فـلـدـدـمـ(بـهـ). سـعـرـسـدـ. لـلـعـدـدـهـ.  
سـعـدـ(عـ). سـعـدـ(سـ). سـعـدـ.  
فـلـدـدـمـ(بـهـ). لـلـعـمـسـعـوـقـسـهـ. سـعـدـ.  
اـجـعـ. سـعـدـ. سـعـدـدـمـ(دـهـ).  
وـلـدـ(لـعـوـدـدـهـ). سـعـدـ(عـ)ـهـ(دـهـ). لـلـلـوـدـدـهـ.

ترجمه: پس از این دواو (گیتی) شبانی را برگزینند برای خود که خداوند دارنده راستی و افزاینده (دانش) و هومنی باشد و هر گز ای مزدا! شبان خود ساخته گرچه ظاهرآ (خود را) پرهیزگار مینماید نمیتواند آورنده پیغام تو گردد.

توضیح: اویعنی گیتی و مردم آن میان رهبران دوگروه یکی به عقیده قدیم و دیگر پیرو زرتشت برگزینند که شبانی یعنی رهنمائی کند و میفرماید بدیهی است که از روحانیون با او که رهبری به دین دیویسی میگذند گرچه ظاهرآ پرهیزگار بنماید از اصولی پیروی مینماید که صحیح نیست و اونمیتواند که بیام ایزدی راحامل گردد از این بنده معلوم میشود که مقابله شت زرتشت حریف سرسختی بوده و ظاهرآ او نیز پرهیزگار مینمود و ادعائی داشت و هم چنین اتفاق برای دیگر مؤسسه‌یان بزرگ مانند بودا و محمد نیز شده.

(۱۱) وهدرسع. ام. هدروس. وسط. ام.  
وهدرسعدهرس. وهدرس. وهدرسعدهرس.  
لکهس. هدروس. ون(ن)هدرجهرس.  
وهدرسع. هددهم«هدرهم». وهدرسع. وهددهم.  
وهدرسع. وهدورسط{سه. همبتوهديوهدهرس.  
وهست{سه. وهدهمسه. وهددسع. وهدروهمعم.

ترجمه: از آنجاییکه از ازل ای مزا توتنه و روانها برآفریدی و نیز نیروی (ذهنی) از اندیشه خودت عطا کردی و از آنجاییکه جان را میان گوشت (تن) نهادی از آنجاییکه نیروی عمل و سخنان آموزنده (نواده ای) بنا بر این میتواند یکی هر کیشی که پسندیده برگزند.

توضیح: در این بند به آزادی عقیده و اراده اشاره شده. مقصود خداوندنی و روان را آفریده و خود نیز بخشیده و جان را در قفسن تن نهاده و کارها را بر طبق سخنان آموزنده قرار داده. بنا بر این یکی میتواند هر کیشی که پسندید و اراده او بر آن قرار گرفت برگزیند.

(۱۲) سهن{سه. وهدهم». وهددهم.  
وهدلسهن«سهسع. ونه. وهدهن«سهسع. ونه.  
وایو«سه. وسه. وایو«سه. وسه.  
وهدروس. وهدهنوس. وهدهنوسهرس.  
سهده-وهدهنوه. سه(ن)هدهدهوه.  
وهدهوه. وهدهمعم. وهست{سه. وهدهنس.

ترجمه: بنا بر این (هر یک) آوازش را بلند میکند خواه دروغ گو خواه راست گو، خواهد انا خواه نادان (با وجود آن) بهدل و به اندیشه هر یک (از آنان) به روان ارمایتی که در بهلو وجود دارد و در آنچه شک دارد (از او) میپرسد.

**توضیح:** فیض و بخشش طبیعت به همه میرسد و نیک و بد و دانا و نادان هر دو هرگاه به ارمایتی توجه دهند اورا پهلوی خودخواهندیافت و هرشکی که دارند واز او بپرسند و هر بار دوپاسخ خواهند شنید - مقصود جوینده یابنده است یا اینکه: دوگروه مخالف به آواز رسا فکرشن را به مردم میگویند، راست و دروغ - دانا و نادان، و روان ارمایتی با وجودان نزدیک است که شکوک خودرا از او بپرسند و حقیقت را بدانند.

(۱۳) ورسد. ل(ل)-ددس. سد «بی بدو رسد».  
 ورسد. والد. هـیوسد. لع(ع)ددسدریو. حـددللـ.  
 قـمـ. والـدـ. وـلـدـمـ(لـدـ). سـقـعـ{لـزـنـچـ}.  
 سـدـ. هـیـوـنـیـوـ. لـکـنـدـ(سـدـ). سـرـسـلـیـ.  
 سـدـلـ. سـقـعـسـ. سـدـلـ. والـسـلـ{لـزـلـ}. والـیـلـهـ

**ترجمه:** هرگاه در پرسش (شکوک) آشکار یا نهان ای مزدا او میرسد (بحث میکند) یا برای گناه کوچک کفاره بزرگ را تحمل میکند، اینها را با چشم درخشنده تو میپائی و به دقت همه را با اشا مراقبت میکنی (می بینی).

**توضیح:** نام ارمایتی بمفهوم وجودان باید گرفت. گفته اند در توبه همیشه باز است بنابراین هرگاه که یکی آماده شد که نقص خودرا دور کند شکوک او چه آشکار چه نهان هرگاه به وجودان رجوع کرد پاسخ میشنود و از رحمت ایزد متعال همواره بر اراده و اندیشه اوناظر است و با اشا (راستی و درستی) اورا یاری میکند.

(۱۴) مس. نیز مدد. نیز مدد. نیز مدد.  
 مدد. نیز مدد. نیز مدد. نیز مدد.

ترجمه: این حقایق را از قویی پرسمای اهورا: در گذشته چگونه شده است و پس از این در آینده چگونه خواهد شد و ای مزدا چه آرزوهای خاموش (باطنی) سنجیده میشوند در نامه زندگی درباره نیکان و چه درباره ناراستان و چگونه اینها خواهند شد (وبه کیش خواهند در آمد) زمانیکه کارها به انجام برسند (و دردهای زندگی به پایان برستند

توضیح: گرچه پرسش از اهور است ولی همه شخصی میتواند به وجود آن خود رجوع کرده چنین پرسش نمایند که انجام کارهایی که در این زندگی عملی شده اند چه نیک و چه بد خواهد بود، آیا بهره برداشتم یا بی بهره از جهان در گذشتیم.

(١٥) لِعَذَّبَهُمْ سَادِسُهُمْ لِعَذَّبَهُمْ سَادِسُهُمْ  
لِعَذَّبَهُمْ سَادِسُهُمْ لِعَذَّبَهُمْ سَادِسُهُمْ  
لِعَذَّبَهُمْ سَادِسُهُمْ لِعَذَّبَهُمْ سَادِسُهُمْ

ترجمه: ای اهورا! من این میپرسم چه سزا هست (برای او) که نیروی ناراست و کننده ناراستی را حفظ میکند (و فزونی میدهد) و او در زندگی هیچ

سود نمی بیند مگر در جادا کردن شبان (رهنما) و دوست از رمه بشر (جامعه). توضیح: در ترجمه بنده بالارمه به مفهوم جامعه و نادروغ بمعنی دوست ترجمه شده و از دروغ و بدکارگویا اشاره به دو تن از مخالفین سرسخت زرتشت باشد یکی از آنها بنام بندوا (Bendva) و دیگرگرمه (Greamha) و هر دو از رؤسای کیش دیویستی بودند.

ترجمه: من این میپرسم - اگر (مردی) که دانشمند است و شاهی تراچه در نمان (خانه) و چه در شهر و چه در استان در کشور صمیمانه انتشار میدهد و برای فزونی اشایع‌نی راستی میکوشد ای مزدالهورا، واودر (خدمت بتو) جذب (ومستغرق) شده چنین (شخصی) چگونه خواهد شد و چگونه عمل خواهد کرد؟

توضیح : مقصود او که صمیمانه اهور مزدایی هست و در انتشار نیکی اشائی میگوشد چه در خانه و چه در شهر و چه در استان و چه در کشور چنین کس چگونه میشود در رفتار و کار؟ والبته پاسخ را برای شنو نده و خواننده میگذارد، یعنی چنین کس باید اولاً خود او نیک و صمیمی باشد تا نیکی را بتواند ترویج دهد و مردم را رهمنما شود .

ترجمه: کدام یک از (دو راه) نیکان خواه بدان بهتر دانسته خواهد بود، باید او که آگاه هست به دانایان توضیح دهد (و آشکار کند) و او که آگاه (و داناست البته) مردم نادان را گمراهنخواهد کرد.  
ای مزدا اهورا! برای ما پذیرید کننده و هومن شو.

توضیح: دو راه یعنی دو مسلک یکسی باستانی دیویسی و دیگر زرتشتی و مزدیسی. میرماید به مردم گفته شده و آشکار گشته و آنها یکی از دو راه را باید برگزینند و بآنان دانشمندان باید هر دو راه را توضیح دهند و خوب و بد هر دو را بگویند و راهنمائی بکنند. پس خطاب به اهورمزدیگویید که به مردم و هومن را که عقل کل و تمیز دهنده میان خوب و بد است آشکار کن تا حقیقت بر مردم روشن گردد.

(۱۸) عَلَىٰهُ عَدْنَىٰهُ نَعْمَلُ فَاعِلٌ وَعَلَىٰهُ سَقْرَمٌ.  
عَيْنَوْنٌ (عَيْنَوْنَىٰ) عَيْنَوْنَىٰ سَعْدَدَرَسٌ. قَاجَنَدَرَسٌ. نَدَسَدَدٌ سَعْدَدَرَسٌ.  
سَعْدٌ. وَعَلَىٰهُ سَعْدَهُ. قَاهِيدَهُ. وَاسَهُ.  
عَيْنَيَّدَنٌ (عَيْنَيَّدَنَىٰ). وَاسَهُ. وَسَعْرَدَهُ. وَاسَهُ. سَوْسَهُ  
وَدَسَسَدَرَسٌ. عَلَىٰهُ وَسَعْرَهُ عَرَسٌ.  
نَدَلَىٰ سَهُ. بَنَىٰ سَهُ. نَدَسَهُ وَهُ. نَدَسَهُ دَرَسَهُ.

ترجمه: پس هیچیک از شما به سخنان و آموزش مرد ناراست گوش ندهید

زیرا که او خانه و شهر و استان و کشور را بازار بلکه مرگ می‌افکند و باید با افزار رزم (اخلاقی و روانی) با او مبارزه نماید.

توضیح: عبارت این بند به بند گذشته ارتباط دارد میفرماید مزدیسنی باید بسخنان آموزش گاران دیویسنی گوش دهد زیرا که آموزش آنها در انجام جامعه را چه در خانواده و چه در درجه و چه در استان به هرج و مرج و آشفتگی بلکه تباہی خواهد آورد و باید با آنها مبارزه اخلاقی کند این فکر دو گوهر که ضد هم هستند دریسنای ۴۵ و دیگر یسناها تکرار شده.

مزدیسنی باید راهی برگزیند که در جامعه نظم و راستی و درستی اشائی و دانش و هومنی پدیدگردد.

(۱۹) ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ .  
 ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ . ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ .  
 ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ . ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ .  
 ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ . ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ .  
 ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ . ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ .  
 ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ . ﻭ ﻣـ ﻭ ﻣـ .

ترجمه: ای اهورا او که گوش میدهد به (سخن راست) واشا (راستی را) درک میکند. پژشک روان و خداوند دانش میشود. درباره سخنان از آموزش درست او (خواهد شد) بوسیله آتش زابناک تو ای مزدا! خداوند (دارای) زبان روان (یعنی فصیح).

مقام (نصیب) هر دو گروه را (در انجام) شما تعیین میکنید (کسلمه شما تعیین میکند اشاره به اهور مزد و امشاسبندان است)

توضیح: تعیین انجام کشمکش میان دو گروه مخالف میفرماید وابسته به مشیت ایزدی است و او تعیین خواهد کرد چنانچه بالا اشاره شد در کلمه «ونهه وی

دانا» چونکه مفهوم آن در جمیع است، گویا با اهورمزد امشاسب‌بینان نیز اشاره شده‌اند.

(۲۰) قسم. سعد و سعاد. سمعن و سمعن.  
ود ساده. سعاد. سعاد. سمعن سعاد. سمعن سعاد.  
ساده. سعد و سعد. سمعن سمعن.  
و دنس ساده. ساده. سمعن سمعن.  
همه. فاسد. سمعن سعاد. و سعاد سعاد.  
ن دند و دند. سعد و سعد. سمعن سعاد. سمعن سعاد.

ترجمه: او که از (آموزگار) نیک پیروی میکند پس از این (زنگی) مقام او روشنایی خواهد بود و اما (او که پیرو بد و بدی است) زمان دراز در تاریکی و دور از روشنایی به سخنان پر درد (زاری) و به چنان زیست مبتلا خواهد شد و اعمال او بر طبق وجودان (دین) او رهنما خواهد گشت.

توضیح: گویا از روی این بند میان زرتشتهای بعداً عقیده‌ای صورت گرفت که پس از مرگ اگر متوفی در این زندگی نیک بوده اعمال او بصورت دوشیزه زیبا از او پذیرایی خواهد کرد و اگر بد بوده زن زشت صورت را خواهد دید مقصود منظره ایکه روان پس از جدا شدن از تن می‌بیند مطابق اعمال او خواهد بود. در کیش زرتشتی پس از مرگ سزای گناهان جاوید نخواهد بود ولی باندازه بدی در عمل زمان رنج روانی بیش یا کم میشود و در انجام نجات است چنین زمان دراز را در قرآن احباب فرموده.

(۲۱) و سی و سع و سی و سع. سه (۱۰).  
 سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سی و سع. سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سی و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سی و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
 سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).

ترجمه : مزدا اهورا خواهد داد خرداد (یعنی کمال) و امرداد (زنگی جاوید) و از خداوندی خود اشا و به نیروی الهامی خشتر و به دادن روزی و هومن به او که در اندیشه و عمل مؤمن است.

توضیح : کسی که در اندیشه و عمل به اهورمزد ارادتمند و مؤمن باشد از همه امراض پنداش بخشن خواهد یافت. از خرداد تقدیرستی از امرداد نمیرنگی یا درازی عمر از اشا خداوندی بر خود و نظم و از خشتر نیرو والهام ایزدی و از و هومن دانش که در نتیجه روزی نیز می یابد .

(۲۲) و زدن (س). سه (و سی و سع و سع) (۱۰).  
و سی و سع و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).  
و سی و سع و سع. سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰). سه (۱۰).

ترجمه : (این آموزش) واضح است به دانشمند و نیز به او که در ذهن به

یاری و هومن درک کرده است و چنین دانشمند (به یاری) خشنتر ایزدی(نیروی نیک) و نیز اشا بزرگی میدهد بسخن و به عمل (این آموزش را) واو ای مزدا اهورا به تو یاور (خادم) بسیار باکفایت میشود .

**توضیح :** میفرماید به دانشمندیکه ذهن او به یاری و هومن (عقل کل) روشن است این آموزش زرتشتی واضح است و چنین دانشمند هر گاه از آموزش ہی برد میکوشد که در سخن و عمل مرام خشنتر و اشاره اعملى سازد یعنی مرد با اراده و درست کارگردد و البته چنین کس در جامعه در انتشار نیکی بهره بزرگ می یابد.

## خلاصه سروود سی و یک

در سروود ۲۹ اعلام پیامبری شت زرتشت شده و در سروود ۲۸ از آن مأموریت شت زرتشت بدرگاه ایزدی سپاس‌گزار است و در سروود سی سخن از دو حالت یا نیرو هست که در جهان تن علت تنوع در اندیشه‌ها و قیافه و اعمال میشوند و در این سروود مختصر معرفی از کیش زرتشتی و تشویق به تبلیغ و انتشار آن است. دریند نخستین میفرماید که من آنچه آشکار میکنم از آن است که بمن الهام میشود و با دیویسنه‌ها که جهان اشا را که جهان راستی و درستی است تباہ میسانند مبارزه میکنم، و در بند پنجم از اهورمزدا خواستار است که آئین اشا باو الهام شود و وهم من را نیک بداند تا به خود اعتماد پیدا کند و پس از آن آنچه برای افراد جامعه نیکو هست بر آنان برگوید و در این اندیشه که شنیدند یانشنیدند در بند هفتم دونکته مهم بیان شده‌اند: یکی اینکه اندیشه و عمل بشر باید بر اساس دانش باشد (ودانش نیز بر دو نوع است یکی اینکه نیازمندیهای تن را دور میکند یا فراهم مینماید و دیگر دانشی که روان را از آلودگیها پاک و منزه میسازد و پیروان مزدیسنی باید دانش معنوی و روانی بیابند)،

دوم - تا باطن پاک و روشن نباشد ظاهر پاک و روشن نمیشود.  
در بند هشتم خطاب به اهورمزد عرض میکند که تو آغاز و انجام و پدر معنوی و هومن و آفریننده اشا هستی و تو برترین دادور هستی و تنها ترا باید در زیر

گرفت و در بند دهم میفرماید اگر یکی خود را پرهیزگار بنماید ولی اندیشه او درست نباشد او نمیتواند بر فکر باطل عمل صحیح را بجا آورد و نمیتواند حامل پیام ایزدی گردد و در بند دوازده میگوید که فیض ایزدی به همه کس میرسد چه خوب و چه بد اگر امتیازی باشد در این است که یکی از آن فیض استفاده میکند و دیگری نمیکند و همین حقیقت در نامه مقدس بهگوت گینا نیز گفته شده میفرماید:

برای من همه موجودات یکسان هستند نه دوست کسی هستم و نه دشمن ولی او که به صمیمیت و ارادتمندی می آید او در من است و در او هستم.

پس سخن در این نیست که چه از پروردگار میرسد بلکه در این است که از آنچه میرسد چگونه می پذیریم. ارمایتی که صفت بندگی و عفت است همواره در جنب ماست و به پرسش ما پاسخ میدهد در توبه و بازگشت بسوی پروردگار همواره باز و هرگاه ما آماده شویم که از نقصی در آمده بی نقص گردیم مانعی در پیش نیست واگر باشد صمیمیت و عشق ما او را دور میکند و اشا همواره یار ماست. در بند چهاردهم اشاره میکند که پیش از بجا آوردن عمل بیاندیشیم و از وجود خود پرسیم که انجام آن نیک است یا بد و زمان در گذشتن از آن عمل بهره مند میشویم یا زیان می بینیم. و در بند پانزدهم از دو تن دشمنان و مخالفان سر سخت اشاره شده یکی از آنان بنام بندوه و دیگر گرمه و هر دو از رؤسای فرقه دیویسی بودند و ادعائی داشتند. و در بند شانزدهم خطاب به اهورمزد عرض میکند که انتشار دهنده فزونی اشائی یعنی راستی در عمل باید چگونه باشد و البته پاسخ آن این است که اولاً خود او نیک گردد، تا دیگران را به نیکی رهنمایی شود و در بند هفدهم به عموم خطاب کرده میفرماید دو طریق زندگی به شمامعرفی شده اند یکی مزدیسی و دیگر دیویسی، اکنون برای شماست که یکی از آنان را برگزینید و خطاب به اهورا مزدا عرض میکند که و هومن را بر مردم آشکار کند تا حقیقت بر مردم روشن گردد و در بند هجده پیروان خود را اندرز می نماید که بسخنان گمراه کننده آموزگاران دیویسی گوش ندهند و با آنان مبارزه اخلاقی کنند و راهی برگزینند که در جامعه نظم و نیکی

افزون‌گردد و در بند نوزده میفرماید که قضاؤت این دو کشمکش یعنی گروه دیویسنسی و مزدیسنه در انجام وابسته به فرمان ایزدیست و اوتیعین خواهد کرد و در بند هشتم میفرماید او که به آموزگار نیک پیروی می‌کند نیک میگردد و پس از پایان این زندگی به جهان روشناهی راه می‌یابدو او که پیرو بد است انجام در تاریکی است. گویا این اشاره را بعداً مفسرین مجسم کرده گفته‌اند که پس از مرگ عمل یا به صورت دوشیزه زیبا یا بصورت ناخوش و زشت پدید میگردد. در بند ۲۱ میفرماید کسی که دراندیشه و عمل به اهورمزدئمن باشد از همه امشاپنداش بخشش می‌یابد از جمله : ۱ - از خرداد تندرنستی ۲ - از مرداد زیست جاوید ۳ - از اشا خداوندی بر خود یا تسلط بر نفس ۴ - از خشتر پیروزی در اراده ۵ - از وهم دانش. و در بند ۲۲ میفرماید ذهن او که به یاری و هومن روشن است آموخت را واضح خواهد یافت و خواهد کوشید که اراده خشتر (که مشیت ایزدی است) و اشا را عملی سازد و مرد با اراده و راست و درست گردد .

سروडسی و دوم

( ۳۳ ) ملکه درودی .

ترجمه: به او (اهورمزد) خوبیتوش نماز میبردو همچنین ورزنم با ایریمنه (بلکه) او را دیویسنسی نیز به همان نیت (می ستاید). برای اینکه بر توین سعادت را بیابند پس ما همه باید پیامبر تو بشویم تا هر که با تو دشمن است او را پس برانیم.

**توضیح:** مزدیسنسی بنا بر ایمان و علاقه ایکه به کیش داشتند به سه بهره تقسیم میشدند به این ترتیب:

- خویتوش - مؤمن در عقیده و بالک در عمل.
  - ورزنم - ورزنده یا همکار که ایمان و صمیمیت خویتوش را نداشتندوای همکاری می نمودند.
  - ایرینمه یا دوست اینها همکاری هم نمیکردند ولی آموزش زرتشتی را به نظر دوستی میدیدند.

و این تقسیم بندی غیر از تقسیم چهارگانه اصناف جامعه میباشد که احتمال

دارد بعداً صورت گرفته باشد، هم چنین در هند پیر وان بود ابه دو گروه منقسم شده بودند گروهی بنام گرهت یا خانه دار که به امور معیشت می پرداختند و دیگر علم دین بودانی را آموخته به عبادت و ریاضت و رهنماهی به دیگران می گذارندند.

در ایران مقابله سه گروه دینی زرتشتی گروهی بنام دیویسنسی بود که با آموزش زرتشت مخالفت میکردند ولی همه اینها اهور مزدara خدای بزرگ میدانستند، در بند بالا میفرماید چه سه گروه موافق با زرتشت و چه یک دسته مخالف چونکه همه اهورا مزدا را میستایند و از او سعادت و توفیق میجوینند باید اتحاد بکنند و بدان و مفسدان را از جامعه براندازند و تصور بکنند که همه پیامبر و مأمور هستند از جانب اهورمزد که مشیت اهورمزدی را که نیکی و نظم و درستی اخلاق است در جامعه انتشار دهند و بدی را دور کنند.

برخی از ایران شناسان سه بهره بالا را چنین نوشته‌اند:

- ۱- خویتوش - نسر = جنگجو - سرباز ۲ - اریمنه - هخامنه  
روحانی ۳ - وستریا خشونت یا ورزنه یا ورزینه = کشاورز.

(۲) سقید درجت. سی و سع. سع (ج).  
 سعد (س) سع (ج) فاطمہ. سع (س) سع (س).  
 سع (س) سع (س). سع (س) سع (س). سع (س) سع (س).  
 سع (س) سع (س). سع (س) سع (س). سع (س) سع (س).  
 سع (س) سع (س). سع (س) سع (س). سع (س) سع (س).  
 سع (س) سع (س). سع (س) سع (س). سع (س) سع (س).

ترجمه : بآنان بوسیله و هومن و خستر بما (چنین) الهام کرد و پاسخ داد با اشای بافر رفیق پیوسته او سپتار مایتی باکرا برای شما برگزیدم، امید که ارمایتی از ما باشد .

**توضیح :** عبارت این بند در افکار تسلسل بندگذشته است آنچا که میگوید

پیامبر بشویم - در پاسخ اهورمزد بوسیله و هومن و خشترالهام میکند که آرمایته (ارادت) و اشا (نیکی و تقدیرستی) را برای شما برگزیدم و زرتشت در سپاسگزاری عرض میکند امیدوارم که ارمادته، از ما باشد.

در این دو بند صفات ایزدی بصورت مظاہر ذکر شده‌اند حین پرسش و ستابیش ناچار هستیم آنرا که مورد پرسش قرار داده‌ایم به چشم بصیرت یا به چشم تن در کنیم. در آموزش اسلام وزرتشت گر چه بت پرسنی مبنوع است ولی حقیقتی که کاملاً مجرد و فوق ادراک ماست ناچار هستیم به تصور و تجسم او را در کنیم و به خود نزدیک نمائیم و برای آن صفاتی قرار میدهیم یا مظاہری در نظرمی آوریم که در ذهن مجسم گردد و برخی که استعداد روانی آنان ضعیف است ناچار میشوند که او را بصورت بت در آورند.

(۲) سُبْعَةِ قَدْرِهِ وَسَعْيٌ «س». حَاجَتْهُ سَعْيٌ مَعْجَنْيٌ  
 سَوْسَعَهُ تَحْمِيلَهُ سَعْيٌ مَعْجَنْيٌ دَمْهُ سَعْيٌ عَدْلَهُ سَعْيٌ  
 قَسْمَهُ سَعْيٌ وَسَعَهُ تَسْهِيلَهُ سَعْيٌ بَرْدَهُ سَعْيٌ  
 وَأَنْجَيَ سَعْيَهُ سَعْيٌ لَهُ سَعْيٌ دَفْنَهُ سَعْيٌ  
 نَدْوَرَ سَعْيٌ لَهُ سَعْيٌ وَسَعْيٌ دَرْدَهُ سَعْيٌ  
 وَسَعْيٌ دَرْدَهُ سَعْيٌ دَلْجَهُ سَعْيٌ لَهُ سَعْيٌ

ترجمه: اما شما ای دیو(بسنها) همه از نژاد روان ناپاک هستید و نیز او که شمارا بسیار گرامی دارد از ناراستی واخود غرضی اعمال شما (صورت میگیرند) و به دو روئی، شماره هفت (کشور) یوم معرفه شده اید.

توضیح : در این مخاطب دیویسنها بویژه رئیس‌شان مردی بنام گرهمه با گرهم بود که با حضرت زرتشت سخت مخالفت و رقابت میکرد .

(۴) وبرسید. قیچی بدمد. ل (ل) بیهوده سد.  
وپرسد. هیب دورس. ساردن بدمه سد. وسیه بدمه سد.  
فاسن ل بیهوده سد. وسیع «ج-ک» بدمه سد.  
فاسد بیهوده سد. ددیوله دورس بدمه سد. هیب-بیهوده سد.  
هیوسع. سیه دهورس. ل (ل) بدمه سد.  
ل (ل) بدمه سد. ل (ل) بدمه سد. ل (ل) بدمه سد.

ترجمه : بدین سان شما (اعمالتان را) فاسد کردید تا آنجا که مردم بدترین (کار) عزیز دیو (بسنها) نامیده شدند. اینان که خود را از و هومن و نیز از اهورامزا جدا واز (آئین) اشากمراه گشتند.

توضیح : در نکوهش دیویستها میفرماید که مردم بدترین عمل در نظر آنان گرامی و دوست هستند و اینها مردم را از و هومن و از اهسور مزد جدا و از راه اشاكمراه و روگردان کرده‌اند.

(۵) همه. و ل ل ل ل ل سد. هیوسع بیه.  
مع دیه دهوده بیه دهوده سد. ل ل ل ل ل ل سد.  
برهوده سد. واسع. سدوسد. هیب-بیهوده سد.  
ویم بیه. وسیع «ج-بیه». سوسد بدمه سد. چند دهوده سد.  
سوسد. و دهوده بیه دهوده سد. فاسد بدمه سد.  
وپرسد. ل (ل) بدمه سد و ل (ل) ل ل سد. ل (ل) بدمه سد.

ترجمه : بدین سان مردم را فریب دادید به یک زندگی خوش و جاوید هم چنانکه ای دیویستها از اهربیمن در اندیشه شما فریب خوردید (و راه ناراست را در پیش گرفتید) و اهربیمن به سخنان ناراست به این روش زندگی شما را گمرا نمود، هرگاه او بشما پیمان کرد که ناراستان برتری خواهند یافت.

توضیح : از این بند معلوم میشود که کشمکش میان زرتشتی و دیویستی بسیار سخت بود و رهبر دیویستها به پروانش و عده میداد که در انجام برتری از آنها خواهد شد (چنانکه در رزم گشتاسب و ارجاسپ و شاهنامه ذکر شده است) رهبر دیویستها پروانش را امیدوار میکرد که شاهی و برتری خواهند یافت و به یک زندگی خوش و جاوید همت آنان را می افزود.

ترجمه: سخت ترین گنه کار گر چه به اندازه‌ای با چنین (روش زندگی که رهبر اونشان داده) کامیاب گردد ولی ای اهورا از همه(کارهای ما) آگاه هستی (و ارزش حقیقی آنها را) در برترین نفس (که نفس ایزدی است) میدانی زیرا ای مزدا! درشاهی تو و (خداآنده) اشا فرمان تو روان خواهد شد.

توضیح : ممکن است که سخت ترین گنه کار در کارهایش موقعتاً کامیاب گردد ولی اهرامزدا که بر همه کارهای ما ناظر است و بیاد دارد و چیزی از علم او پوشیده نیست و نمیشود در انجام حقیقت را نمایان خواهد کرد و فرمان ایزدی و خداوندی اشاری یعنی درستی و راستی جهان را فراخواهد گرفت .

(۷) سقعنیش پیو، سقعنیش زیو، سقعنیش خیز.  
 واپس و سعی سطحی خیز، عرسو (چند رس).  
 و رسد، بخیز در رس، ددم بخون رس در رس.  
 و هرسدن بد، دد (رس) بی، سعی رس (رس)، رس در رس و رس در رس.  
 و سقعنیش پیو، چهار رس، رس در رس.  
 دادن چهار رس، رس رس، واپس عده دیده خیز، رس بی.

ترجمه : میان این گنه کاران هیچ یک پیشرفتی که به کوشش در این زندگی آموخته (و آزموده شد) نمیداند بنا بر این گویند که آزمایش آهن گداخته باید بشود.  
 ای اهورا ! انجام چنین آزمایش را بهتر میدانی.

توضیح : مقصود خوبی را به اینکه در زندگی آسایش و رامش و سکون پیدا میکند باید فراگرفت و به خوبی هر عمل در ایام زندگی به تجربه بی میبریم در اینصورت برای ثبوت خوبی و حفایت آموزشی معجزه خواستن و آهن گداخته را ثبوت خوبی دانستن بیهوده است و در آخر میفرماید ای اهورا چنین آزمایش را (که در نتیجه شک و ندادانی) تقاضا میکنند تو خود بهتر میدانی.

(۸) سقعنیش پیو، سقعنیش زیو، سقعنیش خیز.  
 واپس و سعی سطحی خیز، دد (رس) بی، رس در رس و رس در رس.  
 رس، رس رس و رس بخون، رس بخیز، رس رس.  
 رس رس بخون رس خیز، رس رس، رس رس (چهار رس).  
 رس بخون رس خیز، رس رس، واپس رس خیز، رس رس.

ترجمه : میان اینها گنه کاران وی ون وت (وبوراو) یمه نیز گفته شده که میخواست در نظر مامیر زندگان به چیزهای جهان تن را روشن و خوشنما ساخته خوشنود

کنند - ولی ای مزدا (کوشش من برای بلندی روان است و بنا براین امیدوارم) در روز واپسین از آنان ممتاز شمرده شوم.

**توضیح :** مقصود از گنه کار در این بند شخص دنیوی است. زرتشت میفرماید که پیش از او قهرمانانی چون وی و ن و پورا او جمشید در گذشته اند که به آبادی جهان کوشیدند ولی هدف آنها دنیوی و مادی بود و من برای پاکی روان و خوبی اخلاقی و نظم جامعه میکوشم بنا بر این روز واپسین از آنان ممتاز و جدا نموده خواهم شد.

(یما بزبان سنسکریت یما (yama) پور وی و ن و نوت که بزبان سنسکریت وی وس و نوت تلفظ میشود از قهرمانان بسیار باستانی آریای هند و ایران بودند بلکه یما ایزدی است که به جامه بشر در آورده اند توصیف او در اوستا شده می فرماید که اهورا مزدا از او خواست که پیغام روانی ایزدی به بشر برساند و او خود را در آن وظیفه کم زور یافته التماس نمود که اورا به عمران و آبادی جهان مأمور کند و خواهش او پذیرفته شد و برای وظیفه اخلاقی و پیغامبری ایزدی زرتشت مأمور گشت از این رو در این بند میفرماید که هم یما و هم من به اصلاح جامعه از جانب اهورمزدا مأمور شده ایم ولی یما جنبه مادی و من جنبه معنوی را دارم و بنا بر این روز واپسین حساب من از او جدا و ممتاز شمرده خواهد.

در رگویدا یما یکی از القاب آتش است وی و نوت را به مفهوم آسمان و بیما را بمعنی خورشید گرفته اند والبته روشانی خورشید گیاهها و جانداران را بالیله و شاداب و همه اشیاء زمین را خوش نما میسازد و گویا به همین علت در شاهنامه عصر جمشید (یما) زمان ترقی و آبادی است.

ترجمه: آموزگار بد نامه دینی را تباہ میسازد و یقیناً به آموزش (نادرست خود) روش زندگی را فاسد میکند و ازما نیروی روانی را که دانش گران بها به و هومن (دانش ایزدی است) دور میسازدو با این سخن (که تمدنی) دل من است ای مزدا و ای اشایه شما فریاد می کنم (ملتتجی میشوم).

توضیح : میرماید آموزش دیویسنها روش زندگی افراد جامعه را فاسد میکند و از پی بردن به دانش ایزدی که بخشش گران بهاست دور میسازد و بنا بر این ای مزدا و ای اشا به شما هر دو التجا میکنم که چنین آموزش و آموزگاران بد کامیاب نگردد.

ترجمه: چنین کس یقیناً نوشه دین را تباهمیسازد هرگاه نکوهش میکند که دیدن زمین و خورشید گناه بزرگ است بلکه آنانرا که نفس روانی دارند بپروان

نار است رهنمایی می کند و باین ترتیب غذای روانی (آنالر) پلید (مسوم) می سازد و این افزار رزم که گمراه کردن است سوی نیکان پرتاب می کند.

توضیح : در این بند اشاره به اختلافی است که میان دیویسنها و مزدیسنها صورت گرفت. تفصیل آن معلوم نیست گویا دیویسنها عبادت مخصوص هنگام شب بجا می آوردند که مزدیسنها هنگام روز میگردند و این اختلاف را دیویسنها و سبله تبلیغ ساخته بر مزدیسنها انتقاد میگردند و می کوشیدند که برخی از آنان را گمراه سازند و به کم خود برگردانند و ضمناً اشاره شده که شب سمبول تاریکی و ندادانی و روز روشنایی و راستی است اینکه بسیاری از دانشمندان غرب زمین اختلاف کیش زرتشت را با عقیده آریای هند دانسته اند درست به نظر نمیرسد بلکه اختلاف میان دو گروه ایرانی بود . و عقیده گروه مخالف زرتشت که دیویسی نامیده میشوند با عقیده آریای هند ممکن است که هم مانند و نزدیک باشد .

(۱۱) هَذِهِ الْمُؤْمِنُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ لَنْ يَرْجِعُوا هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ  
وَلَنْ يُرْجَعُوا وَلَمْ يَرْجِعُوا هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ  
لَمْ يَرْجِعُوا هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ هَذِهِ الْمُؤْمِنُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ  
وَلَمْ يَرْجِعُوا هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ هَذِهِ الْمُؤْمِنُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ  
وَلَمْ يَرْجِعُوا هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ هَذِهِ الْمُؤْمِنُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ  
هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ هَذِهِ الْمُؤْمِنُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ هُنَّ الْمُنْتَصِرُونَ

ترجمه : مردمی مانند اینها روش زندگی (ما) را فاسد میگفتند زیرا که آنان شکوه و بزرگی را در زنان و مردان نارستان تصویر میگشتند و نیکان را از بهترین (راستی و درستی) باز میدارند و ما را از رسیدن به هدف مانع میشوند ای مزدا ! اینها پیوسته ذهن (ما را) پریشان میسازند.

توضیح : این بند در اندیشه تسلسل بندگذشته میباشد و شکایت از فساد اخلاق و مخالفت از دیویسنهاست که زنان و مردان طبقه بالا را محض نفوذ و

دارای آنان بزرگ می‌سازند و نمی‌گذارند که نیکان به هدفی که اصلاح جامعه باشد  
برسند و اندیشه آنان را مشوش می‌سازند و به این ترتیب و هم‌منعنه دانش را  
از آنان دور می‌کنند

(۱۲) و سه (سیزده سرود). داد «سیزده سرود»  
 فایده دارد و بسیار دیدورستی دارد. سه (سیزده سرود) چهاردهمین سرود است.  
 سیزدهمین سرود سه (سیزده سرود) است.  
 و بیست و هفتمین سرود است. (سیزدهمین سرود) داد «سیزدهمین سرود».  
 و سیزدهمین سرود است. سیزدهمین سرود داد «سیزدهمین سرود».  
 و سیزدهمین سرود است. سیزدهمین سرود داد «سیزدهمین سرود».

ترجمه: از اینگونه آموزش مردم از بهترین (روش) عمل روگردان می‌شوند  
و البته برای آنان مزدا مکافات فرموده است اینها زندگی مردم گیتی را بسخنان  
دلکش و بلند فاسد می‌کنند تا اینکه مردم به جای (روش) اشا به (یکی مانند) گرهمه  
و کرپه و پروان آنان که در پی بدی هستند برتری دهند.

توضیح: تفسیر و ترجمه این بند را هر مفسری به نوعی بیان کرده است  
و از سلسله افکار در بندهای گذشته آنچه میتوانیم توضیح بدھیم این است که میفرماید  
دیویستیها بسخنان دلکش و گیرنده میکوشند که مزدیستیهار الازراه راست اشائی  
برگردانیده به عقیده خود متوجه سازند و رؤسای این گروه کرپه و گرهمه میباشند  
این فکر در سرود ۴۵ در بند نخستین تکرار شده آنجا که میفرماید:  
 مبادا بار دیگر آموزگاران بد (گرهمه و کرپه) جان شما را تباہ سازند.  
 اینها که بدکیش هستند (بدگیرنده یا برگزیننده) ناراست و به زبان پریشان  
یا از حقیقت روگردان (برتری دهنده؟)

(۱۳) نہ سد من نیس سدی (سد) ۴۴ (معنی) نہ نیس سد دم  
 سد دن بدن سد نر رسد و سدی (سد) ۶ سد سو سد  
 سد نیم دن بد سد (معنی) سد نر رسد  
 و سد سو سد سدی (سد) ۶ سد سو سد  
 کن سد نر رسد ۶ پیروی (سد) ۶ و سدی (سد)

ترجمه: هر نیروئی که گرهمه امیدوار است که باید آن در احاطه اهربین خواهد بود (واین نیرو) تباہ کننده زندگی (روانی) او خواهد شد و آنگاه ای مزدا! هر یک از (پیروانش) به التجا و فریاد خواهند خواست این پیام را که از سراینده سرود و برای تو گفته میشود و اینکه تهدید آنانرا بر خلاف اشا (راستی) بازمیدارد. توضیح: گرهمه امیدوار است که نیرو باید مردم را به خود متوجه سازد ولی نیروئی که او خواهد یافت اهربینی خواهد بود و او را به مرگ روانی و اخلاقی خواهد برد، ای مزدا در انجام آنانکه به او مایل هستند روزی میرسد که از تو به التجا فریاد خواهند کردو خواهند خواست پیامی که تو سطسوس اینده سرود برای تو گفته میشود به آنان برسد و تهدیدی که دیوبستیها بر خلاف روش اشائی (راستی) میکنند مزدیستیها را از آن بپاید و حفظ کند.

ترجمه: برای اینکه او (زرتشت) را به دام بیندازند گرهمه و کوی از زمان باستان کوشیده‌اند و ذهن را متوجه کرده‌اند (و بهمین اراده) و برای یاری‌وزندگی تنی به آنان نزدیک شده‌اند برای اینکه زندگی آنها محاکوم به مرگ شده است و امیدوارند که یاری تباه نشدنی بسوی آنها بستابد.

توضیح: از مخالفین زرتشت یکی گرهمه نام داشت که میان دیویسینیها با نفوذبود. دوم کوی که معنی آندانا و خردمند است برخی از تیره کوی مانند گشنا سپ از مؤمنین و پیر و انز رتشت شدند و برخی سخت مخالف بودند بنا بر این مزدیسینیها آنان را القب ناییندا دادند و سوم کرپه که لقب کر یافتهند و اتفاقاً هم چنین القاب در قرآن نسبت به مخالفین اسلام داده شده و چهارم او سگ یا او سخ (Usig) از ریشه Vas اراده کردن، این نام در رگ ویدا نیز ذکر شده بنا بر دستور زادسپرم (Zadsparam) اینها چند برادر بودند که به زرتشت سخت مخالفت میورزیدند و گرهمه ادعای هم رتبه بودن می نمود و ممکن است که دیویسینیها تابع کیش باستانی آریائی نبودند بلکه به آموزش گرهمه گرویده و متقابل مزدیسنسی که کیش راست شمرده میشد کیش آنانرا مزدیسینیها دروغ یانار است نامیدند.

(۱۵) سه‌سده‌د. سه. فایزه‌سده‌سده.  
 وسسه. وسائیل‌سخنده‌سده. وسیله‌سخنده‌سده.  
 سه‌سده‌د. سه‌سی. سه‌سی‌سخنده. وسده‌سی‌سخنده.  
 ای‌دی. بی‌رسه‌م‌د. سی‌سی‌سده‌م‌سخنده. فای‌سده‌م.  
 ۷۳. سه‌سده. سه‌سده‌سخنده‌سده.  
 فای‌سده‌م‌د. سه. وسیله‌سده. سه‌سده‌م‌ه.

ترجمه : چنین یقیناً کاملاً به ناکامیابی آورده شدند چه این گروه کرپه و چه کوی توسط (همان مردم که) به آنان مقرر داشتند که بر همه زندگی کاملاً خداوندی نکنند .

و اینها (خرداد و امرداد را یافته) با آن جفت به نمان و هومن (دانش ) برده خواهند شد .

توضیح : پیشگوئی - کرپه که به سخن راست‌گوش نمی‌دهند و کوی که به دیدن حقیقت نایینا هستند در انجام نقشه آنان برای تباہی و بازداشت مزدیسنهای از خداوندی برزیست نقشه‌ای برآب خواهند شد و مزدیسنهایا به یاری جفت خسرداد و امرداد یعنی تندرستی وزیست جاوید به مکان و هومن که عقل کل و جوهر دانش است خواهند رسید.

بنا بر آموزش زرتشت دوزخ و بهشت در ذهن و نفس خودمان هستند و بنا بر اعمال پدید میگردند اگر اعمال درست و اشائی هستند بصورت بهشت و اگر نادرست و اهربینی میباشند به شکل زشت و رنج آور در می‌آیند به اعمال اشائی دوزخ تنی را بهشت و به کارهای ناشایسته اهربینی بهشت‌گیتی را دوزخ میسازیم.

(١٦) مَرْجَعَهُمْ مَنْهُمْ وَمَنْهُمْ دُونَهُمْ سَعْيٌ لَّهُ  
 فَمَنْهُمْ دُونَهُمْ (دُونَهُمْ نَدْرَوْهُمْ نَدْرَهُمْ)  
 مَنْهُمْ دُونَهُمْ دُونَهُمْ (دُونَهُمْ دُونَهُمْ)  
 فَمَنْهُمْ دُونَهُمْ (دُونَهُمْ دُونَهُمْ)  
 مَنْهُمْ دُونَهُمْ دُونَهُمْ (دُونَهُمْ دُونَهُمْ)

ترجمه: یقیناً هم رنگ با بهشت (و هومن) است او که از آموزش راست آموز گار دانا را پیروی میکند.

ای مزدا اهورا ! تو توانا هستی بر آنانکه نقشه‌ها برای آزار من می‌کشند و  
بتوانم باز دارم پیروان ناراستی را از ستم بر دوستان (ارادتمندان) تو.

توضیح: او که به آموزشی راست پیروی میکند گوئی در جایی هم مانند به بهشت است.

مزا اهورا تسواناست که نقشه‌های دشمنان را که برای آزار من می‌کشند باطل کند.

بتوانم پیروان ناراستی را از ستم بر ارادتمند تو بازدارم.

خلاصه سرویسی و دوم

در این سرود مخالفت دیویسنسی به آموزش زرتشتی بیان شده. سرود آغاز می‌شود به اینکه چه زرتشتی و چه دیویسنسی هر دو اهورامزدا را می‌ستایند و او را بزرگ مینکنند والبته اراده ایزدی براین است که در جامعه فساد نباشد پس چه اندازه بجاست که زرتشتی و دیویسنسی بهم ساخته اراده اهورامزدی را در جامعه انتشار دهند و مفسدان را پس رانند و نگذارند که علت فساد و ناراحتی مردم شوندو پس

از آن دربندهای دیگر شکایت از گرهمه و دیگر مخالفین است و اینها :-

اول کرپه ، دوم کوی ، سوم اوسگ بودند. در بند آخر خطاب به اهورمزد عرض میکنند که زرتشت را یاری دهد که ستم و آزار دیویستیها را از افراد جامعه دور کند و مزدیستیها را امیدوار می‌سازد که در انجام از پیروی به آموزش راست و آموزگاران نیک به بهشت برین که مقام دانش و هومنی است رسیده سعادتمند خواهند گشت .

کوی بمفهوم دانا و سرودگونام گروه یا تیره ایست که افراد آن با زرتشت مخالفت میکردند تا اینکه گشتناسب که از تیره کوی بود با خانواده‌اش به آموزش زرتشت گروید و پس از آن آریای ایران دو بهره شدند بهره‌ای مخالف بنام دیویستی و بهره‌ای پیرو زرتشت بنام مزدیستی . مخالفین کوی را مزدیستی‌ها کور لقب دادند. دوم کرپه نیز تیره یا گروهی بودند که از مزدیستی‌ها لقب کر یافته‌ند یعنی سخنان زرتشت را می‌شنیدند ولی اطاعت نمیکردند که سهل است مخالفت مینمودند. سوم اوسگ که در رگ‌ویدا نیز این نام ذکر شده .

چهارم شخصی بنام گرهمه که رئیس دیویستی و خود را هم رتبه زرتشت می‌دانست. از آموزش او اطلاعی در دست نیست در سرودهای گاتاگرچه‌از او شکایت شده ولی اختلاف او چگونه بوده اشاره نشده زرتشت اهمیت زیاد به امشاسبندان بوبیزه اشاو و هومن می‌داد و ممکن است که در آموزش گرهمه اینها مهم نبودند بلکه دیگر معرفی می‌شدند. بیشتر از ایران‌شناسان گفته‌اند که عقیده و رسم عبادت دیویستیها به آریای هند هم مانند بود بنابراین اختلاف دینی را میان هند و ایرانی دانسته‌اند ، ولی اختلاف میان دو گروه ایرانی بود و عقیده گروهی با عقیده آریای هند نزدیک بوده و اگر عقیده میان ایرانی و هندی بود، در گاتا از آن اشاره می‌شد و هم‌چنانکه مقابل زرتشت یکی مانند گرهمه سر بلند کرد و رقابت و حсадت نمود و ادعائی داشت مقابل بودا و موسی و حضرت محمد نیز اشخاصی بودند که رقابت می‌کردند و ادعائی می‌نمودند مانند عمر ابن هشام معروف به ابو جهل و ولید بن مغیره و در آخر مسیلمه .

سروडسیوں

( ۳۳ ) دهوندیه. نامه دهوندیه.

(۱) قسمی سندیم. دلیل. وایس (ج) پیغام دهیم.  
پیغام. و سندیم. مدعیانه (ج) دلیل. پیغام (ج) دلیل در رسید.  
رسید. و سندیلیزیم. (لیزیم دهیم)  
ولیق (سندیلیزیم). بزرگسازیم. سندیلیزیم.  
پیغام سندیلیزیم. پیغام در رسید.  
دلمیلیزیم. پیغام دلیل در رسید.

ترجمه: بنابراین (اصول) در (گینی) خواهد وزید و این‌ها آئین‌اساسی زندگی هستند (از زمان باستان) و او که ر ت و (یعنی رهبر روانی است) به کمال داد و راستی عمل خواهد کرد چه به پیروان ناراست (دیوبسنی) و چه به پیروان راستی (مزدیسنی) و همچنان به‌هر که خوبی و بدی او آمیخته است (باهر که نواقص او آمیخته به‌استعداد و شایستگی است).

توضیح: در این بند اندرز بسیار سودمند و عادلانه گفته شده میفرماید که دادور در قضایت باید کاملاً بیطرف باشد و چه مخالف او که دیویسنس است چون محاکمه بکند به راستی و درستی و بیطرفی بکند در همه کارهای آنان چه شایسته و چه ناشایسته.

(۲) سمع و بین و سوچ و لفظ (سد و سوچ)  
 و اندیشه خود را و اندیشه بین خود و اندیشه سمع خود  
 و سمع خود را در دست و اندیشه بین خود را در دست  
 و اندیشه بین خود را در دست و اندیشه سمع خود را در دست  
 و اندیشه سمع خود را در دست و اندیشه سمع خود را در دست

ترجمه: و هر که بدی میکند (یعنی مبارزه مینماید و خنثی میسازد) کارهای دیویستیهار اخواه به سخن یا به اندیشه یا به دست (یعنی عمل) یادوست همکار خود را (راه خوبی میآموزد او مشیت اهورمزدا را از روی ارادت عملی میکند (بجا میآورد).

توضیح: در این بند مفهوم جمله آخر دعای اهنوار گویا بیان شده یعنی میفرماید که:-

اولاً- او که راه حقیقت و راستی را یافته باید بکوشید خواه به اندیشه یاسخن یا عمل دیگران را رهنمای گردد.  
 دوم- دوست و همکار خود را از آنچه از خوبی دانسته بیاموزد و به این ترتیب او از ارادتی که به اهورمزدا دارد و مشیت اهورمزدی را میان افراد جامعه عملی میسازد.

(۳) قسم. سمع سده‌ی ام. واسوند بدمج.  
 سمع سده‌ی ام. واس سمع. واس. فاعل (کیع) درج.  
 سد (دوست) سده. واس. سمع (له).  
 وایوه پهود. واس. لکن سمع سده‌ی ام. قس (له).  
 سمع. سه (له). سمع سده‌ی ام. سمع سمع.  
 واس دهن (نه) دن بدرسه. واس دهن (نه). همس سمع (نه).

ترجمه: ای اهورا! او که بهترین رفتار با نیکان میکند چه از خویتوشی  
 باشند و چه ازورزن و چه آریمه! و به صمیمت زندگان گیتی رامی پرورد چنین کس  
 یقیناً درجای و هومن و با اشا خواهد بود.

توضیح: مزدیسني چنانکه باید با خرابهای دیویسني مبارزه کند هم چنان  
 باید به نیکان خویتوش و ازورزن و آریمه خوش سلوکی نماید و درپرورش جانداران  
 گیتی و آبادی به صمیمت بکوشد و چنین کس البته درجای و هومن راه می‌باید و  
 با اشا میماند.

(۴) قاع. لکن سمع. همسی و سه سده‌ی ام بدمج.  
 سده‌ی ام. همسی (له). و همسی سده. سدن الله.  
 سمع سده‌ی ام بدرسه. همس (له) سده‌ی ام بدمج.  
 فاعل (کیع) سمع سده‌ی ام بدمج. همسی دهن پهود. و ایله.  
 سد (دوست) سده‌ی ام بدرسه. { سده‌ی ام بدمج.  
 همس دهن بدرسه. واس دهن (نه). سدن دهن (نه). همس پهود (نه).

ترجمه: بنابراین ای مزدا! دعا میکنم که از پرستنده تو بی ایمانی و بد-  
 اندیشی دور شوند و از خویتوش تکبر (خودپسندی) و ازورزن و مخالفت به خویشان

**توضیح:** آرزوی حضرت زرتشت چنین بود که از اهورمزد میخواهند اینکه:: فزدیک و ازایریمنه تهمت<sup>(و دشمن)</sup> و از عموم مردم گیتی<sup>(بدشبانی)</sup> (یعنی بد رفتاری).

- ۱- از مزدیسنیه‌ها عموماً بی ایمانی و بداندیشی دور شوند.
  - ۲- از خویتوش که اعلاط‌ترین طبقه زرتشتی بودند خود پسندی و به خود بالپیدن و ...

### ۳- از ورزنه مخالفت به خویشان نزدیک

#### ۴- از اریمنه بدگوئی! از (مودم)

۵- از عموم مردم زمین بدرفتاری و بی اعتنائی به همدیگر.

و البته در صورتی که این دعا مستجاب بشود زندگی تنها برای همه زندگی روانی و بهشتی می‌شود.

(٥) وسیلہ دھوکہ۔ خانہ دھونے۔

داللـ طـيـعـهـ . كـوـرـدـوـهـ . سـهـلـهـ سـهـلـهـ .

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَوَّلُونَ

۶۴. ملک و سلطنت (۶۴). واسطہ عالم (۶۵). سُرگزینی (۶۶).

مکتبہ ملیعہ۔ س۔ ۱۴۲۵ھ۔ ۱۹۰۷ء۔

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَوَّلُونَ مَنْ يَعْمَلْ مِنْ حُسْنٍ يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنْ كُبُرَ الْآثَمِ فَلَا يَرَهُ

ترجمه: بنابراین بزرگترین همه سروش خودت برای کامیابی خواهد خواست ( دعا خواهد کرد) و به رسیدن به زندگی دراز و به رسیدن تابه مکان و هومن (بیاری) اشا از راه راست آنجائیکه خود اهورمزد امیماند.

توضیح: در این بند فکر بند گذشته تکمیل شده یعنی اگر طبقه‌های جامعه فاسد نباشند و اصلاح بیابند بزرگترین همه فرشتگان سروش اهورمزدی برای آنان به زندگی دراز و وصول به مکان دانش ایزدی که و هومن باشد بیاری اشا که

درستی و راستی است دعا خواهد کرد و آنان از آلودگیها پاک شده به مکان سعادت که جای خود اهورمزداست خواهند رسید.

داریوش بزرگ درسنگ نوشت او از اهورمزد میخواهد که خشکسالی نشد و دشمن خارجه بر ایران نتازد و مردم همواره راست و درست باشند. شت زرتشت نیز از اهورمزد خواستار است که در طبقه‌های زرتشتی که آنان را خوبیتوش و ورزنه و اریمنه نامیده است خود پسندی و مخالفت با خوبیشان بسیار نزدیک و اتهام بر مردم پدید نشود و شبان یعنی فرمانده داد دهنده و خوش اندیشه باشد و با مردم خوش-رفتاری کند تا سروش از اهورمزد بخواهد که به حضور آفریدگار برسند یا اینکه زرتشت دعا میکند و از سروش زیست دراز میخواهد تا بتواند در این زندگی کارهای نیک بجا آورد و امیدوار است اولاً به مقام و هومن واشا و در انجام به مکان اهور-مزدا که مقام خوش بختی و سعادت است برسد.

ترجمه: بنابراین به حیث سرودگو (زاوتر) استوار درپیروی به اشا با همه توجه از بهترین روان بوسیله و هومن من التجا (دعا) خواهم کرد که بتوانم وظیفه پاسبانی (رهبری) را چنانچه اندیشیده شده است به انجام برسانم. پس تمبا میکنم (خواهشمندم) از توای اهورمزدا! که دیدار خود بمن بنمائی و به تو هم پیوست شده (مکالمه کنم).

**توضیح:** آرزوی دیدار و پیوستگی یعنی گفت و شنید به پروردگار منحصر به زرتشت نبود، بلکه چنین آرزو را دیگر رهبران بزرگ مانند موسی و ارجمند (در بهگوت گینتا) و دانشمندان روانی مانند پلوتینوس کرده‌اند یا گفته‌اند که به فیض دیدار که معرفت باشد رسیده‌اند گویا شناسائی از آفریدگار و به ذات خود، آرزوی هم‌نیکان جهان بود و هست.

ترجمه: ای بهترین بسوی من بیانید به ذات خود که دیده شوید ای مزدا و  
ای اشا و ای و هومن تاکه من از برادری مگاشنیده شوم و میان ما پدید شود واضح  
آنچه از وظایف ما میباشند و نسبت به شما نماز باری تقدیم گردن.

توضیح: در این بند زرتشت آرزو میکند که نه تنها اهورمزدا بلکه (دو از صفات مهم او) که اشا و وهمن باشند دیده شوند تا سخن او میان برادری مگاکه تیره و پیروان او باشند شنیده شود و هر کس وظیفه‌ای که نسبت به آفریدگار دارد به ارادت‌بجا آورد و بداند و تقدیم کند.

ترجمه : به توجه ای مزدا ! در همه کارم که از و هو من ملهم شده پیروی میکنم، داوری کن نیز پرستش چون تویی ای مزدا و نیز سخنانی که درستایش توازن اشا ملهم میشوم شما امرداد بمن زیست جاوید دهید و ای خرداد سعادت کامل شدن. توضیح: مقصود از اهورمزد التجا میکند به وقت در کارهایی که از و هو من ملهم شده بجا میآورد سرود و ستایشی که از اشا الهام یافته میسر اید داور میکند و از امرداد زیست جاوید و از خرداد سعادت کامل شدن را آرزومیکند.

ترجمه: یقیناً از تو هستند ای مزدایین دونیر و (صفات) فزاینده‌اشا (راستی)  
بیابم بوسیله نور ایزدی دانش و هومنی و این دوامداد و خرداد از بلندیهای جهان  
تحمی دخوش بخت، ساورند انتها که روان شان به ک صورت کارمکند.

توضیح: در این بند آنچه در بند دوم سرود ۴۵ درباره سپنتا ماینیو و انگرا فرموده عکس آن میفرماید یعنی سپنتا هیچ گاه در عمل و روح مانند انگرا نیست و این دو همواره برعضد هم کار میکنند ولی امرداد و خرداد در کاریکسان هستند، و روان یعنی حقیقت آنان در عمل بهیک نتیجه میرسد که آن سعادت جاوید است و عبارت این بند البته تسلسل عبارت بند گذشته است.

(۱۰) وایند<sup>۱</sup> سع<sup>۲</sup> دد<sup>۳</sup> ج<sup>۴</sup>. مع<sup>۵</sup> مع<sup>۶</sup> دد<sup>۷</sup> ر<sup>۸</sup>.  
و<sup>۹</sup> سع<sup>۱۰</sup> ر<sup>۱۱</sup>. سع<sup>۱۲</sup> مع<sup>۱۳</sup>. و<sup>۱۴</sup> سع<sup>۱۵</sup> دد<sup>۱۶</sup>. مع<sup>۱۷</sup> مع<sup>۱۸</sup>.  
و<sup>۱۹</sup> سع<sup>۲۰</sup> دد<sup>۲۱</sup>. مع<sup>۲۲</sup> مع<sup>۲۳</sup>. ل<sup>۲۴</sup> د<sup>۲۵</sup> د<sup>۲۶</sup> د<sup>۲۷</sup> د<sup>۲۸</sup>.  
ل<sup>۲۹</sup> ک<sup>۳۰</sup> د<sup>۳۱</sup>. ل<sup>۳۲</sup> ک<sup>۳۳</sup>. ل<sup>۳۴</sup> ل<sup>۳۵</sup>. ل<sup>۳۶</sup> ل<sup>۳۷</sup> ل<sup>۳۸</sup>.  
ل<sup>۳۹</sup> ل<sup>۴۰</sup>. ل<sup>۴۱</sup> ل<sup>۴۲</sup>. ل<sup>۴۳</sup> ل<sup>۴۴</sup>. ل<sup>۴۵</sup> ل<sup>۴۶</sup>.

ترجمه: ای مزدا! همه<sup>۱</sup> نیکان<sup>۲</sup> از تو هستند چه (از آنها) که در زمان پیشین بوده‌اند و چه آنانکه وجود دارند و چه آنانکه بوجود خواهند آمد از اینها همه به عنایت خود اجازه بده که بهره مند (شریک) شویم و بوسیله و هومن و خستر و اشا تن ما را به روشنایی و خورسندي ایزدی بلند کن.

توضیح: این بند در مناجات است از اهورمزد میخواهد که ما را از نیکانی بکند و توسط و هومن و خستر و اشا شخص ما را به روشنایی و خورسندي ایزدی بلند نماید . هر جا که اشاست آنجا اشتا یعنی روشنایی و خورسندي حقیقی نیز وجود دارد (رجوع شود به دعای اشم و هو و هشتم استی اشتاستی) .

ترجمه: ای اهورمزدا تو برهمه تو اناترین هستی وای ارمایتی و نیز اشاکه به زندگی گینی سعادت و بر کت میدهید و ای و هومن و خشتربه فریاد من برسید و بر من بخشايش کنید هنگامیکه پاداش را از هریک به هریک می بخشید .  
توضیح: این نیز در مناجات هست و خطاب نه تنها به اهورمزد بلکه به امشاسپندان نیز نموده و از آنان التجا میکند که بر او بخشايش کنند هنگامیکه پاداش اعمال را به مردم خواهند داد .

(۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰)

ترجمه: بس آی در من ای اهورا و بوسیله ارمایتی مرا توانائی (روانی به بخش) و بوسیله سپتاماینیو ای مزدا پاداش نیاز نماز و بوسیله اشانیروی کامل روانی و بوسیله و هومن مهر به همه زندگان (مهر یکه همه را فرآگیرد).

**توضیح:** این بند و دو بند دیگر یعنی بند سیزده و چهارده در آغاز آتش نیایش خوانده میشوند و به صورت مناجات پرمument ترین دعاء حسوب میگردند میتوان گفت که در این بندها جنبه عرفانی آموزش زرتشتی است .

(۱۳) سل<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. واط<sup>ل</sup>، سل<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>،  
وط<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>ب<sup>ل</sup>. ه<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. وسس<sup>ل</sup>. ه<sup>ل</sup>ام<sup>ل</sup>. سلد<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>،  
سس<sup>ل</sup>. سلل<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>ن<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. س<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>، س<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>،  
وس<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>. هلس<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. س<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. س<sup>ل</sup>م<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>،  
لل<sup>ل</sup>ل<sup>ل</sup>. دلل<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>ه<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. س<sup>ل</sup>ل<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>،  
سل<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>. وسل<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>ن<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>. س<sup>ل</sup>ل<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>ن<sup>ل</sup>س<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>د<sup>ل</sup>.

**ترجمه :** ای اهورای همه بین ! مرا سعادت مند کن به آشکار شدن بخشش‌های گران‌بهای تو ( یعنی ) از خشنتر که در آن سعادت و هومنی باشد و ای ارمایتی پاک ، واضح توسط اشاما را به درک باطن ما ( وجودان ) موفق ساز .

**توضیح:** از اهورمزد همه بین خواستار است که بخشش‌های گران‌بهای او یعنی نیکوئی و پاکی و راستی و دانش عطا فرماید و در عملی ساختن آنها نیروی خشنتر به بخشش که در آن دانش و هومن باشد و ارمایتی توسط اشا ادراک آگاهی به باطن عطا کند تا اشاره‌های وجودان را بسنجدیم و باطن خود را دریابیم . ارمایتی بمفهوم ارادت و گرویدگی و پذیرندگی و تسلیم گفته شده .

(۱۴) سمع. (سده پنجم). و سادق دن بدم؟  
 ده سه} «سددبریم». نمودن سمع در سمع. (و بدم سه) ۶۴.  
وسوسد همین. مع بد («سنه ۶۴»).  
 سه} سمع دن سددبری. واسمع عزم (عزم). و سی و سه.  
وسودند؟لذت بر روز سه. نمودن سمع. وسوسد همین.  
دن چه نمودن سمع در سددبری. دده (سده پنجم). نمودن سمع؛ بر سه.

ترجمه: بنابراین زرتشت همه زیست تن و روان و برجسته ترین عمل خود را به حضور مزدا و وهمه بصورت نیاز پیش کش میکند و بهترین کار و سخن را به اشاده صمیمی ترین ارادت بندگی را به خشنتر اهدا مینماید.

توضیح: در این بند زرنشت زندگی ظاهر و باطن و همه اعمال نیک و اندیشه و سخن خود را به حضور اهور مزدا و سه صفات برجسته اویعنی وهمه اشاره مینماید که زندگی آنان چه تنها و چه ذهنی باید هدیه و نیاز باشد که به حضور اهور مزد تقدیم میکند و البته هدیه‌ای که آفریده شده به آفریدگار خود پیش کش میکند باید در بهترین صورت باشد.

### خلاصه سرود سی و سه

از افکار این سرود که اخلاقی و عرفانی میباشد عارف کامل یا ادیب فاضل میتواند یک مشنوی مفصل بگوید ولی متاسفانه در ایران کسی پیدا نشد و این گنج گران بها هم چنانکه در این سرود زندانی بود تاکنون زندانی مانده.

در بند نخستین سخن از داوری است میفرماید دادر باید بیطرف باشد چه

به دشمن و چه نسبت به دوست آنچه محاکمه میکند و حکم میکند نظر او بر داد باشد کارهای شایسته و ناشایسته هر دو تن شاکی را نیک بسنجد و هرچه ترازوی داد حکم میکند بگوید و در بنده دوم هر که از خوش بختی راه راست را یافته باید دیگران را رهنمای گردد به اندیشه و به کار و به سخن برای دیگران نمونه شود و اراده اهورمزدی که راستی و نظم و درستی است در افراد جامعه بیفزاید در بنده سوم پنده میدهد که از یکسو باید با فساد مبارزه کرد واز سوی دیگر به آنان که نیک هستند همراهی نماید و در پرورش جانداران بکوشد و در بنده چهارم از اهورمزد میخواهد که از پیروان او صفات ناپسندیده خود پسندی و مخالفت به خویشان و بدگوئی از افراد جامعه و بدرفتاری و بی اعتمانی به عموم مردم دور شوند و در بنده پنجم زندگی دراز را آرزو می نماید نه برای هوس رانی و جاه طلبی و سودمایی بلکه وقت بیابدنا کارهای نیک را بیشتر بجای آوردواز دانشی که از اهورمزد بوسیله و هومن یافته کاملا استفاده نماید تا به خوش بختی معنوی و روانی بهر دمند گردد و در بنده ششم آرزوی دیدار ایزدی و پیوستگی یعنی معرفت به آفریدگار آرزو دارد و در بنده هفتم آرزو دارد نه تنها اهورمزد بلکه به اشا یعنی نفس کل و حیات ایزدی و هومن یعنی عقل کل معرفت باید و در بنده هفتم زیست جاوید معنوی را طالب است و در بنده هم با زیست جاوید سعادت و تندرنی را نیز توأم میکند و در بنده هم نیکان چه آنانکه در گذشته اند و چه آنانکه وجود خواهند یافت همه بکسان هستند و از اعمال و افکار همه آنها باید استفاده کرد و آرزو میکند که پروردگار بوسیله نیروی ایزدی یعنی خشتر و اشا ما را روشنائی و خورستنی روانی عطا فرماید و در بنده یازدهم گذشته بر اهورمزد به امشا سپندان خطاب نموده از آنان التجا میکند که هنگام سنجش اعمال در روز و اپسین بر او بخشایش کنند و در بنده دوازده میخواهد که بوسیله ارمایتی حس گرویدگی و اطاعت به اهورمزد و بوسیله سپنتا ماینبو با روان پاک پاداش نیاز و نماز و بوسیله اشان نیروی روانی و توسط و هومن همه روی و مهر عمومی یعنی مهری که همه زندگان را فرا

گیرد و در بند سیزده نام خشنتر را نیز می‌افزاید و از اهورمزد النجا میکند که بخشش‌گران بهای نیکوئی و پاکی و راستی و دانش به ما عطاکنند تا باطن ما مانند ظاهر از آلودگیها پاک و آراسته‌گردد و در بند چهارده همه فعالیت و اعمال خود را چه ذهنی و فکری و عملی و چه آنچه از زبان صادر میشود به حضور اهورمزدا تقدیم میکند و فکر و ذکر و عمل خود را همه نیاز اهورمزد میسازد.

و این است بسیار مختصر از سرودسی و سه گاتا که میتوان آنرا بصورت نامه‌ای مفصل کرد و از روی آن برنامه زندگی را تعیین نمود، خداوند چنین توفیق دهد.

## سرود سی و چهار

( خوشبختی در مدد و مدد )

(۱) وسوسه و سرور طیله و سوسه و سرور موسسه  
وسوسه و سرور خود و سرور خود و سرور خود  
سرور خود و سرور خود و سرور خود و سرور خود  
سرور خود و سرور خود و سرور خود و سرور خود  
سرور خود و سرور خود و سرور خود و سرور خود

ترجمه: ای مزدا! توسط اعمال و سخنان و سرود ستایش که امرداد و اشا  
را سوی آدمیزاد می‌آورم و نیز خشتر را و ای اهورا توسط خرداد از آنان و از  
تو به تقدیم نیاز امید که با کمال صمیمیت بمانیم.

توضیح: زرتشت به اهورمزد عرض می‌کند که به عمل و سخن نیک و ستایش  
خواهد کوشید که امرداد یا زیست جاوید و اشا و نیز خشتر را سوی آدمیزاد  
بیاورد و امیدوار است که او و پیروان او همواره به تقدیم نیاز به صمیمیت در  
امشا سپندان و اهورا بمانند.

ترجمه: و نیز تنها در تو و در همه آئین و هومن و اعمال مردان نیک که روان آنها با اشا همساز و همنگ است رهنماست ما را که در نماز به خواندن سرود ستایش به شما ای مزدا نزدیک شویم.

توضیح: در این بند به سه نکات مهم اشاره شده که وسیله به نزدیک شدن به پروردگار می‌شوند.

## اول - تأمل و تفکر در اهورمزدا .

دوم - تأمل و مطالعه در آئین و هومن که بر اساس و دانش است .

سوم - تقلید از کارهای مردان نیک که اعمالشان با راستی و درستی همساز بوده و هست و با داشتن این سه خصوصیت می فرماید سرودهای ستایش را با آهنگ دلکش می خوانیم تا وسیله آرام روان و اصلاح اخلاق شوند .

ترجمه: و آنچه لازم پرداخت هست ای اهورا به تو و به اشا با کمال فروتنی و نماز خواهیم پرداخت. همه زندگان (مردم گیتی) در زمین تو که بوسیله و هومن (وظایف خود را) به انجام میرسانند زیرا ای مزدا به جوینده حقیقت در بهشت برین میان شما همه جاوید سعادت (و خوشبختی) میرسد.

**توضیح:** در این بند اولاً وظیفه هر فرد بشر را می‌فرماید که باید :

۱- حق نیاز و نماز را به اهورمزد و صفت بارز او شایه پردازد یعنی بدروستی و راستی زندگی کندو... .

۲- زندگانی او باید بر اساس و همن یعنی دانش باشد و در نتیجه او در

بهشت برین اهورمزد و صفات شش گانه او سعادت و خوش بختی ابدی خواهد یافت.

ترجمه: و برای آتش تو ای اهورا که توسط اشا بلند مقام است ما آرزو داریم آنچه باید شایسته آرزوست که دارنده نیرو باشد و همواره به گرویدگان تو بیاری آشکار دهد و اما برای ناگرویدگان ای مزدا! او به اشاره دست به نامه‌ری می‌پسند.

توضیح: آتش مظهر مادی اشاست و در جهان تن به چندین صورت تجلی میکند و آتشی هم هست که مظهر معنوی میباشد و اینجا اشاره به آتش معنوی یا روانی است که آرزو دارد همواره بلنده مقام باشد و به گرویدگان اهورا یاری دهد ولی بهنا گرویدگان نامه ربان باشد. توصیف آتش مقدس در سرود ۴۶ بندش و در دیگر سرودهای گاتا شده است.

(٥) وَسَعْ. فَاعِ. مَلِيْعَسَعْ(٦). وَسَعْ. بَنِيْدَهْدَهْ.  
وَسَرْدَسَطْ(٧)سَدْ. عَسَيْوَسَدْ. قَسَسَسَدْ. قَاسَسَسَدْ. قَاسَسَسَدْ.  
سَعْسَسْ. فَاطِعَةْ. قَسَسَسَدْسَدْ.  
قَلْسَدَدَجْدُورَسَدْ. وَلَقَفْ(٨). قَبَدَعَسَدَهْهَهْ.  
عَسَهْ(٩)-فَاعِ. قَابَدَهْهَهْهَهْ. (عَسَهْ(٩)). قَاسَطْلَعْهَهْ.  
وَسَعْعَعْ(١٠)سَدَهْهَهْ. مَلِلَهْلَهْلَهْ(١١)سَدَهْهَهْ. قَرَنَسَرَسَدَهْهَهْ.

ترجمه: چه اندازه بزرگ است نیروی شما و چه اندازه عمیق است آرزوی من برای خدمت بشما ای مزدا تا که با شما یکگانه شوم و هم چنین با اشا و باوهونم و از ارادت مندان شما نگهبانی کنم و بگویم که برتر و جدا هستید چه از دیواها و چه از مردم بدکار.

توضیح: کلمه Drigu در دعای مقدس اهنوور نیز گفته شده میفرماید: -

Yim Drigubyo Dadet Vasfarem

او که شبان (نگهبان) در گو (یعنی ارادات مندان) می‌شود.

(٦) قَبْرِيَّةٌ. سَلْيَانٌ. دَدْدَنْهُ. بَعْدَدْيَّةٌ.  
سَلْيَوُسٌ. سَلْيَسٌ. فَاطِّيَّةٌ. سَلْيَسْجُونْهُ.  
سَعْ. سَرْخَ. سَلْيَنْهُ. وَسَلْيَنْهُ. وَسَلْيَنْهُ.  
سَلْيَرْهُ. سَلْيَرْهُ. فَاطِّيَّهُ. فَاطِّيَّهُ. سَلْيَنْهُ.  
سَلْيَنْهُ. فَاسِعٌ. وَسَلْيَنْهُ. سَلْيَنْهُ.  
»(سَلْيَنْهُ) سَلْيَنْهُ. دَدْدَنْهُ. (سَلْيَنْهُ). سَلْيَنْهُ. بَعْدَدْيَّهُ.

ترجمه: از آنجاییکه شما ای مزدا و اشا و هومن راست (حقیقت) هستید  
همن راهنمایی کنید درهمه تحولات این زیست تنی چنانکه این پرستنده و ستاینده

شما از بند زنجیری روان آزادگردید.

توضیع: کلمه Ayeni Paiti که بمعنی آزاد گردم ترجمه شده به معنی بازگشت بسوی پروردگار و آزادی از تحولات زیست تنبی است.

(٧) وَدِيْلَسْ. مَنْجِيدْ. سَلْفِلَسْ. سَيْلَسْ.  
 قَسْطِيدْ. فَاسْكُونْجْوُنْ. فَاسْكُونْجُونْسْ. سَسْكُونْجُونْ.  
 دَدْسْكُونْجُونْسْ. (سَقْعَنْجْوُنْ). سَدْدِنْجْوُنْجُونْ.  
 دَدْسُونْجْوُنْجُونْ. دَرْسُونْ (دَرْجْ). دَسْجْوُنْجُونْ.  
 سَقْعَنْجْوُنْ. سَدْدِنْجْ. وَسْكُونْجُونْ.  
 فَاسْكُونْجُونْسْ. سَسْكُونْجُونْ. سَلْفِلَسْ. لَسْكُونْجُونْ.

ترجمه: ای مزدا! کجا هستند گرویدگانیکم و همن را دانسته به این آموزش  
که میراث حقیقی ما هست در نبودن بخت و پریشانی هوش را آزاد ساخته اند از  
آنان جز شما توسط اشا دیگری را نمی شناسم بنابراین ما را پنهان دهید.

توضیح: در این بند شکایت از پریشانی گرویدگان نیک مزدیسنی میکند و به اهور مزد پناهنده میشود.

(۸) مسدود ند. دی. {س}. و سرمه طی مسدود ند. درونه پیوه نه.  
و سرمه عینچ. سدد. (نمساد) لع ط، (لرور ط) دری درونه عینچ.

بره درمه. سدد. سطخ درمه. {سد و درمه} عینچ.  
لکجه ند بره درمه. همسرو سد. پیوه ند. («سد» ند بره درمه).

پیوه ند. {ط} دفع. سرمه عینچ. خلاد درمه پیوه ند.  
سرمه درجه. همد او ه. خاطرچ. سدد. همسچ.

ترجمه: آیا از این فعالیت ما آنان بیم دارند. میان آنان که خطر برای بسیاری  
هست در آنجه تو انا به ناتوان ستم دیده میباشد آنان که از آئین تو ای مزدا سرتابی  
کرده و به اشاره اشا توجه نمیکنند از چنان کسان (البته) و هومن دور میمانند.  
توضیح: میپرسد آیا دیسویسینها از فعالیت ما در بیم هستند و از خطر یکه  
تو انا به ناتوان میرسانند (اینها باید بدانند) هر که به آئین اهورمزد و اشاره های  
اشا سرتابی کرد و توجه نداد از او و هومن (دانش) دور میماند.

(۹) پیوه ند. دفع ع پیوه ند. سد (مسند) دفع عینچ.  
لکجه ند بره درمه. همسرو سد. (لکجه ند) پیوه ند. خاطرچ.

و دید و سرمه طی ند. سد (مسند) سه.  
واس-زونه ند. هم «دده ند». سد (مسند) سه.

سرمه درجه. همسرو سد. سرمه سه. ددرمه لکجه.  
و همس (سرمه). سرمه سه. سد (سرمه). سد (مسند) سه.

ترجمه: او که بدکار است از ارمایتی پاک که نزد پارسای دانشمند گرامی  
است به بی اعتمائی و سرتابی میگذرد (از این است) که از و هومن نادان است و

از چنین نادان ارمایتی نیز با اثنا دوری می‌جوید چنانکه بدان بی‌فرهنگ از ما دور می‌شوند.

توضیح: ارمایتی پاک که نزد پارسای دانشمند گرامی است نزد شخص بدکار نیست زیرا که او از و هومن آگاه نباشد و دانشی ندارد که اندازه پاکی و خوبی را بکند و از چنین نادان البته ارمایتی یعنی صفت‌گرودگی و اطاعت و نیز اثنا که راستی و درستی و نظم است دور می‌شوند و هم‌چنین است برخی از افراد جامعه که بسبب بدی و بی‌فرهنگی از ما یعنی زرتشت و نیکان زرتشتی دوری می‌جویند ( اشاره به بعضی از دیویسینهاست).

(۱۰) نـدـعـوـرـدـسـدـ. فـاسـدـرـعـوـمـ دـنـدـ. هـسـلـسـدـزـنـهـنـ .  
وـسـدـسـطـنـیـ سـدـ. فـاسـطـرـسـمـ. نـهـنـهـنـ. نـهـنـنـهـنـهـنـ.

نـدـعـ نـیـلـوـهـنـوـزـ نـدـسـدـ. نـدـنـهـنـدـهـنـ.  
وـیـهـنـهـنـ. فـایـهـنـ. نـدـنـهـنـ. نـدـوـنـهـنـ.  
نـدـنـهـنـ. وـایـنـهـنـ. نـدـنـهـ.  
نـکـنـهـنـهـنـ. هـسـیـوـسـ. نـلـیـنـهـنـ. سـدـ. وـایـدـلـیـ سـدـ.

ترجمه: پارسای دانا به چنین (مخالفین) عمل و هومن (که مهر است) می‌آموزد که برگرفته شود و نیز (می‌آموزد) که سپتا ارمایتی جاوید موجود و ریشه اشاست و آنان (مخالفین) همه در زیر نیروی تو ای مزدا این حقیقت را دانسته خواهند آمد.

توضیح: می‌فرماید به آنانکه اکنون مخالفت می‌ورزند پارسای دانا ( شاید اشاره به خودزرتشت باشد ) عمل و هومن را که دانش و مهر است می‌آموزد و می‌گوید که آنان بزرگ‌ترند و بدانند که سپتا ارمایتی با اطاعت و گرودگی جاوید موجود و ریشه یا اصل راستی و درستی است و همه آنانکه اکنون مخالفت می‌ورزند در انجام این حقیقت را دانسته بسوی اهورمزدا بازگشت خواهند کرد.

(۱۱) سمع. همچند. (زیر). منسد («سمعه» در سه.  
 سمع (عیون). نه. سمع (عیون) سمعه در سه.  
 واسطه (مند). بنویسند (نه). همسایه واسطه.  
 مدینه سه. همچنین. سعد (عیون) روند. واسطه (مند) معنی.  
 (عیون) (عیون) (عیون).  
 مددروند. نه. همیشه. وای و «دینه» و «پیوه». همچند. سمعه.  
 همچند.

ترجمه: و این هردو چه خرداد و چه امرداد که از توهستند سوی روشنایی رهنمایی میشوند و از خشتر و وهمن و ارمایتی با اشا فزونی زیست نو و توانایی روان است و با اینها ای مزدا بردشمنان پیروز هستی.

توضیح: در این بند همه صفات ایزدی ذکر شده‌اند یعنی خرداد و امرداد و خشترو و هومن و ارمایتی و اشا - میفرماید از اینها فزونی و بالیدگی زیست تازه و توانایی روان است و هر که به اینها رو می‌آورد ای مزدا همواره بر دشمنان پیروز است. مقصود هر صفت اهورمزدی یک‌گونه و اکتش بزرگی بشدارد.

(۱۲) وسیع. همچند. (منسد) (عیون). وسیع. واسطه.  
 وسیع. واده. دینه همچند. وسیع. واسه. وسیعه (مند) در سه.  
 داده (مند). همسایه. همسایه (مند).  
 وسیعه. وای و سدر سمع. سمعه (مند). (مند) (پیوه).  
 دینه (مند). سمع. سمعه. همسایه.  
 همسایه (مند). سمعه (مند). همسایه.

ترجمه: دستور توجیه است و اراده تو درباره ستایش و پرستش چه هست تا شنیده‌ای مزدا عمل کنیم. بما برگو برای اینکه برنامه مابشود که چه بهره سعادت

در پاداش خواهیم داشت و ما را به راه اشا توسط و هومن به راهیکه از خودشناسی است راهنمایی کن .

توضیح: فکر این بند واضح است از اهورمزد خواستار است که درباره ستایش و پرستش الهام فرماید که به چه نوع نیز الهام کند آنچه در پاداش سعادت می یابیم و به راه راست اشائی توسط و هومن که دانش و مهر ایزدی است رهنما گردد.

(۱۳) ۶۴۹. سو<sup>۱</sup> «سده» ۶۴. سمع<sup>۲</sup> (الله).  
و<sup>۳</sup> ۶۴. ۶۷. ۶ (سلطان)ید. حامی<sup>۴</sup> عزم<sup>۵</sup> (ید). ۶ سب<sup>۶</sup> عزم<sup>۷</sup>.  
و<sup>۸</sup> عزم<sup>۹</sup>. دد<sup>۱۰</sup> عزم<sup>۱۱</sup> دند<sup>۱۲</sup> عزم<sup>۱۳</sup>.  
و<sup>۱۴</sup> سده. عزم<sup>۱۵</sup> (۶۴) سده. سمع<sup>۱۶</sup> سده عزم<sup>۱۷</sup>. ((«سده» عزم<sup>۱۸</sup>).  
عزم<sup>۱۹</sup> در عزم<sup>۲۰</sup>. عزم<sup>۲۱</sup> در سده. عزم<sup>۲۲</sup> (و<sup>۲۳</sup> سده در عزم<sup>۲۴</sup>).  
و<sup>۲۵</sup> عزم<sup>۲۶</sup>. ۶ سی<sup>۲۷</sup> سده. ت<sup>۲۸</sup> عزم<sup>۲۹</sup> در سده. ۶۴. و<sup>۳۰</sup> (۶۴).

ترجمه : آن راهیکه ای اهورا ! بمن نشان داده ای (رامی ) از و هومن و دین نجات دهنده کان است و کارنیک است (الهام شده) و طرح شده از اشا و برای روشن بینان به پاداشیکه هدف آن به پیوستگی مزدا میباشد رهنماست .

توضیح: عبارت و فکر این بند واضح و محتاج به توضیح نیست.

ترجمه: آن پاداش گران‌بها ای مزدا! یقیناً به تن و جان آنان داده خواهد شد که کارشان (الهام شده) از و هومن است و آنها هستند که مادر گیتی بارور را خدمت میکنند و نیز اراده (اندیشه) شما را و توسط همکاری با اراده شما اشا را افزون میکنند.

توضیح: به آنانکه کارشان از روی دانش و الهام شده از و هومن است به تن و جان شان پاداش گران بها داده خواهد شد و چنین نیکان به مادر گیتی که بر دهنده هست و نیز به اراده ایزدی بندگی و خدمت میکنند و توسط همکاری و همزنگی به مشیت ایزدی مقصود اشا را که راستی و درستی است در جهان افزون می نمایند.

(۱۵) **و**سوس سع ۶۷. **و**اسعدوند مسد.  
 دلند (سعوند مسد) و سردد طن (سعوند مسد) و سردد مسد.  
 سع ۶۹. **و**ای عز. سع زوند سع.  
 سع سعوند مسد. دیع ۶۴. دد ۲۳.  
 بنی سع سوس. بنی سع نامه. سعوند مسد.  
 دع (سع) ۶۴. و سردد دم. و سع سع ۶۹.

ترجمه : بنابراین ای مزدا ! بهترین شنیدن و گفتن و کردن را بیاموز تا اینها  
 تو سط و هون و اشا و ارمان ستایش مرا پدید سازند و بوسیله خشن تو مرا زیست  
 نو به بخش و جان تازه مرا چنانچه اراده توهست راست و پاک نما .  
 توضیح : سه اصل معروف کیش زرتشتی یعنی هومت (اندیشه نیک) هوخت  
 (سخن نیک) و هورشت (کارنیک) در سرود ۴۵ ورنه و اخدا و شیاوته گفته شده  
 و در این بند سروش و شیوتنه و وجه میباشد ولی مترجمین این فرد را چنین ترجمه  
 کرده‌اند : سخنان و کارها بیاموز و هردو از آنها تو سط و هون و اشا پدید کننده  
 آرزوی نمازهای من خواهند بود .

### خلاصه سرود سی و چهار

در آغاز این سرود - شت زرتشت میفرماید که به عمل نیک و سخن نیک و سرود  
 ستایش به اهرمزد رهمنا خواهد شد - پیروانش را به زیست جاوید و راستی و  
 نیروی اراده و در بند دوم میفرماید : وسیله نزدیک شدن به پروردگار درسه بخش  
 ایزدی است .

یکی توجه به پروردگار دوم بی بردن به دانشی که و هومنی است، سوم پیروی از کارهای نیکان.

و در بند سوم میفرماید نماز واردت باید به اهورمزد باشد و اشا که صفت بارز او هست وزندگی بر اساس دانش و در بند چهارم ستایش از آتش معنوی است که مظہر زیست و دانش است و در بند پنجم به درگاه ایزدی مناجات می‌کند و آرزو می‌نماید به پیوستن به اشا و و هومن ویاری به آنانکه نیازمند یاری هستند و آزادی از آنچه مانع پاکی روان است . در بند هشتم شکایت از پریشان گردیدگان است و در بند هشتم می‌فرماید که آموزش زرتشتی بر اساس پیروی به اشاست و هر که از آن رو بر تافت از دانش و هومن محروم است وارمایتی (اطاعت و بندگی به نیکی) نزد او گرامی نباشد و از تقرب به حضور اهورمزد محروم است. در بند دهم اشاره می‌کند که دیویسنسی از دانش و هومن و تسلیم ارمایتی بهره ندارد و از آموزش زرتشتی رو گردان، ولی سر انجام همه آریائی چه دیویسنسی و چه مزدیسنسی بسوی اهورمزد راه خواهند یافت و در بند دوازدهم به درگاه ایزدی مناجات می‌کند و از اهورمزد خواستار است باو الهم فرماید که چگونه اورا ستایش کند و سعادت معنوی یابد و او را برآ راست اشا بوسیله و هومن رهنما گردد که انجام پیوستگی بدرگاه ایزدی باشد و البته این نعمت گران بها به آنان داده خواهد شد که در اعمالشان از و هومن الهم میبایند و مادرگیتی (یعنی ارمایتی) را خدمت می‌کنند و راستی و درستی اشائی را در جهان تن انتشار می‌هند و در بند آخر بدرگاه اهورمزد عرض می‌کند که به همت و هوخت و هورشت رهنماشود.

سرو د چهل و سه

( ۱۳ ) درودخواهی

۷۶۴۱. فاء. نونهـ سـنـنـهـ

(۱) ﴿نَبِّأَ اللَّهُ مَا يَعْرِفُ اللَّهُ بِمَا يَعْرِفُ وَاللَّهُ عَلَىٰ سَدِيرٍ﴾  
 وَاللَّهُمَّ لِكَلِمَاتِ رَسُولِكَ مَا يَوْمَ وَلَيْلَةَ مَا يَعْرِفُ  
 مَا يَرَىٰ فَلَا يَرَىٰ مَا لَمْ يَرَىٰ فَلَا يَرَىٰ مَا لَمْ يَرَىٰ

ترجمه : اهورمزدا خداوند بااراده، روشنائی می بخشد باو که روشنائی می دهد  
به دیگری (از خود) برای پیشرفت در زندگی نو و توانائی روانی و نگهداشتن آئین اشا  
ای آرمایتی ! میخواهم سعادت پرتو ایزدی وزیست و هومنی - بخشش کن.  
توضیح : این سروд گاتای دوم اشتوا یاتی (Ushtavaaiti) نامیده شده چون  
که واژه نخستین آن اشتا هست در بحر تریش تب Trish Tup گفته شده بنج مصرع  
یا سطر در هر قطعه هست باستثنای قطعه پانزدهم در سرود چهل و ششم و هر مصرع  
یازده سیلاب دارد. در یکی دو قطعه در دوازده سیلاب نیز میتوان خواند.

(۲) سمع آنده نموده و بازگشته داشتند. بازگشته بیرون رفته و بازگشته داشتند. سمع آنده نموده و بازگشته داشتند. بازگشته بیرون رفته و بازگشته داشتند.

ترجمه : همچنین برای او باشد. همه بهترین سعادت و چنانکه آدمیز ادرو شناخت را میباشد بوسیله سپتا ماینیوی دانای تو ای مزدا! و چون دانش و هومنی را بوسیله اشا خواهی داد جاوید بالیله خواهد شد در سراسر زندگی دراز.

توضیح : آدمیز اد آنچه میخواهد و برای آن میکوشد هم چنان روشنائی و سعادت میباشد والبته بوسیله سپتا ماینیو (یعنی اعمال پاک) خواهد یافت و هرگاه از دانش و هومنی و نظم اشائی بهره مند گشته در همه روزهای زندگی دراز نیکی در او افرون خواهد شد.

(۳) سمع نموده بازگشته داشتند. بازگشته داشتند. بازگشته داشتند. سمع نموده بازگشته داشتند. سمع نموده بازگشته داشتند. بازگشته داشتند. سمع نموده بازگشته داشتند.

ترجمه : یقینا به برترین خوبی میرسد مردی که نشان داده بما راه راست سوی سعادت - چه در این جهان تن و چه در جهان روان به جهانهای راستی آنجلار که

اهوراهست ای مزدا ! ارادتمند تو که دانا و پارساست با تویگانه هست.  
توضیح : این قطعه عرفانی است بمفهوم پیوستگی و هم‌آهنگی کامل باراده  
ایزدی که باید مرام و هدف همه بشر باشد باید بوسیله و هومن (دانش کل) و  
اشا (نفس کل) در همه اعمال با مشیت ایزدی هم رنگ و هم‌آهنگ‌گردد تا عمل او  
به معنی عمل ایزدی باشد .

(۴) سمع. فکرده‌ند. چون پیوچ بر عرض. دیده‌من چون چون عرض. دیده‌پیوچه‌ند. هم‌یوسه  
بر عرض. هم‌یوسه. یک‌مدده‌ند. و هم‌یوسه. دیده‌پیوچ. دیده‌پیوچ. سمع  
پیوچ. و سمع. سمع پیوچ. و چون «سدده‌و». دیده‌پیوچ (سدده‌و).  
فکرده‌ند بر عرض. دیده‌پیوچ. سمع آن. سمع آن. دیده‌پیوچ سمع سمع آن.  
بله دیده‌مع. چند. و اسدده‌و (ون). و نیز آن دیده‌مع. دیده‌پیوچ آن.

ترجمه : چنین ترا میشناسم ای پاک و نیرومند مزدا ! از دست تو آرمانهای  
ما برآورده شوند و تو سعادت می‌دهی چه به پیروان ناراستی (دیویسني) و چه به  
نیکان(راست- مزدیسني) و بهوسیله روشنائی آتش تو که از اشان نیرومند است تو انانی  
و هومنی به من میرسد .

توضیح : تورا چنین می‌اندیشم که از تو آرمانهای ما برآورده میشوند و تو  
هستی که به بدان و نیکان پاداش کار آنان را میدهی و از آتش پاک تو که از اشا تو انانی  
میباید بما نیروی و هومنی میرسد .

و هومن یعنی دانش ایزدی است که ذهن بشر ملهم میشود و روش میگردد  
و روشنائی آتش مظهر زیست است که اشا نامیده میشود .

(۵) ددن<sup>۴۴۹</sup> سمع<sup>۴۴۹</sup> کند<sup>۴۴۹</sup>. هم<sup>۴۴۹</sup> بیرون<sup>۴۴۹</sup> بیهوده<sup>۴۴۹</sup> بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
برد<sup>۴۴۹</sup> بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیکند<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
برد<sup>۴۴۹</sup> بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیکند<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
سوم<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
وکند<sup>۴۴۹</sup>. بیع<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. («سماع»، سمع<sup>۴۴۹</sup>)<sup>۰</sup>

ترجمه: ای مزدا اهورا! ترا ایزد پاک درک کردم و چون زندگی آغاز شد  
ترا ازلی یافتم در همه کار و همه سخن بدی را (سزای) بدی و نیکی را (پاداش)  
نیک میدهی و به دانش تو چنین خواهند بود تا روز واپسیون (رستاخیز).  
توضیح: در این قطعه دو نکته مهم بیان شده اند:

- ۱ - اینکه اهور مزدا را باید پاک (خیر مخصوص) و ازلی (بدی) دانسته  
پدید شدن حیات را از او بدانیم.
- ۲ - مشیت ایزدی تا پایان زندگی تنی براین است که بدی را سزای بداست و  
نیک جزای نیکی خواهد یافت.

(۶) بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. ددن<sup>۴۴۹</sup> بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیکند<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. («سماع»، سمع<sup>۴۴۹</sup>).  
بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیع<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>.  
وکند<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیع<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. بیهوده<sup>۴۴۹</sup>. («سماع»، سمع<sup>۴۴۹</sup>)<sup>۰</sup>

ترجمه: به کدام هدف تو باسپتا ماینیومی آنی، آنجا که ای مزدا خشترا و

و هومن میباشند و عمل آنها در جهان تن زندگی اشائی را افزون میکند و ارمایتی رهنماست بهاراده که هیچ وجودی نتواند بهم زند.

توضیح: گویا اهورمزدا بر هدفی می آید که پرستنده خود را به پذیرد و آنجا سپنتاماينيو و خشترا و هومن نيز هستند. ارمایتی رهنماست به آن هدف و هیچ نیروئی نتواند خلاف مشیت ایزدی باشد پرستنده به سیله ارمایتی یعنی بندگی و تسلیم به آنجا میرسد که اهورمزدارا با دانش و روح ایزدی می یابد و عمل آنهاست که در جهان تن کار اشائی یعنی نظم و درستی و راستی افزون میکند.

(۷) عَذَنْ عَبَدَنْ عَبَدَنْ. بِسْمِ. لِكَلَّ سَدِ. بِسْمِ اللَّهِ. عَبَدَنْ عَبَدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ.  
بِرَوْدَنْ. بِسْمِ. فَاطِمَةَ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ.  
بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ.  
بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ.  
بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ. بِسْمِ اللَّهِ. بِرَوْدَنْ.

ترجمه: ایزدی تو ای مزدای پاک، ای اهورا ترا می شناسیم چون و هومن نیک در باطن من آمد و از من پرسید که هستی! واز که هستی چه راهی برای شکوک همه روز در نظر میان خویشن و اطرافیان (نژدیکان) بر میگیری.

توضیح: رفتار ما میان خود و نژدیکان باید بر اساس داد باشد و همه وقت به وجودان و عقل خود رجوع کرده تصفیه نمائیم که چه باید بکنیم و چه نکنیم تا پاسخ و هومن را به آنچه می اندیشیم و میکنیم بتوانیم بدھیم پاکی و بزرگی تنها اهورمزدارا سزاوار است.

(۸) سمع: برهنجه. سطحیه. رسد (ندم) چ. رست (ایم).  
 برهنجه درجه. و «برهنه» سمع. برهنه درجه. درجه رسد. و عق (سد) موند.  
 سمع. سینسد (ایم). آله (ایم). سرمه. سطحیه برهنه «سمع».  
 برهنه درجه. سرمه بدهیم بود. فاقد درجه. برهنه بدهی (رس) برهنه رسد. و رسد.  
 فهم (سمع). رس. پکن رس. رس (رس). دهن سطحیه. دل (رس) رس (رس).

ترجمه: پس به آن زرتشت پاسخ داد: من زرتشت هستم و از ازل (سوگند  
 باد کرده‌ام) که نیکی را دوست بدارم و تا آنجا که بتوانم با مردمی که از نار استی  
 پیروی می‌کنند مخالف باشم ولی به نیکان خورسندي اندرونی آنان گردم تا همه وقت  
 از نیروی بی‌نهایت تو بهره‌مند شوم، من خود را به خدمت تو وقف کرده‌ام و تنها برای  
 تو سرود ستایش می‌سرایم.

توضیح: در پاسخ چه هستی و از که هستی می‌فرمایند که من دشمن نار استان و  
 بهی خواه و یاور نیکان هستم وزندگی را در برانداختن بدان—ونگهداری از نیکان  
 وقف کرده‌ام و به این ترتیب و نیت امیدوارم که همواره از نیروی بی‌نهایت ایزدی  
 برخوردار گردم و تنها برای اهورمزد سرود ستایش گویم.

(۹) ند<sup>۴</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۲</sup>. بی<sup>۱</sup>. لکن س. هس<sup>۱</sup> و س. نم<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup>.  
بی<sup>۱</sup> در بی<sup>۲</sup>. س. س. فاطم<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup>. نه<sup>۱</sup> د<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>.  
نم<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. ل<sup>۱</sup> (ل<sup>۲</sup> د<sup>۳</sup> د<sup>۴</sup>) و بی<sup>۱</sup> س. س. خای<sup>۱</sup> (بی<sup>۲</sup> د<sup>۳</sup> د<sup>۴</sup>). خا<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>.  
بی<sup>۱</sup> س. س. لکن س. بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. س<sup>۱</sup> (ل<sup>۲</sup>). (س<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>). {س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>}.  
بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup> بی<sup>۵</sup> بی<sup>۶</sup>. س. س. و بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> (بی<sup>۳</sup>). د<sup>۱</sup> د<sup>۲</sup> د<sup>۳</sup> د<sup>۴</sup>.

ترجمه: یقیناً تو را ایزدمیشناسم ای مزادالهورا چون بوسیله و هومن نیکی  
به من درآمد ازاو پرسیدم به که میخواهی که من نمازبرم (و نیاش کنم) از آنگاه  
به آتش پاک تو من نماز میبرم و از همه برتر من تا میتوانم اشا (راستی و درستی)  
را گرامی خواهم داشت

توضیح: در این قطعه سطر نخستین و دوم از قطعه هفتم تکرار شده اند و در  
این قطعه پرسش یا از و هومن به زرتشت است یا از زرتشت به و هومن است، بهر  
صورت درنتیجه آن میفرماید من آتش پاک ایزدی را نماز میبرم و اشا یعنی ناموس  
و آئین ایزدی را گرامی خواهم داشت.

(۱۰) س<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. و س<sup>۱</sup> د<sup>۲</sup> د<sup>۳</sup> د<sup>۴</sup>. س<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> در بی<sup>۲</sup>. س. س. س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> س<sup>۳</sup> س<sup>۴</sup>.  
س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> س<sup>۳</sup> س<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> س<sup>۳</sup> س<sup>۴</sup>.  
بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> لکن س. س. و بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> س. س. س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> س<sup>۳</sup> س<sup>۴</sup>.  
نم<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. بی<sup>۱</sup> لکن س. س. و بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> س. س. س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> س<sup>۳</sup> س<sup>۴</sup>.  
بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> بی<sup>۳</sup> بی<sup>۴</sup>. لکن س. س. و بی<sup>۱</sup> بی<sup>۲</sup> س. س. س<sup>۱</sup> س<sup>۲</sup> س<sup>۳</sup> س<sup>۴</sup>.

ترجمه: بنابراین رهنمائی کن مارا به اشا که همواره اورا میخوانیم (و میجوئیم)

وبارمايتي کاملا همساز بوده آمده ايم اکنون بپرس تا ز تو آزموده شويم و آزمابش  
تو نشان تو انانی، ماهست واو که خداوند (مردم) است برتر و تو انا خواهد کرد.

توضیح: به اشاره داریم وهمواره اورا یاد میکنیم و میخواهیم و بهار مایتی  
کاملاً وفادار بوده سوی تو آمده‌ایم اکنون مارا بیازما و هرچه خواستی بپرس زیرا  
که آزمودن تو نشان توانائی است و تنها تو که خداوند هستی ما را برتر و تواننا  
خواهی کرد.

(۱۱) ندیم ۲۰۰۴ء۔ سمع۔ پکن اے۔ مسیحیوں کی عمومیت کا۔ نہیں (اے۔  
مودودی سمع۔ اے۔ فاطمہ۔ نہ دلایہ۔ نہ ددیتی۔ مسیحیوں کا۔  
مودودی سمع۔ مولیعہ اے۔ دلیل مددی۔ ویوں دکھنواں۔ نہ سلطان (دیتے۔  
ندسوں اے۔ چڑی۔ دیپوں۔ مسیحی درس فرمائی۔ کیا مسیحیوں کو دیں۔  
مسیح۔ فاء (ع) رہی اور درس دی۔ مودودی سمع۔ چڑی۔ سلطان اے۔ فاسیون دیں۔ ۲۰۰۵ء۔

تو حمہ: ای مزدا! تو را بہ پاکی میشناسم۔ ای اهورا۔

چون و هومن مرا فرا گرفت و از آغاز سخن شمارا آموختم و به آنچه آموختنید ایمان و عما دادم میان مردم (ناراست عمل نمودن آن) سبب دشواریها خواهد شد.

توضیح: در این قطعه نیز سطر اول و دوم قطعه شماره هفت تکرار شده میفرماید چون از پرتو عقل کل (وهمن) دانا شدم و از آغاز عمر سخنان شمار آموختم و ایمان کامل به آن دارم هرگاه خواستم عملی سازم میان مردم (ناراست) که به آن ایمان ندارند سبب دشواریها و سختیها خواهد شد.

ترجمه: چون فرمودی که برای دانش از اشا پیروی کنم نفرمودی که چه نشنوم و نکنم و چگونه رفتار کنم تاسروش همواه روشنایی با برگت ایزدی در من در آید و باداش، با کیفر بد و گرمه بدهد.

تو ضیح: از دو گروه مقصود گروه هزدیستنی و دیویستنی است.

(۱۳) ندیم ۴۷۰۰۰. ندیم. نگن سد. نگن سد. نام بیرونی نه. ندرین (سد)  
برند سد. سد. فاطمه. رسد (نیز نادری). نام بیرونی سد.  
سد (نیز نادری). فاطمه. و سد (نام بیرونی سد). و سد (نیز نادری).  
و سد (نام بیرونی سد).  
واسد (درست). ندیم (نادری). و سد (نگن سد) نام بیرونی (نادری). و سد (نام بیرونی سد).

ترجمه: ای مزدالاهور اتورا به پا کی میشناسم - چون و هو من مرافق اگرفت (آمد) (من گفتم) از ارمان من (این ارمان) به بخش زیست دراز (زیستی) کدهر کس جرأت ندارد آرزو کند یعنی، زیست بگزیند و حوصله در آن خشته تو گفته شده.

توضیح: در این قطعه نیز دو سطر اول و دوم قطعه هفت تکرار شده‌اند.  
در سرودهای ویدا و گاتها زندگانی طولانی از اهورامزدا خواسته شده و  
مفهوم این است که بیشتر توفیق خدمت ایزدی را بباید زیستی که در آن نیروی  
ایزدی، باشد.

(۱۴) وَهُدْدَةٌ {س}. لِلرَّسُولِ. وَالْمُعْزَلَةُ {ج}. دَدَدُ{س}. وَدَدُوْيَهُ  
هَدَدَرَجٌ. هَدَيَوَسَدَ. هَدَسَ. أَهَدَ{ج}. لِلْمُسْكَنِ {ج}.  
وَهُدْدَهُ. لِكَهَهُ. لِلْمُعْسَنِ{س}. هَدَعَسَهُ. وَهَدَرَسَ. لِلْمُهَوَّبَسَ.  
هَدَعَدَهُ. هَدَيَهُ. هَدَسَ. هَدَعَسَهُ. هَدَعَهُ. هَدَهُهُ.  
هَدَهُهُ. هَدَهُهُ. وَاهَدَهُهُ. هَهَهُهُ. هَهَهُهُ. هَهَهُهُ.

ترجمه: آنچه جوانمرد و خداوند به دوستش میدهد ای مزدا بر کت دانش تو هست که از خشنتر و تو بوسیله اشا فراهم میگردد و همت میبخشد به صفت بندی و دفاع دلیرانه به پشتیبانی از آموزش تو به یاری آنانکه به ما ترا یعنی فرمان تو توجه میدهد.

توضیح: جوانمرد اوست که سعادت دانش ایزدی که از خشتربوسیله اشا به مردم میرساند تا در دفاع از آموزش صفت صفت بندند و دلیرانس دفاع کنند با همراهی آنانکه بهمانرا یعنی فرمان ایزدی تسلیم شده‌اند.

ترجمه: ای مزدا اهورا! تورا به پاکی میشناسم چون و هومن مرا فراگرفت  
من آموزد که برای بالیدگی (روانی) بهترین (وسیله) مراقبه و سکوت  
(درآمد).

میباشد و هرگز نباید رهنمای (دین) ناراستان را خوشنود سازد زیرا که آنان نیکان (مزدیستان) را دشمن خود میپندازند.

توضیح: دو سطر اول و دوم این قطعه تکرار قطعه هفت است باقی آنچه فرموده و واضح است جنبه عرفانی دارد. دو نکته مهم فرموده یکی سکوت و مراقبه که بهترین وسیله پاکی و رشد روانی است دوم نباید بامنکران حق ساخت و آنان را به سخنان دوستانه خود خوشنود نمود زیرا که آنان هرگز حقیقت را دوست ندارند و نیکان (مزدیستان) را دشمن خود میپندازند.

(۱۶) سمع سمع (س). سمع (ج). هر دو درجه وید (س) (ن) (د).  
 فاع (ج) (ن) (د). هرس (س). و هرس (د) (ن). هر دو درجه وید (س) (ن) (د).  
 هر دو درجه وید (س) (ن) (د). هر دو درجه وید (س) (ن) (د). هر دو درجه وید (س) (ن) (د).  
 هر دو درجه وید (س) (ن) (د). هر دو درجه وید (س) (ن) (د). هر دو درجه وید (س) (ن) (د).  
 هر دو درجه وید (س) (ن) (د). هر دو درجه وید (س) (ن) (د).

ترجمه: پس ای اهورا! زرتشت روحی را برگزیده که از تو هست و آن پاکترین است. آیا اشای مجسم پر از زندگی تو و پر از توانائی برای ما بشود و ارمایتی و خشترا چون خورشید تابنده (در باطن ما جا میگیرند) و ارمایتی از وهم من ملهم شده به اعمال ما برکت دهد.

توضیح: عبارت قطعه واضح است.

## خلاصه سرود ۴۳

این سرود به مناجات آغاز می‌شود و در دو قطعه آخر به اصول زرتشتی اشاره

شده یعنی:

- ۱- بگانه پروردگار اهورمزد است.
- ۲- اشایعنى نظم و راستى است که وسیله تندرنستى و سکون ذهن می‌شود.
- ۳- و هومن عقل با وجودان است که ذهن ما را روشن می‌سازد و روان را از آلودگی پاک می‌گذارد.
- ۴- ارمایتی تسلیم و رضاست که وسیله سکون و آرام باطن است.
- ۵- خشت، قویت اراده هست، بشر هر چند آرزومند باشد که نیک گردد تا-  
اراده قوی داشته باشد مر او را در نمی‌باشد. در قطعه اول میفرماید: اگر میخواهید خداوند  
روشنی بیابید بهمنو خود روشی بدھید. حضرت مسیح بعد از مردم خداوند بخطاها مارا  
به بخش اگرمانیز از خطای هم نوع خود در گذریم دیگر در این قطعه میفرماید پیش رفت  
در امور تنی و پاکی روانی در نگه داشتن آئین اشایعنى راستی و نظم و درستی است  
از ارمایتی مقصود تسلیم و رضاست که ما را توفیق یافتن سعادت می‌بخشد و آتش  
ایزدی پاکی باطن است و میفرماید هرجویندہ یابنده است اگر ما برای رسیدن به-  
حقیقت و برای دانش به رمز زندگی تنی صمیمانه بکوشیم و اعمال راست را وسیله  
سازیم روزی خواهد رسید که به هدف بررسیم اعمال ما باید با مشیت ایزدی و  
اشاره های طبیعت هم ساز و هم آهنش باشند و این افکار در سه قطعه  
به عبارت شاعرانه بیان شده اند. در قطعه چهارم می‌فرماید دهنده  
آرزوهای نیک ما اهورمزد است و بوسیله آتش یعنی ذهن روشن و پاک و اشا روح نظم

وراستی واژ و هومن عقل با وجودان می‌باشیم. در قطعه پنجم اشاره میکند که اهورمزد خیر محض است آغاز و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی اورهسپار است نیروئی نیست که مانع گردد در آن مقام که روان بشر به حضور ایزدی پذیرفته میشود مکان روشنایی و توانایی و دانش است و ارمایتی مارا رهنماست. قطعه هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید چون وجودان پاک باشد گوئی آئینه ایست که و هومن یعنی عقل کل و روان تجلی نموده پرسش‌های مارامیشند و پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه همواره به وجودان باید رجوع کنیم و فرمان ازاو بگیریم. در قطعه نهم زرتشت عرض میکند بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه هنوز تن مستعار دنیوی را نداشتم پیمان نهادم که نیکی را دوست دارم و با آنچه بدانست مبارزه کنم و در آن کار از نیروی ایزدی یعنی خشتر یاری جویم، گوهر استی و نظم در باطن من تجلی کند و به اشاره‌های او اعمال خود را بستجم پس به سخن در آیم و در پایان عملی سازم من آتش پاک ایزدی را که در هر روان وجود دارد نماز میبرم و آئین ایزدی را گواهی دارم. در قطعه دهم از اهورمزد اخواستار است که اورا بسوی راه راستی و درستی رهنمایگردد و اعمال او را به تسليم و رضا هم آهند سازد و مارا در کشش و کوشش اعمال تنی بیازماید و ما نیز بکوشیم که در آزمایش کامیاب گردیم و در آخر میفرماید راست بازار است هم رنگ نمیشود و در نتیجه بدی وزشتی بانیکی همیشه در جنگ و سیزیز است. در قطعه دوازدهم همین افکار ادامه دارد میفرماید باید اشاره‌های اشارا عملی کرد گرچه در کردن اشاره‌های او آسان نیست و باید دانست چه اشاره هست که باید عملی بشود و چه اشاره هست که باید عملی ترک گردد و در این کار سروش مارا رهبر میشود در صورتیکه رهبانهای مسیحی و مرتاضین هند از زندگی تنی فرار میکنند و آنرا مصیبیتی و دردی تصور مینمایند زرنشت در قطعه سیزدهم زندگی دراز را طالب است و میخواهد که نیروی ایزدی یعنی اراده توانا اهورمزد به او بخشد تادر زندگی طولانی مظہر مشیت ایزدی شود. در قطعه چهاردهم میفرماید برثرين سعادت یافتن دانش است که بوسیله اعمال نیک

از خشنترین نیروی ایزدی به‌مامیر سد، باید با کلمه مقدس (مادر) دلیرانه با آنچه بد است مبارزه کنیم. خطاب به‌اهورمزدا عرض میکند که تنها تو را به پا کی میشناسم و عقل با وجود آن وسکوت و سنجش روان مراثونامیکند. رهبر دین نباید که از نار است که بار استی دشمن است بترسد، و در قطعه شانزدهم به‌اهورمزد عرض میکند که اکنون ترا پروردگار خود برگزیده‌ام اشای پاک ما را زنده (جاوید) میسازد و توانائی می‌بخشد وارمابتی (تسلیم و رضا) و خشنتر (اراده ثابت) چون روشنائی خورشید بروجدان‌مامی تابند و اعمال مارا برکت میدهند.

در این سرود یکدنیا افکار عرفانی گنجانیده شده‌اند که در این خلاصه تفصیل آن دشوار است.

## سرو د چهل و چهار

( و سه دهده . بیست و نه . ۱۴ )

(۱) سه . کنند . بعده . چند . چند . و سطح . سه .  
 سه . بیست و نه . سه . بیست و نه . سه . بیست و نه .  
 سه . بیست و نه . سه . بیست و نه . سه . بیست و نه .  
 سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه .  
 سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه . سه .

ترجمه : آن از تو میپرسم بگو بهمن راست ای اهورا - میپرسم بافروتنی  
 و نیاز چگونه بپرستد شمارا (ارادت مندشما) یکی که از شماست ای مزدا ! رهنمائی  
 کن به عاشق شما (چون من) و بوسیله (محبوب ما) اشا بما یاری برسد تا و هومن  
 میان ما برسد .

توضیح : از اهورمزد یاری میخواهد که رهنمائی بکند که چگونه نیاز مند  
 او به او نماز برد و به پرسند یاری از اشا میجوید تا و هومن را میان ارادتمندان بیاورد .

ترجمه: آن پرسم از تو راست بهمن بفرما، ای اهورا چگونه برای برترین انجام زندگی پاک یکی بکوشد، او که یقیناً یک روان پر تمنای دیگر را رهنماست که کامیاب گردد زیرا او یقیناً بواسطه اشا گل همه (بشریت) پاک است و نگهبان به نفس، و روان شفاذهنده و دوست است ای مزدا.

**توضیح:** مفسرین در ترجمه این اختلاف کردند زیرا به عبارتی بیان شده که به معانی مختلف میتوان ترجمه کرد.

ترجمه: کدام کس آفریننده و نخستین پدر معنوی اشا است و کدام کس راه (فلک) خور و ستارگان را ساخت و که به نوبه هلال (وبدر را هلال) میسازد اینها و نیز دیگر چیزهای طبیعت را ای مزدا! میخواهم بدانم از تو.

**توضیح:** از این پرسشها خواننده (یاشنونده) را بسوی مظاهر طبیعت

متوجه می‌سازد که در آنها تأمل و تفکر نماید و به آن‌دان اگردد و به دانستن آن بعظمت پروردگار چی بود.

(۴) هـ سـ بـ عـ. هـ کـ دـ سـ. نـ (عـ) دـ سـ. (عـ) نـ دـ. هـ جـ دـ. فـ اـ طـ لـ سـ. سـ بـ (عـ) سـ.  
وـ سـ دـ سـ. وـ (عـ) سـ. یـ بـ هـ بـ سـ. سـ بـ. { سـ بـ سـ دـ دـ سـ.  
لـ « سـ بـ سـ دـ دـ » دـ نـ دـ. وـ نـ بـ بـ بـ. (« سـ (سـ بـ سـ دـ دـ ) سـ.  
وـ نـ. فـ اـ سـ دـ سـ. وـ « بـ هـ بـ » دـ دـ دـ دـ سـ. وـ سـ بـ طـ (عـ) بـ بـ دـ دـ.  
وـ سـ دـ سـ. فـ اـ سـ بـ بـ (عـ) دـ. هـ جـ دـ سـ. وـ بـ هـ بـ سـ. وـ سـ بـ بـ بـ.

ترجمه: آن ز تو پرسم که زمین را از آسمان جدا نگه داشته و که آب‌هارا و گیاه‌ها را و که به باد و به ابر پراز بخار (تیره) تمدروی بخشد و که ای مزدای آفریننده و هومن است.

توضیح: تسلسل افکار قطعه گذشته می‌باشد. نکته مهم این است که امشابه‌دان را اگر صفات ایزدی تصور بکنیم بنا بر قطعه سوم و این قطعه اشا و هومن یعنی نفس کل و عقل کل هردو آفرینش ایزدی و از ذات ایزدی جدا و حقیقت ذات کاملا دور از ادراک بشر است.

(۵) هـ سـ بـ عـ. لـ کـ دـ سـ. نـ (عـ) دـ سـ. (عـ) نـ دـ. هـ جـ دـ. فـ اـ طـ لـ سـ. سـ بـ (عـ) سـ.  
وـ نـ. لـ « سـ بـ سـ ». سـ طـ لـ سـ دـ دـ سـ. وـ سـ بـ. سـ بـ سـ دـ دـ سـ.  
وـ نـ. لـ « سـ بـ سـ ». سـ سـ دـ دـ سـ. وـ سـ بـ. یـ بـ بـ سـ دـ دـ سـ.  
وـ سـ دـ سـ. دـ بـ بـ سـ. سـ اـ مـ سـ دـ دـ کـ دـ سـ. نـ لـ بـ بـ سـ دـ دـ سـ.  
وـ سـ سـ. هـ سـ جـ دـ (آـ بـ بـ). دـ سـ بـ بـ طـ دـ نـ « سـ بـ بـ بـ ». سـ اـ بـ بـ دـ دـ سـ.

ترجمه: آن از تو می‌پرسم راست بمن بفرما ای اهورا

کدام سازنده بزرگ جهان روش و نیز تاریک را آفرید و کدام سازنده خواب و بیداری را آفرید و کیست که پدیده کننده باهداد و نیمه روز و شب است و که دانشمند را از مقصود زندگی آگاه می‌سازد.

**توضیح:** عبارت قطعه واضح است (مقصود از زندگی عبادت و معرفت برایزد متعال است).

(۱) سمع. شکوه سد. نیز (عده) دسد. ۶۰ درجه. فاسط برسد. سمع (سد).  
و رسند. لاید (سد) و سمع در سد. و همچویی سد. سمع سد. نیز بدینه رو سد.  
سد ۴۴. و سرسرستن (سد) دند. و عیوبی سد ۴۴. سد (سد) دند ۴۴ دند.  
سد دند ۴۴. نیز سمع سد ۴۴. فاطم ۴۴. نیز سد ۴۴. سد (سد) دند سد.  
و سمع درجه. سیبی. (سد) درجه - دند ۴۴. نیز ۴۴. سمع ۴۴.

**ترجمه:** آن از تو می‌برسم راست بمن بفرما ای اهورا  
آیا آنچه می‌آمورم همه راست هستند (یعنی) در نتیجه اعمال ما در ارمایتی  
اشا (نیکی و راستی) افزایش می‌یابد و اینکه (او ارمایتی) پیمان نموده که توسط  
و هومن خشنتر شما را (برای نیکان) برای که ای اهورا این بارور شادی آورند  
مادرگبّتی را ساختی.

**توضیح:** شت زرنشت حساس است که آنچه می‌آموزد راست و گفته ایزدی  
باشد. میفرماید در نتیجه اعمال ما در جهان نیکی و درستی افزوده میشود و هرگاه  
اعمال ما نیک باشند ارمایتی پیمان نموده که توسط دانش نیروی طبیعی ایزدی بما  
برسد و اینکه خداوند مادرگبّتی را برای ما آفریده که بما شادی و فراوانی برسد و  
این فکر در سنک نوشت از داریوش نیز دیده میشود که میگوید اهورمزد برای ما  
در جهان شادی آفرید.

(۷) همچو. لکن سد. نه عده سد. ۴ عده. چند. فاسط سد. سمع سد  
و م. ۴ عده بیوه. همین بده. سمع بده سد. چند. سد بده بده.  
و م. ۴ عده. چند. فارسد سد دش. نه ده ۴. نه ده ۴.  
نمیع. همین بده. لکن سد. لامین بیع بده. سد سدیه همیوس.  
دمون بیوه سد. همین درجه. فای درجه سبیوه. و سد همیه ۴ همه.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا  
که گرامی ارمایتی را با خشنتر آفرید - و که با دم زندگی پسر را به پدر فرمانبر  
میکنند - به این پرسشها ای مزا میکوشم که بوسیله سپتنا ماینبو تو را که دادار همه  
هستی بشناسم .

توضیح : میفرماید به تأمل در مظاهر طبیعت و در احساسات خود مان بوسیله  
پاکی ذهن و نیکی تورا که آفریدگار همه هستی بشناسم .

(۸) همچو. لکن سد. نه عده سد. ۴ عده. چند. فاسط سد. سمع سد  
۶ بیوه بور سد. همین. چند. همیوس. سد بور بور بور.  
و همین سد. فاطمه. بیل جسد. لامین سد. همین سد. همین سد.  
و همین سد. سمع سد. سد بور بور بور سد. سد بور بور سد.  
و سد. هم. ده سد. فاطمه. ده سد بور بور بور بور سد. هم سد .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا  
برای خورستنی روانم اراده خود پدیدکن و آموزشی که توسط و هومن و  
اشا میجویم که هدف زندگی را بدانم - کدام بلندیهای روانی هستند که رو ان من برای  
یافتن آنها پیش بروند .

توضیح : در این قطعه میفرماید که سکون باطنی که بزبان عرفا وجود و مستنده است باشد چگونه باید و آموزش درست که بر طبق اراده و همومن و اشا و هدف زندگی است و نیز بلندترین مقام روانی که سوی آن باید پیش رود .

(۱) مسیح. لکن س. ع (۴) داده. ۴ (۴) دید. ۶ (۷). واسطه س. مسیح (س).  
و داده س. ۶ (۷). و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح.  
و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح.  
۴ (۴) مسیح. و مسیح.  
و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح. و مسیح.

ترجمه : آن از تومی پرسم راست بمن بفرما ای اهورا .

چگونه همه و جدان خود را به پا کی و قف کنم - و جدانی که خداوند بر ترین  
دانائی خشنتر تو را مینماید (بنابر این) ارادت مند تو تمدندارد ای مزدا که با خشنتر بلند و  
با اشا و با و هومن در مکان تو که بهشت برین است جایابد .

توضیح : این قطعه نیز مفهوم عرفانی دارد. میفرماید برای اینکه به اعلاترین  
مقام روانی جایابد ، باید و جدان خود را به پا کی و نا آسودگی تسلیم نماید و تنها با و جدان  
پاک میتوان به مکان ایزدی رسید .

(۱۰) مـسـعـ. فـکـرـسـ. رـعـ(عـدـسـ). ۴(عـنـدـ). هـجـدـ. فـاسـطـبـسـ. سـبـرـ(سـدـ).  
مـلـيـوـ. وـسـقـعـ(مـلـيـوـ). قـبـسـ. لـنـسـنـمـلـيـوـ. فـاسـنـدـمـلـيـوـسـ.  
وـسـسـ. هـجـدـ. نـسـقـعـقـسـعـ. سـبـسـسـ. ۵(سـوـطـدـعـ) بـرـسـعـعـ(سـدـ).  
سـلـمـسـهـجـدـدـنـدـ. (مـلـمـسـدـوـدـ). وـسـرـوـسـطـلـ(سـدـ). ۴(عـنـدـ). وـسـدـوـرـسـعـ.  
نـسـسـعـوـسـعـ. بـرـدـدـدـجـدـنـدـ. فـکـرـسـ. بـنـلـمـنـوـنـدـ. دـنـمـ). ۶سـیـوـسـهـ

ترجمه : آن از تومیپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

آن چه دینی است که از همه دینها برای همه موجودات بهترین است و آنکه  
به الهم ارمایتی اعمال ما را رهنما خواهد شد به حقیقت (راست) این است تمنای عقلم ای  
مزدا (نشان دهی آنرا) که سوی تو باز میگردد.

توضیح : دین راست و عمل راست آن است که به سوی راستی و حقیقت  
که مزدا باشد بازگردد.

(۱۱) مـسـعـ. فـکـرـسـ. رـعـ(عـدـسـ). ۴(عـنـدـ). هـجـدـ. فـاسـطـبـسـ. سـبـرـ(سـدـ).  
وـسـسـ. ۴۵مـلـيـوـ. سـدـ. وـسـقـعـسـهـدـسـعـ. سـ(سـهـسـهـدـهـدـ).  
وـسـسـعـدـرـوـجـ. ۶سـیـوـسـهـ. فـکـهـجـدـ. فـاسـوـسـرـدـوـ۴۵مـلـيـوـ. وـسـقـعـ(سـدـ).  
سـیـعـ(۴). هـجـدـ. سـدـوـدـ. رـعـسـطـ(۱)دـرـجـ. ۵(سـهـجـدـرـوـجـ).  
وـسـدـهـمـهـلـيـوـ. سـهـدـمـهـلـيـوـ. ۶بـنـدـمـنـدـ. دـدـعـبـدـدـرـدـدـ. وـدـدـعـعـعـسـدـدـدـدـسـهـ

ترجمه : آن از تومیپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

چگونه ای مزدا به آنانکه دین توبه دلشان الهم شده ارمایتی درمی آید و برای  
این وظیفه از آغاز آشکارا از توان شناخته شده ام و لی دیگران هستند که به نظرم از  
روح مخالفت بمن (ملهم شده اند).

توضیح : چون یکی را خداوند به وظیفه بزرگ رهبری روانی بر میگزیند در او تو سط ارماینی استعداد بپیدا میکند که آن وظیفه را درست بجا آورد و ضمناً مخالفین نیز پدید میشوند و البته آنچه آنها میگویند و تصور میکنند الهم ایزدی نیست بلکه اغوای اهریمنی است و قصدشان اصلاح نیست بلکه خرابکاری است.

(۱۲) همچو. فکر سد. نع (عدس). ۴ (عدس). ۴ (عدس). واسطه سده (سد).  
وام. سویل (سد). و سویل (سد). نع (عدس). و (عدس) «س». واسد.  
و سه سد (سد). سد. سه سون (سون). واسد. نع (سون). واسد. سه سون (سون).  
و سون. ۶ سد. و (عدس) «س». فکر سد. داده (سد). نع داده (سد). ۴ (عدس).  
بر داده سه سون (سون). نع (سون). ۶ (عدس). سه سون (سون). ۶ (عدس) داده (سد).

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

میخواهم بدانم که پیرو راستی است و که پیرو ناراست است که با او هم سخن شوم (دلیازم) کدام جانب را بگیرم آیا او که قربانی بدی است یا او که خود بد کار است. پیرو ناراستی که خود را بر ضد بخشش سعادت قرار داده است؟ آیا چنان کس (چنانکه) این می پندارد (مانند) بد کار است.

توضیح : چون دو تن بلندمی شوند و ادعای رهبری میکنند امتیاز دادن میان آنان تنها به عقل سليم ممکن است. یکی هست که بدنیست و لی به اغوای بدان از راستی منحرف و از سعادت ایزدی محروم میشود، آیا او نیز از بد کاران شمرده میشود؟

(۱۳) هـ. گـ. لـ. رـ. (عـ.) دـ. ۴ـ. چـ. وـ. طـ. مـ. سـ. (سـ.)  
وـ. سـ. وـ. (بـ.) دـ. سـ. (عـ.) سـ. (بـ.) سـ. (سـ.) سـ.  
۴ـ. بـ. سـ. سـ. وـ. چـ. دـ. دـ. (دـ.) دـ. دـ. رـ. (عـ.) سـ. (عـ.)  
چـ. دـ. سـ. (سـ.) سـ. (سـ.) سـ. (سـ.) سـ. (سـ.) سـ.  
چـ. دـ. (۱ـ.) دـ. دـ. دـ. وـ. سـ. (سـ.) سـ. (سـ.) سـ.

ترجمه: آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !  
چگونه از ناراستان دوری کنیم آنانکه ایمان ندارند و نه همنگی اشا را  
میجویند و نه به نزدیکی ازو هوم خوشنود گردند.

توضیح: ازمخالفین دین بهی که ناراستان یادبو یسنی نامیده شده بودند  
به اندازه ای باید دورشده آنها را اشا یعنی راستی درستی و نظم و ازو هوم عقل  
و دانش دورشده اند و ارتباط ندارند.

(۱۴) هـ. گـ. لـ. رـ. (عـ.) دـ. ۴ـ. چـ. وـ. طـ. مـ. سـ. (سـ.)  
وـ. سـ. سـ. وـ. (بـ.) دـ. وـ. بـ. وـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ.  
بـ. رـ. ۶ـ. (بـ.) دـ.  
دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ.  
دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ. دـ.

ترجمه: آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !  
ای مزاد! چگونه ناراستان را بدست اشا سپارم تابوسیله واژه مقدس (ماترا)  
پاک شوند و (آمال باطل آنها) کاملا خنثی گردد و آزار و دشمنی دور شود .  
توضیح: اشا یعنی راستی درستی و زیست واقعی بوسیله واژه مقدس  
که آموزش مزدیسنی است دور گردد و آمال بد ناراستان نسبت به مزدیسنیان خنثی شود.

(١٥) مَسْكُونَةُ الْمَدِينَةِ الْمُكَانَةُ الْمُكَانَةُ الْمُكَانَةُ الْمُكَانَةُ الْمُكَانَةُ

ترجمه: آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا  
از آنجایی که اینها (نارستان) را از من دور سازی  
چون سپاه نیک و بد بهم میرسند و هر دو تورا به باری میخواهند بنا بر این آئینها که از  
تو هستند ای مزدا کجا و به کدام یک از این دو گروه پیروزی خواهی داد.  
توضیح: عبارت این قطعه مناجات است، زرتشت از اهور مزدا میخواهد  
که مزدیسان را بر دیویستان پیروزی عطا فرماید.

ترجمه: آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!  
که پیروز خواهد شد در نگهداشتن آئین تو ای استاد دانا و شفادهنده روان

خوشبختی، راستی و دانش و هومنی به بخشند و چنین سعادت را از مزدا آرزو داریم.

ترجمه : ارادتمند ارمایتی پاک است - او به دانش (اندیشه) و سخن و عمل و وجودان اشا (راستی) را می افزاید و (اورا) اهورا به وسیله و هومن خشت (نیرو) می بخشد و برای چنین سعادت دعا می کنم (خواستارم) .

توضیح: ارادتمند ارمایتی (تسلیم و رضا) باید پاک باشد چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار و وجдан و راستی را (درجامعه) بیافزاید و (نیکومنش را) اهورادانش و نیروی ایزدی می بخشد و من چنین سعادت را (از او) خواستارم.

(۲۲) قسروں عزیز رہے۔ چھٹا۔ لے۔ ویسے سدھا۔ نہ سے۔ برس۔  
خالد عزیز دی پڑھتا۔ قسروں آزاد ہیں۔ نہ سے۔ برس۔  
واسطے وسے۔ چھٹیوں سے۔ نہ سے (ج).  
قسروں میں۔ سعید ہے۔ نہ یہ زیست رہے۔  
بیلو۔ ویسے سدھا۔ سعید دی پڑھتا۔ {سعید} پڑھتا۔  
نہ سے دل اور سے۔ نہ سے۔ برس۔ خالد پڑھتا۔

ترجمه: من اورا که بوسیله اشا و هشت همه ستایش مزدا اهورا رامیداند در هر نماز چه آنها که بودند و چه آنان که وجود دارند به نامهای خودشان ستوده گرامی خواهم داشت و به ارادت به آنان خواهم رسید.

توضیح: در این قطمه برخی از واژه‌های دعای ینهه هاتام yenhe hatam گفته شده‌اند گسوئی متمم دعای نامبرده است ( رجوع شود به دعای ینهه هاتام ).

(۱۹) لِعَنْجَنْهُمْ لِعَنْهُمْ {س}. لِعَدْوَرَجَنْهُمْ لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ.  
 لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ  
 وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ لِعَنْهُمْ  
 لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ دِيَسَدَهُمْ سَدَهُمْ  
 وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ  
 لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ

ترجمه: بنابراین ای میدیه ای ما شخص خود را اسپاناها به او تسلیم خواهد کرد که وجود آن احساس کند هر که بسوی زندگی (راست) میگوشد آئین مزدا را به زندگان بهتر به عمل خود (تا به سخن) می آموزد.

توضیح: اینکه رهبر باید به عمل آموزشی خود را به ثبت برساند و آنچه از خوبی به دیگران میگوید خود او نیز عمل کند. میدیه ای ما (ماه بدر) فرزندار استی و عموزاده زرنشت نخستین شخصی بود که به کیش بهی گرویدنام پسر او شاسته بود.

(۲۰) لِعَنْهُمْ وَأَهْمَهْ لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ  
 وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ  
 لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ  
 لِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ  
 وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ  
 وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ وَلِعَنْهُمْ سَعْدَهُمْ

ترجمه: (شما) هم اراده باشید به ما همه بهدادن خوش بختی (وبهدادن) اشا (راسنی و درستی) و آموزش و هشومی که از آن ارمابنی (تسلیم و اطاعت) می بالد (ما) پرسش کنندگان بانیاز آرزومندیم که چنین سعادت از مزدا (بیایم). توضیح: خطاب به امشاسپندان هست که هم اراده شده به پیروان زرنشت

کرد ( که به دین پاک خدمت کند ) .

اهورمزدای توانا ! این پیوستگی که آرزو دارد ( یعنی ) رسیدن به اشا به او  
به بخشش .

توضیح : به نظر بسیاری از مترجمین گاتا اشاره شده است که فرشاوشتره و دختر خویش را بهشت زرتشت به همسری تقدیم کردو لی از دو سطر بعد چنین بنظر میرسد که فرشاوشتره نفس خویش را به خدمت دین بهی تقدیم کرد و شت زرتشت دعای می کند که اهورمزدا اورا در این خدمت توفيق دهد و به اشا برساند .

( ۱۸ ) ﴿۳۷﴾. ( داده ) ۶۰ وع - ﴿۳۸﴾. سـ ﴿۳۹﴾. دـ ﴿۴۰﴾. دـ ﴿۴۱﴾. سـ ﴿۴۲﴾.  
سـ ﴿۴۳﴾. سـ ﴿۴۴﴾. سـ ﴿۴۵﴾. سـ ﴿۴۶﴾. سـ ﴿۴۷﴾. سـ ﴿۴۸﴾. سـ ﴿۴۹﴾.  
سـ ﴿۵۰﴾. سـ ﴿۵۱﴾. سـ ﴿۵۲﴾. سـ ﴿۵۳﴾. سـ ﴿۵۴﴾. سـ ﴿۵۵﴾.  
سـ ﴿۵۶﴾. سـ ﴿۵۷﴾. سـ ﴿۵۸﴾. سـ ﴿۵۹﴾. سـ ﴿۶۰﴾. سـ ﴿۶۱﴾. سـ ﴿۶۲﴾.

ترجمه : این دانش دین را که جاماسب دانا به آرزوی ( رسیدن به ) روشنانی از اشا برگزید و این نیرو که از دانش و هومن در آمده است ای اهورمزدابه همه آنان که به تو پناهنده شده اند به بخشش .

توضیح : دانش دینی را که جاماسب بوسیله اشا و نیروی دانش و هومنی به اشتیاق روشنانی حقیقت یافته به آنان که به توای اهورمزدا پناهنده شده اند به بخشش .

(۱۲) { دلیل اسے ہے۔ ملکیت (سداد) واسطے کو درج کریں۔  
 وہی کیا ہے۔ لفڑی کی سیکھی کے نام پر اسے درج کریں۔  
 اس سیکھی کو درج کرنے والے مذکور اس سیکھی کے نام پر اسے درج کریں۔  
 اس سیکھی کے نام پر اسے درج کرنے والے مذکور اس سیکھی کے نام پر اسے درج کریں۔

ترجمه: خوشنود نباشد زرتشت اسپاتاما از (روش) فریبانه کوی در مرور از این جهان زیرا که او ( به اندیشه اش ) نجات را ( تنها در اعمال ) دنیوی میداند ( در صورتیکه ) آن به فعالیت ذوق روانی پر جوش می شود .

توضیح: سرو دگویان کوی عقیده داشتند که ثروت و خوش گذرانی بهترین راه زندگی است و زرتشت اسپیاما این طریق را نمی پسندید بعقیده او اعمالی باید وجودانی و بهذوق و جوشش روانی بجا آورده شوند در صورتیکه کوی یکپارچه مادی بودند زرتشت جنبه معنوی را می پسندید.

ترجمه: به این ترتیب ناراست تباہ میکند و جسدان خود را به (نیافتن) حقیقت راه راست که چون بر او پل چنود پدید گردد روان او سرزنش خواهد کرد (واو) به عمل و به زبان (سخن) خویش از راه اشا منحرف شود (و گمراه

( آئین ) ای مزدا ! خود او فرزنه دروغ هست و چنین ( مرد ) نادان ( ضعیف العقل ) میباشد من برای کسان خودم اشا ( راستی و درستی ) را خواهم خواند که با مهر و سعادت ( بسوی ما ) بباید .

توضیح : اشاره به مخالفان میکند و میفرماید در صورتیکه آنان میکوشند که افراد جامعه را فاسد کنند من خواهم کوشید که اشاسوی مایباید و مهر و خوش بختی بیاورد .

### ( فہرست دوست مردمی و میراثی )

( ۱ ) و میخ. چند. ( ل ) س. دندون. برسون رو س. لد ( س ) بونچ. و م. چند. لع سعدم ( ن ) س. و م. چند. ( س ) س. فاده ( س ) س. درج. سی سعدچ. لکن سمع لس. چند و س. سیون ( س ) سیوس. گچ س. وا سیور و ده سمع س. چند سیونج .

ترجمه : کدام ( جوان ) مرداست دوست زرتشت اسپیتا ما والبته او به اشا ارتباط دارد و با ارمایتی هم سخن است و یقیناً به و هون و نیکان ( ارادت منداشت ) و خود را از برادری مگامیشمارد .

توضیح : مزدیسنی که دوست زرتشت است باید اشائی باشد و با ارمایتی ( تسلیم و رضا ) نزدیک گردد و به و هون و نیکان ارادت مند باشد و خود را از برادری مگامشمارد .

مگا نام انجمنی است که زرتشت تأسیس کرد و از اعضای متقدم آن شاه ویشتا سپ وزیر جاماسب و مابدیه منها ( maidhy<sup>o</sup> manha ) و فرشاوشتره بودند .

بعد انشمند برگوید.

توضیح: پیغمبر میفرماید که از جانب اهورمزدا اعلام میکنم که :

- ۱- ناراست را بخت بد تهدید و به راست روشنائی (وجدانی) میبخشد.
- ۲- تنها مردیکه واژه پاک را به مردم دانابر میگویند اانا و شاد خواهد بود.

(۹) **وَسَيِّدُ الْجَنَّاتِ ۖ ۶۴۵۷** وَسَعَ

لِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ سَدَقَةٌ لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ  
لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ سَدَقَةٌ لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ  
لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ ۶۴۵۸

**وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ**

ترجمه : پاداشیکه ای مزدابوسیله آتش سرخ (برا فروخته) بهدو گروه (مخالف) بوسیله آزمایش (سخت) فلز گداخته میدهی رهنماست به زندگی وجودانی (ما) که ناراست را تباهمیکند و به راست سعادت میبخشد.

توضیح: آتش برا فروخته یا فلز گداخته را باید بمفهوم آزمایش سخت و رنج آور گرفت که بهدو گروه مخالف در کشمکش میرسد و هر کدام که در آن شکیبائی ورزید و تحمل کرد کامران و سعادت مند و هر که نتوانست متحمل گردد تباخ خواهد شد.

(۱۰) **وَسَعَ ۖ وَسَعَ ۖ وَسَعَ ۖ ۶۴۵۸**

لِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ سَدَقَةٌ لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ  
لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ سَدَقَةٌ لِلَّهِ  
لِلَّهِ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ وَلِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ سَدَقَةٌ لِلَّهِ  
**لِكَلِّ سَدَقَةٍ ۗ كَلِّ سَدَقَةٍ ۗ سَدَقَةٌ لِلَّهِ ۗ**

ترجمه : مردیکه میکوشد (جامعه را) بمیراند (فاسد کند) بر ضد این

(۷) و سندوچ چیز داشم. همچو چیزی نداشتم.  
 سمع ندادم. (س) سمع ندادم.  
 سمع (چیز) نداشتم. نه (س) (س) نداشتم.  
 داشتم (چیز) نداشتم. داشتم (چیز) نداشتم.  
 (چیز) داشتم. (چیز) داشتم.  
 داشتم (چیز) نداشتم. فاکت نیم داشتم نداشتم.

ترجمه: ای مزدا! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هروتات و امرات را بمن وسیله سپتا ماینبو عطا کن و نیز بوسیله و هومن جاوید نیروی روانی و زندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکارشد.

توضیح: هروتات و امرات یعنی تندرستی و زیست جاوید را آرزو میکند که اهورمزد بوسیله سپتاماینبو به او عطا کند و بوسیله و هومن یعنی دانش ایزدی جاوید توانائی روانی واژکیش مزدیسنی که زندگی نونامیده چنانچه به الهام ایزدی بهشت زرتشت رسیده آگاه سازد.

(۸) سمع دارم. چیزی نداشتم. فاکت نیم داشتم. همچو داشتم.  
 فاکت داشتم. چیزی نداشتم. (س) داشتم.  
 نه داشتم. سوچیددم. (چیز) (س) نداشتم.  
 (چیز) نداشتم. همچو سمع داشتم. همچو داشتم.  
 نه (چیز). چیزی نیم داشتم. و سردر داشتم.  
 همچو داشتم. (چیز) نداشتم.

ترجمه: اکنون از جانب توای مزدا! بر میگویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بد تهدید میکند و به او که با اشاست و راست است خورسندي (روشنائي) می آورد و تنها او از واژه (ماتراي) پاک شاد خواهد بود که

به پروردشبانی که کارهایش بر راستی باشند به فروتنی دانش نیک را یافته .  
تنها ( اوست ) که خواهد توانست به دانشمندان آموزنده راستی شده خوبیش  
را آشکار کند و سعادت بیاورد .

**توضیح:** در این قطعه گویا سطر اول پرسش و سطرهای بعد پاسخ آن هستند  
پرسش این است که چگونه میتوان در جامعه زندگی اشائی پدید کرد و نگهداشت در  
پاسخ میفرماید تنها اوست که به نماز و فروتنی دانش یافته میتواند خود را آشکار  
کند و آموزنده راستی و درستی به دانشمندان گردد و برای جامعه سعادت و خوش بختی  
بیاورد . بگفته مولانا بلخی تا آموزنده نیک نباشد نمیتواند نیکی بیاموزد پس به هر  
دستی نمیشود دست اطاعت داد و اورابه هبری پذیرفت .

(۶) **قیمٰ واسیه ربطٰ واسیه دید وسیمه**  
**وسیمه دید وسیمه بیهی وسیمه دید وسیمه**  
**وسیمه دید وسیمه دید وسیمه دید وسیمه**

**ترجمه :** او که خود را بهتر از به میکند و او که هدف و نیت ( نی ) را ایفا  
مینماید او از اهورمزدا توانایی ( خواهد یافت ) ولی او نمی پروراند زیست ( گیتی نی )  
را آخر در پایان زندگی بدتر از بد خواهد شد .

**توضیح:** وظیفه بشر در این است که زندگی و صورت جامعه را از به بهتر  
سازد و به این ترتیب هدف زندگی نی را ایفا نماید تا اهورمزدا او را خشنتر یعنی  
نیرو عطا فرماید و او را بر نفس خود خداوند سازد ولی او که بد را بدتر میکند و  
وظیفه زندگی نی را بجا نمی آورد و مادر گیتی را به آبادی و شادابی باری نمی نماید  
و در آن حال که از جان میگذرد به پاداش کار بد خواهد رسید .

اهورا شما از ازل آموزنده هستی .

توضیح: برای آبادی گیتی بشر باید به فرمان اهورمزدا ( که بوسیله طبیعت پیوسته ) آشکار میشود همراهی کند. اشا یعنی راستی و نظم گوئی زبان اهور است که سخنان یا آموزش دین را بوسیله و هومن یعنی دانش ایزدی برمیگوید و از ازل آموزنده اصل اهورمزداست .

(۴) وَدْنِ‌س. سَلْجِ‌دَنْد. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. وَدْنِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س.  
وَدْنِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س.  
وَدْنِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س.  
وَدْنِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س.  
وَدْنِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س.

ترجمه : کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو و کجا مهر بانی روان است و کجا اشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و ( بهترین منش ) و هومن را وای مزدا ! ( خشنر ) اراده توانای تورا .

توضیح: به مهر و مودت و باکی و نظم و بهترین منش و اراده توانا کارها نیک و منظم میگردند. پیغمبر این صفات را از اهورمزدا برای جامعه آرزو میکند .

(۵) وَابِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س.  
وَابِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س.  
وَابِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س.  
وَابِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س.  
وَابِ‌دَنْدِ‌س. سَلْجِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س. وَابِ‌دَنْدِ‌س.

ترجمه : همه اینها را پرسیده ( میخواهم بدانم ) چگونه زندگی اشائی را

است که بشر به مدارج عالی میرسد و پیغمبر میفرماید من نیز با عزم ثابت به خدمت نوع خود خواهم کوشید.

(۲) س. فام. همیو س. ره سط («بی»).  
سین (س. دلیع س. ویو هر س.  
هند در دند س. س. (هند در هن)  
و طی دلیع س. هن (د. دلیع هن (هند.  
دلیع س. سو ۴۴. و ای هن. هند دلیع س.  
فان (هند. وند وی. دند (هند دلیع هن).

ترجمه: این اعمال ای مزدا او لا بشما (تقدیم می شوند) (و بعد) به اشا و ای ارمایتی به شما بهمن نیروی اراده بنماید و بوسیله و هومن توفیق پرستش به بخشید.

توضیح: در این قطعه تسلسل فکر قطعه گذشته است. التماس میکند که در بجا آوردن کار نیک که به اشا و اهورمزدا تقدیم می شوند ارمایتی اراده را نیرودهد و و هومن سعادت پرستش به بخشد.

(۳) س. فام. هم دلیع س. هن (هند دلیع هن).  
هند (د. فام. وی سر دلیع هن (هند دلیع هن (هند دلیع هن).  
سین (هند. دلیع س. هند (هند.  
دلیع س. دلیع س. دلیع هن (د. دلیع هن (هند.  
وی سی دلیع هن (هند. ره سط («سی»).  
هندیو س. لای سو سن دلیع س. سین (هند.

ترجمه: برای (آبادی) گیتی (باید) بهم آئید آنانکه در آن کار با شما همراه هستند، اشا زبان اهوراست که سخنان و هومن را (برمیگوید) و به اینها ای

## سرو ۵۱ بنام و هو خشتر ا

منحصر بهیک سرود است در ۲۲ قطعه و هر قطعه در ۶ پادا که مجموعاً ۱۳۲ پادا میشوند و هر پادا در هفت سیلاپ گفته شده.

( نقوش دیده . نویسنده . ۵۱ )

۷۶۴ } فاعل . قسمی سعی سویس طیبونده

(۱) فاطمه - سلیمانی (۴). واسد (۴).

اسد (۴). سدم بزرگ (۴). دنیا (۴).

پاره و پیغمبر (۴). سدهوند. پولک سدریم (۴).

سعی سد. سیمینه (۴). مرد (۴).

پسردند طیبونده. هندیوسد. واسد بزرگ (۴).

۹۳ سد. (۴). (چهارم). واسد (۴).

ترجمه : نیروی ایزدی گران بهاست. و بخششی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا. او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بواسیله عمل (به بلند ترین مقام میرشد) (وبرای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهم کوشید. (یاخواهم ورزید) .

توضیح: خشنتر یعنی نیروی ایزدی بهر که رسید او نعمت گران بها یافت و باطن او تواناشد. اگر خوش بخت باشد به نوع خود خدمت میکند و تنها از عمل

دست را به نیاز و نماز بلند کرده امیدوارم که بوسیله اشا و دانش شگفت و هومن  
بsuma نزدیک شوم و به سرود ستایش بسوی شما بازگشته هرگاه کاملا به مرام خود  
رسیدم آرزو مندم که دارای دانش عالی گردم آنچه در گذشته گفته ام و در آینده خواهم  
گفت امید که به الهام و هومن باشد در برآمدن روز و تجلی اشعه لطیف خور هم  
عظمت و فر شما را ستایش میکنند و در پایان عرض میکنند که همواره اهور مزدا  
را خواهد سقود و تا زمانی که اشا و خشنتر ایزدی اراده مرا نیرو میدهند در تبلیغ  
دین بھی که از الهام ایزدی بافتم خواهم کوشید و کامبابی وابسته به مشیت ایزدی  
است .

## خلاصه سروده ۵

در برخی از سرودهای گاتا پیمبر آرزوی خودرا بیان میکند و در بعضی پرسشی میکند و خود پاسخ میدهد یا پاسخ را بهشونده آنواگذار مینماید. از جمله در آغاز این سرود از اهورا مزدا میپرسد که کدام کس یاور او و پیروان او خواهد شد و در پاسخ میگوید که اشایعنی راستی و نظم و هومن یا بهترین بینش بشرطی که آنها به نیت خالص خوانده شوند و در قطعه دوم میپرسد چگونه جای امن و جامعه ایرانی محیط راستی و درستی خواهد شد و پاسخ را به خواننده واگذار میکند و جائی میخواهد که بر آن خور بتاید و افراد جامعه آسوده زندگی کنند و به امن خاطر به وظایف زندگی برسند. جهان تن که در دیگر ادبیان جای در درونج است برای زرتشت آورنده شادی است و پیمبر امیدوار است که ارمایتی باشا و خشتو و هومن بسوی او خواهند آمد و از یاری ایزد بانسوی خوش بختی پیش خواهند رفت. میفرماید ای مزدا! تنها ترا میستایم و میپرسنم و آرزو مندم که جوینده تو به راه راست گام بردارد و به آنچه بر من ارادت مند تو پدید شده گوش دهد ای مزدا! تو از جهان بلند برای ما شادی می آوری و یاری تو آشکار و اشاره های تو مارا بسوی روشنائی رهنماست. نظر پیمبر ایران همواره بر الهمایزدی است و تمنا میکند که آنچه او میگوید به الهمایزدی باشد. میگوید ای مزدای تو انا! ترا به دلکش ترین عبارت ستایش میکنم تاباشا و هومن مارا راهنمایی کنی و یاور ماگرددی و هر دو

لطیف خورشید (آئین) اشا ای مزدا اهورا همه به (فر) وستایش شما هستند.  
توضیح: تقریباً همین فکر در قرآن نیز اشاره شده که موجودات چه از  
جانداران و بیجان، از بیانات و حیوانات و جمادات هم پروردگار را می‌ستایند بنابراین  
بشر نیز نباید از یاد او غافل گردد.

(۱۱) سع. قم. دده سطح سد. سطح سد. هم‌و سد. سعد من سعد سد.  
و سد «سع». سد سع سد. سد سد. دده سد سد.  
و سد سد. سعد سد (س). ساد سع سد. ساد سعد سد.  
من سد. دل رود سد-خان (اعن مده ۴۴۰). رود سع سد. دل سع سد (۴۴۰).

ترجمه: ای مزدا! خودم را ستایش کننده شما میدانم و آشکار می‌کنم و  
(چنین خواهد بود) تازمانیکه از اشا نیرو دارم و دارای اراده هستم آئین ایسن  
زندگی نو که از و هومن پدیدگشته تکمیل آن بنابر اراده اهوراست.

توضیح: پیغمبر اعلام می‌کند که همواره اهورمزد را خواهدستود و تازمانیکه  
بوسیله اشا یعنی راستی و درستی دارای اراده و نیرو هست در انتشار دین نو که از  
الهام ایزدی یافته خواهد کوشید و تکمیل آن وابسته به مشیت ایزدی است.

توضیح : در نماز چنانچه اکنون هم مرسوم است دست هارا به دعا بلند میکردن .

(۹) **وَلَدَ وَلَدَ فَاسِعٌ وَسُرْدَادٌ سُرْدَادٌ** **وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ**  
**وَسَرْدَادٌ سُرْدَادٌ سُرْدَادٌ** **وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ** **وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ**  
**وَسَرْدَادٌ سُرْدَادٌ سُرْدَادٌ** **وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ** **وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ**  
**وَلَدَ وَلَدَ وَلَدَ**

ترجمه : ای مزدا ! تورا به این سرودها ستد و بسوی تو باز میگردم با (آئین)  
 اشاو کارهای و هومن و هر گاه کاملا به مرام خود رسیدم آرزو مندم که دارندگان دانش خوب  
 (عالی) بشوم .

توضیح : از سرودها اشاره به سرودی هست که در قطعه گذشته فرموده و از  
 لفظ «مرام» مرا بخت و سعادت و پاداش نیز مینتوان ترجمه کرد اشاره به رهنمائی و  
 اصلاح جامعه هست .

(۱۰) **سَعَ وَسَدَ فَانِدَ عَيْسَ** **وَسَسَدَ سَسَدَ** **وَلَدَ لَدَ لَدَ** **سَدَ سَدَ**  
**وَسَسَدَ سَسَدَ** **فَاطِمَةٌ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ**  
**لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ**  
**لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ** **لَرِسَعِيْمَهُ**

ترجمه : آنچه در گذشته ورزیده ام و آنچه در آینده خواهم ورزید ( و به  
 الهام ) و هومن میباشد ( امیدوارم ) به چشم شما ارزش دارند در برآمدن روز و اشعه

(۷) سمع. فایم. و بسیار طیعت دارد. و «بین مدد و دم پیوی» سهاده است.  
لذت درسته دنید. لذت از این دنید. و این لذت بین درسته. و میتواند بین درسته.  
هستی و سهاده. بین درسته. لذت این پیوی. و لذت این دنید.  
فیضه دنید. لذت این دنید. لذت این دنید. لذت درسته دنید. سهاده دنید پیوی ها.

ترجمه: و یقیناً جفت خواهم کرد شما (ای) حافظ آزادی و سزاوار ترین که  
خوانده شویم و به ستایش شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن تاکه پیشوای ماشده  
باوران ماگر دید.

توضیح: ترجمه علامه بارتلومه چنین است . برای شما جفت خواهم  
تندر و ترین اسبهای فربه و نیر و مند را بوسیله ستایش شما و گویا مقصود از آن به  
دلکش ترین عبارت شمارا ثنا خواهم گفت تاکه شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن  
مارا راهنمائی بکنید و باور ماگر دید.

(۸) چه سمع. و ایم. لذت دنیدونید. و همسه. لذت دنید هم هم. لذت دنید.  
لذت دنید لذت دنید. هستی و سهاده. دنید دنید دنید دنید.  
سمع. و ایم. بین درسته دنید. لذت این لذت بین درسته دنید. { لذت این دنید دنید  
سمع. و ایم. و این دنید دنید دنید. لذت این دنید دنید دنید. لذت این دنید دنید دنید ها

ترجمه: ای مزدا! با سراییدن سرو دپر ذوق (و جدانی) شایسته شنیدن، هر دو  
دست را بلند کرده بانماز ارادت مندانه بوسیله اشا و دانش شگفت آور وهومن به  
شما نزدیک میشوم.

اشاره های نزدیک (که پاسخ هستند) از شما و ما را سوی (مکان) روشنایی رهنمایی شوند.

ترجمه: یقیناً من خواننده ماترای (ستایش) توای مزدا! آوازم را به نماز  
برمی آورم و من زرتشت با اشا دوست شده (امیدوار است) که دهنده خرد همواره  
به آنچه از زبان من برمی آید (رهنمایگردد) و اصول رهنمایی (دین) را بوسیله و هومن  
(بهمن) بیاموزد.

**توضیح:** پیمبر همواره نظر به الهام ایزدی دارد و تمنا میکند که آنچه او در سرو دستایش ایزدی میگوید مطابق الهام ایزدی باشد. گوئی همین فکر در شاهنامه از زبان فردوسی گفته شده یعنی قهرمانان فردوسی بویژه رسم هرگاه به کارمههی دست میزند یا به انجام میرسانند در آغاز استدعا یاری و رهنمائی ایزدی است و در انجام سپاسگزاری از مرحمت ایزدی است.

تو ضمیح: پیغمبر خطاب به مزدا عرض میکند که امیدوار است ارمایتی بالاشا و خشنتر و و هومن چنانکه مزدا پیمان نهاده بسوی او خواهد آمد و بهنیروی برگتی که از ایزد بانو اشویش خواهد رسید خوشان نزدیک (مزدیسمی) بزمینی که در تسلط دیویستیهاست پیش خواهند رفت. گویا در این قطعه اشاره‌ای به کشمکش گشتناسب و ارجاسیب شده.

(٤) سَعْدٌ وَأَسْعَدٌ وَمُعَاوِيَةٌ وَدَدَهْرٌ وَجَسَدٌ وَسَدَّوَةٌ وَسَدَّونٌ (الـ)  
 سَنَوَةٌ وَسَرَيْفٌ وَسَلَيْمَانٌ وَسَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ وَسَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ وَسَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ  
 سَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ وَسَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ وَسَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ وَسَلَيْمَانُ الدَّاهِرِيُّ

ترجمه: ای مزدا اهورا ترا میستایم و میپرسنم با اشا و یامهر بانزین و هومن  
و خشتاتاکه جوینده (تو) بر راه راست به ایستاد و به آنچه به ارادت مند تو از (بهشت)

توضیح: عبارت قطعه و اضطرار است.

(٥) س(ج). ي- س(ق)س. س(ك)س. س(م)س. س(ر)س. س(ل)س.  
مع درسون. وس(ج)س. س(و)س. س(ب)س(د)س. س(أ)س(ن)س. واسط(س)س(ف)س  
س(ل)س - و(ع)ن(د)س. س(د)س(ب)س(ر)س. س(د)س(س)س(ن)س.  
ك(س)س(د)س(د)س. و(س)س. {س(ع) س(ع) س(ل)س}. و(س)س(د)س(ع) .

ترجمه: از جهان بلند بنابر (آئین) اشا شما ای مزدا اهورا! هرگاه شادی  
می‌آورید برای خواننده ماترای شما-پاری (شما) آشکار و درست دیده می‌شود به-

ترجمه: ای مزدا! چگونه یکی مادر گیتی شادی آورنده را بجوید او که آرزومند است که «گیتی» را برای خود (جای) پر امن یابد در زمینی که از تابش خورشید روشن است (و روان) مردم اشائی و راستی (هستند) تو آنانرا میان دانشمندان جا خواهی داد.

توضیح: پرسش میکنند که چگونه مادرگیتی را جای امن و پراز چراگاه در محیط مردم راست و پیرو اشا بیابد والبته پاسخ را به خواننده واگذار میکند. جائی میخواهد که در آن نور بتاید و همه آسوده باشند و بتوانند به وظایف زندگی برسند والبته چنین محیط میان دانشمندان پدید میشود و چنین محیط آرزوی پیغمبر است.

(۲) سعی نکن. سعی نماید. سعی کروید. سعی کنید. سعی نمایند.  
سعی نمایو. سعی نماید. سعی نمایند. سعی کنید. سعی کنید.  
سعی کنید. سعی نمایند. سعی کنید. سعی کنید. سعی کنید.  
سعی کنید. سعی نمایند. سعی کنید. سعی کنید. سعی کنید.  
سعی کنید. سعی نمایند. سعی کنید. سعی کنید. سعی کنید.

ترجمه: ای مزدا! او (ارمایتی) خواهد آمد (سوی او) با اشا و با خشت و  
وهو من چنانکه تو پیمان کرده‌ای (با او) یقیناً به نیروی اشویش پیش خواهد برد  
نzdبکترین (خویشان) را بدانگیتی که دروغگویان برآن تسلط دارند.

سروود

(۱۱) وَمَنْ دَعَهُ اللَّهُ بِئْلَيْهِ. دَعَهُ دَهْدَهْ سَدَدْ.  
 وَسَلَفْ دَهْدَهْ سَدَدْ. سَلَفْ دَهْدَهْ سَدَدْ.  
 وَسَلَفْ دَهْدَهْ سَدَدْ. سَلَفْ دَهْدَهْ سَدَدْ.  
 وَسَدْ دَهْدَهْ سَدَدْ. سَدْ دَهْدَهْ سَدَدْ.

ترجمه: آیا روان من بر یکی نفوذی دارد که به یاری بخواهد و از مردم که (رمه) مرا یاری خواهد کرد و نیز میخواهم بدانم که یاور من خواهد شد. جز اشای شما ای اهورامزدا و و هو من (بهترین منش) هرگاه از صدق دل خوانده شود.

توضیح: در سرودهای گاتا مکرر برای یاری به اهورمزدا و جائی به وجودان خود خطاب میکند و خود پاسخ میدهد به این جمله (جز فلان و فلان) در این قطعه و هومن بهترین من گفته شده خطاب به اهورمزدا عرض میکند که یاور من و پیروان من خواهد شد، و پاسخ میدهد مگر اشا (راستی و درستی) و بهترین منش یعنی اراده پاک و بیغرض.

در قطعه دهم و یازدهم اشاره به آینده‌ی افراد بشر است که در انجام هر کس بنابراعمالش نتیجه خواهد یافت، چنانچه میفرمایدای مزدا : در مکان تو و هومن و روان نیکان و مورد نیاز و نماز آنان ارمایتی باروی خندان فرو می‌آیند که نیکان را باری کنند ولی آنانکه روشنائی روانی‌شان ضعیف است (وهمه چیز را سطحی دیده) حقیقت را نیافته‌اند به مکان رهبران دروغ و نفس‌های دروغ و بداندیشه و بدسرخن و ناراست بازخواهند گشت.

ممکن است که اشاره‌های قطعه نهم و دهم بعداً به صورت گذشتن روانهای نیک و بد از پل چند و برخوردن به چهره زیبا وزشت درآمده باشد.  
ودر آخر سرود خطاب به اهورمزدا عرض میکنند چه باری از تو و چه باری از و هومن خواهد رسید تا سرود ستایش تراکویم و ترا خوشبود سازم و مشیت تورا خواستار گردم.

## خلاصه سرو د چهل و نه

آغاز میشود از شکایت از یک تن بنام بندو (Bendvo) که پیشوای دیویستینیان واز مخالفان سرسخت زرتشت بود و آرزو میکند که ناکامی او را بهیند که کیش مزدیستی براساس سود و خوبی افراد جامعه و دیویستی برپایه تباہی و آزار است با پیوستگی به هومن برای مبارزه با بدن خود را آماده نشان میدهد و میفرماید آنها ناشبانان هستند که بزبان خود ادعای شبانی و رهبری میکنند در صورتیکه باطن آنها از نار استی پیروی می نماید و به اهریمنان میگراید. ذوق و جوشش روانی برای او هست که وجود ان دارد و به دانش ایزدی می پیوندد و به تسلیم و رضا ارادتمند است و دانش را از اشا می یابد و با همه آنها بر نیروی ایزدی متکی است. در قطعه ششم آرزو می کند که مشیت مزدا و اراده اشارا بداند و دانسته آموزش خود را آشکار سازد و گرویده مزداگرد و خطاب به مزدا عرض میکند که هومن و اشاگواه باشند که هر سه طبقه مزدیستینیان یعنی خویتوش و ایریما و ورزنه به آئین ایزدی زندگی میکنند.

در قطعه هشتم برای فروشتر دعا میکند که او را اهورمزدا باز نده ترین شادی یعنی پیوستگی به اشا عطا فرماید و نیز دیگر پیروانش را به نیروی ایزدی نیرومند کند. قطعه نهم اشاره به جاماسب داناست میفرماید در این نهضت دینی که یک گونه رستاخیز و زندگی نو هست باید همه به اشا به پیوندند تا باطن شان بهترین پاداش روانی یابد و باوران به آموزش من گوش دهند.

(۱۱) سخن و زندگی پیش از مرگ و میر داشتی ای شهید و طلاق  
و فکر و سعی ای شهید و زندگانی سخنی و این «سخن»

سو شدند. سعی ای شدن بد. نیزه ای. رشد در روح بیرونی  
و این «سخن» بروز شد. نیزه ای. نیزه ای. نیزه ای.

ترجمه: اما میان بد فرمانروایان و بد کاران و بد سخنان و بد دینان و بد-  
اندیشه کنندگان و پیروان دروغ بسبب کم بینشی روانها بازمیگردند و یقیناً در جای  
نار است میمانند.

توضیح: گویا در این قطعه اشاره فرموده که روان بدان پس از مرگ به مقام  
بد و روان نیکان به جای خوب میرسند و این اشاره به گذشت روزها مجسم کرده‌اند  
به اینکه روان بد پس از مرگ هرگاه به پل چند رسید زن بدچهره را می‌بیند و  
خوب دوشیزه زیبا را.

(۱۲) و سخن می‌گفت. سخن سه گزینه را می‌گزیند. سه «سخن».  
یکی ای ای دن بدند و بد. و سخن می‌گفت. عاطله. سه «سخن».  
و سخن. فرام. داده بسته شدند. هیچ‌وشه. لایه سه. نیزه ای.  
و ای. دن بدند و بد. نیزه ای. دن بدند. فرام. دن بدند. فرام. دن بدند.

ترجمه: چه یاری (خواهد رسید) به خواننده تو توسط اشا- فچه یاری از  
و هومن تو. به سرود ستایش ترا خوشنود خواهم کرد «گرامی خواهم داشت» و  
خواستار خواهم شد آنچه ای مزدا اهورا بهترین خواست تو هست.

توضیح: آرزوی یاری از اشا و هومن و خشنودی اهورمزدا و تسلیم  
محض به مشیت او.

(بشر) آفریده شده— که هر گز گوینده راستی اندیشه پیوستگی به پروان نار است نکند  
تا وجود آنها بهترین پاداش یعنی پیوستگی به اشا بیابد.

ای جاماسب دانا ! در بر آمدن (رستاخیز) باید هر یک به اشا پیوندد.

توضیح: در قطعه‌های گاتا کلمه سوشنیت را بمفهوم یاوران زرتشت باید  
گرفت اینها آفریده شده‌اند که یاوران کیش مزدیسنی شوند و نباید به هیچ صورت  
با ناراستان نزدیک گردند و از واژه رستاخیز مقصود عصر جدید زرتشتی است که  
فساد را دور میکند و مردم را به اشائی<sup>۲</sup> یعنی راستی و نظم رهنمایی میشود.

(۱۰) مَلِكُ الْمُلْكُوْسُ. مَالِكُ الْمُلْكُوْسُ. فَكَيْدُ الْمُلْكُوْسُ. سَدِيقُ الْمُلْكُوْسُ.  
مَلِكُ الْمُلْكُوْسُ. فَاطِّيْمَةُ. (أَمْكَنْدِيلْسُ). سَدِيقُ الْمُلْكُوْسُ.  
خَلِيلُ الْمُلْكُوْسُ. مَلِكُ الْمُلْكُوْسُ. سَدِيقُ الْمُلْكُوْسُ. يَوْلُوكُ الْمُلْكُوْسُ.  
عَبْرُوكُ الْمُلْكُوْسُ. عَلِيْلُ الْمُلْكُوْسُ. فَاسِيْلُ الْمُلْكُوْسُ. سَدِيقُ الْمُلْكُوْسُ.

ترجمه: و این (احساس) را به علاقه در مکان تو (به دلم خواهیم داشت)  
ای مزدا (که دوست دارم) و هومن را و روان نیکان را و نماز آنها را (که) به ارمایتی  
هست و ذوق اندرونی که به یاری (نوع بشر) پر از نیروی ایزدی با خنده روئی  
میرسد .

توضیح: پیغمبر میفرماید در مکان ایزدی خواهم نوازش کرد دوستی به  
وهومن و روان نیکان و نماز آنها و به ارمایتی که به یاری (نوع بشر) با نیروی  
ایزدی و با کمال بشاشت «برزمین فرو می آید » .

اهورا گوش دهید (و گواه باشید) که از ایریما و که از خویتووش بنابر آئین شما زندگی میکنند و برای (طبقه) ورزن نمونه خوب میگردند.

توضیح: خویتوش و ایریما در طبقه برتر مزدیسنی باید چنان به آئین زرتشتی زندگی بکنند که نمونه خوب برای طبقه سوم یعنی ورزنه گردند و برای آن پیغمبر اهورا و اشا و هومن را گواه میگیرد و ضمناً پندی است برای طبقه اعلای جامعه که در اخلاق باید نمونه خوب برای طبقه پست تر گردند.

(۸) ﴿لَهُ سَمِيعٌ وَّطَّافِي بِدِمٍ﴾ (سده). ((سَمِيَّ دِي بِدِمْ هِيَو)). سَمِيعٌ بِرَوْسَه. وَسَعِيَهُ  
بِدِمٍ. هِيَوْسَه. لَكِن سَه. هِيَوْسَه. وَهِيَوْسَه. سَرِغَه (سده).  
هِيَوْسَه. لَكِن سَه. هِيَوْسَه. وَاسِغَه (سده). لَكِن سَه. هِيَوْسَه. سَه. هِيَوْسَه (جَادَه).  
هِيَوْسَه. طَابِيَه (جَادَه). طَابِيَه (سده). لَهُ سَمِيعٌ بِدِمٍ سَمِيعٌ بِدِمٍ. سَمِيعٌ بِدِمٍ سَه.

ترجمه: ای اهرمزدا! تماس میکنم از تو که برازنده ترین شادی (یعنی) پیوستگی به اشایه فروشتره بدھی و نیز به اراده پاک تو کاملاً به (دیگر مردم من) تا برای همه زمان ما پیام دهنده (والهام پذیر) شما باشیم.

توضیح: دعا بدرگاه ایزدی که او فروشنده و پیغمبر را به اشا پیوستنگی دهد و نیز خشنتر اراده دیگر مردم مزدیسنی را نیرومند کند (که بموجب آثین اشا یعنی راستی و درستی زندگی کنند).

(١) داواسته جه. داها هدایه. دلخیز شوچه بورجی. دادردا. داشتنداده.  
کلده. دلخیز-کلده بورجی. دادردا. دوچه. دلخیز-دوچه.  
ملاده بیع. دلخیز-ملاده. دادردا. دادردا. دادردا.  
دلخیز-دلخیز. دادردا. دادردا.

ترجمه: گوش دهد به (این) آموزش یاور (سوشینت) که برای نجات

و هومن می‌پیوندد و هر یک از آن از ارمایتی است و از اشا داناست و با همه آنها  
ای اهورا ! او با تو (در سایه) خشنتر توانهد بود.

**توضیح:** مقصود کسیکه ذوق و ایثار نفس دارد و وجود اش با و هومن یعنی  
علم ایزدی پیوسته او دانشمندی است که همواره با اهورمزدا و امشاسبیندان است  
در قطعه بالا لفظ azuitish مترجم بهلوی معنی فربهی نوشته و برخی  
بالیدگی ترجمه کرده‌اند .

(۶) هاچ. قاسه. (هاس) قاعوس رسد. هاسیوس. هیلیوس. هیلیوس. هادیوس.  
هیوس. هام. هن (هند)م (هند). هن (هیلیوس) سودیوس رسد. سد. هن (هند)هیوس.  
هیوس.  
هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس. هیوس.

**ترجمه :** ای مزدا ! و ای اشا صمیمانه التماس میکنم آشکار کنید اندیشه  
شما را که از خرد خود برای ماچه طرح نموده اید تا آنرا درست برگزیده دینی اعلام  
کنم که ای اهورا برای گرویده شما باشد (یا از گرویده شما باشد).

**توضیح:** در قطعه‌های گاتا پیغمبر ایران از اهورمزدا التماس میکند که آنچه  
در ذهن او الهام میشود اصولی باشد برای جامعه بسیار سودمند و درست .

(۷) هاسهوس. هاچ. هاسیوس. هادیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس.  
هادیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس.  
هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس.  
هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس. هیلیوس.

**ترجمه :** ای مزدا هر یک بشنوید با و هومن و بشنوید با اشا و نیز شما ای

و هومن را خواهم خواست و از همه (نوع) دوستی با پیروان ناراستی احتراز خواهم کرد.

**توضیح:** در همه فطعه‌های گاتا مردم را آزاد کذاشته که آموزش زرتشتی را با آنچه مخالفین می‌گفتند بسنجند و یکی را اختیار بکنند و خود زرتشت که به آموزش خود مؤمن است می‌فرماید همواره با مخالفین مبارزه خواهد کرد.

(۴) و بُطْلَهُ د. و بِنْدَلَهُ (بَنْدَلَهُ كَنْدَلَهُ). بَنْدَلَهُ بَنْدَلَهُ. بَنْدَلَهُ (بَنْدَلَهُ كَنْدَلَهُ).  
بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د.  
بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د.  
بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د. بَنْدَلَهُ د.

**ترجمه:** آنانکه از بد خردی خشم و رشك را می‌افزایند ناشبان هستند که که به زبان خودشان می‌شنوندو کارنیک نمی‌خواهند (بلکه) کار بد می‌خواهند و باطن چنین کسان ناراستی را پیروی کرده اهریمنان را بر می‌گیرند (می‌آفرینند).

**توضیح:** از دو صفت بد خشم و رشك نکوهش کرده می‌فرماید کسانی که دارای این خلق بد هستند طبعتاً به بدی می‌گیرایند و از خوی بد باطن شان اهریمنان را (درجاتی) پدید می‌کنند.

(۵) سَمَّ. سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ وَسَمَّ. سَمَّ وَسَمَّ دَنْدَلَهُ د. سَمَّ دَنْدَلَهُ د.  
سَمَّ. سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ).  
سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ).  
سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ). سَمَّ (سَمَّ).

**ترجمه:** اما ای مزدا! ذوق و بالیدگی برای او هست که وجود انش را به

(۲) سـ۴ـهـ. سـلـیـعـرـوـرـهـ. هـهـ. لـعـبـلـوـوـ «سـلـیـعـرـهـ». هـهـ{سـلـیـعـرـهـ}هـ. هـهـ{سـلـیـعـرـهـ}هـ.  
 بـهـوـدـقـعـعـجـتـ. وـلـعـقـعـسـعـ. وـلـعـقـعـهـهـ. سـلـیـعـهـ. (سـلـیـعـهـ).  
 بـهـجـهـ. دـدـنـعـسـلـیـعـهـ. وـلـعـقـعـهـهـ. سـلـیـعـهـ. دـدـهـجـهـ. سـلـیـعـهـ. دـهـمـهـ.  
سـلـیـعـهـ. فـاطـمـهـ. هـهـ{سـلـیـعـهـ}. هـهـ{سـلـیـعـهـ}. هـهـ{سـلـیـعـهـ}

ترجمه: یقیناً این بنده مرا نگران کرده آموزش او که پیروی از دروغ است به ربا (مردم را) از اشا دور می‌سازد (او) هیچ گاه برای خاطر اشا ارمایتی (تسلیم و بندگی) را بر نگرفت و نه هم ای مزدا با و هومن پرسش کرد و باسخ شنید (با پیوست).

توضیح: اشا به يك مفهوم راستی و درستی و افزایش نیروی زیست و نظم است و هم‌چنین ارمایتی بمفهوم تسلیم و رضا و بندگی و وهم من دانش و مهر و مودت است TKAESHE یعنی کیش و نیز بمفهوم آموزش میتوان گرفت.

(۳) سـلـیـعـهـ. سـلـیـعـهـ. وـلـعـقـعـهـ. هـهـ{سـلـیـعـهـ}. هـهـ{سـلـیـعـهـ}. {دوـسـهـ}هـ.  
 سـلـیـعـهـ. دـدـهـدـوـرـهـ. بـهـوـدـقـعـعـجـتـ. (سـلـیـعـهـدـوـرـهـ)هـ. وـلـعـقـعـهـ.  
 هـهـ. وـلـعـقـعـهـ. دـدـهـمـ. دـیـرـهـ. هـهـ{سـلـیـعـهـ}.  
سـلـیـعـهـ. فـاطـمـهـ. فـاطـمـهـ. وـلـعـقـعـهـ. هـهـ{سـلـیـعـهـ}. (سـلـیـعـهـ)هـ.  
 هـهـ{سـلـیـعـهـ}

ترجمه: یقیناً برای همه از مزدا (اختبار) برگزیدن داده شده است که کیش اشائی برسود و (خوبی) و پیروی ناراستی بر تابهی و آزار است از این رو پیوستگی

سرو د چهل و نه

( ۱۵۹ ) ملکه عزیز

ترجمه: ای مزدا! اما بندوه با من بزرگترین مخالفت میکرد (به من) که میخواهم توسط اشا اورا از راه بدبازدارم. ای مهربان با بخشش خوب (بسوی من) بیا آیا توسط و هومن شکست (بندوه) را خواهم دید.

توضیح: بندو Bendvo نام یکی از رؤساهای دیویسی است که بازترشته به سرخختی مخالفت می‌کرد، کلمه ویدا Vida در سطر چهارم به معنی یافتن است که خواهند دید ترجمه شده، مقصود اینکه شت زرتشت آرزومند است بندورا از مخالفت بازدارد و بسوی راستی و درستی که راه اشاست رهنمایگردد.

میفرماید که بهترین آموزش به مرد دانا آن است که از اهورمزدا بوسیله اشا بر سرده پارسایان و دانشمندان که رموز روانی بیاموختند آنرا ازو هومن یافتنند. ازاندیشه خوب عمل و سخن خوب و ازاندیشه بد عمل و سخن بد پدید میشوند و ازاندیشه نیک آن است که ای مزدا در علم تو هست و انجام آن معلوم است ای ارمایتی! فرمانده باید در افکار و اعمال نیک باشد و بشر باید سراسر زندگی خود را وقف نیکی و پاکی کند و از مادرگینی نگهداری نماید که او به بالدو به روشنائی بر سد مادرگینی پناهگاه ماست و از او زندگی ما نو به نومیشود آرزو میکنم که بخشش گران بهای دانش ایزدی یعنی پیروزی روانی بمسا بر سد مزدا از ازل گینی را به جامه سبز (شادابی و خرمی) پوشانده. خشم را از خود دور دارید و با ستم مبارزه کنید و به و هومن سخت وابسته گردید و برای فزونی راستی رهبر پاک چون پلی هست که از روی آن پیروانش را میگذراند و به مکان اهورمزدی میرساند.

ای مزدا! چه بزرگ است اشتیاق من به نیروی پر مهور تو و بیش از آن به سعادتی که به پیروان من میبخشی و چه اندازه پیروان من دیدار شما را شادآمد خواهند گفت. بیا و و هومن رادر کار اویاری کن ای مزدا در چه زمان به یقین خواهم دانست که شما بر همه شاهی میکنید چه بر پیروان و چه بر مخالفان من و کی اراده و هومنی بر من درست آشکار خواهد شد و چگونه سعادتی که از سو شینت میرسد عمل خواهد گشت و چه زمان یاوران من برای انتشار آموزش من خواهد آمد و دنبیسه کرپن و شاهان بد که توجه مردم را به دروغ جلب میکنند به پایان خواهد رسید و در جامعه ارمایتی و اشا با خشنتر ایزدی پدید خواهد شد و دانش و هومنی خواهد رسید و سو شینت ها وظیفه خود را عملی خواهند نمود و در آخر میفرماید سو شینت ها و آنانکه به رهنمائی و هومن وظیفه را بجا می آورند و اعمال شان به الهام اشا و بفرمان تو ای مزدا عملی میگرددند یقیناً به زبون کردن نفرت برگزیده شده اند.

باید بمفهوم آنان نیستند که ... گرفت مقصود بدینان ناراستان را به رامش نمی-  
گیرند.

(۱۲) سمع. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد.  
و همچند. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد.  
و همچند. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد.  
و همچند. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد. سمع. داد.

ترجمه: چنین خواهند بود سوشینتهای کشورها که به وظیفه شان خواهند  
رسید و (به راهنمائی) و هون چونکه ای مزدا اعمال اشائی (بجا می آورند) بر طبق  
آموزش تو یقیناً نامزد شده‌اند برای چیرگی بر خشم (و ستم).  
توضیح: در این قطعه سوشینت یاوران و خدمتگزاران صمیمی دین بهی  
هستند که آنچه می‌کنند بر طبق آموزش الهامی و اشائی است و از وظیفه کوتاهی  
نمی‌کنند و اینها برگزیده شده‌اند که بر خشم و ستم چیره گردند.

## خلاصه سرو و چهل و هشت

این سرود در دوازده قطعه و هر قطعه در چهار مصريع گفته شده. در آغاز میفرماید  
که روز پاداش پیرو اشایی بر ناراستی پیروز می‌گردد و می‌باید که آنچه از پیشوایان  
و پیروان دیویستی گفته شد وهم و فریب بود و از این سعادت که از اهورمزدا  
یافت نسبت به مزدا ارادت او افزون می‌شود و زمان پیروزی را آرزو می‌کند و

(۱۰) وسوسه سیوسه همیوں دلید. ساده. فایض  
 وسوسه سیوسه همیوں دلید. ساده. فایض  
 وسوسه سیوسه سدیده. ساده. فایض  
 وسوسه سیوسه سدیده. ساده. فایض

ترجمه: ای مزدا کی قهرمانان (یاوران) من به انتشار دین خواهند آمد و  
 کی کثافت و حمامت را از میان خواهند برد (تباه خواهند ساخت) اینان که توسط  
 آنها کرپن (مردم را) به خود به دروغ جلب میکنند و نیز شاهان بدکشورها به خرد  
 (نیت بد) میفرمینند.

توضیح: در قطمه شماره ۹ مفهوم سوشینت را باید به مفهوم یاور و قهرمان  
 گرفت. کرپن گروهی از سروودگویان دیویسی که با زرتشت سخت مخالف بودند.

(۱۱) وسوسه سیوسه سیوسه همیوں دلید. ساده.  
فایض. فایض ساده. فایض دلید. ساده.  
فایض. فایض ساده. فایض دلید. ساده.  
فایض. فایض ساده. فایض دلید. ساده.

ترجمه: چه زمان ای مزدا ارمایتی و اشا با خشتر خواهند آمد در جای خوش  
 و چراگاه (برامن) و آنان کیستند که پیروان خونخوار ناراستی را به رامش بگیرند  
 و به که دانش و هومن خواهد رسید.

توضیح: ترجمه سطر سوم آنان کیستند که ناراستان را به رامش بگیرند را

توضیح: اشتیاق بشر به اراده خداوند است و برتر از آن اشتیاق خداوند به بشر در بخشش است و چه اندازه خوش بختی است شناسائی به تو ای خداوند و به اشا (راستی و درستی) مزدا! وهومن را در فعالیت او پاری کن.

(٦) وَسِرْدَقَةٌ وَالْمُعْنَى وَالْمُؤْمَنَةُ تَلْهُجَةٌ بِمَسْكَنِ رَبِّهِ مَلْعُونَ دَوْدَلَةُ  
عَسْكَرَةُ سَرْعَةُ سَرْعَةٍ وَبَرْبَرَةُ بَرْبَرَةٍ حَسْدَلَةُ دَرْدَلَةُ وَدَرْدَلَةُ  
حَلْيَةُ دَلْيَةُ حَلْيَةٍ حَلْيَةٌ وَسَرْسَنَةُ وَسَرْسَنَةٍ وَسَلْسَلَةُ دَلْسَلَةُ  
وَسَلْسَلَةٍ وَسَلْسَلَةٍ وَسَلْسَلَةٍ وَسَلْسَلَةٍ وَسَلْسَلَةٍ وَسَلْسَلَةٍ

ترجمه: کی خواهم دانست که شما بر همه شاهی میکنید ای مزدا و ای اشا (چه بر ما و چه بر آنانکه) نقشه (اندیشه آنان) به من تهدیدی هستند و آیا طرح ریزی و هومن بر من درست آشکار میشود و چگونه بر کت سو شیفت (نجات دهنده) روان (عملی) خواهد شد (با اینکه سو شیفت باید بداند که چگونه سعادتی که میخواهد به بعد عملی، خواهد شد.

توضیح: بار تهلوک در ترجمه ایکه از سرودهای گاتا نموده ترجمه جمله آخر این قطمه را چنین کرده:  
نجات دهنده آینده باید بداند که بخت خود او چگونه خواهد بود. مقصود

(۷) { سوچه دادم (ن). { باره دادم (ن). نسیم (۴۴۴). نسیم (۴۴۵).  
ددرجه (۴۲۶).

نیز دادم. دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).  
دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).  
دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).

ترجمه: خشم را از خود دور دارید و در مبارزه برستم پولادین باشید و به  
وهومن سخت وابسته گردید و برای فزو نی اشا یعنی (راستی و نظم) آموزگار پاک  
چون پلی هست - به این ترتیب جای مردم او اندرون مکان تو هست ای اهورا.

توضیح: در این قطعه سه اندرز فرمود یکی دوری از خشم و نفرت دوم در  
هر صورتی نباید ستم را پذیرفت یا کرد سوم وابستگی به وهمون (که روح مهر  
و مودت است) و دیگر میفرماید آموزگار پاک چون پلی هست که پیروش را بسوی  
اشا یعنی راستی رهنماست و دیگر انجام چنین نیکان در آمدن به مکان اهوراست  
سطر اول این قطعه در دیگر نوشته ها با اندکی تغییر آمده است.

(۸) وسد. نیز دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).  
دادم (ن).

وسد (ن). سوچه دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).  
وسد (ن). سوچه دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).  
دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن). دادم (ن).

ترجمه: (چه بزرگ است) اشتیاق من به اراده نیک توابی مزدا (وچه بزرگتر  
امست) بخشش توبه من ای اهورا وچه خوش خواهد بود به گرویدگان شناسائی  
تو - واشا وهمون را در کار او بیاری کن.

نیک باشد و فرمانروانیک باشد و اگر بد بختانه فرمانروابد باشد و سرچشمه‌گل.  
 آلد گردد همه‌آب جوی گل‌آلود خواهد شد. زندگی باید به پاکی وقف شود تا  
 گیتی آبادگردد، چار پایان فراوان شوند و وسائل زندگی فراهم گردد.  
 سطر دوم این قطعه بنابر نسخه ایست که نزد شادروان دکترا ایرج تاراپور والا  
 بود دیگران چنین نوشته‌اند.

Chistoish shyaothanaish Vanhuya asmaiti

در ترجمه نیز مترجمین اختلاف کرده‌اند.

(۶) منسد. یـ. یـ. منویـ دـیـ منسد. منسد. یـ. (منـدوـ دـهـیـ).  
 وـیـ. (ـیـوـیـ). وـاسـوـیـ (ـیـ). وـسـوـیـ (ـیـ). لـیـلـیـوـیـ.  
 سـیـ. سـیـوـیـوـیـ. سـیـوـیـ. یـیـوـیـ. (ـیـسـیـ). وـاسـنـیـوـیـ.  
 سـمـ (ـیـ). سـوـیـ (ـیـ). یـهـوـیـ (ـیـ). نـسـٹـ (ـدـدـوـیـوـرـوـسـدـ).

ترجمه: او پناهگاه پر امن ماست، از او زندگی ما نو گردد و بما نیروی روانی رسد و این دو بخشش گران بھای و هومن است و نیز مزدا توسط اشا از ازل گیتی را به جامه سبز گیاه پوشانده

توضیح: ارمایتی پناهگاه پر امن بشر است واز و هومن به ما نیروی روانی میرسد و زندگی نو میگردد آبادی و بالیدگی سبزه و گیاه از ازل خداوند توسط اشا برای گیتی آفرید.

(۲۴) وَسَمِعَ عَذْلَةً، فَأَبْعَدَهُ رَجَلٌ، وَسَمِعَ وَسَدَّ، فَأَوْسَرَهُ دَوَادَرَهُ.  
أَرَعَهُ، وَسَمِعَ بَهْرَهُ، فَسَرَرَهُ سَلْطَنُهُ، فَأَسْرَيَهُ زَيْنَهُ،  
فَأَكْلَاهُ سَرْجَهُ، فَلَمَّا سَمِعَ مُهَمَّهُ، أَنْدَهَهُ دَهْنَهُ، فَأَسْرَى هُمَّهُ، فَنَسَرَهُ دَهْنَهُ،  
فَلَمَّا سَمِعَ سَرْجَهُ، أَنْدَهَهُ دَهْنَهُ، فَأَسْرَى سَرْجَهُ، فَنَسَرَهُ دَهْنَهُ.

ترجمه: ای مزدا! او که نفسش را بهتر یا بدتر مینماید یقیناً به عمل و سخن و جدان خود را نیک یا بدمیکند (زیرا) که اراده پیرو آن است که برگیرنده (و دوست داشته) و در دانش تو (ای مزدا) انجام آنها واضح است.

**توضیح:** از این قطعه میدانیم که در آموزش زرتشتی اراده بشر واضح است و میتواند بد یا خوب را برگزیند و هر کدام که از آنها اختیار کرد تائیر آن بر وجودانش میشود. در ترجمه پهلوی سطر آخر چنین ترجمه شده: در خرد تو (ای مزدا) انجام هر زن و مرد بنابر (راهیکه برگزیده‌اند) واضح است.

(٥) بَلْ بَلْ بَلْ (الله). بَلْ بَلْ بَلْ (يَهُو). بَلْ بَلْ بَلْ (الله).  
بَلْ بَلْ بَلْ (يَهُو). بَلْ بَلْ بَلْ (الله). بَلْ بَلْ بَلْ (يَهُو).  
بَلْ بَلْ بَلْ (الله). بَلْ بَلْ بَلْ (يَهُو). بَلْ بَلْ بَلْ (الله). بَلْ بَلْ بَلْ (يَهُو). بَلْ بَلْ بَلْ (الله).

ترجمه: ای ارمایتی باید شاه نیک شاهی کند نه شاه بد. به اعمال و افکار نیک و زندگی بشر به پاکی وقف گردد و برای مادرگیتی (درآبادی او) زحمت کشد تا او به بالد و به روشنائی رسد.

توضیح: آسودگی افراد جامعه زمانی میسر میشود که اعمال و افکار آنها

(۲) فانسٹریس. ۶۷۰. تامس. ۳۴۰. خایرو «سی». سیمین (۱۰).  
نیو (۱۰). نیو درستخ. ۶۰۰. تامس. ۵۰۰. نیو پیپل. نیو ایلیس. نیو درستخ.  
وندیا. سیمین (۱۰). نیو (۱۰). خایرو «سی». وندر (۱۰). نیو (۱۰).  
نیو (۱۰). کی. سیمین (۱۰). فانسی (۱۰). خارددخانه. سیمین (۱۰). دنند.

ترجمه: بفرما بمن ای اهورا! زیرا (تنهای) تومبدانی آنچه (شدنی هست) پیش از آنکه کشمکش در ذهن من پذپد گردد آیا مزدیسنيان بر نار استان پیروز خواهند شد. یقیناً آن مقصد بزرگ اين زندگی را نشان خواهد داد.

توضیح: زمان پیروزی به دینان را آرزو میکند.

(۳) . سمع. حاصل قیوده {سد}. حاصل بیرون محدوده. عدد داده {سد} (بیو).  
و (بیو). معنی وسیع. عدد داده بیش. سمع سد. سمع (بیو).  
عدد {سد} (بیو). حاصل وسیع. قاعده سمع از پایه. قاعده {سد}. عدد بیشتر وسیع نظر.  
قطع کده سد (بیو). هست و سد. حاصل بینم (بیو). بین اندیشه کده سد. بین سد (بیو).

ترجمه: وبه دانشمندان بهترین آموزش آن است که اهورای دانا توسط اشایاموزد. باک و دانا همه آنانکه آموزگاران آموزش باطنی (روانی) هستندای مزدا! تو سط دانش و هومن گرویده تو میا شنید.

**توضیح:** در این قطعه فرموده اولاً بهترین دانش و آموزش آن است که ایزدی باشد و براستی و درستی گفته شود دوم اینکه آموزش روانی آن است که از اهورا توسط و هومن (دانش ایزدی) الهام گردد.

## سرو د چهل و هشت

( قصیده سعدیه من مدد در : ۱۴۸ )

(۱) پیرویم سوادوند سخنیم. ولایت، خلیفه عرب و هبیه.  
هر روز بیهوده بیهوده (سد) و هرس. و سردار (سد) سردار. (سد) بنیه.  
سد (سد) سد (سد). و سرخ (سد) بدل (سد). سرخ (سد) بدل (سد).  
سد (سد). دند (سد) و سرخ (سد). و سرخ (سد). خانه (سد) سرخ (سد).

ترجمه : در روز پاداش مرد اشائی (راستی) بر ناراستی پیروز میگردد و هرگاه او می‌یابد آنچه گفته شد که وهم (وفریب است) برای همه زمان از دیوبیستی و مردم آنها پس به سعادتی که ای اهورا از تو می‌یابد پرستش (وارادت) او افزون خواهد شد .

توضیح : روز پاداش که روز رستاخیز است راستی بر ناراستی پیروز خواهد شد و آن زمان گفته‌های دیوبیستی و هم فکر آنها که برای همه زمان وهم و فریب است آشکار خواهد شد به این ترتیب نیک از اهورمزد سعادت بافته‌ارادت او نسبت به آفریدگار افزون خواهد شد .

## خلاصه سرود چهل و هفت

در این سرود در ستایش سپننا ماین یو یعنی استعدادیکه در موجودات بویژه بشر برای پاکی و درستی وجود دارد و آنها را به نظم و خوبی رهنماست گفته شده و ضمناً از دیگر صفات ایزدی یعنی اشا و وهوم و خشنتر نیز اشاره کرده. این سرود نسبت به دیگر سرودها مختصر است و پس از خواندن هر قطعه باید در مفهوم سپننا ماین یو تأمل کرد و سنجید که چگونه از این بخششها ایزدی میتوان استفاده نمود و گوئی مخصوصاً از ضد این بخشش یعنی اهریمن اشاره نفرموده تا در ذهن خواننده یکسوئی باشد.

میشوند به امتیاز اینکه مزدیسنی که اعمالش سپنتامینوئی هست به استحقاق و دیویسنی که  
کارش اهریمنی است بدون استحقاق در می‌یابد.

(۶) مدد و سعی دهن<sup>بیرون</sup> مدد. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن.  
مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن.  
مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن.  
مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن. مدد<sup>بیرون</sup> دهن.

ترجمه: و این بخششها که ای مزدالهورا توسط سپنتا ماین بو دانش (پاک)  
به ره دوگروه مخالف معین می‌شود و بهیاری ارمایتی و اشا بسیاری که خواهشمند  
هستند به کیش مزدیسنی خواهند درآمد.  
توضیح: در این قطعه سطر دوم به اندک اختلاف در سرود ۳۱ قطعه ۱۹، گفته  
شده است.

در این قطعه سرود ۴۷ به پایان می‌رسد. در همه قطعه‌ها از سپنتا ماین بو اشاره  
شده و در آخر می‌فرماید به پاکی ظاهر و باطن دوگروه قابل‌هدایت و ناقابل مشخص  
خواهند شد و بهیاری ارمایتی روح تسلیم و اطاعت و اشا جوهر راستی و درستی  
آنانکه تاکنون به کیش مزدیسنی در نیامده‌اند خواهند درآمد.

(۱۴) سـوـنـهـسـعـهـ. هـسـهـدـهـ(وـهـ). (سـلـاـعـیـسـرـدـهـوـهـبـهـ). وـعـقـ(سـبـهـمـهـ).  
هـسـهـهـ. هـدـعـبـهـمـهـ. (جـهـهـ. دـلـهـ. هـدـعـسـطـهـ).  
وـهـدـهـ(وـهـلـهـ). (سـهـ. هـدـعـسـطـهـ). وـهـدـهـ. سـهـدـهـ.  
وـهـدـهـ(سـهـلـهـ). هـهـهـهـ. هـهـلـهـ. وـعـقـ(سـهـدـهـ).

ترجمه: از این سپتاماین‌بیو دیویستنیها خودرا در آزار (احساس کرده جدا شده‌اند) ولی ای مزدا از (مینوی) پاک تو نیکان چنین (جدا نمی‌شوند) تنها مرد کم مایه به نیکان میگراید ولی او که خداوند پرمایه هست سوی بدان (مايل می‌شود) .

توضیح: در همه نهضت‌های اخلاقی و دینی نخستین پیروان صمیمی مردم بی‌بضاعت بودند و توانگران برای حفظ مقام و ثروت بسوی بدان یعنی مخالفان تمایل داشتند بد از نیکی هراسان است .

(۱۵) هـسـدـلـهـ هـدـعـبـهـمـهـ. هـسـهـدـهـ. هـسـهـهـ. سـهـنـ(سـهـ.  
سـهـعـسـهـ(وـهـ. هـرـجـهـ(وـهـ. وـهـهـ. هـیـهـ. هـرـیـهـ وـهـدـهـهـهـ).  
سـهـهـهـ(هـ). هـکـهـسـهـهـ. کـهـلـهـ. وـعـقـ(سـهـ. رـهـلـهـهـهـ).  
سـهـدـهـهـ. وـسـرـهـسـطـهـ(سـهـدـهـ). هـهـهـهـ. سـهـیـهـهـ. هـسـهـهـهـ).

ترجمه: ای مزدا اهورا! هرچه بهترین است به نیکان پیمان کرده‌ای که دیویستی دور از مهر تو- او که کارش (به اشاره) اهربیمن سرزده می‌شود نیز بهره‌مند می‌گردد .

توضیح: مزدیستی و دیویستی هردو از بخشش ایزدی از نعمت‌های گیتی بهره‌مند

ترجمه: (چنین رهنمائی شده) به بهترین این پاکترین نفس (او گوید)  
سخنانی بهزبانش که مطابق هستند به وهمن و با هر دو دست وظیفه ارمایتی را  
به انجام می‌رساند (و ملهم شده) به یک اندیشه که تنها مزد پدر (آفریننده) اشاست.  
توضیح: او که از نفس پاک رهنمائی شده از زبانش سخنان و هومنی یعنی  
مهر و مودت شنیده می‌شوند و زندگی او براساس یک اندیشه هست که تنها مزدا  
واسطه اشا یعنی راستی و درستی و حیات است.

ترجمه: یقیناً تو پدر (آفریننده) این سپتا ماینیو (نفس پاک) هستی و تو این مادر گینی شادی آورنده را برای او ساختی و بهشانی او تو ارمایتی رامش دهنده را فرستادی چون اوای مزدا مصاحبہ کرد با و هومن (وبه او پیوست شد). توضیح: خطاب به اهورمزد است که او (اهورا) آفریننده نفس پاک ومادر گینی است و ارمایتی را رامش دهنده را بهشانی فرستاد، هرگاه او زرتشت با و هومن مصاحبہ کرد (وبه او پیوست).

## سرود چهل و هفت

این سرود ( یستا ) در بحر ترشوپ ( trishtup ) گفته شد . بنابر نخستین واژه این قطعه را سپتاما یعنی بو نامیده اند .

( سهندیله بودجه داده )

(۱) ددرخ بیلوده . دلده دوج . و آند برع دنده سه برسد . ده سه برع سه .  
بره سه لسه . بسی سه بیم . بسی دند طی سه برسد . و آند برع سه برسد .  
نه برع سه ده . و بیمه . برد ( سه ده ) . بـ ( بـ ) سه ده .  
نه دی و سه . من بیمه ده ( سه . بـ ( بـ ) سه ده ) . بـ ( بـ ) ه

ترجمه : از روح پاک ( رهنماشی شده ( هر که ) بوسیله اشا ( یعنی راستی و درستی ) به بهترین اندیشه و بهترین عمل و بهترین سخن ملهم شود ) مزدا اهورا بوسیله خشنتر و ارمایتی او را تندرنستی و زندگی جاوید خواهد داد .

توضیح : هر که به راستی و صمیمیت بهترین اندیشه و کار و سخن اختبار کرد از اهورمزد خرداد و امرداد یعنی تندرنستی و زندگی جاوید خواهد یافت . سپتاما یعنی روح پاک حقیقی غیراز اهورمزد است بزبان سنسکرت بمفهوم راستی و پاکی باید گرفته شود .

می کند به او آینه بیاموزد که وجود اشانی باشد و این قطعه نزد زرتشتیها بسیار مقدس شمرده می شود و هنگام بستن کستی روزانه می خوانند. در قطعه هشتم میفرماید که کینه و آزار از دشمنان به خود آنان بازخواهد گشت و چاه کن چاه در پیش خواهد داشت تنها اهورا شایسته ستایش و پاکترین خداوند راستی و داور بر اعمال ما هست و او می داند آنچه برای ما بهترین است و من مردم را به پرسش او دعوت می کنم تا از روی پل چنود به همراهی سروش و مهر و رشتو بگذریم و تیرهای کربن و کهوا که مخالفان ما هستند از روی آن سرنگون گردند و آن زمان وجود آنها را سرزنش بکند. در قطعه دوازدهم پیشگوئی می کند که از تیره تورانی بنام فریان (دوست) مردی پدید خواهد شد توانا و ارادتمند به ارمایتی (تسلیم و رضا) و مردم را بسوی دانش و مودت (وهومی) دعوت خواهد کرد و یاور او اهورمزدا خواهد بود و خطاب به پیروان خود می فرماید که با او همراهی کنند تا پیام نیک را به انجام رساند و هر که او را باری کرد زندگی جاوید یافته و به بهشت ایزدی خواهد رسید و خطاب به پیوستگان و خویشان خود می فرماید که میان دانا و نادان و راست و دروغ امتیاز دهنند و آئین اهورائی را به پذیرند و به فروشاشترا می فرماید با گرویدگان کبیش مزدیسنی همراه گردد و آنانرا به روشنایی رهنمایی کند آنچایی که ارمایتی به اشایپوست می شود و اراده و دانش اهورمزدی فرمانرواه استند و فرایزدی پدید است و سپس به جاماسب می فرماید من عمل را می آموزم پس سروش رادر باطن خود جا داده عمل کنید و تنها اهورمزدا را به پرستید و او که در عمل کاملا مخلص است به او پیمان می کنم که از و هومن بر گزیده ترین خوش بختی را خواهد یافت و در پایان این سرود می فرماید اکنون اعلام می کنم عمل (پایه) اشائی و برپایه راستی و درستی باشد تا در پاداش عامل سزاوار زیست جاوید گردد.

## خلاصه سرود ۴۶

این سرود زمانی گفته شده که مخالفان کیش مزدیسني زبردست و نیرومند و  
ومزدیستان ناتوان بودند. از این است که در آغاز می فرماید به کدام زمین گام بردارم  
و به کجا رو آورم مخالفان مرا از خویتوش و آریمه دور کرده‌اند و از ورزنه نیز  
خورسنند نیستم کاش که اهورمزد مانند محبوی به عاشق او که من هستم سعادت بخشد  
وبوسیله اشادانش و هومنی مرا بیاموزد. اساس آموزش من بریکنائی اهورمزداست  
از او که گمراه هست و همواره موانع و شکستگی در پیام من فراهم می‌سازد امید  
یاری ندارم باید با او مبارزه کرد زیرا تنها رهبریکه با بدان مبارزه می‌کند شایسته  
رهبری است و او که پیشواست باید نه تنها پیروان خود را هدایت کند بلکه افراد  
مخالفان نیز چون به او رو آوردن آنانرا به مهر و مودت به پذیرد و حقیقت را به آنان  
آشکار کند و بگذارد که آنها بسنجند و بدانند و راه راست را بر گزینند و اگر  
به آنان یاری نکرد و از خود دور نمود ناراستان گمان خواهند کرد که او یکی از  
خودشان است و به این ترتیب ممکن است به دام فریب آنان گرفتار گردد و در قطمه  
هفتم مکرر از اهورمزدا آرزوی یاری می‌کند و از مخالفان شکایت دارد و عرض

زرنشت چنانکه اراده اوست در پاداش بزندگی ( جاوید ) سزاوار خواهد بود و نیز همه آرزوهای دل از مادر بسارورگینی ( اینها حقایقی میباشند ) که ای مسزا داناترین بر من آشکار کرد .

توضیح : در پایان سرود می فرماید که کیش تازه آورده زرنشت را چنانکه او خواست بمراستی و درستی و بورزد عمل بکند زندگی جاوید خواهد یافت و در این زندگی آرزوهای خود را خواهد یافت و این حقیقتی است که اهورمزدا بر من آشکار کرد .

(۱۸) قیم. چند دارد. و مسٹرید. سمعه سد. سعدی پیش. واسیع دنداد.

و سمعه رسم. دنداد چند دنداد. و ای طرف. علی دینه. سی سودن سد.  
پیوندهم شیخ. سمعه سد. قیم {س}. پیوندهم سد. وندویم سد.  
و سی و سد. سمعه سد. علی سمعه سویه. واسد. علی سمعه سطیعه چی.  
هم سه. چی. علی (سدهم) دنداد. و سی سودن سعدی سد. و ای علیه چیه.

ترجمه : او که کاملاً (مخلصانه) بامن است یقیناً من برای او بهترین هستم و  
پیمان میکنم به او برگزیده ترین خوش بختی بوسیله و هومن و او که دشمن است (بامن)  
من نیز دشمن او هستم.  
ای مزدا ! بوسیله اشا مشیت شما را به انجام میرسانم و این است (ارمان  
من ) که و نفس خود من برگزیده اند .

توضیع: پاداش خوبی خوبی و سزای بدی بدی است تا مردم تکلیف خود  
را بدانند. همین فکر را داریوش در سنگ نوشت بیستون تکرار کرده و گفته  
هر که بامن خوب شد اورا سرفراز میکنم و هر که بدی کرد اورا به سزا میرسانم. کیش  
زرتشتی زندگی عمل را می آموزد و به اخلاق ستوده مشیت تشوبق میکند .

(۱۹) قیم. چی. سمعه سه. علی دینه. علی سد. واسد (علی سمعه سدهم).  
یک (لیل) دنداد (سد). علی دینه. واسد دنداد. (علی سمعه چهارم).  
سمعه سد. علی دینه. علی سمعه پیوندهم. علی سد (علی سدهم).  
قیم. و دنداد سد دنداد. چی. و ای دینه سد دنداد. قیم (سد). لیل.  
هم سدی پیش. چی. دنیوهود. چی. و سی و سد. واسعه و دنداده .

ترجمه : من اعلام میکنم هر که بهورزد بوسیله اشا این زندگی تورا برای

(۱۷) قهقهه‌سی اسد. فاعل. سله‌بیت‌سده‌ب. ددم‌بیت‌سده‌ب.  
 چند. سه‌بیت‌بیت‌بیهوده. هم‌بیت‌سده‌بیت‌سده‌ب. بـ «چـق» اـسـدـ.  
 بـهـ سـهـ سـدـ. فـاعـلـ دـهـمـهـ سـهـ بـهـ بـهـ. دـهـ (سـطـبـیـتـ) سـهـ (سـوـدـبـرـجـ).  
 قـهـقـهـ. فـاعـلـ دـهـمـهـ سـهـ بـهـ بـهـ. سـهـ بـهـ بـهـ بـهـ سـهـ (سـوـدـبـرـجـ).  
 وـهـ بـهـ بـهـ (سـهـ). هـدـهـ بـهـ بـهـ. سـهـ بـهـ سـهـ. سـهـ بـهـ (سـهـ).

ترجمه: ای جاماسب هوگه وای دانامن به شما (زندگی) با عمل آموختم نه بی عملی بنابراین مروش را در باطن خود جا داده پرستش (اهور مزدا را) بجوئید. او که میان دانا و نادان امتیاز میدهد اهور مزدا به اشا حامی و کننده (عجائب و غرائب) ماست.

توضیح: در میان مؤسسه‌ایان بزرگ بشربرخی مانند بودا و مسیح اعمال آرام و اخلاق ستوده منفی را پسندیده‌اند و بعضی مانند زرتشت و کرشنا و محمد فعالیت و اخلاق ستوده ثبت را ترجیح داده‌اند. برای زرتشتی زندگی تنی داده اهور مزدا است واز او امانتی است که باید در بجا آوردن اعمال نیک صرف شود از این رو زرتشتی از زندگی تنی گریزان نیست بلکه میخواهد که دیر بماند تا بیشتر به اعمال نیک بپردازد. در اوستا زندگی با فعالیت و زندگی کامل ممدوح است. در قطعه بالا زرتشت خطاب به جاماسب میفرماید که من شما را زندگی پر از فعالیت در اعمال نیک آموختم باید مروش (احساس بندگی و پاکی و خلوص را) در خود داشته و پر بمانید و به اندازه‌ای که تو استید در عمران و نیکی بکوشید دانا و نادان را تنها اهور مزد با اشا امتیاز میدهند در این قطعه اشارا dangra کننده اعمال شگفت‌آور خوانده.

میفرماید و بجای پنج سطر چهار سطر دارد ولی سطر دوم را آفای دکتر ابراج ناراپور والا از خود افزوده که نبایستی چنین کار بکند زیرا اولاً بدون آن سطر مفهوم قطعه بی نقص است و دوم مداخله در اصل به هیچ وجه جایز نیست.

بنابر نامه بندهش (۳۲/۱) نسبت زرتشت چنین است:

زرتشت پور بر شمپ پور پایتر سپ پور اروت اسپ پور هی جت اسپ پور  
کخشنویش پور پایتر سپ پور هرورشن پور هریدار پور اسپیتاما والبته این نسب نامه روایتی است

(۱۶) ۵۴(س) سه طندهم (س). ۵۵(س). ۵۶(س). سه او (س) دندوند. دوبه.  
در «ج» (س). ۵۷(س) دندوند فیض پیشوی. داد (س) در ب. دندوند (س). دندوند.  
ویم بندی (س). سه پیش س. در سه دندوند. سه (س) دندوند دندوند.  
دندوند (س). خاس دندوند دندوند. سه دندوند. سه دندوند (س).  
و دندوند (س). ۴۴(س) سه. و داد (۴۴) پیشوی. ویس دندوند. دندوند (۴۴).

ترجمه: ای فرشا و شتره! آنجا با گرویدگان برو، وای هو گهوا - برو با اینها که ما هردو برای آنان روشنایی جاوید می خواهیم - و آنجائیکه ارمایتی خود را به اشاییوند می کنند، و آنجائیکه خشترباو هومن شاهی می کند، و آنجائیکه اهور مزدا به فره بزرگی می ماند

توضیح: مفهوم قطعه واضح است. فرشا و شتره برادر جاما سپ و پسر هو گهوا و وزیر گشتاسب از پیروان صادق و مخلص زرتشت - در یشت ییست و چهارم شت زرتشت از روی مهر و علاقه او را پسر خطاب فرموده. هو گهوا - پدر جاما سپ و نام همسر زرتشت نیز هست و به پهلوی حبوب و به عربی حبوبه مفهوم است.

(۱۴) وَسَأَلَنِي (نِمَّه) سَهْ. وَسَعَنِي سَعْ سَهْ. وَسَعَنِي سَعْ.  
وَسَعَنِي سَعْ. وَسَعَنِي سَعْ. وَسَعَنِي سَعْ. وَسَعَنِي سَعْ.

ترجمه: پرسش ای زرتشت! کبست دوست تو و پیرو نیکوئی (که گروه)  
 از رگ مگارا پر آوازه کند. (پاسخ) او کوی و ستابسپ پذیر نده (کیش نو) دانسته شده.  
 آنرا که اهورا مزدا در جای خود جا داده ای به آنان پیام و هومن خواهم گفت.  
 توضیح: در این قطعه تسلسل سخن قطعه سیزدهم است و از شاه گشتابسپ  
 قدردانی میکند و میفرماید به آنانکه (به کیش بھی گرویده اند) و به بهشت ایزدی مکان  
 خواهند یافت پیام و هومنی یعنی پیام عشق و محبت خواهم رساند.

(۱۵) وَنَعْ وَنَعْ وَنَعْ-وَنَعْ سَهْ. وَسَعْ وَسَعْ سَهْ.  
وَنَعْ وَنَعْ. وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ.  
وَنَعْ وَنَعْ. وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ.  
وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ. وَسَعْ وَسَعْ.

ترجمه: ای پیوستگان هی چت اسپا! وای پیوستگان اسپیتاما به شما میگویم  
 (آنچه بهترین است که بشنوید) و میان دانا و نادان امتیاز دهید و بوسیله آن برای  
 خود اشا را بیابید و نیز آئین که ازلی اهورائی است.  
 توضیح: در این قطعه شت زرتشت گروهی از خویشان خود را خطاب

(مردمی) تو انا پدیدگردن (زندگی) گیتی از ذوق و سرگرمی آنها به ارمایتی پیش رفت خواهد کرد. پس او (فریان) پیوسته بکند آنها را به و هون و برای برآوردن آرمانهای آنان اهور مزدا پدید شده باور خواهد گشت.

**توضیح:** فریان نام تیره‌ای از دیویسنی که بر کیش زرتشی در آمدند اشتفاق این نام از Vfr1 به سنسکرت Vpr1 دوست - خوشنود کردن است در جای دیگر از اوستاییکی از فریانها بنام یواشته Joishta ذکرشده (آبان بیست ۸۱ و فروردین بیست ۱۲۱) واو یکی از هفت کس است که زنده جاوید هستند. کارهای او در نامه‌ای بنام ماتکان یوشت فریان ذکر شده در این قطعه می‌فرماید از فرزندزادگان فریان مردمی پدید خواهند شد که به کیش بهی ارادت خواهند داشت و مردم را به و هون یعنی دانش و مهر رهنمای خواهند شد و اهور مزدا آنها را به هدف نیکی که خواهند داشت باری خواهد کرد.

(۱۳) ۴۹۰. دفعه دوسته (۴). سلسله اندام (۴). (سدومین سده).  
۶۰۰ (۴) سه قدریم. ملائیم (سدوم). بزرگ. {س. (آنداد) چهودرسه. (۴)-  
سلسله. بزرگ. سی و سع. سی و سع. و سی و سع. سی و (۴).  
سی و سده. پی سی و سع. و ای سع. لاسویم. سه بند سده.  
۴۹۰. فاعم. سی و سده. ۴۹۰ سده. بزرگ بند سده.

**ترجمه:** هر که زرتشت اسپیتا‌اما را در انجام رسانند (وظیفه‌اش باری می‌کند) و هر که از میان مردم (جامعه) او را خوشنود می‌سازد آن مسرد به درستی فراشنبده خواهد شد و اهور مزدا او را بوسیله و هون من زندگی (جاوید) خواهد داد، و ماحول او را خواهد افزود و یقیناً او دوست (صمیمی) و نزدیک اشا سنجیده خواهد شد.

**توضیح:** دها و تشویق به مزدیسنیان است که زرتشت را در انجام رسانند پیام ایزدی همراهی و باری کنند.

ترجمه: به نیروی (خود) جفت خواهند کرد کرپن و نیز کوا مردم را به کار بد تا جان شانرا نمیرانند (اما) آنها روان و وجدان آنان سرزنش خواهد کرد هر گاه به پل چند برسند (ودر آن سرنگون گردند) و برای همه زمان (جاوید) در مکان ناراستی خواهند ماند.

توضیح: از تیره‌های کرپن (که وا) نکوهش میکند و آنانرا مفسد و تباہ کننده جامعه میشمارد و میفرماید سرانجام چون به پل چمنود برسند، در آن سرنگون گردند و جاوید در مکان نزار استی بمانند، روان و وجدان آنها سرزنش خواهند کرد تیره که‌وی یا کسی دو بهره بودند بهره‌ای با زرتشت مخالف چون ارجاسب و بهره‌ای گرویده چون شاه گشتناسیب.

(۱۲) نورنگر. (۱۳) نورنگر. (۱۴) نورنگر. (۱۵) نورنگر. (۱۶) نورنگر.

ترجمه: هرگاه بوسیله اشا از میان فرزند زادگان و هم ناقان فریان تورانی

تنها اهورا سزاوار ستایش است و او هست پاکترین خداوند راستی و داور اعمال  
ما (پر از جوشش و فعالیت)

(۱۰) وسیم. وسیم. چند. {سد. چهارم. وسیم. پنجم. سیم(سد.  
ویلدوزدهم. سیزدهم(سد. وسیم. چهارم. واتردهم(سد. واسیدهنددهم(سد.  
سیزدهم(سد. بدیزدهم(سد. واطرهم. بولیزدهم(سد. چهارم(سد. سیزدهم(سد.  
وسیموددهم(سد. بولیزدهم(سد. بولیزدهم(سد. بولیزدهم(سد. وامدهم(سد. سد.  
۱۵. بسدهم(سد. واپیدهنددهم(سد. بولیزدهم(سد. چهارم(سد. ۱۱سدهم(سد. ۱۴. ۲۹۴۰.

ترجمه: به راستی میگویم ای مزدا اهورا هر که از زن یا مرد در زندگی‌بما آنچه را که تو بهتر میدانی میدهد (یعنی) سعادت از اشا و خشترای پاک بوسیله و هومن (میشود) و او را من رهبری خواهم کرد در پرستش (خداوندی) چون شما و با آنها از روی پل چند خواهم گذشت.

توضیح: ای اهورا مزدا آنچه تو برای ما بهتر میدانی یعنی سعادت اشائی (راستی و درستی و همنگی) با اراده ایزدی بوسیله و هومن بما برسد. و میرمایدای اهور مزد امردم را به پرستش شمار اهنگی خواهم کرد و با آنها از روی پل چند خواهم گذشت. بنابر روایت زرتشتی سه تن یعنی سروش و مهر و رشتو بهترین دادور هستند و در اینجا گویا اشاره به آنهاست.

ترحمه : به راستی میگوییم او که میخواهد به (مردم) گبته آزار رساند آتش دشمنی او به من نخواهد رسید (بلکه) به نفرت پیچیده به خود او باز خواهد گشت (واین شعله نفرت) که خود اورا از زندگی (خوش) و کامل بازمیدارد. ای مزدا! به هیچ وجه اورا از زندگی بد باز نخواهد داشت

توضیح : گفته اند چاه کن را چاه در پیش است کسی که نیت او بر آزار مردم است به خود آزار میرساند و سرانجام مردم بیگناه از آزار و ستم نجات می یابند.

**ترجمه:** که هست بزرگ و رادترین که بیاموزد ترا- چگونه بشناسم (و سایش کنم) که تو (معبد) داور پاک بر اعمال مانخداند راستی از تو هست اشا و از آنچه سازنده گیتی به اشالهایم کرد. برای آنچه از تو هست خواهم کوشید که بوسیله و هومن بدانم. **توضیح:** اهورا مزدا و سازنده گیتی (گیوش تشن) در مفهوم جدا نیستند

ای اهورا ! از زمان ازلی که وجودان را آفریدی.

توضیح: اگر شخص نادان برای دانستن حقیقت بهسوی شخص توانا و دانشمند بیاید و ظیفه توانا این است که او را باری کند (رهنما گردد) و اگر نکرد ناراستان گمان خواهند کرد که او یکی از آنهاست و هرگاه به نظر آنها عزیز شد به دام فریب آنان درافتاده. پس باید نیکان اورا اگرامی دارند تا از نیکان محسوب شود و چنین است از آغاز آفرینش از زمانیکه پسردارنده وجدان شد.

(٧) وَمَنْ يُؤْمِنْ بِهِ فَلَمْ يَرَهُ فَإِنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّءُوفٌ وَمَنْ يُعَذِّبْ

ترجمه: کدام جوان مرد را ای مزدا برای چون من (ناتوان) یا ور مینمایی. پیروان دروغ از دشمنی (از هرسو) بر من تاخته اند به جز آذر و و هومن تو که عمل آنان (آثین) اشا را کامل می سازد. آثین مقدسی به من فرآگو که وجود ای (روانی) باشد.

توضیح : این قطعه نزد زرتشیها بسیار مقدس است روزانه چند بار هنگام کشتی بستن میخوانند و با این قطعه، قطعه یعنی سطر ۱۶ نیز افزوده میشود و چون جنازه از راهی بگذرد برای پاکی آن نیز خوانده میشود. شادروان بهرام گور انگلسراییا بایادداشت سودمند به گجراتی ترجمه کرد.

(۵) و۳۴۰. واسد. نلیعندیهود. سوگاوند. وایمود. سدریسیهود. و  
 ایسدهنیهود. واسد. نلیعندیهود. هدیه درجه. واسد.  
 نلیعندیهود. و۳۴۰. سریعندیهود. وایمود. سدریسیهود.  
 واپسدهنیهود. سریعندیهود. هدیه درجه. سدریسیهود.  
 هدیه درجه. هدیه درجه. هدیه درجه. سدریسیهود. هدیه درجه.

ترجمه: هر که نیرومند است به ملاحظه (مهر و محبت) می پذیرد التماست  
 کننده را، خواه بنا بر فرمان ایزدی باشد یا به احساس بشردوستی- و چنین دانشمند پیرو  
 راه راست (در صورتیکه خود) به درستی و راستی زندگی میکند ناراست را (از خود  
 دور نمیسازد بلکه به مهر بانی می پذیرد) و با سنجش به او آشکار میکند دانشی را که  
 به اعتماد بر خود رهنماست و از تباہی نجات میدهد.

توضیح: شخص توانا و دانشمند از مزدیسنان چون بکی از دیویسنان پناهنده  
 به دوستی سوی او بباید باید بهمودت او را به پذیرد و بر او حقیقت را آشکار کند و  
 بگذارد که او آنرا بسجد و از گمراهی در آید.

(۶) سمع. قیوسدهمود. چارخ. {سد. ددهمود. چارخ. سدریسیهود.  
 وایمود. نه «چارخ. وسد. یهود. نرسدیهود. نرسد. نرسد.  
 نه «چارخ. وایمود. سمع. و۳۴۰. وایمود. سدریسیهود. واپسدندهنیهود.  
 نه «چارخ. سریعندیهود. وسریسدندهنیهود. سریعندیهود. هدیه درجه.  
 نه درجه. ویدیهود. نه سدهنیهود. درجه. وسریعندیهود. هدیه درجه.

ترجمه: ولی مرد تو انا که نرسد (به باری) او که (باری) میخواهد خود او  
 بدام فریبند گان گرفتار خواهد شد زیرا که خود او بداست (اگر) در نظر ناراستان  
 نیک شمرده شود و بقینا او که در نظر راستان گرامی است از نیکان است چنین است

آفریدگان اشادانش نجات دهنده‌گان (سوشیانت) بتابد و با آموزش پر تأثیر (آن‌دانش) باوهومن به باری هر (کدام) که باید برای آموزش من ای اهورا تورا برمی‌گزینم. توضیح: سوشیانت به مفهوم جمع استعمال شده و باید مقصود از باران و همراهان زرتشت باشد که هرگاه آنها همراه گردند و باری نمایند می‌فرماید ای اهورا آموزشم بر اساس خدائی و یکنانی تو خواهد بود.

(۱۴) سع. نمیتوان. ولایت «س». تیمچه. مدعی مادرست. فاسد.  
ولایت. نسبت.  
سع. لایل (نیز نمی). میتوان. دریا مادرست. فاسد. و میتوان. دریا فاسد.  
و اعلیٰ سر کی رسم. نمیتوان. میتوان. میرزا طیب خاکبندی. میرزا علی خاکبندی.  
و میرزا محمد خاکبندی. باری میتوان. میتوان. میرزا طیب خاکبندی. میرزا علی خاکبندی. فاسد.  
میرزا محمد خاکبندی. لایل. نمیتوان. میرزا طیب خاکبندی. میرزا علی خاکبندی. فاسد.  
نمیتوان. میرزا طیب خاکبندی.

ترجمه: دیویسنی بازمیدارند هوای اهان اشاره از باری به آفریدگان چه در استانها و چه در کشور (بنابراین) ازاو که کارهایش بر نادرستی است خواندن (وباری خواستن) خطرناک است - باید با همه نیرو و روان با او مبارزه کرد ای مزدا! و چنین پیشوا (که با گمر اهان مبارزه میکند) رهنمائی خواهد کرد به راه پاک واراده (ایزدی) تو.

توضیح: از او که گمراه است و در راه پیشرفت نیکی (و عمران) موانع پیش می‌آورد امید همراهی بیهوده بلکه خطرناک است باید با اومبارزه کرد و تنها پیشوائی که با گم، اهان می‌سازد منکند متن اند رهنما بشد بهراه بالک و اراده ایزدی.

برخی مفسرین گمان میکنند که اشاره به شاه و یشتاپ است میفرماید او با ارجاسپ که دیویسنس سخت بود با همه نیرو بایدمبارزه کند و او را شکست دهد تا مردم به اطمینان راه نیک پیش گیرند.

سزای اعمال خود را می‌بیند به خاطر می‌آورد و بر عکس مفهوم این قطعه، نخستین قطعه یعنی چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده می‌کند به نظر می‌آورد.

(۱۲) فَاسْتَعِنْ بِهِ. مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. سَعْيَكَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. سَادِقَةٌ كُلِّ شَيْءٍ  
كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. كُلِّ شَيْءٍ كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة.  
كُلِّ شَيْءٍ كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. كُلِّ شَيْءٍ كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة.  
كُلِّ شَيْءٍ كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. كُلِّ شَيْءٍ كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة. كُلِّ شَيْءٍ وَسَوْدَة.

ترجمه: ای مزدا! میدانم (علتی که) چرا من بیچاره هستم (بسبب) کم نوایی و (بسبب) کم بودن پیروان (من هست) پس در این باره به تو فریاد میکنم نیک توجه فرمای اهورا! آرزومند سعادتی هستم که از دوستی به دوستی میرسد بوسیله اشامرا نه روی و هو من بیاموز.

توضیح: میفرماید بیچارگی و نبودن پیش رفت من از بینوائی و از کم بودن پیروان است پس ای اهورا در اینصورت مرا بوسیله اشا ( راستی و درستی ) عزم و هومن بیاموز یعنی در کار تبلیغ استقامت و عزم ثابت به بخش

(۳) وسوس. سیوس. وسکر. دل وسکر. دندیوس.  
سدیوس (سد). وسیوس (سد) دل (سد) سدیوس (سد).  
خان (سد) سدیوس (سد). دل (سد) سدیوس (سد).  
وسکر (سد). دندیوس (سد). دل (سد) سدیوس (سد).  
خان (سد) سدیوس (سد). دل (سد) سدیوس (سد).

ترجمه: کی ای مزدا آن روزها روشن گردند و کی برای نگه داشت

## سرو د ۴۶

( و س د د ب ا س . ن و س د د ب ا س . ۱۴۶ )

(۱) و ب ی و . { ب ی و } د . ب ی و . و ب ی ا س . { ب ی و } د . س د د ب ا س .  
 ن و س د ا س . ن و س د ق ب ب م ( ن و س ) د د ( د و س ) د د ب ا س . و س د د ب ا س .  
 { ب ی و } د م ا س . ن ل و ب ی س د ا س . و ب ی س . خ ا ( ب ی و ) ا س . ن و م ا س .  
 { ب ی و } و س . و س د د ب ا س ( ن و س ) د ب ی و . د د س د د ب ا س ( ن و س ) د ب ی و .  
 و ب ی و س . ل ک ر ا س . و س د د ب ا س . ن ل و ب ی س د . د د ب ا س . ا س .

ترجمه: به کدام زمین گام بردارم - به که رو آورم - آنها مرا از خویوش و  
 آریمنه دور کرده‌اند و از آنچه از ورزن به من میرسد نیز خورستند نیستم و نهم  
 (از) فرماندهان کشور یکه پیروان ناراستان هستند پس چگونه ای مزدا اهورا تورا  
 خوشنود سازم.

توضیح: این قطعه زمانی گفته شده که سه طبقه از پیروان زرتشت تووانایی  
 یاری به او نداشتند و فرماندهان کشور دیویسنسی بودند میفرماید پس کجا بروم و به که  
 رو بیاورم که مرا یاری کند تا ای اهورامزدا ترا خوشنود سازم.  
 چنین مینماید که هنوز شاه گشتناسب به کیش مزدیسنسی نه گرویده بود و یاران  
 ایشان ضعیف بودند بنابر روایت زرتشتی این قطعه را روان شخص گنه کار زمانیکه

و هومن (دانش کل) و اشا (نفس کل) ممکن میشود و چون عمل با مشیت ایزدی هم رنگ و هم آهنگ گشت آن عمل بشر نیست ، بلکه ایزدی است. در بند پنجم اشاره میکند که اهورمزدا خیر محض است آغار و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی او رهسپار است به او میرسد و هیچ نیروی وجود ندارد که از آن مانع گردد. در آن مقام که روان بشر به حضور اهور مزد امیرسد ، مکان روشنایی و توانایی و فکر و دانش است. بند هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید اگر وجودان پاک باشد گوئی آئینه ایست که عقل کل (وهومن) در آن تجلی نموده پرسش‌های ما را پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه به وجودان باید رجوع کرد و فرمان ازاو گرفت. در بند نهم میگوید بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه تن مستعار نداشتم با خداوند.

من می‌آموزم الهام ایزدی است و وای براو که به آن ایمان نیاورد. آموزش من از روی سنجش و دانایی است و در آن هیچ گونه سرکشی و عصیان نیست بلکه به الهام ارمایتی یعنی تسلیم و رضاست. اهورمزدا براندیشه و اعمال مامحیط است و مانمیتوانیم اورا بفریبیم، بنابراین بدانید گفته من به نیت اصلاح و خوبی است و از ماترا یعنی کلمه حق است که عامل آن از اهورمزدا تن درست وزندگی معنوی جاوید خواهد یافت اهورمزدا را توسط اعمال نیک ستایش میکنم و ایمان خود را نسبت به او توسط و هومن ثابت مینمایم او را بسوی خود راهنمای خواهد شد.

رادان و نیکان چه آنانکه در گذشتند و چه آنانکه هستند و چه آنانکه در آینده خواهند بود آنکه راه نجات را جوینده شد در انجام روانش از آلودگیها پاک گشت به سرو در ستایش اهورمزدا را بسوی خود متوجه میسازم و در آن حال گوئی به چشم بصیرت اورامی بینم و بوسیله اندیشه نیک و سخن راست و اعمال شایسته به او نزدیک میشوم و امیدوارم در انجام نیازم را در بهشت جاوید به او تقديریم کنم. در دو شادی از اوست و ما باید به نیروی او تسلیم شویم و بندگی کنیم و تو سلطدانشیکه او بما بخشیده آبادی و نظم را در میان هم نوع بیافزائیم و به تسلیم و رضا اوتعالی را بخواهیم تاما را سرافراز کند و عظمت اورای ایامیم او بما وعده فرموده که نیکان را نیروی ایزدی و درستی تن و زندگی جاوید عطا فرماید و نیز سعادت پرتو ایزدی و زیست برداش و هومنی.

این سرو در که به مناجات آغاز میشود در دو قطعه آخر به اساس کپش زرتشی اشاره شده یعنی:

- ۱ - یگانه بودن پروردگار اهورمزدا - از عمل اشائی تند رستی و سکون ذهن می‌یابیم - و دانش و هومنی، ذهن مارار و شن میسازد و روان را از آلودگی پاک نگه میدارد
- ۴ - ارمایتی تسلیم و رضاست - خشنتر این ریوی اراده است و بشر هر چند که زور مند باشد که نیک فرجام گردد تا اراده اش قوی نیست آرزورا نخواهد یافت. در بند سوم میفرماید هدف ما باید پیوستگی و هم آهنگی کامل به مشیت ایزدی باشد که تحصیل آن بوسیله

## خلاصه سرود چهل و پنج

قطعه اول و دوم این سرود متمم فکری هستند که در قطعه دوازدهم و سیزدهم سرود چهل و چهار فرمود. اینکه دو حزب مخالف در ثبوت درست و راست بودن خود دلایلی می آورند و خود را بر حق و حریف را برباطل نشان میدهند و برای او که خارج از دو حزب است بسیار دشوار است که حقیقت را درک بکند مگر اینکه کاملاً بیطرف بشود و به نظر تحقیق و تجسس در گفته هردو مطالعه کند و این فکر در قطعه اول و دوم این سرود واضح و قطعی گفته شده. میفرماید اکنون فرا گویم به شما چه آنانکه در حضور من هستید و چه آنانکه نیستند و حقیقت را آشکار میکنم در آن تأمل نمائید و امیدوارم در ایمان چنان ثابت گردید که آموزگاران مخالف نتوانند باز دیگر شمارا گمراه سازند. چنانکه بدی خوب نمیشود خوب بدی نمیگردد و امتیاز میان این دو به اندک سنجش مسیر است هم چنان آموزش من و مخالفان من چه در نفس و چه در نوع آموزش و چه در امتیاز دادن میان بد و خوب و چه در اندیشه و چه در سخن و چه در عمل و چه در وجہ در روان یکسان نیست. ماما نند سپتا ماینیو و اهریمن کاملاً از هم جدا هستیم و عکس یکدیگر میباشیم یکی تاریکی و جهل است و دیگری روشنائی و دانش، آنچه

او که در عظمت مزدا اهورا دانسته شده‌زیرا بوسیله اشاو و هومن خود پیمان نهاده که در فرمان خشتراء، امرتات و خرتات به مردمیکه به فرمان ایزدی اطاعت می‌کنند همواره توانائی روانی وزیست نو به نخواهند بخشید.

توضیح در این قطعه تمام شش امشاپنداش با نام اهورامزدا ذکر شده و میفرماید از بندگان راستی و درستی و بندگی واژه اهورامزدا و امشاپنداش بخشش زیست و نیروی روانی است، زیست جاواریدو نیروی روانی بشرط پیروی به اشا و هومن و خشتر یعنی نیروی ایزدی است.

(۱۱) و سه دهه سه. و سه دهه میتوون. سه سه (۱). و سه دهه میتوون دهه سه.

دهه (۲)-هه میتوون دهه سه. و سه (۳). دهه (۴)-هه دهه (۵)-هه میتوون دهه سه.

سه دهه میتوون. سه دهه سه. و سه. سه (۶). دهه (۷)-هه دهه سه.

دهه (۸)-هه دهه (۹)-هه. و سه دهه (۱۰)-هه دهه (۱۱)-هه. دهه (۱۲)-هه میتوون دهه سه.

و («سی (۱۳)-هه دهه (۱۴)-هه. و سه. سه (۱۵)-هه. سه (۱۶)-هه.

ترجمه: بنابراین او که بادیوان و پیروان آنان مبارزه می‌کنند، انکار می‌کند، ازاو که اندیشه اش برخلاف (فرمان ایزدی است) زیرا (دیوان) ازاو که اهورامزدا را به احترام می‌اندیشد جدا هستند (و چنین مردم متوجه هستند) ای اهورا توسط دین پاک سوشی بنت خداوند دانش چون پدر و برادر و دوست مامیشوند.

توضیح: میفرماید او که برخلاف دیویسی هاست نیز انکار می‌کند از همه مردم دیگر که اهورامزد را نمی‌پرسند و چنین اشخاص صمیمی و مؤمن توسط دین پاک سوشی بنت خداوند دانش (که باید اشاره به خود زرتشت باشد) بما چون دوست و برادر بلکه پدر گرامی هستند.

بوسیله اشایه او پی بردم؛ پس بیائید تانیازمان را بحضور او در بهشت برین تقدیم کنیم توضیح: در این قطعه عارفانه میفرماید با ستایش واردت بوسیله راستی و درستی و اندیشه نیک و کار نیک مامیتوانیم از جهان پست به جهان عالی روانی پرواز کنیم و نیاز واردت خود را بحضور پروردگار در بهشت برین تقدیم نمائیم.

ترجمه: خواهم کوشید که او (اهورا) و هومن را از خودخوشنود سازم. او که به مشیت خود برای ماشادی و رنج آفرید و به نیروی ایزدی (خشت) فرمود که او را خدمت کنیم و نیز توسط دانش عمیق و هومن، کارآشائی (راستی و درستی) را میان رمه (بهر) فزونی دهیم.

توضیح: اهورمزد شادی و رنج آفرید و فرمود که اورا خدمت کنیم و راستی و درستی رامیان افراد جامعه بشر فزونی دهیم.

(١٠) مَنْ . أَمْ . فِيمَنْ دُرْدِنْ . سَلْسَلْ دُرْدِنْ . دَرْ دَرْ دَرْ .  
فَمَنْ . شَوْشَنْ . سَلْسَلْ . دَدْ دَدْ . سَلْ سَلْ .  
بَرْ دَرْ دَرْ . بَرْ بَرْ . سَلْ سَلْ . قَطْ قَطْ دَرْ دَرْ . بَرْ بَرْ دَرْ دَرْ .  
بَلْ بَلْ دَرْ دَرْ . بَرْ بَرْ دَرْ . بَرْ بَرْ دَرْ دَرْ . سَلْ سَلْ .  
دَرْ دَرْ دَرْ . دَدْ دَدْ . وَلْ وَلْ . دَدْ دَدْ دَدْ دَدْ .

ترجمه: ازاهور امزدا بوسیله نیاز به ارمایتی میجوییم که مارا سرفراز سازد

**توضیح:** عبارت واضح است اشا و هومن و دیگر خداوندان دانش یعنی امasheripendan مؤمن و مخلص راسوی نور ایزدی رهنمایی میکنند.

ترجمه: از او (مزدا) رادان نجات رامی جویند. همه جویند گانچه آنانکه هستندو چه آنانکه بودند و چه آنانکه خواهند بود. در انجام روان نیکان پیروز خواهد شد و جاوید خواهد ماند ولی در درنج برای آنان است که از ناراستی پیروی میکنند و همه اینها را البته مزدا اهورا به خشت، نیروی خودم، آفرینند.

**توضیح:** در دور نج همه از این زد متعال است ولی در نتیجه اعمال به بشر میرسد  
در انجام به ناراستان دردو به رادان سکون و راحت است.

(۸) ۴۴۰۰. ۳۵. مددوس طیاره شدند. ۳۴۴۰. ۲۰. فاین (س) پیش خواست.  
 ۳۴۰۰. ۲۰. مددوس طیاره شدند. ۳۴۴۰. ۲۰. فاین (س) پیش خواست.  
 ۳۴۰۰. ۲۰. مددوس طیاره شدند. ۳۴۴۰. ۲۰. فاین (س) پیش خواست.  
 ۳۴۰۰. ۲۰. مددوس طیاره شدند. ۳۴۴۰. ۲۰. فاین (س) پیش خواست.  
 ۳۴۰۰. ۲۰. مددوس طیاره شدند. ۳۴۴۰. ۲۰. فاین (س) پیش خواست.

ترجمه: باچامه ستایش و نیایش خواهم کوشید که اهورمزدا بمامتوجه شود واکنون اورا به هستی با چشم (روانی) می بینم و با اندیشه نیک و کارنیک و سخن نیک

«**ل**ع**س**د». **ل**ع**د****ع**ل**س**. **ل**ع**س**د (أ) **ل**ع**س**د **ل**ع**س**د **ل**ع**س**د.

ترجمه: و به آنچه سپتاماینیو به من آشکار نمود تو پسیح میدهم که واژه مقدس او برای مامیرندگان بهترین واژه برای شنیدن است و بعقیده من به آنانکه آنسرا به بنده‌گی و احترامی پذیرند آشکار می‌کنم. آیا امر تات و خرداد بما نزدیک شوند و به کارهای و هومن اهورمزدا نیز نزدیک گردد.

توضیه: عبارت واضح است نزدیکی به درگاه اهورمزدی وابسته به اعمال و هومنی یعنی اعمالی که از روی عقل و سنجش عملی میگردند.

(٦) سعی لاید «سین و سیور رس»، فایدن سیپو، سیدون بدیم،  
بدیم رس، سید، سیور رس، قیم، سیور رس، دیم، لاید سیپو،  
لاید سیپو، سید روح، دیامن، سیور رس، سید (ج)،  
قیم، سیور رس، فایدن، فایدن، فایدن، لاید سیپو، سید بدر رس،  
سید بدر رس، سید (ج)، لاید، سید، دیده دیده، فایدن بدیم،

ترجمه: واکنون فرآگویم از او که برهمه برتر است و توسط اشا (و دیگر خداوندان دانش) اور اخواهم ستود - آیا او (اهورمزدا) توسط سپتاما ینیو ستایش مرا خواهد شنید؟ و توسط و هومن اخلاص و ایمان خود را نسبت به او ثابت خواهم کرد .  
واو اهورمزدا بدانش ایزدی خود مرابسوی نور رهمنائی خواهد کرد .

توضیح: عبارت قطعه واضح است میفرماید آنچه میگوییم الهامی است که از اهورمزدا بمن شده و هر که به آن ایمان نیاورد و عملی نکرد در پایان عمر براو واخواهد بود.

(۱۴) سمع لایس «سین ویع درسه. سیزیع (نید. سیزیون درسه. فایزیون درسد)»،  
سیزیون سمع. نید-سیزیون. فایزیون. فایزیون سمع. فایزیون. لایس. وسیع  
لایس (م). فایزیون (نید. فایزیون درسد) پیوهای. سیزیون چی.  
سمع. بیوهای. و دیوهای. نید-سیزیون درسد. سیزیون درسد و نید.  
چی دید. و رکه وله سیزیون درسد. فایزیون درسد-بیوهای سمع. سمع (چ).

ترجمه: و برترین هدف این زندگی (تنی) را توضیح میدهم.  
اول - بوسیله اشا من اهورمزدا را که بمن این آموزش الهام کرد دانستم.  
دوم - واوپدر (علت) همه ورزنه و هومن است.  
سوم - و دخت او ارمایتی نیکوکار است.

چهارم - اهورا بر همه محیط است و هیچ کس هرگز نتواند اورا بفریبد.

توضیح: آموزش زرتشتی بر پایه استوار کردن نیروی زیست یعنی پیروی از اشا و استعمال کامل عقل یعنی و هومن است. خصوصیت عقل فعالیت است از این رو و همن را و همن ورزنه فرموده و سوم احساس بندگی و نیکوئی و تسلیم (یعنی پیروی از ارمایتی است) از صفات ایزدی اشا و هومن و خشتربه صیغه تند کبر و امر تات و خرد ادو ارمایتی به صیغه تأثیث گفته شده‌اند. بنابراین از روی استعاره یکی را پسر و دیگری را دختر فرموده اهورمزد بر همه اینها محیط است.

(۲) سمع. (۱) «سـینـیـعـوـرـدـهـ». سـیـعـمـ(نـدـ). هـسـدـوـرـجـ. رـسـطـ(دـدـوـرـ).  
وـسـدـ(سـعـ). دـدـعـسـ(رـدـسـ). جـدـهـ. (۲) «سـعـ. وـسـمـ(مـ). سـیـپـوـنـ(مـ).  
{جـدـعـ. سـ. هـسـسـعـ. {جـدـعـ. دـدـمـیـوـنـسـهـ. {جـدـعـ. بـنـ(سـمـسـ)ـجـ.}  
{سـقـیـوـسـ. فـاسـ(سـسـ). {جـدـعـ. بـنـسـ. {سـقـیـوـسـ. وـسـرـدـمـطـ(هـ)ـسـ.  
{جـدـعـ. وـسـعـ(سـعـ. {جـدـعـ. («بـیـوـچـ). بـرـسـمـدـسـهـوـرـهـ.

ترجمه : و فراگویم از گوهر ان توام وجاوید (از لی) از آنها او که باک است به او که ناباک است چنین گفت: مانه در نفس و نهدر آموزش و نهدر خرد ، نهدر آندیشه و نهدر سخن و نهدر کار ، نه در وجودان و نه در روان یکسان نیستیم .

توضیح : نکته مهم در این قطعه این است که خواننده باید در نظر بیاورد : آنچه بیان شده صفات بشری هستند پس گوینده بشر است و خطاب به مخالفین میگوید چنانکه کیفیات نیک و بد یکسان نیستند هم چنان آموزش شما دیوبسنی ها کامل لاجداگانه هست .

(۳) سمع. (۱) «سـینـیـعـوـرـدـهـ». سـیـعـمـ(نـدـ). سـیـمـرـدـهـ. رـسـطـ(بـ).  
وـسـدـ. هـجـدـ. واـیـوـ(سـعـ. وـسـیـوـسـ. واـسـطـرـسـعـ. سـیـنـ(جـ).  
وـسـجـدـ. بـ. واـمـ. {جـدـعـ. دـیـسـ. هـبـوـنـ(مـ). واـسـ(وـسـ)ـبـوـمـبـ.  
وـهـسـنـسـ. بـ. هـمـسـدـمـسـ. واـسـطـرـسـهـ.  
وـسـدـرـجـ. سـیـعـمـ(نـدـ. سـ(جـ). سـوـرـسـعـ. سـلـمـ(مـ).

ترجمه : اکنون فراگویم از چگونگی برترین زندگی آنکه بهمن داناترین اهورمزدا برگفت و او که میان شما سخن مرا نهورزید و عملی نکرد چنانکه من دانسته ام و چنانکه فراگویم برای چنین کس در پایان زندگیش وای خواهد بود .

## سرود ۴۵

( سیاه‌دیده‌ها - آن‌سده‌های ر. ۱۴۵ )

(۱) شمع. (۲) سین‌دویس‌رده‌ه. (۳) چهارمین‌دویس‌رده‌ه. (۴) داده‌ده‌ده‌ده‌ه.  
و مس-قمع‌رده‌ه. ندد-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-قمع‌رده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ه.  
و مس-ده‌ده‌ده‌ه. ندد-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ه.  
و مس-ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ه.  
و مس-ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ده‌ه. و مس-ده‌ده‌ده‌ده‌ه.

ترجمه : فرامیگویم، اکنون به سخنانم گوش دهید بشنوید .  
چه آنانکه نزدیک هستند و چه آنانکه دور میباشند اگر خواستند - اکنون بقیناً  
همه (نکات شنیدنی) آشکار می‌شوند شما بسنجید، مبادا بار دیگر آموزنده بدجای شمارا  
تباه‌سازد و گمراه کنداو که بر گزیننده‌راه کج است پیر و دروغ و در سخن پریشان است .  
توضیح : عبارت این دو قطعه و قطعه بعد به اشخاصی که درست در آن نسنجیدند  
ومقصود را درک نکردند بمفهوم ثنویت گرفته شده .

او سگ و کوا Kava بودند شکایت می‌کنند.

این سرود در شماره گر چهل و چهار است ولی ممکن است که نخستین سرود فرموده‌ی خود را تشت باشد.

اشاره‌ها هستند که در آنها تأمل بکند. در قطعه دهم بهترین دین برای بشر کدام است و در پاسخ میفرماید آنکه به‌الهام از ارمایتی اطاعت و تسليم به‌فرمان‌ایزدی صورت گیرد و برای بازگشت به‌سوی اهورمزدا رهنمای باشد. در قطعه یازدهم میفرماید طبیعت هر فردی را استعداد مخصوص بخشیده و همچنین رهبر و مصلح دین استعداد معین دارد که از ارمایتی (تسليم و رضا) به‌اورسیده و او وظیفه خود را نیک دانسته و البته مقابل او یک گمراه کننده نیز پدید میشود که قصداً و اصلاح نیست بلکه خرابکاری و خنثی نمودن اصلاحات رهبر واقعی است و در قطعه دوازدهم سلسله قطعه یازدهم ادامه دارد که چون دو تن ادعای رهبری میکنند امتیاز دادن میان آنان که کدام بر صواب و کدام بر خطاست تنها به عقل سليم ممکن است. باید کوشید تاراست و ناراست ممتاز شود برخی ساده‌دل هستند که بدی را نمی‌خواهند ولی به سخنان گمراه کنندگان گوش میدهند و از راه راست منحرف می‌شوند، پس دانا اوست که از چنین بدان دوری کند گفته‌ایست (صحبت طالح ترا طالح کند) در قطعه چهاردهم میپرسد چگونه ممکن است که ناراستان را هدایت کرد و دشمنی آنها را دور نمود و در پاسخ میفرماید سخنان مقدس ماترا چندان باید تکرار بشوند که در دل سخت آنها رخنه کنند و جا گیرند و از ورزیدن کینه و حسادت باز آیند. در قطعه پانزدهم و شانزدهم به درگاه اهورمزدی مناجات میکنند که دین راست رانیرو دهد و مخالفین آنرا زبون سازد و سروش و و هومن را به‌یاری می‌خواهد و در قطعه هفدهم آرزو میکنند که بوسیله اعمال نیک به دو نعمت برسد یکی سکون باطنی و دیگر پیوست به پروردگار. و در آخر می‌فرماید پاداش سرو دگوئی از جامعه پاداش روانی از اهورمزد می‌خواهد و آن نعمت پیوستگی به خردداد و امرداد یعنی تندرستی و زیست جاوید معنوی است و خطاب به پیروان خود می‌فرماید او که به شما خدمت میکند حق خدمت یعنی مزد به او بدهید (گویا اشاره به این است که من شما را خدمت کردم و راه راست نشان دادم و در پاداش می‌خواهم که رهنمائی مرا عملی سازید) و بعد از فرقه مخالف که از تیره کریم و

آفرید تا بشر از آن استفاده کند و غیر خود را بشناسد و کیست که زمین را دور خورشید میچرخاند و روز را شب و بیداری را خواب میکند تا بشر اوقات کار و آرام را بداند و بروقت معین وظیفه خود را بجا آورد و درقطعه ششم از اهورمزد میپرسد آیا آموزشی که من به جامعه بشر پیش نهادم میکنم درست و راست است و آیا چنین نیست که از اطاعت و نظم و راستی و درستی دانش و نیروی اراده کاملتر میگردد و کیست که این جهان تاریک را بارور و شادی دهنده نمود. بنا بر آموزش زرتشتی جهان تن جای مصیبت و آلام و درد نیست بلکه نعمت ایزدی است که بشر باید کاملا از آن استفاده کند. در این عالم بشر غیر خود را میبیند و به او آشنایی نمود و هستی او کاملتر میگردد همین فکر در سنگ نوش داریوش نیز میباییم که خداوند را میستاید و میگوید اهورمزدا در این زمین برای ما شادی آفرید و این فکر پیغمبر ایرانی بر عکس افکار و بدینی بودا و رهبانان مسیحی و مرتاضین هند است در قطعه هفتم سلسله پرسش ادامه دارد و میفرماید کیست که به ما ارمایتی یعنی احساس رضا و تسليم و خشنتر نیروی اراده بخشید و کیست که پدر را بر پسر مهر بان و پسر را فرمانبردار پدر نموده و میگوید مقصود از این پرسشها این است که بوسیله سپتا مایتیو یعنی روان روشن و پاک تو را که آفریدگار ما هستی نیک بیشناسم. به این ترتیب در آموزش زرتشتی بشر باید بگوشد که به آفریدگار خود نزدیک گردد و نزدیک شدن به او آگاهی از آفرینش اوست. در قطعه هفتم سلسله پرسش ادامه دارد و البته پاسخ باید از وجود آن شنو نده برسد. سکون و آرام باطن را میجوئد و آرزو دارد که با مشیت ایزدی هم آهنگ گردد و هدف زندگی را توسط دانش (وهمن) و نیروی زیست (اشا) بداند تا به برترین مقام روانی برسد و در قطعه نهم میخواهد وجود از آنودگیها بالک باشد تا برترین دانش و نیرو مندترین اراده در آن تجلی کند و با دانش و هومن و هستی اشا و اراده (خشنتر) ایزدی در بهشت برین مقام نغمه و سرور جاوید بماند. در این بند اشاره میکند که رستگاری تنها در عمل وجود ای دانش است، البته همه پرسشها و آرزوها که در این سرود گفته شده به خواننده

## خواصها سرو ۵ ۴۴

در هفده سرود گاتا هر سرودی یک فکر اساسی دارد که باید خواننده به آن متوجه شود و بسنجد. از جمله در سرود ۴۴ تشویق به دانستن رموز طبیعت و چگونگی مظاهر آسمانی است. در قطعه نخستین این سرود از اهورامزدا یاری می‌جوید که به او رهنماei بکند چگونه نزدیک شود و چگونه از اشان (راستی و نظم) و از و هومن (دانش ایزدی) بهره‌مند گردد. و در قطعه دوم می‌خواهد انجام زیست تنی را بداند که چگونه برای کامل شدن آن بکوشد و کامیاب گردد و در پاسخ وجود انس می‌گوید که اشایعنی راستی و درستی گل و گوهر بشریت است و نگهبان و یار حقیقی روان او است و در قطعه سوم به مظاهر آسمانی متوجه می‌سازد که باید به وقت مطالعه شوند و بشرطه چگونگی آنها آگاه گردد و آنها را بشناسد تا به حقیقت ذات خویش نیز آشنا شود و می‌فرماید اشایچیست؟ خورشید و سیارگان را که در افالاک به گردش آورده و که ماهر اهلال و بدرومی‌سازد و هم‌چنین از اهورامزدا خواستار است که بشر را از رموز طبیعت آگاه کند که کیست که زمین را در فضای آسمانی محفوظ نگهداشته و کیست که آنها را به گیاه نزدیک مینماید تا سبز و خرم بمانند و ابرها را سریع السیر نموده که هرجائی که لازم است برسند و به بارند و زمین آنجا را سیراب کنند و کیست که دانش را

نمیدهد به چنین کس اکنون چه سرائی میرسد! و میدانم که انجام او چه خواهد شد.  
توضیح : معلوم نیست به که اشاره شده ، غالباً به مفهوم عموم است که سزاوار پاداش را باید پاداش بدهند و اگر ندادند ستم کرده‌اند .

(۲۰) لودن<sup>۱</sup> سد. ناس<sup>۲</sup> سد. نو<sup>۳</sup> وی<sup>۴</sup> سد. ویدو<sup>۵</sup> سد. سع<sup>۶</sup> و سد<sup>۷</sup>.  
سع<sup>۸</sup> بیع<sup>۹</sup> ن<sup>۱۰</sup> دسد. قبر<sup>۱۱</sup> د. ن<sup>۱۲</sup> و سر<sup>۱۳</sup> و بی<sup>۱۴</sup> سد. سع<sup>۱۵</sup> در<sup>۱۶</sup>. و یه<sup>۱۷</sup>.  
و سس<sup>۱۸</sup> دن<sup>۱۹</sup>. یه<sup>۲۰</sup>، وید<sup>۲۱</sup> سد. داد<sup>۲۲</sup> وید<sup>۲۳</sup> سد. سع<sup>۲۴</sup> و سد<sup>۲۵</sup>.  
و سس<sup>۲۶</sup> سد. وید<sup>۲۷</sup> سد. بیو<sup>۲۸</sup> و سد. (چو<sup>۲۹</sup> دو<sup>۳۰</sup> سد).  
آ<sup>۳۱</sup> دع<sup>۳۲</sup>. نو<sup>۳۳</sup>، ن<sup>۳۴</sup> سد. ع<sup>۳۵</sup> دند<sup>۳۶</sup>، ل<sup>۳۷</sup> سو<sup>۳۸</sup> دک<sup>۳۹</sup> دز<sup>۴۰</sup>.

ترجمه : ای مزدا ! چگونه دیوان نیرومند شده‌اند و نیز می‌پرسم اینانکه صفت کشیده‌اند تنها به سود خود شان است ، بنا بر این (تیره) کرپن و او سگ در گیتی نفرت پدید کرده‌اند و تیره کوا آنرا به بند و ناله سپرده‌اند . چرا اینان هدف اشارانمی خواهند که فزونی امنیت است .

توضیح : تیره‌های کرپن و او سگ و کوا از مخالفین سرسخت و سرودگوی دیویستی بودند . می‌فرماید اینها از خود غرضی در گیتی هرج و مرج و آشوب پدید کرده‌اند ، چرا دوست نمیدارند به امنیت و آسایش که آئین اشاست مردم زندگی کنند .

(۱۸) مـسـطـعـهـ. لـكـلـهـ. نـعـ(عـدـدـهـ). ۴(عـدـدـهـ). حـلـيـهـ. وـاسـطـهـ. نـعـ(عـدـدـهـ).  
وـسـطـهـ. نـعـ(عـدـدـهـ). مـسـطـعـهـ. نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ).  
وـسـطـهـ. نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ).  
نـعـ(عـدـدـهـ). حـلـيـهـ. ۶(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ).  
نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ).  
نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ). نـعـ(عـدـدـهـ).

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !  
 چگونه آن مزد را ازاشا بیابم، ده مادیان و یک اسپ و یک شتر که بهمن پیمان  
 نهاده اند بدنهند بلکه دوست دارم که بواسیله تو ای مزدا بخشش خرداد و امرداد را  
 بسوی هم نوع بیاورم .

توضیح : گویا در آن عصر مرسوم بود که سرو دگو را پاداش میدادند و آن ده مادیان و یک اسب و یک شتر بود. زرتشت بجای پاداش مادی بخشش معنوی را طالب است و آن تندرستی وزیست معنوی جاویدان است. شادرواند کترا بر ج ناراپور والا ترجمه این قطعه رابینهوم عرفانی کرده مقصود از ده مادیان پنج حسن ظاهر و پنج حسن باطن و اسب ذهن یا نفس و شتر نور است که ذهن را روشن میسازد.

(۱۹) د-س-ش. تکلیس. نع(خ)ددس. خ(خ)س. خ(خ)د. خاسطه‌س. س-م-ر(س).

وپرس-دد-ه-س-ه-م. خ-ف-ل-ک-و-خ-ه. ن-ر-س-خ-س-ه-و-خ-ه. {خ-}مع. و-س-د-ه-م-ه.

و-س-م-ه. ب-ع. س-م-ع-س-د-ه. خ-ف-ل-ک-ه-ن-ل-ک-س-ه. {س-ه}. و-س-د-ه-م-ه-ه.

و-س-ه. خ-م-ه. س-م-ن-ر-س-ه. خ-س-د-ه-د-ه-ه. س-م-ن-ب-ع. ن-س-ط-ه-ا-د-ه-ه.

و-س-ه-ه. س-م-ع-ه-ه. و-س-ه-ه. س-م-ع-ه-ه. س-م-ع-ه-ه.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !  
(او که خدمت کرده) و سزاوار گرفتن مزد هست و نزد هنده مبرود و او مزد را

آنچه از آن وجود دارد آشکارا بمن برگو، بگذار سروش و وهم من سوی او که تو دوست میداری بیایند.

توضیح : ورترا جام کشنه دیو ورترا بمفهوم پیروز بر دشمن و قهرمان میفرماید ای استاد دانا کدام قهرمان است که به آموزش تو از ما نگهداری کنداو را که دوست داری آرزو دارم که سروش و وهم من سوی او بیایند.

(۱۷) مسٰعٰ. لگوند. نجع(عده‌س). (عده‌س) ۶۷. فاسطوند. ندین(س).  
وسفوند. هرسیوند. نرس(س)۴. نرس(س)۵. نرسوند. نلپیوند.  
سدوده‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س.  
سدوده‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س.

سدوده‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س. نلپیونه‌س.

ترجمه : آن از تو میرسم راست بمن بفرما ای اهورا ای مزدا به رهنمائی از شما چگونه به مقام وجود و خرسندی برسم و چگونه با شما کاملا پیوسته گردم تا سخنم پر اثر بشود در آینده برای رهنمائی بسوی خداد و امرداد بوسیله اشا و واژه مقدس ماترا.

توضیح : دو آرزو دارد یکی سکون کامل باطنی که وجود و خرسندی روانی است و دوم اصل کامل و بوسیله اشا و خواندن واژه مقدس ماترا صحت روانی و زیست جاویدان را آرزو میکند.

## خلاصه سرود پنجه‌اویکم

این سرود در بیست و دو قطعه در شش سطر و هر سطر در هفت سیلاخ گفته شده. آغاز می‌شود از اینکه نیروی ایزدی گران بهاست که از اهورمزدا بر جهان پر توافقن شده و در همه موجودات کم و بیش نمایان است و باطن موجودات را روشن و توانا می‌کند و هر که از آن استفاده کند خوش بخت است. پیغمبر ایسراخ می‌فرماید که من با این نعمت ایزدی تصمیم گرفته‌ام که به هم نوع خدمت کنم و امیدوارم در این عزم ارمایتی مرا یاری کند و و هومن سعادت پرسشش به بخشد و برای آبادی‌گئی از اشاكه زبان اهوراست به من همراهی شود و برای آموزش دین از و هومن الهام یابم - آموزنده حقیقی اهوراست. به مهر و مودت و پاکی و نظم کارها نیک و منظم می‌شوند و این صفات خجسته را از پروردگار برای افراد جامعه آرزو می‌کنم. در قطعه پنجم از خود می‌پرسد که چگونه در جامعه راستی و درستی پدید خواهد شد و پاسخ می‌دهد از او که پیام ایزدی را به فروتنی و دانائی آشکار می‌کند تا رهبر نیک نباشد نمی‌تواند افراد جامعه را به نیکی رهنمایگردد او باید جامعه را از به، بهتر سازد و اگر بر عکس خود بد باشد بدرا بدتر خواهد کرد و سرانجام

به سزای بدی خود خواهد رسید. از اهورمزدا خواستار است که بوسیله منش پاک او را عمر طولانی و تندرسنی عطا فرماید تا مهلت بیابد و بتواند وظیفه اصلاح جامعه را به تکمیل رساند و در گیتی اشائی آبادی و شادابی و شادی فراهم سازد در قطعه هشتم می فرماید ناراست به شکیبائی در آزمایش‌های سخت که به فلنگداخته شباهت دارند کوشند به هدف و مرام خودمی‌رسد. مخالفان می کوشند که جامعه را فاسد کنند و من خواهم کوشید که اساسوی جامعه بباید و مهر و خوش بختی بیاورد. مزدیسنی باید اشائی باشد و به ارمایتی یعنی تسلیم و رضانزدیک گردد و بدهومن و نیکان ارادتمند باشد و خود را فردی از افراد برادری مگابشمارد.

در قطعه دوازدهم می فرماید دیویسنیهای کوی شادی را در هوس و لذات مادی می دانند در صورتیکه شادی طبیعی و معنوی از ذوق روانی میسر می شود و این حقیقت را آنان زمانی خواهند دانست که از روی پل چند باید بگذرند و در آن زمان وجود انسان سوزنش کند ( وزشت از زیبا ممتاز گردد ) کوی و کرپن به آئین اشائی احترام نمیگذارند و بجای اینکه مادر گیتی را شبانی کنند پرستنده آنرا به آموزش ناراست میفرینند .

من به بیاران مگا و عده میکنم بهشت گرو نمان که مکان نغمه و سرور است و و هومن واشا برای نیکان طرح کرده اند و شاه گشتناسب از نیروی برادری مگا و از ستودن و هومن بوسیله اشا خواهد یافت .

به پیشگاه اهورمزدی خواستار است که پیروانش را به راه روش رهنما گردد در قطعه دیگر به فدا کاری فروشانتر اشاره شده و در قطعه هجدهم توصیف جاماسب دانا نموده دعا میکند که او به آرزوی نیکش برسد و در قطعه نوزدهم از مدیوماه اشاره شده که بهزندگی راستگام زن است و نیکوئی را نه تنها به سخن بلکه به عمل می آموزد و در آخر خطاب به امشاسبندان و اهورمزد عرض میکند که به پیروانش

خوش‌بختی و راستی اشائی و دانش و هومنی به بخشند و می‌افزاید که ارادتمند  
ارمایتی باید پاک باشد و به اندیشه و سخن و عمل راستی را (در جامعه) بیافزاید  
آنانکه در نماز اهورمزد بوسیله اشا ستایش می‌کنند چنین نیکانرا چه آنانکه هستند  
و چه آنانکه در گذشته‌اند گرامی هستند و با ارادت به آنان پیوست خواهیم شد.

## سرود پنجاه و سوم

و اپسین سرود پنجم گاتا هاست بنام و هشتادشنبه ( Vahisha Ishti ) و این کلمه در آغاز این قطعه گفته شده بمعنی « بهترین آرزو » و معلوم نیست در چه بحری گفته شده ترتیب تقسیم سیلا ب در زیر بنابر انتخاب شادروان دکتر ابرج - تاراپور وال است .

( ۵۳ )

۷۶۴) فاعل. قدری سعی. سعی سلطانی دارد .

(۱) فاعل. عدوی دارد . عدوی دارد . داده دارد .

یار ( سلطانی دارد ) سلطانی .

دیده دارد . سلطانی دیده دارد . و سلطانی .

برآید . و سلطانی . سلطانی برآید .

سعی سلطانی . سلطانی سلطانی . دیده ( چند )

سلطانی و سعی . و سلطانی ( چند ) . فایده دیده .

سلیمان . عزیز ( سلطانی ) عزیز .

و سلطانی عزیز . سلطانی ( چند ) . دیده دیده سلطانی .

و سلطانی سلطانی . فایده دیده ( دیده ) .

سلیمان . و سلطانی سلطانی سلطانی .

ترجمه : بهترین آرزوی زرتشت اسپیتا ماما شنیده شده ( یا به پایان رسید ) و

او سعادت‌ها داده شد از اهورمزدا بوسیله اشا جاورد برای زندگی پاک .

توضیح: ظاهر آگوینده این سرود کسی غیر از زرتشت است که پس از وصال پیغمبر گفته و مفسرین گمان کرده‌اند که او جاماسب است ولی ممکن است که از خود زرتشت باشد و به صیغه غایب فرموده. زمانی است که دین او انتشار یافته و ظیفه تبلیغ او به پایان رسیده. برای پیغمبر اسلام نیز چنین وقتی رسید که در قرآن می‌فرماید: - (الیوم اکملت لكم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لكم الاسلام دنیا ۵/۵) (بزبان پروردگار) امروز به پایان رساندم و کامل کردم برای شما دین شمارا و تمام کردم بر شما بخشن خودم را و برای شما دین اسلام را پسندیدم. در این قطعه می‌فرماید آنانکه باز رتشت سخت مخالفت کردند در انجام تسلیم شدن دو به حقیقت و حقانیت و سود اندیشه نیک و سخن نیک و کار نیک بی‌بردن.

(۲) سمع نمود. هنچه. دندانپیوسته. هستند نمود.

من فهم سدوند. و سرور سلطان سدندر نمود.

من فهم ۶۲. هستی و سعی. فاسخ نمود. سد.

لایل طیلی. و سرسعد پیوسته نمود.

و سرسعد نمود. فاینند سدد در نه.

لایل لایل دنده دنده. دندان دندان نه.

لایل لایل سلطان دندان سدد نمود.

و سمع نه. لایل جوند. هنچه.

و سمع نه. و سمع نه. هنچه.

دندان سرور سرور نه. و سوسن.

ترجمه: بنابراین (همه) بکوشند در اندیشه و سخن و کار (نیک) برای خوشنودی (اهواز) مزدا و برای پرستش و ستایش (او) برگزیند کوی گشتاسب

(ارادتمند به زرتشت و سپنتم) و فروشاشترا که داده اند خود را به راه راست (یعنی)  
دین اهورا (چنانچه) به سو شیانت داده شد.

**توضیح:** گویا خطاب عموماً به بهدینان و بهویژه به گشناسب و فروشاشر و اسپتام یعنی مدیوماه که هرسه ارادتمند زرتشت بودند به اینها گفته شده که در اندیشه و سخن و کارنیک بکوشند و پرسش و سرود ستایش را چنانکه برسو شیانت یعنی زرتشت آشکار شده به (بهترین طریق) برگزینند اینها که زندگی خود را به راه راست داده اند یعنی وقف کرده اند یا می اندیشنند.

ترجمه: و این دین یقیناً (خواهد آمد) پسرو چستا از (خانواده) های چت اسپیانا و اپسین دخت زرتشت اعتماد کامل به هومن و پیوستگی به اشا و مزدا پس هم سخن شو بانیروی باطن خود تو و به برترین الهام ارمایتی عمل کن.

توضیح: مفهوم پوروجستارا دکتر ایرج تارابوروala دانش کامل خانواده های چت اسپ و دخت زرتشت را بمفهوم نتیجه و اپسین آن دانش یعنی ماحصل آموزش زرتشتی دانسته و ممکن است که این فکر درست باشد پس مفهوم قطعه بالا چنین می شود :

به این دین خواهد آمد زاده دانش زرتشت پورهای چت اسپ از خانواده اسپناما اعتماد کامل به وهمن (دانش ایزدی) واشا و مزا و به دینان باید به باطن خود رجوع کرده به الهم ارمایتی که روح تسلیم و رضاست اعمال زندگی را بجا آورند.

(۱۴) ۶۶. یعنی فاعل دفعه (و سبب) واس (سد).  
 و سبب (جذب) وای و سبب  
 و سد (درد) و سبب. واس (داد) دفعه (درد).  
 لای (لای) دفعه (لای).  
 سبب (سد). سبب (سد).  
 واس (سد). واس (سد) (نام). سبب (سد).  
 دفعه (نام). دفعه (نام). دفعه (نام).  
 سبب (سد). و سبب (سد).  
 و سبب (سد). واس (سد). دفعه (سد).  
 و سبب (سد). وای دفعه (سد). سد

ترجمه: این (کیش رابا) سنجش کامل برگزیده ام و برای شما (هر یک) پدر و خداوند خانه وظیفه آنان معین شده و نیز به شبانان و خواجهگان .  
 (این کیش) پاک برای پیروان راستی است .  
 (این) رخشندۀ میراث و هومن است .

مزدا اهورا جاوید به بخشند نیکان کیش را .

توضیح: پس از نماید مختصر در سه قطعه گذشته می فرماید که در کیش زرنشتی وظیفه صاحب خانه و نگهدارنده جامعه و بزرگان تعیین شده و این کیش برای کسانی است که از راستی و درستی پیروی می کنند و رخشنده میراث و هومنی یعنی امتیاز صحیح میان بد و خوب می دهند و در پایان دعا می کند که اهورمزدا جاوید آنان را به بخشند و موفق سازد .

(۶) نددسم{چه. واس{ردس}و{سردر}چ.  
وسد{در}ر}چ. و{س}ط}چ.  
من{مع}سدر{رسدر}. واس{و{س}س}چ.  
و{س}ب{و{س}}و{س}. س {ب}ب{و{س}}و{س}و{س}.  
واس{س}و{ط}و{ه}. و{س}ب{س}ر}ن{د.  
س{ر}ر{س}ر{د}ر{س}. س{ر}ر{س}ر{د}ر{س}.  
ط{س}ر{س}ر{د}ر{س}(ن{د}. و{س}ر{س}ر{د}ر{س}).  
س{ر}ر{س}. و{س}. س{ر}ر{د}ر{س}. س{ر}ر{د}ر{س}.  
وا{ك}{م}س{ر}ر{د}ر{س}ر{د}ر{س}. ه{س}ر{د}ر{س}. و{س}. و{س}ر{د}ر{س}.  
من{مع}م{چ}. س{ر}ر{س}ر{د}ر{س}.

ترجمه : این سخن میگوییم به دوشیزه گانی که عروس می شوند و به شما ( نوجوانان ) که داماد میگردید و خواستارم به ذهنتان بسنجدید ، و به نفس خود درک کنید که همواره عشق تان را به هومن عملی سازید و هریک از شما بکوشید که در راستی برتری جوید و برای آن به هریک از شما پاداش نیکو هست .

توضیح: خطاب به کنیا یعنی دوشیزگان جوان که عروس خواهند شد و جوانانیکه داماد خواهند گشت که عشق و هومن (یعنی کارها را از روی عقل و تفکر خواهند کرد) بهورزنده در نیکی از هم سبقت جوئید.

(۶) دُلْسَه. بِ. بِنْسَدْلَه دُرسَه. {سَه} (۷).  
 سَهْلَه. بِنْهَمْلَه دُرسَه.  
 وَلَهْلَه. لَهْلَه دُرسَه. (سَهْلَه) (۴۴). قَمْلَه.  
 بَهْلَه دُرسَه. لَهْلَه دُرسَه. لَهْلَه دُرسَه.  
 وَلَهْلَه. سَهْلَه دُرسَه. بَهْلَه دُرسَه. مَهْلَه دُرسَه. رَهْلَه دُرسَه.  
 وَلَهْلَه دُرسَه. لَهْلَه دُرسَه. وَلَهْلَه دُرسَه.  
 بَهْلَه دُرسَه. بَهْلَه دُرسَه.  
 وَلَهْلَه دُرسَه. وَلَهْلَه دُرسَه. سَهْلَه دُرسَه.  
 سَهْلَه دُرسَه. سَهْلَه دُرسَه.  
 سَهْلَه دُرسَه.

ترجمه: ای جوانان و ای دوشیزگان: در این زمین این حقیقت دارد که در کشش‌های حیانی ناراستی سود می‌بینید و به علاقه (به چیزهاییکه) دور از شخص شما می‌باشد بهروشنائی ضعیف حامل بار رنج می‌شوید می‌پوشاند (تیره‌می‌سازد) روشناشی باطن به‌این نفرت کنندگان از راستی. به‌این ترتیب آیا شماتباخ خواهید کرد زندگی روانی خود.

توضیح: خطاب به‌جوانان و دوشیزگان می‌فرماید کشش‌های سطحی دنیوی که در آن خورستنده تصور می‌کنید روشناشی باطن راتیره می‌کند و زیست‌روانی شما را تباہ می‌سازد.

(۷) سمع لرده. فام. ۶۰۵۹۶۴. سمع لرده.  
 سمع درده. ۶۰۵۹۶۴. سمع درده.  
 و لرده «سمع. سوله دید. ویسیودن بدهی.»  
 ریشه دید. برعین لرده درسم.  
 نس (لرس). لست لرده. سط (لس).  
 و لرده (لد). سد در دید. ولیق «سمجه».  
 سبیود سمع. نسد (لد).  
 د «لیسدر لرده. ۶۰۵۹۶۴.»  
 سمع. فام. فاس در ریشه. سمع لرده.  
 سمع ۶۴۶۳. فاس ریشه.

ترجمه: بصورت دیگر پاداش شما از اخوت مگای (زرتشتی) هست، تا زمانیکه (شما) جفت (زن و شوهر) با هم نهایت علاقه و جوشش دارید، خواه آن علاقه‌مادی باشد خواه روانی (اعلی یا ادنی) آیا این اخوت را رها می‌کنید؟ پس (اعلام می‌کنم) که آخرین سخن پر درد شما وای خواهد بود .  
 توضیح: در قطمه گذشته فرمود که شادی‌هایکه ناراستان نشان میدهند موقعی و سطحی است و آنچه آموزش زرتشتی نشان میدهد حقیقی و معنوی هستند و در این قطمه می‌فرماید که پاداش محبت معنوی و روانی یا جنسی و مادی هردو از اخوت مگایی زرتشتی به شما خواهد رسید ولی اگر آنرا ترک کردید انجام شما سخن (وای) و افسوس خواهد بود .

(۸) سه‌سدنده سه و فله «سیمین» سه‌سنه.  
 و سه‌سنه در سه سه نه میلادی.  
 دیسیمین در سه سه و ایه‌دین سیمین.  
 نه (سی‌ده‌سیمین) همه‌یه. نه (جی) همه‌یه سه.  
 من (من) همه‌یه (سدنده نه) همه‌یه. نه (جی) همه‌یه سه.  
 (سده) همه‌یه سه سه سه و سه سه.  
 سه‌سدنده در سه سه و ایه‌دین در سه سه.  
 پا (سده). پا (سده) و سه‌سنه.  
 و (جی) سه سه (جی) در سدنده سه سه.  
 چه همه‌یه سه سه.

ترجمه: پس یقیناً بد کاران فریب خورده (در تحریر) بمانند و به مسخره شدن  
 یکدیگر را سرزنش کنند. دوشیزگان و جوانان مازیشوایان نیک (یاری) خواهند  
 یافت (خداآند) به این راستیها امن بدهد و رنج از مردم شاد ناپدیدگردد و او خداوند  
 مرگ و بزرگترین زود بسوی ما باز گردد.

توضیح: در این قطعه اشاره به پیشوائی هست که رحلت کرده یا ناپدیدشده  
 و گوینده امیدوار است که باز گردد و رنج مردم از بازگشت او دور شود و مفسدین  
 گمان میکنند که اشاره به زرتشت است و البته گمان است ثبوتی نیست.

(١) وَكُلَّهُ (س) (ع) سَدِّونَ بَدْ. وَاسْقِعْ سَعْ طَّا. (سَدِّونَ بَدْ)  
كَبَّا. (سَدِّونَ بَدْ). (سَعْ طَّا).  
سَعْ طَّا سَدِّونَ بَدْ. فَعَلَّ طَّا طَّا. سَدِّونَ بَدْ.  
كَبَّا سَعْ طَّا. كَبَّا (سَعْ طَّا).  
وَجَّا. سَعْ طَّا سَدِّونَ بَدْ. سَعْ طَّا (سَعْ طَّا).  
كَبَّا. كَبَّا بَدْ. كَبَّا سَدِّونَ بَدْ. كَبَّا دَرَسَطَّا.  
وَاسْدَدْمَعْ-كَبَّا دَرَسَطَّا سَدِّونَ بَدْ.  
سَعْ طَّا. كَبَّا سَدِّونَ بَدْ. سَعْ طَّا سَدِّونَ بَدْ (سَعْ طَّا)  
سَدِّونَ بَدْ. كَبَّا (سَعْ طَّا) دَرَسَطَّا. وَسَدِّونَ بَدْ.  
وَادَقَ سَعْ طَّا (سَعْ طَّا). وَاسْدَدْمَعْ-كَبَّا دَرَسَطَّا.

ترجمه: پروان ناراست را نفرت رهنماei میکند که ارجمندگان را محکوم نمایند. آنان بنده خواهشهاي نفساني هستند و تحقیر کننده راستي و در کشمکش خودی (ولي)،

او که خداوند نیکی است با آنان مبارزه خواهد کرد و با همه نیروی زیست و با کمال آزادی .

ای مزدا ! به خشت (نیروی ایزدی) تو چنین نیک کاران فروتن را برترین پاداش میدهی :

**توضیح:** کسی که بد است (از نیکان نفرت دارد) و نفرت اورا رهنماست که ارجمندگان را محکوم نماید.

او بنده خواهش‌های نفسانی است و تحقیر کننده راستی و خود را آزار میدهد

ولی او که خداوند نیکی است با چنین بدکاران مبارزه می‌کند ( با همه‌نیروی زیست و با کمال آزادی ) و اهورمزا نیز چنین نیکان فروتن را به پیروزی ایزدی خود بهترین پاداش خواهد داد. در قطعه هشت بویژه سطر آخر مفسرین تصور کرده‌اند که پس از رحلت زرتشت گفته شد .

## خلاصه سرود پنجاه و سه

از نکات مهم این سرود :

اولاً - اشاره به اینکه وظیفه تبلیغ دین مزدیسنسی به انجام رسید.

دوم - آندرز به پسران جوان و دوشیز گان که در جوش جوانی و غلبه احساس تنی راستی و درستی را از دست ندهند و مادی محض نگردند بلکه ظاهرشان تنی و مادی و باطنشان روانی و معنوی باشد.

سوم - در قطعه هشتم می فرماید (امید که) او خداوند برم رگ به زودی بسوی ما برگردد و میان ما باشد و مفسرین گمان میکنند که مقصود از رحلت زرتشت است و امید اینکه دوباره او به تن یا روان به سوی جامعه بازگردد یعنی روح او در جامعه زرتشتی جاورد بماند.

دوهاین شکی نیست که عبارت سرودهای گاتا از اصل فرق کرده و چنانکه گوینده گفته بمانرسیده چه الفاظ و چه سیلاح کم و بیش شده اند. بر عکس سرودهای رگ و یدا که سالمتر مانده اند زیرا هندوان سخت مقید بودند و احتیاط میکردند که دست به ترکیب الفاظ یا عبارت نزنند و از خود لفظی کم یا بیش نکنند و از

اصل دور نگردن و متأسفانه در صورتی که از زمان باستان برای زبان سنسکرت دستور زبان و علم عروض وجود داشت در ایران نبود و اگر بود از آن آگاه نیستم و اوستا شناسان ناچار شدند که برای زبان اوستا از زبان سنسکرت دستور و علم عروض را بوجود بیاورند و بدیهی است که با وجود نزدیکی و از یک اصل بودن لازم نیست که نثر و شعر ایران کاملاً مانند نثر و شعر هند باشد. در ترجمه و تفسیر اوستا میان مترجمین و مفسرین چه اروپائی و چه شرقی اختلاف است و هر کس به سلیقه و تمایل خود بنوعی تفسیر و ترجمه کرده است بنابراین میدان تحقیق و تفحص هنوز پابرجاست و ممکن است دانشمندانی که در آینده پدید خواهند شد این کار را بیشتر عملی بکنند و بحقیقت نزدیکتر گردند.

## سرود پنجاه و چهارم

ترجمه: ایریما بسیار گرامی در این (جشن) شادی باید بسوی جوانان و دوشیزگان (مردان و زنان) زرتشتی که و هومن را خوش کند. او که وجودان دارد پاداش گران بها می‌یابد. از اشا خواستارم (دعا میکنم) برای خوش بختی (اینکه) آرزوی (همه) هست در علم اهورمزدا (وجود دارد) انجام میدهد.

توضیح: این قطعه تکمیل انکاری است که در سرود پنجاه و سوم بیان شده‌اند ایریما نام ایزد تندرستی و نیز نام سوم طبقه زرتشتی و بمفهوم دوست است و ضمن دعاهایی که در مراسم کتحدایی خوانده میشود به انواع معانی ترجمه و تفسیر شده است.

سرودهای گاتا در اینجا به پایان میرسند.

## واژه نامه

Vāstā	نظم - باور - حامی	
Khshmat	شما	
anyō	جز - دیگر	سر د ۳۹ بند ۱
Atha	بنابراین	
Moi	پمن	به شما
Sastā	آشکار - کنید - بر گزینید	روان گاو (گیتی ، زمین)
Vohū	خوب	میگرید - هیبتالد - شکایت می کند
Vāstryā	شبان - نجات دهنده	gerezda
Vas	از ریشه وس	برای چه
		مرا
		ThwaruzdŪm
Ada	ایدون - پس	که مرا
Tasha	آفرینشده - سازنده	درست کرد - ساخت
geush	گاو (گیتی)	a ma
Peresat	پرسود	از همه سو مرأ
Ashem	از اشا	خش
Kathā	که - از جهه نوع - چگونه	فیز غارت - ربايش - تباها
Tōi	تو	hazas cha
gavoi	برای گاو (گیتی)	نیور تعدادی - ستم - کینه
Ratush	رتو - خداوند - پیشوای	فشار کامل
		آزار
		زود - توانائی
		نه برای من

<b>Shavaité</b>	صف آرایگر دد - نشود	ناکه - اوکه
<b>ā ḏreng</b>	بنخلاف - مقابل بدکیشان	اورا
<b>Ereshvanhō</b>	نیکان	دهد
	جانداران - میرندگان - آدموزاد	بتوانید - تواناگی - خداوند
<b>Hātām</b>		Khshayəntō
<b>hvō</b>	او	ترجمه الفاظ - با - و گذشته بران
<b>Aojshto</b>	برترین - تواناترین	Hadā
<b>Yahmai Zavēng</b>	که دعوت او	چراسته ، یاوری ، حمایت ، نگهداری
<b>jlmā</b>	پاسخ دهنم	Vāstrā
<b>Kerədushā</b>	به شتاب	Gaodāyō

### سرود ۲۹ بند ۴

<b>Mazda</b>	مزدا	
<b>Sakhvare</b>	نماز - درخواست - سخن	اوکه
<b>Māirishtō</b>	بهتر - می سنجید	Dregvōdēbish
<b>Ya-zi</b>	که بر استی	Aeshemem
<b>Vāverezoi</b>	ورزیده شد - گفته شد	Vādāyōit
<b>Pairi</b>	در زمان گذشته - باستان	
<b>Chith it</b>	در زمان گذشته، باستان	
<b>Daevaish - cha</b>	چه از ابدیوان	
<b>Mashyaish-cha</b>	چه از آدموزاد	
<b>ya - cha</b>	نیز آنچه	
	ورزیده موشود - گفته موشود	
<b>Vareshaite</b>		
<b>Aipi-chit it</b>	در زمان بسیار آینده	
<b>Hvō</b>	او (نها) یکانه	
<b>Uichirō</b>	دادور - بر گزینشته	
<b>Ahurō</b>	اهورا	
<b>Athā ne</b>	پس، به ما	
<b>Anhat</b>	باید (رشود)	
<b>Yathā</b>	چنانکه - آنچه	
<b>Hvō</b>	او (نها)	
<b>Vasat</b>	موخواحد - فرمان موحد	

### سرود ۲۹ بند ۳

<b>Ahmai</b>	به او
<b>Ashā</b>	اشا
<b>Nōit</b>	نه
	با زدار نده یکانگی - رهانیده - یساور
<b>Sarejā</b>	
<b>Advaeshō</b>	دوست - بی آزار
<b>Cavoi</b>	به گیتی
<b>Paiti-mravat</b>	یاسخ داد
	از آنانی که (اینجا هستند)
<b>Avaēshām</b>	
<b>Nōit</b>	نه
<b>Viduyē</b>	دانسته شده
<b>Yā</b>	اوکه

Noit aeava	نه يك
Ahu	اهو (خداوندگان)
Uisto	دانسته شده (خداوند روان) و نه يك دنبو
Naeda ratush	

Ashāt - chit hachā	ازاما
At zi	براي اين
Thwa	تورا
	نيز شان - نگهدارنده
Fshuyantae-cha	

Vastryai - cha	ياور
Thworeshtha	آفريندده
Tatasha	ساخت - تعييون کرد

### سرو ۵/۲۹ بند ۷

tem	آن
Azutōish	نياز
Ahurō	اهورا
	افسونی - سخن مقدس - هاترا

Mathrem	
Tashat-Asha	ساخت - فرمود به اشا
Hazaoshō	دوست - هم اراده
Mazda	مزدا
Gavoi	مادرگیعی

نوز شيرين - شيريني

Khshvidem - cha	
Hvo	او
Urushaueibyō	ياوران (او)
Spento	نيکان
Sasnayā	آئين - آموزش
Kas tē	كه را از تو
Vohu mananha	ای وهمون
Yei dāyāt	كه يقيناً ياورد - بدخد

### سرو ۵/۲۹ بند ۸

At Va	بنابرين - كون
Ushtanaish	بابلندکرده
Ahvā	دلها(مادو)
Zastaish	ودستها
	خواستاريم - التماس هيوكشيوم

Frinemnā	
Ahurahyā	ازاهورا
Me urva	روان من
Geush-cha	{ دنهز گاود (بارور) }
Azyā	چيون
Hyat	به مزدا
Mazdam	خطاب - روانشن
Dvaidi	(به هذيرفن) - التماس
ferasâbyō	هر گز به جانداران نیک
Nōiterezejyoi	آزاد
Frajyaitish	نه به شبان - نگهدارنده

Noit Fshuyenté	
{ Dregvasu	ناراستان
{ Pairi	زميان

### سرو ۵/۲۹ بند ۹

at e	پس
Vaochat	گفت
Ahura mazda	اهورا مزدا
Vidva	موداند - آزموده - دانا
Vafush	گفته‌ها - حقایق
Uyanaya	علم باطن - بینائی - بصیرت

Geush Urvā	روان گاو	eāavā	یاری
Raosta	ناله کرد ، گزید کرد	Maretaeibyō	میمنندگان - آدمیزاد
ye	پس		
	تحمل ، برداشت ، کمزور ، ناتوان		

### سرود ۳۹ بند ۸

Anaeshem			
Radem	یاری ، رادی	Aem	یسکی (چنانکه میخواهد)
Vāchem	ستمان	Mōi	بعن
Neresh	مردی	Ida	اینجا
	بدون همت ، بدون شهامت ، ناتوان	Visto	آشناست - دانسته شده
Asurahya		Ye	او
Yem ā	در صورتیکه	Ne	نهما
Vasəmi	موخواستم	Aevo	تنها
Ishā	پیشوا ، خداوند	Sāsnā	آموزش - فرمان
Khshathrem	فیر و مت	gushata	گوش داده - شنیده
Kada	کنی ، چه وقت	Zarathushtrō	(دوا) زرتشت
yava	گام که ، هرگاه	Spitamō	اسپیتماما (عست)
Huō	او ، یکی چندون	Hvo	او زنها
Anhat	پدید شود ، باشد	Ne	یقهنا
Ye او که hoi	به او ، به من	Mazda	از مزدا
Dadat	پیاوورد ، دهد	Vashti	ماپل است ، خواهشمند است
	یاری دست دار ، زبردست	Ashai-Cha	ونیز از اشا
Zastavat avō		Carekerethrā	بواسطه سودستایش

### سرود ۳۹ بند ۱۰

Yazem	شما	Hyat Hōi	بنابراین به او
Aeibyo	به اینها	Hudemem	شوریشی دلکشی
Ahurā	ای اهورا	dyai	داده شود
Aogī	نیروی فیست	Vakhedhrahya	از سخن
Dātā	به پخش ، بدء		
Ashā	ای اشا		
	نیز خشنتر ، توانانی		
Khshathrem-cha			
Avat	آنکه	At cha	اما آنکاه - پس آنکاه

### سرود ۳۹ بند ۹

بمانند شما — به شما  
YŪshmāvatām

### سرو ۲۸۵ بند ۱

Ahya	اورا (کنون)
Yasa	میستایم
Nemanha	نماز میرم
Ustāna Zastō	دستها را نشان کرده ، سعادت ، خودستی . شادی
Refedhrahyā	
Mainyush	ماینشو ، روان ، نیرو
Mazda	ای مزدا
Faurvīm	نخستین - باستانی
SPentahya	سپتاهایا - پاک
Asha	اشا
Vispeng	همه
Shyaothanā	کار
Vanheush	وهو
Khratum	خود
Mananhō	(وهمن) منه
Ya Khshnevisha	تاخوشند و دسازم
Ceush-cha	نیز گاو ذموم
Urvanem	روان

### سرو ۲۸۵ بند ۲

ye	من (براستی)
Vā	به شما
Mazda Ahurā	ای اهورامزدا
	نزدیک خواهم شد - خواهم رسید
Pairijasai	
vohu mananha	بواسطه و هومن

Vohu mananhā	ای و هومن (به او)
Ya	که
Husheitish	به شادی خوش
Rāmām-cha	ونوزرامش
dāt	رهنما گردد ، دهد
Azem-chit	ما ، من
Ahyā mazdā	اورا ای مزدا
	از تو می بذیرم ، میاندیشم
Thwam menghi	بهترین ، باستانی ترین
Paourvīm	یافت شده ، حاصل ، آفرینش
Vaēdem	

### سرو ۲۹۵ بند ۱۱

Kudā	چه وقت ، کن
Ashim	ادا
Vohu cha mananha	ونیز و هومن
Khshathrem cha	دونز خشتر
At ma	بسی من
Masha	بشتاب بیانند
Yuzem	شما
Mazda	ای مزدا
Frakhshnēnē	برای آموزش (نو)
Mazōi magai	تیره بزرگ مگا
A	به
Paiti zānatā	شناسانی - پذیرفته‌گی
Ahtra	ای اهروا
NŪ	کنون
Na	بما
Avare	باری (رسید)
Ehmā	ما خواهی بود
	مشتاق به بندگی ، آماده به بندگی
Rātoish	

### سروود ۲۸ بند ۴

Ye	به راستی
Urvānem	روان را
men galré	بهشت برین - مکان بلند
Vohu Mananha	دھومن
Dadē	راهنمای خواهم کرد ، خواهد داد
Hathrā	پیوسته
Ashim-cha	نیز اشا
Shyaothananam	دارها
Vidush	دانسته - آگاه شده
Mazda shurahya	مزدا اهورا
yavät	تازمانوکه
Isái	دارای اراده هستم
Tava - cha	نیز توانایی دارم
Avat	تا این زمان
Khsai	خواهم آموخت ( به مردم )
Aeshè	نکوشند
Ashahyā	برای اشا - راه اشاره کردن

### سروود ۲۸ بند ۵

Ashā	ای اشا
Kat	کی - چه زمان
Thwā	تورا
daresāni	خواهم یافت - خواهم دید
Manas cha vohū	ونیز دھومن
Vaedemnō	دانش را دانسته
Gatum cha	راه
Ahurai	اهورائی
Səvishtai	نیز و مند - توانا - زن شیرده
Seraoshem	سروش

Maibyo	که ( من )
Dāvōi	داده شود - بخشیده شود
Ahva	در هر دو جهان
Astvatas-cha	جه جهان تن
Hyat cha	وجه آنکه
Mananhō	از جهان روان است
Āyaptā	سعادت
Ashāt hachā	بواسطه اشا - ازاشا
Yaish	ناکه
Rapantō	گرویدگان را
Daidish	دهندماهی کنند - به نهید
	به جهان روشنایی - به مکان روشنایی
Khvāthre	

### سروود ۲۸ بند ۳

Ye	من بر استی
Va	به ، تو
Asha	ای اشا
Ufyanti	می سرایم ، می باقم
Manasvohu-cha	ونیز به دھومن
Apaourvīm	از زمان پاستان - از پیش
	و تپن مزدا اهورا را

Mazdām - cha ahurem	
Yaeibyo	( که به مهر بانی ) شما
Khshathrem cha	ونیز خشتر
	جواید - نابود نشدنی
Aghzaonvamnem	
Varedaiti	افزون کند - بهالد
Armaítish	ارمایتی
Amoi	اینها بهما - به من
Rafedhrai	سعادت کامل
Zaveng	به دعوت ( نما ) به خواندن
Jasata	بیانیهند

### سرود ۲۸ بند ۷

Daidi	بدی
Asha	ای اشا
Tām	آن
Ashim	ساعت، حوتی
Vanheush mananho	و هون
Ayapta	پاداش
daidi	بدی
Tu	تو
Armaite	ای ارمایتی
Vishtāspai	بیوشتا اسپ (کشنا سپ)
Ishem	حواهن، آرد
Maibyā cha	دیز به (پرداز) می
das	فرمان ترا
Tu	تو
Mazda	ای مزدا
Khshaya cha	به خداوندی، شاهی
yā	تاکه
Ve	ما
Mathra	سخنان، فرمان ترا
Srevimā	بشنویم، اجر اکنیم
Rādā	بندگان گرویده

### سرود ۲۸ بند ۸

Vahishtem	بهترین
Thwa	از تو
Vahishta	برترین، بهترین
yem	از او، از تو
Asha Vahishta	اشا برترین، اشا و هشت، اردی بهشت

Mazdal	مزدائی
Anā	ابن
Mathra	سخن مقدس - منتشر
Mazishtem	بن ترین، مهترین
Vauroimaidi	بر گردانیم
Khrafstrā	در نده، دخشی، دادان
Hizva	به زان

### سرود ۲۸ بند ۹

Vohu-	با
Gāidj	د هون
Mananha	بدی
daidi	اشا
Asha	بخشن
Dā	جاوید، طولانی، بادوام
daregayū	مقدس، راست
Ereshuaish	تو، به راستی
Tu	سخنان
Ukhdhaish	ای مزدا
Mazda	به ذوقش
zarathushtrai	مواج، ذیست باطن، روانی
Aojonghvat	شادی
Rafeno	نیز بما
Ahmaibyā cha	ای اهورا
Ahura	تاکه
yā	دشمنان
daibishvato	بر مخالفت، بر نفرت
dvaesha	و چیره گردیم
Taurvayāmā	-

yuzem	به شما که
	سز او ارتقیون هستید به ستایش
zevishtayanho	
isho	نیز و مند
Khshathrem - cha	خشنتر نیز
	در نماز - در شنیدن دماز
Sravanhām	

## سروود ۲۸ بند ۱۰

بن بان سنسکریت Atha	وجون و اعطاف
yeng(yam)	آنانکه
Ashāt cha	اشائی، نیک
voistā	(اژدیشہ) به معنی داشتن (میدانی)
Vanheush cha	و هومن
datheng	دانان، دانشمند
mananho	و هومن
Erethweng	راست، نیکوکار
mazda Ahurā	ای مردا اهورا
Aoibyo	بن ای آنها
Ferena	پر، کامل
Āpanaish	به کامیابی
kāmem	آرزو، کام، خواهش
at ve	برای اینکه بقیه
Khshmaibyā	شما
Asānā	بی پاسخ
Vaedā	میدانم
Khvarnaithyā	برای هدف نیک
	با گر ویدگی، گرویده، مشتاق، نیازمند
Vaintyā	
Srava	نماز، شنیده

## سروود ۲۸ بند ۱۱

ye	پس، چندون
----	-----------

خوش جوشش، بیگانه، هم‌اندیشه

Hazaoshem	ازاهورا
Ahurem	دعا میکنم، الشناس میکنم
yāsā	به آرزو، به اشتیاق
Vaunush	قهرمان، جوانمرد
Naroi	فرشا و شتره
Ferashaoshtrai	و نیز به مردم من
maibye . Cha	و آنانکه
Yaeibyas cha	خواهی بخشید
Ranhanhoi	در خدمه
Vispai	زمان ابد
yavē	
Vanheush } Mananho }	(سعادت) و هومنی را

## سروود ۲۸ بند ۹

Ahaish	به اینها
Va	تورا
noit	هر گز، نه
Ahura mazda	ای اهورا مزدا
Ashem chā	و نیز اشا
yanaish	نیایش
	برانگیخته خواهیم کرد، خشنناک خواهیم کرد
zaranaema	و نیز و هومن
Manas cha	او که
hyat	بهترین است
Vahishtem	
yōi	(ما) که
Vē	به شما
	مشتاقانه، آرزومندانه میکوشیم
yoithemā	
daseme	که پیش کنیم، تقدیم کنیم
Stutām	سروود ستایش را

humazdrā	طریق مزدیسني - تعلیم نیك.	aish	بوسیله (اینها)
Ashai cha	نیز اشائی	ashem	اشا
yā	تازه	Nipanhe	برای خودداشته باشم
raochebish	جهان روشن - روز به بونید - به آئید - بر سود	Manas cha vohu	ونیز و هومن
daresātā		yavaetaite	برای هموشه - جاوید
Urvaza	بالده - کامل شده	tvem	آيا تو

### سرو در ۳۰ بند ۳

Sraota	بشنويد
geushaish	باگوشهايان
Vahishta	بهترین - برترین
Avaenāta	بستجوي(آنها را)
{ Sucha	باذهن ، بادليان
{ Mananhō	روشن
ävarenā	هياب دوراه
	پيش از براي زيرiden - تصفيه نمودن

### Vichithahyā

narem narem	مرد به مرد يار و زن
Khvakhayai	برای خود
Tanuyē	شخص
Para	پيش (این)
Maze yanho	دوره بن رك - اجتماع بزرگ
ahmai	اين (پيام)
nē	يقونا
Sazdyai	انتشاردهود - پر اندوه كنيد
baodantō	بيدار شويد
Paiti	هر يك (از شما)

aish	بوسیله (اینها)
ashem	اشا
Nipanhe	برای خودداشته باشم
Manas cha vohu	ونیز و هومن
yavaetaite	برای هموشه - جاوید
tvem	آيا تو
Mazda Ahura	اي مزدا اهورا
fro - sisha	بهاموزي - خواهيد آموخت
mā	بمن
Thwahmāt	خودت
Vachanhē	آشکار كنم. اعلام كنم بگويم
Manyeush	بوسيله ماينيوی تو
Hacha	گوئي از
Thwā	خود تو
eeanhe	دهن (باشد)
Yaish	از كجا
ā anhush	آفرينش به وجود پدييد
Pouruyō	از اzel
bavat	شد - آمد

### سرو در ۳۰ بند ۱

At ta	اكتيون ازدو
Vakhshyā	خواهم گفت
Ishento	به خواهشمند - به مشتاق
yā	که
Mazdātha	آفريشه مزدا هاستند
hyatchit	اين همه (آموزش)
Vidushe	برای دانایان
Staota cha Ahurāi	برای اهوراست ستايشها نيز
	نيايش به و هومن ، ازو هومن
Vanheush mananho	

Ajyaitimcha	توز هرگ
Yatha cha	چندون
Anhat	از جام خواهد شد ، خواهد بود
Apemem	اراده ، قصد
Anheush	آفرینش - ذیست
Achishtō	بدترین
dregvatām	برای ناراستان
at ashaune	اما برای نیکان
Vahishtem	
mano	بهترین حالت ذهنی ، و هون من

### سرو ۳۰ بند ۳

At ta	این دو
Mainyu	کیفیت ، گوهر ، ماینیو
Pouruye	از ازل
yā	آن (دو)
yema	جفت توأم
Khvafena (khva - apana)	فعال
asrvatem	خود را آشکار کردند
manahi-cha	جه به ذهن - اندیشه
Vacha hi chá	چه در سخن
Shyaothana-cha	چه در کار
hi	این دو
Vahyo	خوب ، به
akem	بد
as . cha	نیز از این دو
Hudanhō	دانان ، خوش دانش
ereshvishyātā	آنچه درست هست - راست را بر گزینند
Noit tu	اماوه
duzdānho	نادان - بددانش

### سرو ۳۰ بند ۵

Ayā	از این دو
Mainivā	ماینیو
Varetā	در موکن زنید
ye dregvā	او که ناراست است
Achishtā	بدترین را
Verezyō	می ورزد (بدترین عمل)
Ashem	اشا . داستی
{mainyus	با کترین نفس
{Spenishto	
ye	هر که
	تباه نشدنی - هامردنی
khraozdishteng	

### سرو ۳۰ بند ۴

aseno	به روشنائی
Vaste	می پوشاند خود را
yae cha	و هر که
Khshnaoshen	حوشند هیکند
Ahurem	اهورا را
haithyaish	به راست - درست
Shyaothanaish	اعمال
Fraoret	پس بر گزینند
mazdām	مزدا را
At cha	واکنون
Hyat	هر گاه
tā	این
Hem mainyu	دوماینیو
jasetem	پدیده شدند - آمدند
Paourvim	از ازل ، نخستین
dazdē	دادند ، آفریدند
Gaem-cha	غوز ذیست

mananha	vohu	و وهمن
Asha.	cha	نیز اشا
at kehrpem		و کالبد - تن
utayuitish		بی دری - جاورد
dadāt		دهد
Armaítish		ارمایتی
ānmā	مهربان	مهربان - فواض، مهربان
aeshām		آنهادا
toi		به تو
a		یقینا
anhāt		خواهد بود، هست
yatha		همچنان - گویا
ayanhā		آهن
ādānaish		آزمایش
Pouruyō		از ازل، از نخستین، کامیاب

### سروود ۳۰ بند ۶

aya	از این دو
noit	نه
eresh	راست - نیک
Vishyātā	میگزیند
daeva-china	ناراست
hyat	زیرا
ish	به آنها
ā debaomā	فریبنده نزدیک شد
Peresmaneng	شک، تردید - حال پرسش
upā	باشد
jasat	

hyat	به این ترتیب
verenātā	بر گزیدند
achishtem-manō	نفس بدران
at	پس
aeshmem	(بسی) خشم
hen dvarentā	با او دویدند - تاختند
yā	چندون
banyen	آلوده کردن - پلید کردن
ahum	زندگی - جان
maretānō	مردم را

### سروود ۳۰ بند ۷

At cha		اما - ولی
yadā		زمانیکه هرگاه
aeshām		بر آنها
kaenā		سزا، کین
jamaiti		باید
aenanhām		برای گذاهان
at mazda		آنگاه - پس ای مزدا
taeibyō		بر آن
Khshathrem		خشتر - نیروی (تو)
Vohu mananha		از وهمن
Voividaité		واضح - پدید خواهد شد
aesibyō		بر آنها - به آنها
Sasté		آموزش (داده خواهد شد)
Ahura		ای آهورا

Ahmai-cha	نوز به چنین (کس)
Khsháthra	خشتر
jasat	خواهد آمد

### سرود ۳۰ بند ۱۰

<b>Ada</b>	هرگاه
<b>Zī</b>	بقینا
<b>avā</b>	بر - بردوی
<b>drujo</b>	ناراسنان
<b>avo</b>	{ فروآید - برافتد
<b>bavaiti</b>	
<b>Skendō</b>	تباهی - شکست
<b>Spayathrahya</b>	هزاروزی شان
<b>at</b>	آنگاه
<b>asishta</b>	{ آرزوی باطن را آنان خواهند یافت
<b>yaojanté</b>	{ اتصال - یوغ - پیوستگی راست به مکان بر کت - راست به مکان سعادت
<b>ahushitoish</b>	
<b>Vanhēush mananhō</b>	وهومون
<b>mezda</b>	مزدا
<b>ashahyā-cha</b>	نیز اشا
<b>yōi</b>	درحالیکه - درصورتیکه
<b>Zazantē</b>	پیوسته کوشان باشند
<b>Vanhāu</b>	(برا) نیک، به
<b>Sravahi</b>	شنبده شده - آوازه، نام

### سرود ۳۱ بند ۱

<b>ta</b>	این - اینها
<b>vē</b>	ازشما
<b>urvata</b>	آمن
<b>marento</b>	یاد داشته - از برگرد - به خاطر سپرده
<b>agushtā</b>	ناشنبده - گوش نداده

<b>yōi</b>	تاکه
<b>Ashai</b>	اشا
<b>daden</b>	داده شوند
<b>Zastayō</b>	بدست
<b>Drujem</b>	ناراسنان

### سرود ۳۰ بند ۹

<b>At. cha</b>	دهم جنون - باین ترتیب
<b>Tōi</b>	از تو
<b>Vaem</b>	ما
<b>khyāmā</b>	بشویم ، باشیم
<b>yōi</b>	اوکه
<b>im</b>	این
<b>Fērashem</b>	(Fresh) ، نازه، نو
<b>Kerenaun</b>	مهکند
<b>ahum</b>	جهان تن را ، جان را
<b>{ mazdas cha</b>	خداوند آفریده شدگان
<b>  ahuranho</b>	خداوند جان
<b>a. branā</b>	زندگی بکنیم
<b>mayastrā</b>	به رفاقت، پر از عشق
<b>asha-cha</b>	بوسیله اشا
<b>hyat</b>	چنین
<b>hathra</b>	یکسر
<b>manā</b>	در ذهن (mind) در دل
<b>bavat</b>	(هربدک از ما) بشور
<b>yathra</b>	هرگاه که
<b>chistish</b>	نهروی تمیز
<b>anhat</b>	هست
<b>maethā</b>	در شک و تردید

Ahurō	(اوکه) اهورا	Vachā	پیام - سخن
mazda	مزدا	Senghāmahi	می آموزیم - اعلام میکنیم
vaedā	دانسته شده - برقرار شده	aeibyō	به آنها
aya	میان هر دو	yōi	که
āsyā	گروه	urvataish	به آئین - گفته - آموزش
yā	ناکه	drujō	ناراستان *
Ashāt	اشا	ashahyo	اشائی
hacha	از (طبق)	gaethā	گوته
jvāmahi	زندگی بکنیم		میمیرانند ، تیاه میکنند

### سرو ۳۱ بند ۳

yām	نجه	Vimerenchaite	
dā	میدهی	at chit	اما به ویژه
mainyu	بوسیله روانی - مقدس	aeibyō	برای آنان
āthra. cha	آتش	vahishtā	بهتر از همه
Asha. cha	اشا	yōi	اوکه
coish	پیمان نموده ای	Zarazdā	دلش را
rānoibya	به هر دو گروه	anhen	سپرد مدد اراد
Khshutem	خورسندی، شادی ، سعادت	mazdai	به مزدا
hyat	نجه		
urvatem	آئون		
chazdonhvadebyō		yezi	از آنجائیکه
	برای دانشمند کامل - امتیاز دهنده	aish	بسیب این
tat	آن	noit	نه
ne	بما	urvāne	برای برگزیدن
mazdā	ای مزدا	adva	راه
vidvanoi	برای روشن کردن (فکر)	aibi	واضح
vaocha	بگو - اعلام کن	dereshta	در نظر
hizva	به سخن - به زبان	vakhya	بهتر
thwahya	خودت	at va	بنابرین برای شما
anhō	و به دهن	vispeng	همه
		ayōi	آمده ام
		yathā	به (وظیفه)
		Ratum	آموزگار (روانی)

Vaocha	برگو	yājvantō	تا که زندگان را
hyat	جه	vispeng	همه
mōi	برای من - به من	vāuraya	گر ویده کنم - راهنمائی کنم
ashā	(بوسله) اشا		
dāta	فرموده‌ای		
vahyo	بهتر، به		
viduyē	که داده		
vohu	{ از و ه من	yadā	هر کار
mananha		ashem	اما
	نیز برتر احساس کنیم	Zevim	متوجه
men cha dайдیای		anhen	مستند
yehyā	در هر چه	mazda cha	نیز مزدا
mā	بر من	ahuranho	اھورا
ereshish	نیک، راست، خوب	ashi - cha	پاک
ta-chit	اینها	armaiti	ارمایتی
mazda	{ ای مزدا اهورا	vahishta	بهترین
ahura		ishasa	جست، خواهم خواست
yā	آنها	mananhā	و ه من
vā	خواه	maibyo	برای خودمان
anhat	بر سند - بشوند	khshathrem	خشتر
	فرسند، خواه نشوند	aojonghvat	نیز و مند
noit anhaiti va		yehya	از او که
		vereda	فرون، بالیده خواهد شد
			(Vin) پیروز - چوره خواهیم کشت
		vanaēmā	
		drujem	بر ناراستان

### سرود ۳۱ بند ۶

Ahmai	به او
anhat	هست - خواه بود
vahishtem	بهترین
yemōi	او که از من
vidva	دانشمند
vaochat	انتشار دهد، بگوید

### سرود ۳۱ بند ۵

tat	آن
mōi	به من
	تصمیم بکیرم - تا انتخاب کنم - برگزینم
Vichidyai	

mainyu	به نفس (پاک تو)	Haithim	(آموزش) راست (مرا)
	(باطن مارا) با لایده کن ، روشن کن	mathrem	ماقرا (سخنان پاک)
ukhshyō		yim	که (دھما هستند)
ye	که	Haurvatātō	به خرداد
ā nŪrem chit.	تا کنون	Ashahyā	و به اشا
Ahura	ای اهورا	Ameretatas cha	نوز به امرداد
hāmō	همان است (که بود)	mazdai	از مزدا — مزدائی

## سرو د ۳۱ بند ۸

yat	تا که
thwā	ترا
menghi	بشناسم بدانم ، پیاندیشم
Pourvīm	قدیم ، آغاز ، ازلی
mazda	ای مزدا
yezim	جوانترین
Stōi	همیشه ، جاوید
mananhā	اندیشه‌ام ، فکرم ، درذهن
Vanheush } mananho }	وهومن را
Patarem	پدر
hyat	تا که
thwa	ترا
hem	کاملا، باهم
Chashmaini	بینانی، چشم
hen grabem	بر گردن
haithim	حقیقی، راست
Ashahya	اشارا
Dāmīm	آفرینش
anheush	جانداران ، موجودات بزرترین دادرور — دادرور بزرگ
Ahurem	
shyaothanaeshu	کارها ، اعمال

Haithim	(آموزش) راست (مرا)
mathrem	ماقرا (سخنان پاک)
yim	که (دھما هستند)
Haurvatātō	به خرداد
Ashahyā	و به اشا
Ameretatas cha	نوز به امرداد
mazdai	از مزدا — مزدائی
avat	جنین
khshathrem	خشتر — نیرودی مزدائی
hyat	که
hōi	در او (باطن او)
	افرون خواهد شد — می بالد — افزون میگردد
Vakhshat	
mananha	بوسیله و هومن

## سرو د ۳۱ بند ۷

yas ta	او که، از آن
manta	فکر کنندم— اندیشه
Pouruyō	آغاز، قدیم ، ازل
raochabish	روشنائی ، روز
roithwen	در آید — بجهد — روان شود
khvathrā	روشنائی (آسمانی)
Hvō	خود او
Khrathwā	خود او ، در دانش او
Damish	آفرینش
Ashem	نیکی ، آئین
yā	بوسیله آن
dārayat	جاوید میدارد
	وهومن ، بهترین نفس
vahishtem mano	
ta	از آن (روشنائی)
mazdā	ای مزدا

vāstrim	شبانی
aKhyai	برای خود
Fshayantem	که شبانی کند
Ahurem	خداوند - اهورائی
ashavanem	دارنده‌راستی، نیک
vanheush mananho	وهمن
Fshinghim	افزایشده
noit mazda	نه - هرگز، ای مزدا
avastryō	شبان دروغ، شبان خود ساخته، نا شبانی
davās	پرهیز گار
china	گرچه
humeroetoish	پیام پاک - پیام ایزدی
bakhshta	بخشد - آورد، بهره مند گردد

### سروود ۳۱ بند ۹

thwoi	از تو
as,	هست، بود
armaiti	ارهایتی
thwe	از تو
ā	نوز
geushtasha	گیتی، سازنده‌گاو
as	هست، بود
Khratush	خرد، دانش
manyeush	نفس
mazda	مزا
Ahura	مزا اهورا

### سروود ۳۱ بند ۱۱

hyat nē	از آنجاییکه برای ما
mazda	ای مزا
paourvīm	از آغاز - اول
gaethās. Cha	نهایا، گیتی
tashō	آفریدی، ساختی
daenās. cha	روان، وجودان
thwa	تو
mananha-cha	نیز اندیشه - فکر
khratush	خرد، نیرو
hyat	از آنجاییکه
astvantem	در نفس تن - گوشت
dadā	دادی - نهادی
ushtanem	روشنایی، شادی - زندگی
hyat	از آنجاییکه
Shyaothnā-cha	نیز کارها را

### سروود ۳۱ بند ۱۰

At hi	پس او (گمته)
aya	از این دو گروه
Fravaretā	بر گزینند

### سرو ۳۱۵ بند ۱۳

yā	هرگاه
Frasa	شک ، پرسش
Avishya	آشکار
yā	هرگاه
vā	یا
mazda	ای مزدا
	(ارمایتی) مپرسد بحث میکند
peresaite	
tāyā	نهان
ye	هرگاه
vā	یا
kaseush	کوچک
aēnanho	گناه
à mazishtem	متحمل میشود - بزرگترین
yamaitē	کفاره ، ریاضت
ta	این
chashmeng	به چشم
thwistrā	درخششده تر
Harō	مهنائی - مراقب هستی
aibi	به نزدیک ، به وقت
Asha	با اشا
vaenahi	می بینی
vispa	همه

### سرو ۳۱۵ بند ۱۴

Ta	اینها - این
Thwa	از تو

senghās-cha	سخنان آموزنده
yathra	بنابرین
vareneng	هر دینی
vasā	که خواست
dāyete	بکی میتواند برگیرد - به پذیرد

### سرو ۳۱۵ بند ۱۳

Athrā	بنابراین
vāchem	سخشن ، آوازش
baraiti	بلند میکند ، میبرد
va	خواه
mithah	وهمی ، دروغ
vacha	گو - گوینده
Eresh	راست
vacha	گوینده
vidva	دانان
vā	خواه
evidvā	نادان
vā	خواه
ahyā	هر میک
Zereda-cha	نیز دل
mananhā-cha	به اندیشه ، به خیال
Anush	نزدیک ، پهلو
hakhsh	ایستاده
Armaitish	ارمایتی
mainyū	روان
peresaite	بحث میکند ، مپرسد
yathrā	هر جاییکه
Maethā	شک دارد

Ahuro	ای اهورا
yé	او که
noit	نه
iyotŪm	در زندگی
hanar	سود ، لایق ، سزاوار
vinasti	می بیند ، می یابد
vastryehyā	نکھدار نده ، رهمنما ، شبان
aenanho	مگر در جدائی
eush	رمه
vir	{ جامعه
at-cha	از بیشتر
adrujyantō	راست ، نادروغ ، دوست دار نده

### سرو ۳۱ بند ۱۶

peresa	می پرسم
avat	این
yatha	اگر
hvō	مردی
ye	او که
hudanush	خوش دانست - داشتمد است
demanahyā	در نمان
	برای خداوندی تو ، برای (نیروی) تو -
	شاهی تو
khshathrem	
viso	در شهر
shoithratyā	در استان
vā	و
dakhyeush	در کشور
	برای فزونی اشائی - نه کی
Ashā - Fradathai	
asperezata	صمیمانه می کوشد

Peresa	پرسم
Ahura	ای اهورا
yā Zi	چکونه - یقینا
aiti	برآمد، شد
Jenghati-cha	آرزو نیز خواهد شد - خواهد آمد
yā	چه - کدام
ishudō	آرزووی باطنی - اندرونی
dadante	ستجویه می شوند
dathranām	در نامه های زندگی
hacha	از
ashaunō	نیکان
yas - cha	و نیز چه
mazda	ای مزدا
dregvōbedyō	از ناراستان
yatha tā	چکونه اینها
anhēn	خواهند بود
Hen .Kereta	کامل شوند - کمال - به پایان برستند
Hyat	هر گاه

### سرو ۳۱ بند ۱۵

peresa avat	این می پرسم
yā	چه
maenish	سزا
yē	به او که
dregvaitē	ناراست - دروغ
khshathrem	خشتر - نیرو
	پیش رفت می دهد ، حفظ می کنند ، آماده
	می سازد
hunaiti	بد کار - کنندۀ ناراستی
dush - shyaothana	

سرو ۳۱ بند ۱۸

mā-chish	نباشد یکی (از شما)
at ve	بنابراین

dregvatō	به نار است
athras. cha	به سخنانش
gushatā	گوش دعید
sāsnās. cha	ونیز به آموزش او
azi	زیرا او
demānem	نمان
visem vā	و جای سکونت دایمی - ده
shoithrem vā	شهر
dakhyūm vā	و استان
ādāt	پر تاب موکنده
dushitā. cha	تباهی - آزار
markaé. cha	بلکه نیز به مرگ
ish	بنابراین
atha	با اینها
Sāzdūm	مبارزه کنید
Snaithisha	با افزار در روانی،

سرو ۳۱ بند ۱۹

gushta	گوش دهد
ye	او که
manta	در ک کند
ashem	اشارة
ahumbish	

thwavās	مستغرق در تو - جذب در تو
yadā	چکونه
hvō	چنین کس - او
anhat	خواهد شد
yā	چکونه

سرو ۳۱ بند ۱۷

katārem	کدم یک ازدو
ashavā	نیکان
va	یا - خواه
dregva	بدان
va	خواه
verenuitē	بر میکرند
mazyō	بن تراست ، که به عن است
vidvā	دانان ، آگاه
vidushe	به دانایان
meraotū	توضیح موده د - میکوید
mā	نخواهد شد
evidvā	نادان را
aipi-debāvayat	به گمراهی رعنما
zdi	باش تو - شو تو
nē	بما
mazda	ای اهورامزاد
Ahura	
vanheush	و هومن را
mananhō	
Fradakhshta	پدید کننده

avaētās	<span style="border-left: 1px solid black; padding-left: 10px;">ناله ، درد</span>	زاري	شفا دهنده جان - هزشك روان
vacho	<span style="border-left: 1px solid black; padding-left: 10px;">سخن</span>		دانا
tem	به چنین		اى اهورا
vā	يقيينا		Erezukhdai
ahŪm	جان ، زندگي		سخن راست - آموزش راست
dregvato	د		vachanhām
Shyaothanaish	اعمال		لایق ، توانا ، خداوند
khvaish	از خود ، خوبی		khshayamnō
daenā	دين ، وجدان		زبان
naeshat	رهنما خواهند شد		vasō
<b>سرو ۴۱ بند ۳۱</b>			روان - فصيح
			thwa
			Athra
			Sukhrā
			mazdā
			نهضيب ميدعید - قسمت مهكتيد

Mazda Ahura	مزدا اهورا
dadāt	مودهده
Haurvato	تندرستي - کمال - عافيت
Ameretātāl	نيز زندگي جاوديد، نمير زندگي لات
buroish	فراؤاني - سعادت، پري
ā	از
Ashā	اشا
khshathra	خشتر
sarō	الهامي
vazdvarē	روزى دهندگي - از روزى دادن
yē	اوکه
hōi	به او
mainyu	به انديش - به روان
shyaothnaish - cha	نيز به عمل
ur vatho	ارادت مند - صمومي - مطوع

vidvā	
ahura	

Erezukhdai	
khshayamnō	لایق ، توانا ، خداوند
khizva	زبان
vasō	روان - فصيح
thwa	ادرتو
Athra	آتش
Sukhrā	تابناك - سخ
mazdā	اى مزدا
	نهضيب ميدعید - قسمت مهكتيد

Vanhā vidātā	
ranayā	به دوگرده

<b>سرو ۴۱ بند ۳۰</b>	
----------------------	--

yē	اوکه
āyat	پيروزي ميکند
ashavanem	«آموزگار» نيمك را
divamnem	روشنائي
hōi	از او - اورا
aparem	پس از اين (زندگي)
khshayō	مسكن - مقام
daregem	دراز
ayū	عمر، زمان
temanhō	در تاریکی
	بدخوردنی ، ناپدید به روشنائي، بدروشنائي
	dushkhvarethem

hamōi manoi	به همان نیت.
Ahurahyā mazda	اهورمزا
urvāzēmā	برای یافتن برترین سعادت
Thwoi	از تو، به تو
dŪtanhō	پیامبر
ānhāmā	کاش بشویم
Teng	نا آنانرا
dārayo	پس دانیم
Yōi	که
Vā	به شما
daibishenti	نفرت کننده، نادوست، دشمن

### سر و ۳۲ بند ۲

aeibyo	به آنان
mazda Ahura	مزدا اهورا
Saremnō	اتصال - الهام کرد
Vohu mananha	(بوسیله) و هومون
Khshathrāt	و خشتر
hachā	از
Paitimraot	پس گفت، پاسخ داد
Asha	با اشا
hush - hakha	دوست خوب ، رفیق نیک
Khvenvata	روشن، با فر، با جلال
Spentām - armaitim	سپنتا ارمایتی
vē	برای شما
Veremaidi	بر گزیدیم
ha	او (ارمایتی) را
ne	ازما
anhat	باشد، بشود

### سر و ۳۲ بند ۳

At	اما
Yush	شما

### سر و ۳۱۵ بند ۲۳

chilhrā	آشکار - واضح
i	(آموزش) این - اینها
Hudānho	دانان - خداوندان
yathanā	وهم چنین
vaedemnāi	به او که در کرد
mananhā	ذرهن
vohu	وهومن را
hvo	چنین شخص
	به خشترا ایزدی - به خشترا ای خوب

khsnathra	واشا
Ashau	بن بان - به سخن
vachanha	نمود به عمل
shyaothna . cha	تجلیل میکند - بزرگ می‌سازد
hapti	واو، و چنین شخص
hvo	به تو
tōi	مزدا اهورا
mazda }	مزدا اهورا
Ahura }	لایق - سزاواره بسیار با کفايت
vazishto	خواهد شد، هست
anhaiti	رفیق - موافق - همراه - کارکن - یاور
astish	

### سر و ۳۲ بند ۱

Ahya	و نیز به او
	او که بر خود اعتماد دارد، خویش، خود توانا
Khvaetush	نمای مهربد - میستاید
Yāsat	به او
Ahya	همکار، ورزیده
Verezem	با
mat	بهی خواه، دوست
airyamnā	به او
Ahya	دیویستی
daēvā	

Khrateush	. خرد - اراده	Daeva	ایدیو (یستها)
nasyantō	روگردان - گمراه	Vispanhō	همه
Ashāat - cha	از اشا	AKat mananho	روان ناپاک - اهریمن

### سرو د ۳۴ بند ۵

Ta	بدینسان	mash	بسهار - بزرگ
debenota	فریب دادید	Yazaite	گرامی دارد
mashim	مردم را	drujas-cha	از فاراستی
hujuyatoish	به زندگی خوش	Pairi-matoish-cha	واز خود غرضی
ameretātas-cha	ونیز جاوید	Shyaomnām	کارها - اعمال
hyat	همچنان که	aipi	بلکه
vā	شما	daibitāna	فریب - دورنئی
aka mananha	از اهریمن	Yaish	آنجا
yeng	شما	asrÜdÜm	معروف - پر آوازه
Daeveng	دیویستها	bumiya	در بوم
Akas manyush-cha	از اهریمن	hapaithé	هفت
aka	ناراست		

به این روش زندگی - به این کارها

shyaothnem

Vachan ha	سخن
ya	هرگاه
fra-chinas	آموخت ، پیمان کرد
dregvantem	به ناراستان
khshyō	برتری ، خداوندی

### سرو د ۳۴ بند ۶

pouru-aenā	سخت گنه کار - پر گنه کار
{enakhshtha	(ممکن است) کامیاب گردد
{yaish	پر آوازه کند - (و خود را) شهرت دهد

srāvayeite

Yāt	بدینسان - جنین
Yush	شما
ta	اینها
framimatha	فاسد شدند
Yā	تا آنجا که
mashya	مردم را
achishta	بدترین (میکنند)
vakhshente	مخاطب میشوند - نامیده شدند
Daeva	دیو (یستها)
Zushtā	دوست ، عزیز ، گرامی
vanheush mananho	از و هومن
Sizdyamnā	خود را جدا
mazda ahurahyā	مزدا اهورا

mazda	ای مزدا	yəzi	گرچه
{vaedishто	میدانی	taish	به آن روش (زندگی)
ahi	بهتر	atha	به آن اندازه — به اندازه‌ای

### سرو ۵ بند ۸

aesham	میان اینها	mananha	ذهن — نفس
aenanhām	مادی — گنه کاران	thwahmi	درتو — از تو
Vivanhusho	وی ون ون	Vē	براستی
Sravi	شنیده شده ، گفته شده	mazda	ای مزدا
yimas-chit	ونیز بیما	khshathroi	توانائی ، خدابودی ، شاهی
ye	اوکه	Ashae-cha	و نیز اشا
mashyeng	میں ندگان — مردم	Senghō - vidām	دعور ، فرمان روان خواهد شد
chikhshnusho	خوشنود ساخت		
ahmaKeng	ما		
geush	جهان تن — گیتی		
hagā	بخت ، بھبودی ، خوشنما		
khvaremno	روشن		
aesham chit	از اینها		
ā	متاز ، جدا	aeshām	میان آنان
ahmi	شمرده میشو، هستم	aenanhām	کنه کاران
thwahmi	نند تو — به تو	naē-chit	هیچ کس ، هیچ چیز
mazda	ای مزدا	Vidvā	میدانند ، میداند
vichthoi	متاز ، جدا	aojō	بلندی ، پیش رفت
aipi	روز و اپسون	hādrōyā	به کوشش

### سرو ۵ بند ۹

Dush-astish	آوزگار بد	yaeshām	از چنین آنان
Sravi	نوشته دینی — شنیده شده	Tu	تو
morehdat	تباه میکند — میمیراند	Ahura	اهورا
hvō	او (یقینا)	irikhtem	انجام
jyateush	زندگی		

### سرو ۵ بند ۷

aeshām	میان آنان
aenanhām	کنه کاران
naē-chit	هیچ کس ، هیچ چیز
Vidvā	میدانند ، میداند
aojō	بلندی ، پیش رفت
hādrōyā	به کوشش
yā	چنانکه
jōyā	از زندگی
Senghāite	آموخته شد
yaish	همچنان
Srāvi	میکوئید
{khvaēna	به آنهاش آهن گذاخته
layanha	
yaeshām	
Tu	
Ahura	
irikhtem	

dsdāt	میدهد — برمه‌کردازد	sehghanaish	به‌آموختن خود
yas – cha	نیز او	Khratum	روش ، نقشه ، طرح
vashtra	توانائی روانی ، غذای روانی	apā	دور
vivāpat	پلید ، مسموم	mā	یقیناً
yas-cha	نیز او	ishtim	خدادوندی ما ، ارت ما ، نیروی ما
vadarē	این افزار (درم)	yanta	دور می‌سازد
voizdat	می‌افکند ، می‌براند	berekhdhām	گران‌ها
ashaune	منیکان	haithim	می‌بردن ، دانستن
		vanheush mananho	دانش‌ایزدی و هومون

### سرو د ۳۴ بند ۱۱

taē – chit	مردمی مانند اینها	ukhdha	سخن
mā	یقیناً	manyeush	دل ، باطن
morenden	تیاه می‌کند — فاسد می‌کند	mahyā	از من
jyotŪm	(روشن) زندگی‌ما	mazda	ای مزدا
yōi	آن	Ashai-cha	نیز اشا
dregvato	ناراستان	yushmaibyā	هر دو شما
mazibish	بزرگی — شکوه	gerezē	شکایت ، فرباد می‌کنم التعجا می‌کنم
chikoiteresh	تصور می‌کند — می‌پندازد		
anuhish – cha	جه در زنان بلندرته	Hvō	او — چنین
anhvas – cha	جه در مردان بلندرته	mā	یقیناً
apayeiti	واز میدارند	nā	کس ، شخص
raēkhēnahnō	صلیبدن — ترک‌کردن	srava	نوشته‌الهامی ، نامه‌دینی ، شنیده‌شده
vaēdem	بدرسیدن — هدف	morenodat	تیاه می‌سازد
yoi	آن	ye	هر گاه
vahishtāt	از برترین — بهترین	achistem	سخت‌گناه
ashaunō	نیکان را	vaenanhē	دیدن
mazda	ای مزدا	gām	گیتی — نمی‌ویں
Rāreshyan	جدائی-آزاد-پیوسته قانع می‌شوند	ashibyā	با چشم
mananhō	نفس را — ذهن را	hvare – chā	نهن خورشید — نیز خود
		yas – eha	و او
		datheng	روان پاک — دارنده ذهن روش
		dregvato	پیرو ناراستی — دروغ

### سرو د ۳۴ بند ۱۰

ya	به چنین	Hvō	او — چنین
		mā	یقیناً
		nā	کس ، شخص
		srava	نوشته‌الهامی ، نامه‌دینی ، شنیده‌شده
		morenodat	تیاه می‌سازد
		ye	هر گاه
		achistem	سخت‌گناه
		vaenanhē	دیدن
		gām	گیتی — نمی‌ویں
		ashibyā	با چشم
		hvare – chā	نهن خورشید — نیز خود
		yas – eha	و او
		datheng	روان پاک — دارنده ذهن روش
		dregvato	پیرو ناراستی — دروغ

### سرو د ۳۴ بند ۱۲

yaε-cha	د آنان	ranhayen	آنان روگردان میشوند
mazda	ای مزدا	sraavanhā	شنده شده ، آموزش
jigerezat	فریاد خواهند کرد	vahishtat	از بهترین
kāme	و التجا خواهند نمود	shyaothanat	از کار
thwahya	از این (بیامده) تو	maretānō	مردم - مردمان
mathranō	سراپنه سرود	aeibyo	از اینها
dutim	برام پیام	mazdā	مزدا
ye ish	او، از آنان	mraot	فرموده ، سخن گفته
pāt	خواهد پائید	aka	پاداش ، سزا ، مكافات
dareshāt	تهدید	yoi	آن
Ashahyā	به اشا	Geush	آفرینش ، درگیختی
		morenden	فاسد میکنند ، تباہ میسازند
		urvakhsh	از دلکش
		ukhti	سختا
		jyotum	زندگی
		yaish	ناکه
		grehma	نام رهیں دیویستی ، گرمه
		ashāt	بجای اثا
		vareta	بن قری میهدند
		karapa	تیره دیویستی رانیز ، کرپه را
		khshathrem - cha	نیز نیرو
		ishanām	بی چیزی رفتن ، خواهش ، جنبش
		drujem	آنکه بی بدی هستند ، ناراستان

### سرو ۳۲ بند ۱۴

ahya	اورا	yaish	ناکه
grehmō	گرمه	grehma	نام رهیں دیویستی ، گرمه
ā hōithōi	بدام افکند	ashāt	بجای اثا
ni dadat	متوجه کرده‌اند - داده‌اند	vareta	بن قری میهدند
kavayas : chit	دنیز کوی	karapa	تیره دیویستی رانیز ، کرپه را
Khratush	خرد ، ذهن	khshathrem - cha	نیز نیرو
varechāhi - cha	برز ، و نیز کوشش آنان	ishanām	بی چیزی رفتن ، خواهش ، جنبش
fraidivā	از زمان باستان	drujem	آنکه بی بدی هستند ، ناراستان
hyat	زیراکه ، برای		
visenti	نژدیک شده‌اند		
gaush	مادی ، جهان‌تنی ، گوتی		
dregvantam	به ناراستان		
avō	برای باری	Ya	هرچه
hyat	و نیز زیراکه	khshathra	نیرو
jaidyai	به من گ	grehmō	رئیس دیویستی ، گرمه
mraoi	گفته شده ، اعلام شده ، محکوم شده	hishasat	امیدوار است که باید میخواهد
yē	به امید که	Achishtahya mananho	اهریمن - نفس بد
	ناشکست - تباہ نشدنی ، یکی از لقب هم	demane	احاطه ، نمان ، خانه
duraoshem		anheush	زیست
saochayat	بشتا بند	marekhtārō	تباه کننده
avō	برای باری	ahyā	از او

### سرو ۳۲ بند ۱۳

mazda }	مزدا اهورا		
Ahura)			
Yehyā	هر که	بهاین ترتیب ، چندین	
mā	بهم	یقیناً	
aithish}	نقشه‌ها		
chit }	بسیار - گوناگون	کاملاً به ناکامی - کاملاً به نابودی	
dvaetha	دشمنی - نفرت		
hyat	بنابرین	vinenāsā	
aenanhe	در آزار - درستم - درگناهکاری	yā	این
dregvato	نارستان	Karapōtās-cha	چه کریه
Eeanū	سُوی	Kevitas-cha	چه کوی
Ishyeng	ارادتمندان	avaish	توسط همین‌ها
anhaya	بازداشتمن - ذنجیر - پابندی	aibi-dainti	که آنان مقرر داشتند

## سرود ۳۲۵ بند ۱۵

yathaish	بنابراین‌ها - بوجاینها	jayateush	برزندگی
Itha	اینجا (در گویی)	Khshayameng	شاهی - خداوندی
Vareshaite	حوالد ورزید	Vaso	کاملاً
yā	اینها	tōi	اینها
dātā	داد ، آئین	ādyā	از توام - از جفت
anheush	از زندگی	bairyānte	برنده - برده
Paouruyehya	از ازل ، از باستان ، اساسی	Vanheush}	و هومن
Ratush	رهیں دینی	mananho }	
Shyaothnā	عمل خواهد کرد	demane	مکان ، نمان
razishta	به کمال راستی (داد)		
	به دیویستی ، به آنانکه ناراست هستند		
dregvatae - cha		Hamem	و گانه ، همزنگ ، همانند
hyat cha	و همچنین	tat	این (هست)
ashaune	به مزدیستی ، به نیکان	Vahishta-chit	بهترین مکان - بهشت
Yehya - cha	هر که	benabrin	بنابرین
hem e myāsaiti	آمیخته شده‌اند	ushuruye	به پیروی
mithahyā	به ناشایستگی - اغلاط - اشتباه	Syas . chit	آموزش راست
ya cha	و نیز همچنان	dahmahyā	از دانشمند
hōi	از آن	Khshayās	تو توانا هستی - خداوند هست

## سرود ۳۲۵ بند ۱۶

Verezenyo	ورزن	ārezvā	امتیاز ، راستی ، شایستگی
airyamna	یا اریمنه		
Ahura	آئ اهورا		

### سرو ۵ ۳۳ بند ۲

Vidās	پرورش - مکیدن - تغذیه	At	نیز-و
Va	با - خواه	Ye	هر که
th wakhshanha	با جوش - به صمیمهوت	akem	خشنی کردن - مانع شدن - بدی
Gavoi	گاوگیتی-گیتی	dregvaitē	پیروان نار است - دیویستی
at	یقینا	Vachanha	به سخن
hvō	او - چنین کس	Vā	خواه
ashahya	با اشا	at vā	خواه بلکه به
anhat	میماند - هست	mananha	به آندیشه
Vanheush . cha}	و نیز در و هون	Zastoibya	بدست، یعنی به عمل
mananho }	جای ماندن ، پناهگاه ، چراگاه	Vā	خواه
Vastre		Vareshaiti	می ورزد - عملی میسازد

### سرو ۵ ۳۳ بند ۴

yē	بنابراین	choithaite	به دستوردادن - آموختن
thwat	از (پرستنده) تو ، از تو	astim	رفیق ، دوست ، همکار را
Mazda	ای مزدا	tōi	آن
asrushtim	نشنیدن ، بی ایمانی	Varai	مقصود - اراده (ترا)
ſakam . cha	و نیز بدی	rādenti	بجا می آورند - کامیاب میکنند
lmanō	اندیشه	Ahurahya	برای اهورا
yazai	نمای میبرم - دعا میکنم	{Zaoshé	از روی ارادت - محبت
apā	دور شوند	{mazda	مزدا
Khvaetush-cha	و نیز از خوبیوش		
taremaitim	تکییر ، ناگر و بدن ، او تکار فاسد - گمراهی		
Verezenakhya	واز ورزنه		

### سرو ۵ ۳۳ بند ۳

mazdishtam	نژدیکندن (خوبیش)	Ye	هر که
drujem	دروغ ، مخالفت	ashaune	به نیکان
airyamnas-cha	واز ایریمنه	Vahishtō	بهترین (رفتار میکنند)
{mantum	مسامحه ، بی اعتنائی { توجه - اعتنا	Khvaetu	خواه خوبیوش (باشد)
{achistem	بداعتنهای - بدپوشیهای { برد	Vā	یا
nadentō	تهتم ، دشمن	at va	خواه کسی از

ahmāt	از او	geush . cha	گاو، نیز از گیتی،
avā mananha	از او بوسیله و هومن	Vastrāt	شبانی، نکهداری، چراگاه
ye	آن		
verezyeidyai	به انجام بر سانم، به روزم		
	تصور شده، اندیشه شده، چنانچه نقشه کشیده		
mantā			
Vāstryā	شبانی، پاسبانی، نکهداری	Yas	بنابرین
ta	بنابرین	tē	از خودت
toi	از تو		تو اناتر از همه - بزرگتر - بوسیله اشا، برتر از همه
izya1	تمناهیمکنم، خواستارم	Vispe mazishtem	
Ahura Mazda	ای اهورمزدا	Seraoshem	سروش
darshtoish cha	دیدار (تو)	Zbayā	دعا خواهد کرد . خواهد خواست
	مکالمه، هم بیوستگی، وصال		برای رسیدن به هدف، برای کامیابی
hem – parshtoish		avanhāne	
		نایل شده، رسیده	
		darego-jyaitim	زیست دراز
ā	به	ā	تا
mā	سوی من	Khshathrem	به کشور، به مکان
aidum	بیا	Vanheush mananho	وهومن
Vahishta	ای بهترین	Ashāt	به بوسیله اشا
Khvaithyā-cha	در شخص خود	ā erezush	بدراست
Mazda	ای مزدا	pathō	راه
dareshat-cha	کاملاً آشکارا، دیده شده	yaeshū	آنجاییکه
Asha	نیز - ای اشا	Ahura Mazda	اهورمزد
Vohu mananha	و ای و هومن	Shaeti	میماند، شاهی میکند
yā	تا		
Sruye	شنیده شوم	Ye	بنابراین
pare	آنسوی	Zaota	موبد، خواننده سرود
magaunō	برادری مگا	asha	در اشا
avish	پدید	erezush	مستقیم . استوار، راست
mā	بما	hvō	او (با کلمه توجه)
antare	اندر؛ هیان	manyeush	اندیشه، روان، مینو
hentu	و بشود	a - Kayā	دعا میکنم
		Vahishtāt	بهترین

### سرود ۳۴ بند ۵

ā	به		
mā	سوی من		
aidum	بیا		
Vahishta	ای بهترین		
Khvaithyā-cha	در شخص خود		
Mazda	ای مزدا		
dareshat-cha	کاملاً آشکارا، دیده شده		
Asha	نیز - ای اشا	Ye	بنابراین
Vohu mananha	و ای و هومن	Zaota	موبد، خواننده سرود
yā	تا	asha	در اشا
Sruye	شنیده شوم	erezush	مستقیم . استوار، راست
pare	آنسوی	hvō	او (با کلمه توجه)
magaunō	برادری مگا	manyeush	اندیشه، روان، مینو
avish	پدید	a - Kayā	دعا میکنم
mā	بما	Vahishtāt	بهترین
antare	اندر؛ هیان		
hentu	و بشود		

### سرود ۳۴ بند ۶

ye	بنابراین
Zaota	موبد، خواننده سرود
asha	در اشا
erezush	مستقیم . استوار، راست
hvō	او (با کلمه توجه)
manyeush	اندیشه، روان، مینو
a - Kayā	دعا میکنم
Vahishtāt	بهترین

mainyū	نیروی ایزدی	nemakhvaitish	پر از نماز — ارادت
	فرون‌کننده اشا (راستی)	chithra	آشکار ، روشن ، واضح
asha okhshayanta		rātayō	وظایف
Khvathrā	توسط روشنائی ایزدی		
maethā	برسم ، بیاب		
mayā	و دانش		
Vahishta }      بهترین }	و هومن	Frō	به توجه ، به دقت ، در بهترین صورت
mananha }      عقل ، سینه ، اندیشه }		moi	ازما
ayā	این دو		
āroi	از بلندی		هلاحظه ، قضادت ، توجه ، داوری
hākurenem	خوشبختی توأم ، سعادت توأم	FravolzdŪm	مقصود ، قصد
baratu	پهوارد	aretha	همه
Yayā	آنکه	tā	آنکه
hachinte	یکسان	Yā	و هومن
urvanō	روان (کار میکنند)	Vohu mananha	چندیش ، حرکت ، پور وی خواهم کرد

### سرو ۳۴۵ بند ۸

### سرو ۳۴۵ بند ۱۰

Vispās	۵۰۶	Shyavāi	پرستش
toi	از تو (مستند)	yasnem	ای مزدا
Hujitayō	نیکان ، زیست‌خوش ، زندگی نیک	khshmavato	(نیروی) مانندشما ، مانندشما
Ya Zi	که یقیناً	at vā	و هم‌جنین
anharē	بوده‌اند	Ashā	از اشا
Yās - cha	و کدام	Staomyā	ستایش
henti	هستند	Vacha	سخن
Yās - cha	و کدام	dā tā vē	دهید شما
Mazda	ای مزدا	ameretatas - cha	هم‌جنین امرداد
bavainti	خواهند بود	utayuiti	زیست جدید
thwahmi	از تو	Haurvatāt	خرداد
hish	همه (اینها)	draonō	سعادت ، برکت
Zaoshe	جوشن ، عنایت ، مهربانی		
abakhshōhvā	بهره‌مند کنید - بخش کنید		
Vohu mananha	و هومن	at tōi	از تو یقیناً
ukhshyā	بالیدگی ، افزونی	mazda	ای مزدا
Khshathra	بوسیله خشن	te	این دو

### سرو ۳۴۵ بند ۹

پاداش ستایش من - پاداش نماز من	Asha - cha	و نیز اشا
Zavō ada (adazavō) (Zava=hava) (نماز، خواندن)	ushta	به خورستنی، به روشنانی
	tanŪm	به خودمان - به شخص ما

Asha	توسط اشا
hazo	توانائی، جنبش، فعالیت
Emavat	(توانائی، فعالیت)، کاملاً (بده)
Vohu mananha	و همن
FeseratŪm	باری بهمه، همدردی عمومی، مهر (به زندگان)

### سروود ۳۳ بند ۱۱

ye	تو (هستی)
Sevishto	تواناترین
Ahurō	اهورا، خداوند وجود
Mazdas	نیز مزدا - خداوند داش
armaitish - cha	نیز ارمایتی
manas -cha vohu	نیز و همن
khshathrem - cha	نیز خشر
ashem - cha	نیز اشا
fradat-gaethemcha	نیز بر کت دهنده فرزندگی
Sraōta	برهمن
moi	برهمن رحم کننده
merez- dātā	برهمن رحم کننده
moi	چون قسمت کنید (پاداش)
ādāi	هریک
kahya chit	هریک
paiti	به هریک

### سروود ۳۳ بند ۱۳

Rafedhrai	رامش - خورستنی سعادت
Vouruchashāne	همه بین دو دین
doishi	آشکارشو
moi	بمن
yā	از آنها
Ve	از تو
abifra	(خشش؛ ادمنان) گران بها
ta	آنها
Khshathrahyā	از خشر
ahurā	ای اهورا
yā	آنکه
Vanheush mananhō	و همن
ashish	سعادت، خوش بختی
Fro	واضح
Spenta armaite	ارمایتی پاک
Asha	توسط اشا
Fradakhsaya	
daenā	ما را به حقیقت آگاه کن (که به وجود آگاه گردیم - معرفت باطنی به ادراک ما در آید)

### سروود ۳۳ بند ۱۳

us uzareshva	در آ، طلوع کن، بر آ، یدید شو
moi	بمن
Ahura	ای اهورا
armaiti	توسط ارمایتی
tevishim	نیروی روانی
dasvā	به بخش - بده
Spenishta	توسط سپنتا ماینیو
Mazda	ای مزدا
vonhuyā	خوبی، بھی

tōi	از تو
ahura	اری اهورا
Ehmā	بمانیم
pourutemās	صمیمی ترین - فعال ترین
dastē	به تقدیم

### سرو ۳۴۵ بند ۱۴

at cha	و نیز
i	فقط - تنها
tōi	در تو
Mananha	توجه، اندیشه
Mainyeush vanheush, cha	نیز و هومن
vispā	همه
dātā	آثین - داده شده - آموزش
spentahya cha neresh	باک { مردان }
Shyaothna	کارها - اعمال
yehyā	از آنکه، آنانکه
urvā	روحان
ashā	با اشا
hachaite	یکسان، همناک
pairi gaithē	راهنمایی کن به نزدیکی
khshmavatō	به شما
vahmē	در نهضت در پرسش
Mazda	ای مزدا
garōbish	توسط خوانندگان -
	تفهم گو - آواز خوان ( به هندی گانی دالی ) -
stŪtām	توسط خوانندگان - سرودها

### سرو ۳۴۵ بند ۳

At

و

at	پتابرین
rātām	( بصورت ) نیاز
zarathushtō	زرتشت ( پیش میکشد )
tanvas - chit	همه تن
khvakhya	از خود - خود را
ushtanem	باطن - وجود - نیروی زندگی
dsdaiti	اهدا میکند
paurvatatēm	بن جسته ترین نتیجه عملش
mananhas - cha vanheush	بهترین اندیشه
mazdai	به مزدا
Shyaothanahya	و ( بهترین ) کار
Ashai - cha	به اشا
ukhdakhya-cha	و ( بهترین ) سخن
Seraoshem	( و صمیمی ترین ) ارادت
khshathrem	به خشنتر ( اهورمندی )

### سرو ۳۴۵ بند ۱

ya shyaothanā	به اعمال - کار
ya vachanhā	به سخن ها
ya yasna	به پرسش، ستایشی
ameretātem	امداد، زیست جاوید
ashem-cha	و نیز اشا
taeibyō	سوی ( آدمیزاد )
danhā	می آورم
Mazda	ای مزدا
khshathrem - cha	و خشنتر
	کمال ( توسط ) کامل شدن خردادر
aeshām	( امشاپندان ) از آنها

در باره منکران - ناگر ویدگان	toi ·	به تو
daibish yante	mizdem	سزاوار - پاداش - داده شود
بر گرداندن دست - به اشاره دست	Ahura	ای اهورا
zasta - ishtaish	nemanha	به فروتنی و نیاز
areshtā	Ashai	به اشا
هی بیند	dāmā	خواهیم پرداخت، خواهیم داد
aenanhem	gaethā	(زیست‌ها؛ گوته) همه
(به نگاه) بد - گنه کار	vispa	همه
	ā	اندر

## سر ۳۶ بند ۵

kat	چه اندازه (بزرگ است)	vohu mananshā	وهومن
vē	ازشما	thraoshtā	به انعام میزند
khshathrem	نیر - تو افانی	āroi	در فضای دور - در کشور بریں - بهشت
ka	چه اندازه (عمیق است)	zi	زیرا
ishtish	آرزو - خواستاری (من)	vispaish	همواره، همه وقت
shyaothnai	برای خدمت	mazda	ای مزدا
mazda	ای مزدا	khshmavasū	میان شما
yatha	تا که	savō	شادی، سعادت
va	با شما		
hakhmi	یکانه بشوم - به پیوست باشم، درست باشم		
asha	(نیز) به اشا		
vohu manaha	ونیز با وهمن		
thrāyōidyāi	برای پاسیانی ، حمایت		
drigūm	درویش، ارادتمندان، نمازگزار		
yushmakem	از شما		
parē	بر تر		
vā	از شما		
vispaish	(دیگر) همه		
pare	بر تر - جدا		
Vaokhemā	ما خواهیم گفت		
Daevaish-cha	چه از دیوها (دیویسنهایها)		
mashyaish-cha	وجه از مردم		
khrafstraish	بد کار		

## سر ۳۶ بند ۴

At	و
toi Atrem	برای آتش تو
ahurā	ای اهورا
aoJonhvantem	نیر و مند، بلندتر ته
asha	توسط اشا، از اشا
usemahi	خواهشمندیم، آرزوداریم
asishtem	که شاپسته آرزوست
emavantem	و تو اناست
stoi	همواره
rapantē	به گرویدگان - به مومن
chithrā avanhem	دهنده باری آشکار
et	اما
mazda	ای مزدا

mazda	ای مزدا
yōi	آنکه
Vanheush mananhō	و هوم را
Vaēdemnā	دانسته
Senhush	به آموزش
raekhenā	از میراث حقیقی ما
aspen chit	در نبودن بخت — بد بختی
Sadra-chit	و در پریشانی — سختی
{ chakhrayō	ساخته اند
{ ushi	هوش
{ urŪ	از او
nae-chim	نه و کی
tem	از آنان
ānyēm	دیگر
yushmāt	جز شما
Vaēdā	میشناسم — میدانم
Asha	توسط اشا
atha	بنابراین — همچنان
nā thrazdūm	بما پناه میدهید

### سر و د ۳۴ بند ۶

yezi	از آنجائیکه
atha	چنین هستید
Stā	هستید
haithim	حقیقت، راست
mazda	ای مزدا
asha	ای اشا
vohu mananha	ای و هوم
at	بنابرین
tat	چنین
moi	بمن
dakhshtem	رهنمایی
dātā	دهید
ahya	از این
anheush	زندگی تن
vispa	همه
maethā	تحولات، تغییرات
yatha	چنانکه
vā	از شما
yazemanas - cha	پرستنده
urvaidya	بندهای روانی — زنجیرهای روانی
stavas	ستاینده
ayeni paite	بازگشت، من آزاد باشم

### سر و د ۳۴ بند ۸

Taish	از اینها
Zi	یقیناً
nā	ازما
shyaothnaish	کارها، فعالیت
byentē	آیا ترسیده اند
yaish	آنکه
as	—
aoja	بلند، توانا
naidyanhem	ستم دیده — بد آزار دیده
thwahyā	از تو
mazda	ای مزدا

### سر و د ۳۴ بند ۷

Kuthra	کجا
toi	هستند، اینها
aredrā	با احساس، گرویدگان، ارادتمندان

### سرود ۳۴ بند ۱۰

Ahya	به چنین
vanheush mananho	و هومن
shyaothnā	کار (او)
vaochat	می آموزد، موکوید
gerebām	بگیرند
hukhratush	پارسای دانشمند
spentem - cha	ارهایتی پاک
armaitim	{
dāmim	آفریده شده، مختلف، ریشه
vidvā	دانسته ( اورا که هست )
haithyām	
	همیشه موجود، حقیقت، راست
ashahya	از اشا
ta - cha	و آنان
vispā	همه
ahura	ای اهورا
thwahmi	از تو
Mazda	ای مزدا
Khshathroi	خشتر، نور
ā vōyathrā	توسط ( ابن ) داش - آگاهی

### سرود ۳۴ بند ۱۱

at	و
Thoi	از تو
ube	هر دو
haurvās - cha	چه خرداد
Khvarethaī	

رو به روشنائی - سوی روشنائی

āstā	غارت، سرتایی
urvātahyā	آئین
yoi	او که
noit	ذ
ashem	اشادا
	به ذهن دارد، توجه میکند
mainyantā	از آنان
aeibyō	دور ( مهمان )
duire	و هومن
vohu mano	

### سرود ۳۴ بند ۹

yoi	او که
spentem armaitim	ارهایتی پاک را
Thwahya vidush	پارسای دانشمند تو
berekhdhām	گران بها، گرامی
dush - shyaothnā	( او که ) به کار بد
	مورد، سرتایی میکند، ملوث، کیف میکند
avazazat	
vanheush mananho	به و هومن
evisti	از نادانی
aeibyō	از چنین کس
mash	( خود را ) ..
əsha	با اشا
syazdat	دور میشود - جدا میشود
yavat	چنانکه
ahmat	ازها
aurunā	وحشی، بی تربیت، بی فرهنگ
Khrafstra	حشرات، موزی، بد کاران

vidāyāt	بهره ما ( بشود )
ashish	پاداش، سعادت
rashnām	فرمان تو - دستور تو
sisha	رهنمایی کن
nā	ما را
asha - patho	براء اشا
Vanheush mananho	توسط و هومن
Khvaēteng	( راه ) خود شناسی

### سروز ۳۴ بند ۱۳

Tem	آن
advānem	راه
ahurā	ای اهورا
yēm	آنکه
moi	من
mraos	نشان دادمای - گفته‌ای
vanheush mananho	از هومن
daēna	آموزش ، دین
Saoshhyantām	نجات دهنده - سو شیست
ya	یعنی آنکه
hŪ - kareta	کار نمیک
ashā	( ملهم شده ) ازا شا
urvakhshat	با لیده می‌شود - تا دور میرود
hyat	آن ، آموزش ، آنکه
chivishtā	طرح شده ، اندیشه شده ، تهیه شده
hudābyō	برای روش بینان - دانایان
mizdem Mazda	و به پاداشی رهنمایست ای مزدا
tŪ dathrem	{ که هدف آن توهنتی
	{ اساسی - بهره

āmeretatās cha	چه امرداد
vanheush mananho	و هومن }
Khshathrā	خشنر
	توسط نور وی و هومنی و هومن
	بالیده خواهند نمود ، فزون خواهند کرد
vakhshat	
Asha	اشا
mat	با
armaitish	ارما بیتی
utoyuiti	جاوید زیست تو
tevishi	وتوانائی ( روانی )
taish ā	و توسط اینها
Mazda	ای مزدا
vidvaesham	بن دشمن تو - بر ضد تو
Thwoi	پیروز
ahi	خواهی بود - هستی

### سروز ۳۴ بند ۱۳

Kat	چه
tōi	( هست ) از تو
rāzare	هدف اساسی ، دستور ، فرمان
Kat	چه ( هست )
Vashi	خواهش ، اراده
Kat	چه ( هست )
Vā	درباره
stutō	ستایش ، ستون
Kat va	چه ( هست ) درباره
Yasnahyā	پرسش ، نماز
sruidyai	برای شنیدن ( و عمل کردن )
Nazdā	ای مزدا
Frāvaochā	بفرما برگو
yā	برایشکه ، تا

moi	بمن
vahishta	بهترین
sravas cha	خشیده شده - سخن
Shyaothanā - cha	عمل - کار
Vascha	سخن - بیاموز - فراگو
Ta	(ہردو) اینهها
Tu	بقینا
vohumananhā	(توسط) وہومن
Asha cha	واشا
ishudem	(پدید خواهند کرد) آرزو
stuto	نمایزها - ستایش‌های مرما
	بوسیله اراده - بوسیله نیروی تو
Khshmaka	
ahura	ای اهورا
	انقلاب اخلاقی، بهتری/ تازه، تجدید
Ferashem	

### سرود ۳۴ بند ۱۴

Tat	آن
zi	یقینا
Mazda	ای مزدا
Vairim	گران بها، بن گزیده
astvaité	تنی
ushtānai	زیست، روان، جان
dātā	داده خواهد شد
	برای کار ملهم شده از وہومن - برای کار وہومنی
vanheush mananho } thyaothnā	
yoi zi	برای آنکه
geush	مادرگیتی را
verezene	می ورزند - خدمت می‌کنند
azyā	با نتیجه - با بر
Khshmakam	وازشما
hu - chistim	نقشه پاک - نقشه خوب
ahura	ای اهورا
Khrateush	با اراده شما - با خرد (شما)
ashā - Fradō	فزوونی اشائی
Verezena	همکاری - با هم درزی

### سرود ۳۴ بند ۱

شاه یا خداوند با اراده - توانا	
Vase Xsayas	
dayāt/do	بخشیدن ، دادن
utayuiti	زندگی نو، همواره
tevishim	توانائی
gatoi یا gattoi/gam	
	(gatom) پیش رفت ، گام زدن ، ابر رفتن
vasemi/vas	خواستن
wish	به سنسکرت vasmi - به انگلیسی
daredyai/dar	برداشت ، نگه داشت
	به سنسکریت dhr به بافن

### سرود ۳۴ بند ۱۵

Mazda	ای مزدا
at	بنا برین

savas = سنسکرت از savah  
 Patho به انگلیسی Path راه  
 shishoit/sah = sk . sās  
 نشان دادن ، آموختن  
 هندی است ، سچ - راستی ، درستی

Haithyeng . sk . satyau  
 stish جهان ، وجود ، هستی  
 āshaeiti/si + a = sk/āksi  
 اقامت کردن ، ماندن  
 Aredrō وفادار ، بینا ، ارادتمند  
 ThWāwas مانند تو

### سروود ۴۳ بند ۴

شناسائی ، اندیشه ، خواهش  
 menghai /men=Sk . mansai  
 taxmem تهم ، توانا ، تخم  
 spentem واک  
 hyat آنکه  
 zasta نیرو ، دست  
 پیش رفت دادن ، برآوردن  
 hafsi /hap=sk . sep  
 ava آرمان ، آرزو  
 ashish پاداش - سعادت - آئین  
 sk . gharm ، Eng . warm روشن ، گرم

Garema توانا بوسیله اشا ، برتری بوسیله اشا  
 Asha eojanhō  
 hazē=SK . Sahas توانائی ، نیرو  
 jimat /gam می آید

Rzyō Ray شکوه ، اشته ، پرتو ، نرود ، Ray  
 به پهلوی ، دیومند ، به سنسکرت rai شکوه ،  
 Rayō Ray اشته ، پرتو ، نرود  
 ashis بخشش ، سعادت  
 gaem زیست

### سروود ۴۳ بند ۳

At cha به همان ترتیب ، هم چنین  
 Ahmai برای او ، به او  
 Vahishtem بهترین  
 xvathroyā کوشش ، یافتن روشنایی  
 xvathrem فن ، سعادت ، روشنایی ، سعادت  
 Daiditā /dā=sk/dha میزد ، میزاید  
 chichi thwā /cit=sk/cit

دانان ، دانسته  
 تقدير نموده ای - فرموده ای - داده ای  
 Dā /dā=sk/dhā سعادت ، مایه ، علم لدنی ، دانش ایزی  
 سعادت ، مایه ، علم لدنی ، دانش ایزدی  
 Ayarē هنگام روز ، زمان  
 Daregō Jyātoish دراز زندگی  
 بالیدگی /vrdhā sk . vrdh فردگی ، بالیدگی ، مهر ، شادی  
 urvādanhā

### سروود ۴۳ بند ۳

vahyō خوبی ، بھی  
 aibijamyāt/gam + aidī =  
 sk . abhi-gam رسید  
 Erezüs . است  
 Savanhō شادی ، سعادت

Dabayeiti  $\sqrt{dab} = sk \cdot dabh$

## سرو ۵ بند ۴۳

### سرو ۵ بند ۷

menghi	دانستن، اندیشیدن، شناختن
hyat . ma	چون، به من
Pairi jasat	آمد، در آمد
Peresat	پرسید
chis ahi	چه هستی
kāhya ahi	از که هستی
Katha	کدام
Daxshara	و سیله، علامت، نشان
$\sqrt{daxs}$	نشان دادن، دستوردادن
Ferasayâi	$\sqrt{Peres} =$
=sk $\sqrt{Prech}$ –	آموختن، خبر دادن، نشان دادن
Disha $\sqrt{dish}$	
Gaēthāhu	آبادی – گیتی
tenus	خوبیشتن، تن

### سرو ۵ بند ۸

Hoi	آنچه از او هست
aoji	$\sqrt{ugh}$ گفتم - پاسخ دادم
=sk $\sqrt{\bar{u}h}$	تصور کردن - اعلام کردن
Paourvim	از آغاز - از اذل
Haithyo dvaesha	دشمن حقیقی
ishoyā $\sqrt{issk}$ $\sqrt{is}$	تابتوانیم، توانائی شاهی
dregvaiti	ناراستان
Refanō aojonghvat	بانوانائی، شادی، یاوری استوار، سرو باطنی

Spentem	ایزدی، پاک
	پذیر فتن، درک کردن، اندیشیدن
menghi = sk. menesi	چون
Hyat	پدیدشد، ولادت یافت، زاد
zathōi	$\sqrt{dares=sk} \cdot \sqrt{drs}$ یافتم، دیدم
Daresem	
paourvim	شخصتین، قدیم، از لی، باستانی
Mizdavan	پاداش، مزد
Akem akai	بدی را بدی
Ashim	(پاداش نیک)، نیکی، اشائی
Hunara	دانش، نیرو، هنر
	نهایت، پایان، بازگشت، هدف واپسین
urvaēse	
Apemē	دورترین

## سرو ۶ بند ۴۳

urvaēse-	رسیدن بهدف
jaso $\sqrt{gam}$	آمدن، رفت
Gaetha	کیوهان، جهان تن، گیتی
Frādante $\sqrt{Frād}$	فزونی، پیش رفت –
Aeibyo	به اینها
Ratus	رهنمای روانی
	نشان دادن – آموختن
senghaiti $\sqrt{sah}$ = sk. sham	
Xrateus	خرد، اراده
yem	ایشکه
naechis	هیچ کس
	بهم فریب دادن، فریختن

بهر وی ، همسازی ، موافق ، همراهی	
Hachimnō/hac-sk . sac	
ārem	پیوسته‌ام ، آمدام
ya	برای اینکه
Ehma/ah sk asma	ما بشویم
Parsta	آزموده شده ، پرسیده شده
yathenā	گونی بوده
tat emavatām	از توانا - آن از نیرومند
Xshayās	خداوند ، شاه
بتون ، نیرومند ، دارنده اراده (دارنده خواهش)	
aeshem	
	داده شده ، ساخته شده ، شده
dyāt/dā=sk/tha	
Emavantem	تواننا

## سرو ۵ / ۴۳ بند ۱۱

xshma uxdais	آموزش شما، سخنان شما
Pairi jasat	آمد
	نشان دادن ، درخشیدن ، آموختن
Didainhe/dāh =	
	پریشانی ، دشواری ، سختی ، بدبهختی
sādrā	
sas	رهنما شد ، سبب شد ، تأثیر کرد و گفت
Zrazdaítish/zraz -	
-da sk sraddha	ایمان
Verezeyidyāi/verez	عمل
	آموختن ، گفتن
mraota/mru sk/bru	

من میشو	
xyem, hyem /ah=sk syām	
hyat	چنین
ādyā	یافتن ، رسیدن
Bushtish	جاوید ، زمان آینده
Vasase xshathrahya	نیروی بی‌بایان
â stāumi	وقف کردن ، تقدیم کردن
ufyā /vaf	سردتن ، سرائیدن ، بافیدن

## سرو ۵ / ۴۳ بند ۹

Ferasēm /perese =Fras =	
sk praech	جویا شدن ، پرسیدن
Kahmai	به که
	پرستیدن ، گرامی داشتن ، تصفیه کردن ، دانستن
Vividuyē/vid - vaed =	خواستن
Vashī/vas=sk vas' us	خواهش
sk iechā	
Atha	از آنکاه
Thwahmai athre	آتش تو
Rātām	بیش کش ، نیاز ، بخشش پاک
nemanhō	فروتنی ، نماز
ishai /ish=sk-ish	توانستن
	توجه عام ، گرامی داشتن ، اندیشیدن
manyāi /man	

## سرو ۵ / ۴۳ بند ۱۰

Daish /dish=sk-dis	نشان دادن
	دعانمودن ، خواندن
zaozaomi/zu - zav=sk/hū	

## سروود ۴۳۵ بند ۱۲

aretha	آدمان ، منظور
Voizdyai/ <u>vid</u>	تحقيق کردن ، دانستن
yaos	زیست
dāresh	مجیبور کردن، جرأت
/dāresh sky/dhrsh	جرأت
vairyā	سعادت ، برگزیده
vachi/ <u>vach</u>	گفته شده ، گفتن، واژه

## سروود ۴۳۵ بند ۱۳

hyat	آنچه
hā	مهریان جوانمرد ، بزرگ
Fryai	دوست
Fuend	به انکیسی
vaedəmnō/ <u>ird</u>	دانش ، دانستن
Isva	خداؤند ، توانا
/ish=sk/ish	توانائی ، شاهی
daidit /dā	دادن
maibyō	از مردم من ، ازمن
Rafenō	برکت ، سعادت
Fraxhneneñem	دانش
Frashtā	گردآمدن ، فراهم شدن
uz ireidyāi	رفتار ، فعالیت ، جنبش
	پشتوبانهای دلیر ، دفاع کننده دلیر
Saredanō	
azē	دفاع ، همراهی ، یاری ، پشتیبانی
Senghahyā	آموزش
mat vispais	باهمه
tais	آنانکه
marento	در دل دارند ، جدی ، با توجه

mraosh /mru sk/bru	گفتن
jaso/ <u>gam</u>	بیرونی کردن ، رفتن
Fraxhneneñem/ <u>xsna</u> +Fra=	شناختن دانستن ، دانش
=sk Pra-jna	تومنا
tu moi	{ نافرمان - ناشنیده
asrushta	{ فرمان
pairy aoghza	ازابن دو نقط مقصود اینست که چون فرمودی
	از آنها فرمانبرم دیگر لازم نیست که فرمائی چه
	نکنم. زیرا هر که فرمان اشای بیرونی کرد گوئی
	فرمان اهورمزدا را به جا آورده .
	رفتار ، فعالیت ، جنبش ، حرکت دادن
uzireidyai-uz+iri	
para hyat	بوش ازین
ajimat/ <u>gam</u>	در آید ، باید
seraosha	سروش
ashī sk Laxmi	سعادت ، فراوانی ، برکت
	خرايزدی ، روشنائی اینزدی ، باشکوه ، بزرگ ، پرازگنج
maza rāyā	دوستی ، همراهی

hachimnō/ <u>hac</u> , hax sk /sac	چون ، هرگاه
ya	بدهد
dāyāt	جزا ، پاداش
ashish	حزب ، گروه
rānoibyā	سزا - کیفر
Savōi	

peresa	پرسم	mathra	فرمان، سخن مقدس
Vaocha	بگو	yōi tōi	آنکه از تو
Eresh	راست		
nemanho	نمایز برم		
neme	نمایز، نماز		
Yatha	چگونه		
fryā	محبوب، دوست	Dax Shat/ <u>daxs</u>	نشان دادن، آموختن
Khshmāvato	مانند شما	uxshyai/ <u>vaxs</u> . uxs	بالیدگی
Saxyat	بیاموزد		(نام بانوی پارسا) تفکر، تسلیم، سکوت، مرافقه
thwāvas	مانند تو	tushna maitish	
mavaite	(به ارادتمندی) مانند من	angreng	دشمن
nē ma dazdyai	بدهد	ashaunō	نیکان
hakurenā	کارخوش، باری	ādare	پنداشتن، گرفتن، یافتن
jimata	باید	pourūsh	پیشوای رهنمای، پر، کامل
		cixshrushō	رضامندساختن، خوشنود کردن

### سرو ۵۴ بند ۳

Katha	چگونه
Kâtē	زوان آرزومند
	به بالیدگی، به سعادت، به سود
Suidyāi /su Sky /shu , shva , Svi	
Paiti shāt	جویندگی، تلاش، بکوشش
Ye i	اوکه یقیناً
Irixtem /ric . rik=Sk /ric	مرده ریک، ارت، پیش رفت، پس گذاشتن
Vispoibyō	از همه (بشر)، همه
HārŪ	نکهبان
mainyŪ	(Hārō mainyŪ)
ahumbish	گوهر، نفس، به نفس
urvathō	شفاهنده
	دوست (مهریان)

### سرو ۵۴ بند ۱۵

Dax Shat/ <u>daxs</u>	بالیدگی
uxshyai/ <u>vaxs</u> . uxs	(نام بانوی پارسا) تفکر، تسلیم، سکوت، مرافقه
tushna maitish	
angreng	دشمن
ashaunō	نیکان
ādare	پنداشتن، گرفتن، یافتن
pourūsh	پیشوای رهنمای، پر، کامل
cixshrushō	رضامندساختن، خوشنود کردن

### سرو ۵۴ بند ۱۶

Hvo	برای خود او
Verente /var	برگزیدن
Yaste	که از تو
chis cha	که یقیناً
astavat	مجسم، پیکری، تنسی <sup>۷</sup>
ushtānā aojenghvat	زندگی و برآز توانائی
xveng	خورشید
Daresoi	پدیدار، روشن، تابند
Daidit	(اشاره به ارمایتی) بدهد
ashim	پاداش-برکت، بخت، سعادت

### سرو ۵۴ بند ۹

tat ṭ thwa از تو

vatāi – sk vāfa	باد
dvanmaibyas–cha–dun	ابر
sk dhvan–	دماوند عرض
damarand	پوشیده، ابر
	جفت کردن، بوغ
Yaoget $\sqrt{yug}$ –sk yuj	
آهونام جانور معروف در اصل به معنی واز همین ریشه هست، سریع، تیز، تندرو	
Āsū–sk āsu	داده، آفرینده
Damis $\sqrt{da}$ , sk $\sqrt{dhā}$ =	

### سرو ۵ بند ۴

Hvapā=sk , svāpas	سازنده خوب، کاریگر
draxshidēn , rōz , roshni	درخشیدن، روز، روشنی
raocas– $\sqrt{ruc}$ sk $\sqrt{ruc}$	ساختن، آفرینش، دادن
dāt $\sqrt{da}$ –sk $\sqrt{dhā}$	
temas sk tamas	تاریکی
xvafnem=sk svapna	خواب، خفتن
Zaēm $\sqrt{zi}$ =sk $\sqrt{hi}$	بیدار، بیداری
	نیمه از شب تا برآمدن خود، بامداد، سحر،
ushā=sk ushas	شبکیر
	هنگام روز تخمیناً از ساعت ده پیش از ظهر تاسوعت
arem–pithwa	بعدازظهر
xhapā	شب
	آگاه میکند، متنبه می‌سازد
manothris–sk manotr	
	امتیاز دادن – در ذهن نگهداشتن
Cazdōnghvantem $\sqrt{cis}$ –dē	
(Artha	(قصد، اراده
arethahya	وظیفه

### سرو ۵ بند ۳

Kasna	کدام کس
	زاد، پدیده شده، آفرینشده
Zathā (Zāthar skjonitar)	پدر
pātā sk , pta (pa+ta)	ستاره
Starem=sk stār , tāra	ساختن، دادن
dāt $\sqrt{dā}$ sk $\sqrt{dhā}$	فلک، راه
advanem	از که، بوسیله که
kē Yā	ماه
mao	به تو
thWāt	خور، درخشنده
xveng . xvan , hvar sk svar	
ta chit	اینها همه
	خواهش انگلیسی
Vasemi $\sqrt{vas}$ =sk $\sqrt{vas}$ , us , Wish	
anyā ehā	دیگر چیزها (رازها)
Viduye $\sqrt{vid}$	دانشمن، دانستن

### سرو ۵ بند ۲

Derefā $\sqrt{dar}$ =sk $\sqrt{dhr}$	عمل کردن، نگهداشتن، برگرفتن
Zam	زمین sk Ksm
ade=sk adhah	بلکه، زیر
nabās cha	نیز آسمانها
avapastōis=ava+pat=	افتادن
sk ava+pat	که
Kē	
apo bā sk āp	
urvārā	ذهن شاداب
urvaras	کیا،

avāmi  $\sqrt{av}$  sk  $\sqrt{av}$   
 vispanām هم sk vishvānam  
 خداوند ، دادار  
 dātārem sk dhatāram

### سرود ۴۶ بند ۸

مرافقه . خورسندی باطنی ، مستی ، وجود  
 mendaityai sk mandadhyai  
 آموزش ، فرمان  
 adishta sk. smad dishti  
 uxdha سخن  
 Frashi  $\sqrt{peres}$  چوبندگی - پرسش  
 arēm  $\sqrt{ara}$  sk  $\sqrt{ara}$  درست  
 برای آگاهی ، آگاهی ، دانش  
 vaedyai  $\sqrt{vid}$  sk. vidya  
 urvāxshat  $\sqrt{vraj}$  sk  $\sqrt{vraj}$  پوش رفت  
 āgemat ta خواهد رسید

### سرود ۴۶ بند ۹

Fravaxshyā  $\sqrt{vach}$  + Fra=sk pravakhshya  
 اگر ، یا  
 Yezi (yedhi) sk yadi همه ، چنین  
 ta-atha داشتی  
 haithya sk satya بالیدن ، افزودن ، یاری  
 Debazaiti  $\sqrt{vāz}$ -de-bāz آنها را  
 taibyo آموزیدنیها - پیمانها  
 chinas  $\sqrt{chish}$  برای که  
 Kaibyō بارور  
 azim دهنده شادی  
 rānyo-sk eretim-  $\sqrt{ran} + \sqrt{kar}$  kereti  
 نعمون ، گوئی ، گاو  
 gam کردن ، ساختن  
 tasho  $\sqrt{tash}$  sk  $\sqrt{taksh}$

### سرود ۴۶ بند ۱۰

katha به چه ترتیب ، چگونه  
 وقف نمودن ، بوغ کردن ، بستن  
 yaosh  $\sqrt{yu}$  sk  $\sqrt{yu}$  دین ، قوه ممیزه ، وجودان ، پیش  
 Daēnam  $\sqrt{di}$  sk  $\sqrt{dhi}$   
 Yam ابن  
 سترین دانش  
 HŪdā naosh sk , sudhi  
 paitish sk. patih خداوند  
 Saxyāt  $\sqrt{sah}$  وختن  $\bar{t}$  sk. sasyat  
 Ereshva sk , rshva. یقیون ، بلند  
 thwāvas. مانند تو

### سرود ۴۶ بند ۱۱

ارزش دادن - ارجمند کردن  
 Berexdham  $\sqrt{bareg}$  - barez چنین  
 taish آفریدن - ساختن  
 tasht  $\sqrt{tash}$  برداشت ، ملاحظه ، فرمانبر  
 uzemēm  $\sqrt{uz}$  sk  $\sqrt{uh}$  نفس زندگی ، ده  
 Vyānayā sk vyāua پور  
 puthrem پدر  
 pithre تو  
 thwa فراشناصی ، شناسائی  
 Fraxshni لطف ، برتری ، ترجیح

دین، وجدان، الہام، وحی؛ آنچه از خداوند	
Daenā	پدید می شود
	یافتن، دانستن
Fravōvivide / vid + Fra = sk / vid + pra	
vispeng	همه
anyeng sk . anya	دیگران
spasya / spas-	بی بردن، دیدن
dvāshanha	دشمنی

### سروود ۴۴ بند ۱۳

yaish	با او که
peresai / pere	هم سخون، شدن، پرسیدن
	کدام جانب، کدام سو
Katārem sk, kataram	
	بخشن، سعادت، جزا
savā – sk, savas.	
paiti ēreta / ar –	ضد، مخالفت
	آیا هست آن
Cyan hat=ci+anhat=sk kim=	
ayēm	این
mainyatē	می پندارد، می اندرشد
	دارندۀ نیکی، دارندۀ اشا
ashava. sk, rtavo	

### سروود ۴۴ بند ۱۳

Katha	چکونه
Drujem	بی ایمان، ناراست، دروغ
	گریزاندن
nish=nashāmā / nash+nish=	

آرزو، تمنا، خواستن	
asishtish / Sāh + a = sk / ā + sas	
hademoi	مکان، جا
shyas / si = sk / kṣi	بودن، ماندن

### سروود ۴۴ بند ۱۰

Fam	از تو
	آنچه از خداوند پدید می شود، وجود دین
daēnām	موجودات، زندگان
hātām	بهترین، دهشت
Vahishta	جهان‌نمی‌یا ( Daena ) ( جهان‌روانی )
Gaethā	انجام دادن، به تکمیل رساندن
Frādoit = Fra + da = sk pra + dha	
hacemnā / hac	رفاقت، همراهی -
Daidyat	راهنماشی کردن، نهادن، دادن
maxya	ازمن
Cistōish	ادرار، قوه‌تمیز، عقل
thwā	به تو
ishtish = sk , icch =	خواهش
	به انگلیسی wish
usen / vas -	بازگشت

### سروود ۴۴ بند ۱۱

teng ā	اندرون آنها
	رفتن، جدا شدن
vijēmyat / gam + vi = sk vi-gam	
yaeibyō	به او که
thwōi	از تو
	اعلام خواهد شد، آشکار خواهد شد
vashyete / vac = sk. ueyate	

dvafseng $\sqrt{du}$ -	دد ، آزار ، رنج
mashe $\sqrt{nash}$	آوردن . کشیدن
astās	نفرت ، دشمنی

ahmat-ā=sk. asmat. ā	ازما
Tehg	آنها
ava	دور
Yōi	اوکه
ashrushtōish-	بدیپنی ، عصیان ، سرکشی

perenanhō $\sqrt{pr}$	پرکردن
	فرستادن ، پرتاب کردن ، انداختن

adivyeinti $\sqrt{dyu}+a$	بهم آوردن - پیوستگی
hacēnā $\sqrt{hac}$ , hak,	پرسش

Frasayā $\sqrt{Frasā}$ =Sk , precha	چشیدن ، خواهش کردن
caxnarē $\sqrt{kan}$ =sk $\sqrt{kan}$ -	ادمان ، کام (cākena)
	kam-sk. kam

az-āngāiōkhe , kṛge , aṅgr	از آنجائیکه ، گرجه ، اگر
Yezi=sk yadi	
ahyā	اینها
Poi $\sqrt{pā}$ sk $\sqrt{pā}$	حمایت کردن ، پائیدن
mat sk mat	با
Xshayehē $\sqrt{Khshi}$	توانائی ، شاهی کردن
hyat	انگاره که
	بهم مورسند ، بهم می آیند
hēm-jamāeti-sk , sam-gam	
spāda	سپاه
	سرود ستایش ، دعا ، مناجات

anaocanhā $\sqrt{anu}+vach$	بنابرین
avaish	قانون ، آئین
urvataish	برقرار شده ، نهاده شده
diderezō $\sqrt{darez}$ =sk. druh	کجا
kuthra	
ayao	از دو (گرد)
Kahmai	به کدام
Win	کامیابی ، پیروزی ، کامرانی ، به انگلیسی
Vananām $\sqrt{van}$	
dadao	می بخشی ، میدهی

## سرود ۴۴ بند ۱۶

Rv. Vrtra-han دشمن‌کش ، پیروزی با

Katha	چکونه
dyām $\sqrt{da}$	بدهم ، دادن
Zastayō	sk , hasta بدست
nihim merezdyai $\sqrt{merez}+ni$	محو کردن ، پاک کردن ، برانداختن
thwahyā	از تو
mathraish	سخن‌روانی ، واژه‌قدس
Senghahyā=sk Shamsa	آموذش
Emavaitim $\sqrt{Emavat}$ =	نیرومند ، توانا
ish	آنها را
	تباہی ، خفتی شدن ، برافعادن
Sinam $\sqrt{si}$ =sk $\sqrt{si}$	
dāvōi $\sqrt{da}$	آوردن ، دادن
dregvasū	از پرورد ناراستی

Yē  
rāthemō

آنکه  
بهترین رهنمای

پیر و ز بر و در ترا  
حامی، یاور، نگهبان  
آئین، آموزش  
هست، موجود  
آشکار  
برقرار کردن، نشاندن

سروود ۴۴ بند ۱۸

mizdem

مزد

تحصیل اجر، پاداش

استادیکه روانرا پاک میکند، استاد جان بخش

hanāni  $\sqrt{han}$ =sk  $\sqrt{san}$

مادیان

ahumbish=ratum

dasa  $\rightarrow$  aspa

اسپنر

پیدید کردن

arshnavaitish kr.vrshanvati

apivaiti  $\sqrt{api} + vat$

فهم، ادراف

احساس طاعت به خداوند، ایمان، نگهبان نیکان،

Yatha-hi

آنها، هر دو

chizdi  $\sqrt{chish}$

danha  $\sqrt{da}$

گذاشتن، نهادن

seraoshō-

taeibyo

همه (هم نوع) همه (بشر)

jantū

به یکی که اورا

Vashi/ $\sqrt{vas}$ =sk  $\sqrt{vas}$

دوستی

Kahmai-chit

برای همیشه

سروود ۴۴ بند ۱۹

سروود ۴۴ بند ۱۷

Yastāt

او که مزد را

سزاوار - مستحق

کشن، عشق، خرسنده، وجود

hanenti  $\sqrt{han}$ =sk,  $\sqrt{san}$ -

daiti  $\sqrt{da}$

دادن

Zarem sk haras  $\sqrt{har}$ , hr

جنیش، چریدن، رسیدن، رفتن

Yeit-sk-id

هر گاه - یقینا

charāni  $\sqrt{car}$ -

Ere zu Kh dhā

سخن راست، واژه راست

Xshmat

با شما

nō daite  $\sqrt{uād}$

بر میر و د

بیوستگی، وصل، علاقه، ارادت

افزار چنگک، پر ناب کردنی، سزا

as (kei) tim=sk  $\sqrt{a}$ -sae

maēnish-sk, nreni

خواهد رسید، خواهد شد، خواهد آمد

Xshmākam شما yashmākam

anhat

آن

سخن، لفظ، واژه، آواز

avam

آن

vaxsaē so  $\sqrt{vac}$

apēmā

در پایان، در انجام

Sarōi=sk  $\sqrt{shra}$ -snri

būzdyā1

شدن، بودن

būzdyā1  $\sqrt{bu}$ =sk  $\sqrt{bhū}$

ava

بنابراین

manthra

واژه مقدس

isa tha	اگر خواستند
durāt	دور
chithrē	آشکار ، پدیدشده
/maz=man-	دانش ، سنجیدن
mazdanho dum	سنجش ، آگاهی
Daibitim	بار دوم
dush-sastish	بدآموزگار ، بدآموزنده
Ahum	جان
sk /mrc-	تباهی ، مرگ
merā shyāt	تباه کند
Aka varena	بدعقیده ، بددین
hizvā	زبان
	راه غلط اختیار کرده ، پوشانده ، برگزیده
avaretō	

## سرو د ۴۶ بند ۰

cithenā=cith+nā	چکونه
	شاهی نیک
hukhshathra=sk , sukshatra	
anharē /ah=	شدن ، بودن
	دیدن ، آرایش ، زیست
pishyeinti/pis=sk /pis	
aeibyō	برای آنها
Kam	تنها ، فقط
Yaish	به بهره ا او ، برای او
gām	گاوچهان ، گیتی ، گاو
Karpa=sk , kalp	سرودگوی دیوبستی
	تمنه روحانیون دیوبستی ، آرزو ، خواهش
usixsh, rv. usij=/vas	

Anheush	موجود یا وجود ، گوهر
Paouruyē	ازپارین ، از آغاز ، از اول
Yayā	او که
spanya	پاک ، نوک
uiti	این ، چنین
mravat	گفت sk. Bravat (bhavat)
Yēm	آن
angrem	برغلط ، بد
mana	نفس ، ذهن
senghā	آموخت
xratavo	نیروی تیز ، خرد
Varanā	عقیده ، اندیشه
uxdha	سخن (اخدا)
naeda	نه
shyaothanō	کار
sk din	با dharma
daena	دین ، وجود
/hac	یکسان ، همنگ ، هم گام
hacainte	موافق

## سرو د ۴۵ بند ۱

Fravakhshya	فراگویه
nu	اکنون
/gūsh = sk /ghus	گوشدادن
gushodūm	گوشدهید
/sru=sk /srū	شنیدن
sraota	بشنوید
Yaeca asnāt	آناکه نزدیک هستند

### سروود ۴۵ بند ۳

Hyat	که	Vidva	دانشمند ، علامه ، همه‌دانان
mraot	گفت	Vaochat	گفت
spento-temo	پاکریدن	im	او که
dam $\sqrt{da}$	خواهدداد	Ve	میان شما
$\sqrt{cāy}=sk \sqrt{kāy}=$	بر گزیدن ، جودن شایسته سایش ، محترم و بر گزیده	itha	چنین
chyaa-cha	نزدیکشدن	mathrem	سخن‌مقدس ، واژه
$\sqrt{gam}+upa$	رسیده ، دانسته‌شده	vereshenti $\sqrt{varez}=$	ورزید ، ورزیدن
upajimen	به اعمال ، با کارها	$\sqrt{man}-sk \sqrt{man}$	فکر ، اندیشه
syao thanaish	برای شنیدن ، شنیدن	menai chā	می‌اندیشم
sruidyai $\sqrt{sru}$	بنده‌گی ، سروش	vaocha-cha	می‌گوییم
seraoshem	موجودات بشر - میرندگان	avōi	وبل ، دای
maretaeibyo		anhat	خواهد بود
		apemem	دریابان ، درانجام
		aeibyo	به چنین

### سروود ۴۵ بند ۶

Vispanam	همه‌را	Anheush	از زندگی
mazishtem	مهست	vaēda $\sqrt{vid}$	دانستن
stavas $\sqrt{stu}$	موستایم - سخون	dāt $\sqrt{da}-$	آفرید ، داد
	دانان ، برآزداش ، خوش‌داده	ptarem	چون پدر
Hu dā		Varezayantō $\sqrt{varez}=$	فمالیت ، ورزیدن ، ورزیگر
Yōi	او که	Hōi	او
henti	موجود‌است : هست	dugedā-sk-duhitr	دخل
sraotu $\sqrt{sra}-$	بشنود ، شنیدن	hūshyaohthana	نیکوکار کار ، کارنیک
Yehya	برای او که	$\sqrt{dah}-sk \sqrt{dab}$	فربیضدادن
	جای روشن ، روشنایی ، مهر ، خوانندگی ، دعا	Diwzaidyāi	بفریبد
Vahme $\sqrt{vah}=sk \sqrt{vas}=$			بر همه محیط ، همه رهنمای ، همه بیانده
$\sqrt{peres}=$	پرسیدن	Vispa hishas	
Frashi	دستور داده ، آموخته		

chashmaini	به جشن
/daresh + vi=sk /drsh+vyā	
vyādaresem	می‌بینند
vīdush	آشکار دیدم ، دانستم ، بی برم
Yēm	اورا
Vahmēng	نیاز ، گرویدگی ، دعا ، خواستن
	بلندی کو . آواز =sk /sr .
Garo demāna /gar,	این کلمه به معنی مکان نعمه یا بهشت برین است.

### سروود ۴۵ بند ۹

tem	آن	nē	برای ما	mat	با
chixshnushō. /xshnu	خشنود کردن				
Yē (ne)	برای ما	اورا			
usēn /vas-	اراده	به خواهش			
corēt+ /kar	میکنند، می‌سازد				
/spa=sk /sva	برآمدن ، بالیدگی				
spēn-cha	خوش بختی ، شادی				
aspēn-cha	کاهش ، بد بختی ، و درد				
Varezi	چابکی ، ورزیدن				
dyāt	بر قرار میکنند ، می‌دهند				
Erada thāi	پیش رفت ، فروتنی ، فراوانی				
haozāthwāt-ā (Hu+Zathwa)	دانائی ، داشت عیقیق ، خوش داشت				
sk. su+gnā					

### سروود ۴۵ بند ۱۰

Yē	او	nē	او که
Yasnaish	به نیاز ، توسط یستا		
mimaghzō	پرستیدن	/matg=sk mah	عظمت دادن

### سروود ۴۵ بند ۷

yehya	از او که
Savā	نجات ، سود
	خواهند خواست
ishanti /ish+enti=sk. /is. iech	
/rād=sk /radh	راد ، بذل کننده ، جوینده
Rādanhō	
Yoi	او که
jva	jī زنده هست
anhare cha	میباشد — بود
Bvainti-cha	خواهد بود
amerētaiti	جاوید — نمیرندگی
aēsho	باسعادت ، پیروز ، خوش
utayūta	افزون ، همشه
sādra	درد ، آزار
nerash	مرد
Dregvatō	بد
tācha	آن
damish	آفریننده

### سروود ۴۵ بند ۸

tem	آن
staotaish	با ستایشها
nemanho	نمایز
	تعایل بازگشت

/varez+vi=sk /vrj+a	
	بکوشید که بیابد ، بهورزد که برسد
vivarashō	
nu	اکنون
Zit	زی ، برای

Anmā / nam+a= توجه ، خمیدن  
توانای خسته نشدنی ، جاوید ، نیرو داشته

## سرو د ۴۶ بند ۱

kām	کجا - به کدام	Anmeni	دانسته شده ، شنیده شده
nemōi	کام بردارم - خمشوم	srāvi	بر قرار نمودن ، و آگذاشتن ، پیمان کردن
Zam	کشور - زمین	coisht/ cis-	او که
Kuthrā	به کدام سو - به کجا	hōi	آنهارا
ayeni (nemoi)	کام بردارم که بردم	ahmai	اخلاق سوده ، همواره ، دنیا ، جا ، زمین
(از خوبیوش) اعلیٰ ترین طبقه از پر و ان مزدیسنی		stōi	خواهد داد
Khvaitush	جدا نکه داشته اند	dān	توانائی ، نیرو
pairi dadaiti	اُئریم نه (طبقه دوم از مزدیسنی) دوست	tevishi	نوبه نو ، ثبات ، استقامت
airyamna		utayuiti	

نیست خود سندی برای من

nōit ma khshnaush	
ya	که hachā
verezenāt	از بوسیله ورزن (سوم طبقه مزدیسنی)
naedā dakhyeush	نه کشوری
yōi	که
sāstare	فرم آنده ان
dregvantō	دیویسیان (هستند) ، پیروان ناراستان

## سرو د ۴۶ بند ۲

Vaedā	دانم ، میدانم
Tat	آن (علت)
Yā ahmi	جز ا من هستم
anaeshō	ناتوان ، بیچاره
ma Kamna-Fshvā	(بعلت) کمی دارانی
من و نیز از کم بودن پیروان (مردان) هست	
hyat cha kamna-nā ahmi	

## سرو د ۴۵ بند ۱۱

daeveng	پیر وان دیویسیان ، دیوان
yastā	از این ره
aparō	پس از این ، مخالف sk. aparam
mashyas-cha	sk martyām-cha
tarē-masta	
tare-	sk / tare+man مفتر ، مخالف در عقیده
anyeng	دیگر
manyātā / man	می آن دیشد - می پندارد =
tare-mainyantā	مخالف در فکر
arem	mainyātā تسلیم شده
saoshyanto	ناجی ، نجات دهنده
patoish-	دانش (y) خداوند Dēng / dā(y)
dēng	جا ، منزل
urva thō	دوست
brāta	و ، یا pta vā بادر

Kaeibyō	به کدام - به که	hā	پیروان ، مردان
maibyo	برای (آموزش) من	gerozōi	التماس میکنم - فریاد میکنم

## سرو د ۴۶ بند ۴

Yeng	او که - آنکه	āvaenā	توجه کن ، به بین
Vazdrēng	یاور ، پشتیبان	Rafedhrem	سعادت ، خوشبختی
(ain klmē بعد معنی ترجمه میشود) حامی - مانع		chagvā	چشیدن ، آرزو ، ارمان
Pāt			آنکه معمشوق به عاشق می بخشد
ga	موجودات - چارپایان	hyat Fryō Fryai daidit	
Frōre toish	پیش رفت	akhsō	نشان ده (مرا) بیاموز
Shoithrahya	استان	asha	بوسیله اشا
	استان بنزرج ، ده ، زمین ، کشور	ishtish	توانائی ، نیرو
Dakhyeush		vanheush mananhō	دهومنی
duz azoba	برای خواندن (به یاری)		
has Vah=	او هست ، بودن		
ahēmusto	نادوست ، مخالف		
Yastēm	هر که اورا		
	بانیروی روان - بانیرو و جان		
khshathrāt jyateush			
moithat Vmīsth=sk. mīth			
Teng	آنها را		
	بیشوا - پیش آهنگ		
Frō gā=sk. purogah			
Pathmeng	راه		
	اراده باک - دانش نیک ، آموزش خوب		
Hu chishtoish			
Vchar	رفتن ، جریدن		
charat	میرود ، میچرد		

## سرو د ۴۶ بند ۵

شاهی ، توانائی ، نیرو	verene=sk vrne	برگزینیم
Khshayās Vkhshi=sk Vkshi	Senghaish	(با) آموزش

## سرو د ۴۶ بند ۳

Kada	چون ، هرگاه
	برآمدن ، روشن شدن ، تابیدن - بالیدگی
ukhshanō	
(azan=sk , ahas=	(ناهار - ناشتا) روز
asnām	روزها
anheush	موجودات ، آفریدگان
	برای برداشت ، برای تحمل ، برای نگداشت
Dare thrai Vdar=sk Vdhr=	
	برمی آیس ، برآید ، خواهد تا بید
Frofarente Var+Frā=sk Var+pra	
	متاثر ، با تأثیر ، توانائی ، فزونی ، بالیدگی
verezdaish Vvared,	
Khratavo	دانش ، خرد
uthai	به یاری ، یاری
jimat	بهاید
	به انجام رساندن ، برای دستور ، برای آموزش
Sas trai Vsand . sah	
verene=sk vrne	
Senghaish	

payum	حامی ، پناهدنده ، یاور	dṛīta	پذیرفتن ، برداشتن ، برگرفتن
	تعیین کرده‌ای - داده‌ای	adās	پناهدنده‌شدن ، یاری‌خواستن ، آمدن
dadā یا dadāt $\sqrt{da} = sk$ dha	درشتی نموده‌اند ، تهدید کرده‌اند	ayantem	
didareshata $\sqrt{daresh} = sk$ $\sqrt{dhra}$ -		mithroibyō}	پیمان ، دوستی
aenanhe	ناختن ، ستم ، حمله	urvatōish }	بشردوستی
thraoshtaj $\sqrt{thru}$	انجام دادن ، کامل نمودن	Rashna	دستی ، راستی
dāstavām	آموزش ، آئین	jvas $\sqrt{ji} = sk$ $\sqrt{jiv}$	زیستن
daenayai	وجدانی ، روانی	ashava dregvantem	راست و ناراست
Fra vaochā	صریح برگو - آشکار فراغو	vichiro}	سنجدیدن ، چیدن ، برگزیدن
		has }	قضاؤت و سنجش
		Fro-mruyāt	آشکار کند ، فراغو بید
		uzūithyōi	حفظ ، نجات
		Khvaetavē	بر خود خدائی ، خود اعتمادی
		Khrunyāt	زخم زدن ، تباخی ، حمله

## سرود ۴۶ بند ۸

gaetha	موجودات ، چارباریان ، گفتی
dazde	میخواهد ، میدهد
aenanhē	دشمنی ، آزار
athris (ha)	حمله ، آتش
Frosyāt	می‌باید ، میرسد
paity yaogēt	می‌بیجد
	= sk gaechāt
jasōit $\sqrt{gam}$	می‌آید ، میرود
dvaeshanha	نفرت - دشمنی
tanvem	شخص ، خود ، خودی ، تن
Huujyatoish	زندگی کامل ، زندگی خوش
	حفظ ، بازداشت از بد یا از خوب
payāt + $\sqrt{pā}$	
duzajyatoish	زندگی ناخوش ، زندگی بد

## سرود ۴۶ بند ۹

areadrō	پرازجوشش ، با بصیرت ، راد
---------	---------------------------

## سرود ۴۶ بند ۶

Yas tem	اوکه - سوی او
isemnō $\sqrt{ish}$	توانائی
āyāt	رفتن - آمدن
dāmām	آفریدگان ، موجودات
haithahyā	فریبندگان
āgat $\sqrt{gam}$	خواهد آمد
daena	دین ، وجود
pouruyā	از ازل - از آغاز
dā-sk $\sqrt{dha}$	آفرینش

## سرود ۴۶ بند ۷

Kem. na	که با کدام جوانمرد را
na =	جوانمرد ، مرد
mavaite	چون من - ما نندمن

## سرود ۴۶ بند ۱۱

<b>Khshathraish</b>	به نیرو
<i>Vyuj=sk</i> <i>Vyuj=yoke</i>	
<b>Yujen</b>	بوغ شده جفت گشته ،
	تیره‌ای از دیویستها که با آموزش زرتشت ساخت
<b>Karpan</b>	مخالف بودند
	تیره دیگر مخالف زرتشت ولی مسیان آنها
	گرویدگان به زرتشت نیز بودند ، کیان ، کدما
<b>Kavaya</b>	
<b>ahum</b>	زندگی ، جان
	تهاه کردن ، میراندن ، مرگ
<b>merengeidyyai</b> <i>/ merek</i>	
<b>mashim</b>	مردم را
<b>Kvē</b>	خود
	کدورت ، شکنجه ، آزار
<b>Khraodat</b> <i>/ khrud=</i>	
<b>urva-daena</b>	روان - وجودان
<b>hyat</b>	چون ، هرگاه
<b>Yavōi-vispai</b>	برای همه زمان - جاوید
<b>demānai-</b>	مکان - نمان
	جان ماندن ، سکنا ، جای ایست ، استان
<i>/ sta =sk</i> <i>/ a. stha</i>	
<b>astayō</b>	وجود ، هستی

## سرود ۴۶ بند ۱۲

<b>hyat</b>	هرگاه
<b>us</b>	برآیند ، پدیدشوند
<b>naptyaeshu</b>	از نومها ، از فرزندزادگان
<b>nafshu</b>	خویشان نزدیک ، هم ناف

<b>Choithat</b> <i>/ cith</i>	آموزد
<i>/ zu-zba</i>	دعا ، خواندن
<b>Zevish tim</b>	ستوده شده ، خوانده شده
	داوری ، سنجیدن
<b>uzemōhi</b> <i>/ uz=sk uh-</i>	
<b>Ahurem</b>	خداؤندجان ، اهورا
	سازنده گیتی ، سازنده جهان تن
<b>Geush-tasha</b>	خواهش ، کوشش
<b>ishenti</b> <i>/ ish=sk</i> , <i>icchanti</i>	

## سرود ۴۶ بند ۱۰

<b>va moi</b>	پر استی میگوییم
<i>/ zan=sk</i> <i>/ jan-ja</i>	زن
<b>Gena</b>	
<b>anheush</b>	زندگی ، جان
<b>ashim</b>	سعادت ، پاداش
<i>/ vid = sk</i> <i>/ vettha-</i>	دانستن
<b>voista</b>	دانی ، پنداری ، فرض کنی
	همراهی ، راهنمائی
<b>HaKhshai</b> <i>/ hae</i> , <i>hak=sk</i> <i>Sac</i>	
<b>khsh māva tam.</b>	جون شما ، شما
<b>Vahmāi</b>	پرسش
<b>Fro</b>	فرا ، آنسو
<b>Taish vispaish-</b>	باهمه آنها
	پل بر چیدن ، پل امتیاز ، پل بر گزیده ، پل چنود
<b>chinvatō p̄eretum</b>	
<b>Frafrā</b> <i>/ par</i>	در گذشتن ، فرار فتن

## سروود ۴۶ بند ۱۴

Kaste ashava	کیست پیر و نیکی
	اخوت مکای بزرگ که هؤس آن زدشت بود و
	۱) اید نخستین نامی است که پیر وان او اختیار
mazoi magai	کردند
	مشهور ، فراشیده شده ، پرآوازه
Frasruidyai	
Yahi	پذیر نده
Hademoi	درمکان تو ، درجای تو
	جادادن ، نهادن ، برقرار کردن
minas $\sqrt{mi}$ =	خطاب کردن ، بر زبان آوردن ، گفتن
Zbayā	پیام ، آموزش ، سخنان
ukhdaish	آموزش

## سروود ۴۶ بند ۱۵

همه اینها که بهترین (سودمند ترین) هستند	برای شنیدن (ابن سطر دراصل نیست)
Vispa Fā Vē Sruidyai Vahishta :	
دارند اسب شسته شده (بهاری)	
Haechat-aspā	
hyat	تاکه
	راست - ناراست - دانا - نادان
dathēng-adāthās	
$\sqrt{chi-ki}$	چیدن ، جدا کردن
Vichayatha	امتیاز دهید ، جدا کنید
daduyē $\sqrt{dā}=sk$	می باید
dataish	داد ، آئین که

turahyā	تند ؛ سریع Tur از توانانها
uz-jen	خواهد آمد - پدید خواهد شد
	این نام شبیه است به پیران شاهنامه ، تیره ای از
Fryan	توانانترین ، سزاوار شهرت ، شایسته بلندی
	aojaeshū
Frādō	ترقی ، فزو نی ، پیش رفت
Thwakhshānha	سرگرمی ، ذوق
	پیوستگی ، پیوستن ، بهم آمدن
aibi moist $\sqrt{mith+aibi}$	
	Arman ، سعادت ، شادی ، دستگیری
Rafedhrāi $\sqrt{rap}$	باری
	باری ، آشکارشدن ، آموختن
Sastē $\sqrt{sah-}$	

## سروود ۴۶ بند ۱۳

خوشنود ، رضایت ، بهانجام رساندن	Rādaha. $\sqrt{radh}=sk$ $\sqrt{radh}$
	Khshnaush $\sqrt{khshnu}$
	خوشنودی فراشیده شده ، آوازه ، شهرت
	Frasruidyai $\sqrt{sru+fra-}$
شایسته ، درست ، راست	erethwō
زندگی ، جان	ahum
وسایل زندگی ، ماحول ، گیتی	Gaetha
پیش رفت ؛ فزو نی	
Frādat+ $\sqrt{dā}+Frā-sk$ $\sqrt{pra+dha}$	
سنجدیده ، سنجدیدن -	mehmaidi $\sqrt{man}$
دوست صمیمی ، دوست نزدیک	
Hush hakhaim	

dangra	دوراندیش
mantū	مشاور ، نکهبان ، حامی

## سرو ۵۶ بند ۱۶

### سرو ۵۶ بند ۱۸

yaosh	کاملاً	
ishtoish	سلطه، شاهی، خوشبختی، تملک بر گزیدن ، پیمان ، چیدن	
choishem $\sqrt{chi}=ki=sk \sqrt{chi}$	دشمنی ، نفرت ، کوته	
āsteng	نفرت ، مخالفت	
astai	خودرا دادن ، تصمیم	
Daidita $\sqrt{dā}=sk \sqrt{dha}$	بر گزیدن	
$\sqrt{var}$	اراده ، خواهش	
Vārem	دراهمدی ، خوشود کردن	
Khshnaoshemno $\sqrt{khshnu}=$	Khrateush	خرد
Vichithem	بر گزیدن ، تصمیم	
mananhas	نفس	

aredraish	با - همراه	
Idi	بر و	
این نام همسر زرتشت نیز بوده - پدر جاماسب	و فرشا و شتره دارنده گاوان خوب -	
Hvogvā $\sqrt{Hu}+gu$	بن بان بهلوی حبوب	
usvohi $\sqrt{vas}=sk \sqrt{vas}$	می خواهیم ، خواستن	
ushta	سکون باطنی ، روشنائی ، خودستی	
بمفهوم زیست جاوید ، وجود ، همیشه ، جاوید	Stoi	رفاقت ، یکسانی ، همراهی
hachaitē $\sqrt{hac}=$	سلط ، شاهی	
$\sqrt{ish}=sk \sqrt{ish}=$	تصرف ، تملک	
ishti	فر ، بزرگی ، فزونی ، بالمدگی	
Varedemām $\sqrt{vared}=sk \sqrt{vrđh}-$	Shāeti	میماند
Yathra	آنچا که	

### سرو ۵۶ بند ۱۹

Ye moi	(پرای من) آشکار میکنم
Haithim	به راستی
Hachā	از
Vareshaiti	بهورزد
به لهجه هخامنشی Vashna - اراده بنابر اراده	
Vasna=	بموجب اراده - خواهش
تازه ترین - نو - جدید ترین	
Farāshōtemem	
hanentē $\sqrt{han}-$	سزاوار - شایسته

### سرو ۵۶ بند ۱۷

این کلمه را دکتر ایرج ناداپور والا از خود
افزوده که سیلا بکم نشوند من (azem)
کار و بیکاری ، ناپیمانی ، پیمان
afshmani-ana fshmani
دا - نده اسب تربیت شده
دانان - نادان
dathem-adathem
کفنه کارهای فوق العاده ، آموختن
$\sqrt{dāh}=sk dams-$

Chisti	دانش، اندیشه
hvō	فقط ، تنها
Pta (pata)	آفریننده ، اصل ، علت ، پدر (آفریننده)

zندگی اخروی - زندگی آینده
parāhŪm (Para-ahum)
ارمان ، آرزوی دل
اشاده به مادرگاهی - جفتگاو - آستن شده
Gava azi

### سرو ۵ بند ۳

spento manyeush	نفس باک
tvem ahi pta	توهستی پدر (آفریننده)
ahmai	به او ، به ما

کیتی شادی آور نده

#### Gām rānyo skeretim

hem-tshat	/tash+	ساختن - ساخت
hem=sk	/sam+taksh=	
vastrai	نکھانی ، شبانی	
Rāma da	رامش دهنده	
peres+hem=sk/prch+sam	/ مصاحبه	
hem Frashta	هم پرسش	

### سرو ۵ بند ۴

rāreshyantē	خود را آزاد بده شمردن ، رها کردن
itha	جنین - بقینا
ashaune	نهک
kaseush-chit	کم ، کاسته ، کم مایه
nā	مرد
kathe-anhat	تمایل ، خواستن
ishvā chit	اما خداوند
hās	باشد ، هست
paraosh	فروتنده ، پرمایه ، پر
Akō dr̥g vaitē	بدمودشود ، به بدان موکراید

نيك ترين انديشه - بهترین انديشه
mananha-vahishta
شیا اوتانا
vachanha
تندستی ، بی نقص ، کامل ، بی نقصی
Haurvātā
Ameretātā
khshathra
armaiti

### سرو ۵ بند ۴

Ahya	این
	باکترین نفس
spenishtahyā manyeush	
aeānŪ	بنابر ، به موجب ، بر طبق
hizvā	زبان
ukhdhaish	سخن‌خانی که
Zastoibya	دو دست
verezyat	به انجام رساند ، ورزد
ōyā	یگانه - یک

## سر و د ۴۸۵ بند ۱

adaish	پاداش
venghaiti $\sqrt{van}=sk \sqrt{vah}$	پیروزی
asushuta	یافتن
daibitānā	دروئی
Fraokhta $\sqrt{vach}+Fra-$	اعلام ، فراگفتن
ameretaiti	برای همدمان ، جاوده
Daevaish-mashyaish-	دیویسی و مردم آنها
Savaish	خوشبختی ، برکت ، سعادت
Vehmem	پرسش
Vakhshat	افزون خواهد شد

## سر و د ۴۷۵ بند ۵

ashāunē	مزدیسنی ، نیک
choish $\sqrt{chi}-ki=sk \sqrt{ki}$	پیمان ، آموختن ، تربیت دادن
chi-cha	همه اینها
Hanar $\sqrt{kaish}=$	کامیاب ، بهرمند ، پاداش
Zaoshāt	محبت ، مهر ، جوش
Bakhshaiti $\sqrt{Bakhsh}=sk \sqrt{Bhakshi}$	بهرمندشدن ، بخش ، بهرمه
akat mananho-	نفس بد ، اهل بمن ، بدمعنی
ā shyas	سکونت ، ماندن
ahya	از (عمل) خود او

## سر و د ۴۸۵ بند ۳

vaocha moi	بگو بمن
vidva	میدانی
para hyat	پیش از آنکه
meng $\sqrt{man}-$	در ذهن من ، ذهن
pertha	کشمکش
venghat $\sqrt{van}=$	پیروزی
Vista $\sqrt{vid}=$	نشانده ، دانستن
jimaiti	مقصد ، تجدید کار ، صورت واپسین ، پیام
ākeretish	آغاز خواهد شد ، خواهد آمد
vanuhi	بزرگ

## سر و د ۴۷۵ بند ۶

ta da	این که خواهی داد
vanha	نصیب ، بخشش ، بهره
Ranvibyo	دو گروه مخالف
$\sqrt{vi} dae=sk vi+dha$	تعیین کردن
vidaite	معین میشود
pourush	یاری ، فزوئی ، بزرگی
(de) bazan hā $\sqrt{vaz}=sk \sqrt{bamha}$	بسیار ، بس
ishento $\sqrt{ish}=sk \sqrt{iech}=$	خواهش
vauraite $\sqrt{var}=$	در آمدن ، گردیدن ، بگزیدن ، بازگشت

### سروود ۴۸ بند ۳

khshantem	شاهی <i>V khshi-</i>	دانشمند
mā ne	نه بما	آموزش
dush - khshathra	شاهی به	بیاموزد، آموختن
Hu khshathra	شاهی خوب	sāsti <i>V sāh=sk V shas.</i>
Vanhuya	نوك، خوب ، به	آموزگاران....(مرموز)
chistoish	آموزش ، فکر، اندیشه	<i>V guz=sk. guh</i> پنهان کردن، پوشاندن
	به تکمیل رساندن - کامل کردن - وقف کردن	ارادتمند بهمانندتو، از تو، گرویده به تو
yaoz - dā	مرد ، بشر	توسط داش و هومن - الهام ایزدی
mashyai	از ولادت ، در زندگی	khrathwā - mananho-
Zathem	گیتی ، گاو	خداآندادانش (یکی از القاب و هومن)
Cavoi	نکهداری ، شبانی ، در زندگی	yae-chit هم آنکه
verezyatham	فریهی ، بالیدگی ، پروردش	
Fshuyō <i>V Fshu</i>		سروود ۴۸ بند ۴
khvarathai	روشنائی ، خوداک	

### سروود ۴۸ بند ۴

ne	برایما ، ازما	ساختن ، دادن
	جای سکونت ، سایه بان ، پناهگاه ، کشت	دل ، نفس
Hushoithemā <i>V shi=sk V kshī</i>		بهتر ، به ، خوب
utayuitim	جاوید ، بی دربی	بدتر ، بد ، نه خوب
dāt <i>V da</i> داده	دادن	وجودان
tevishim	توانائی ، نیرو	سخن ، واژه
bereskhdhe	گرانها ، گنج	دوستی ، جوشش
urvara	سبزه - گیاه	خواهش ، اراده
vakhshat	پوشش ، بالیدگی	خواسته ، برگزیده
Zathoi	از زاد - از برآمدن	تابع ، یکسان
Pouruyeshyā	از ازل - از آغاز	دانش ، خرد
		پایان ، انجام
		واضح ، آشکار ، ممتاز خواهد بود
		nanā - anhat

aredreng ishyā		anheush	جان ، زندگی
javarō	ستجش ، یاری کردن		

## سرمه ۴۸۵ بند ۹

kada	درجه زمان — کجا	paiti. remem	بوروی ستم
vaēdā	به یقون خواهم دانست		سخت استادگی کنید — پولادین باشود
yəzi	اگر	paiti syōdum	در خشم
chahyā	بر هم	ni aeshmō	تحت تسلط ، در تسلط ، دوری
khshyatha	شاهی میکند	ni dyatam	استوار گرفتن ، استوار داشتن —
aithish	دوسیه ، نقشه ، اندیشه	Didraghzoduye <i>V</i> draghza=	
dvaēthā	تهذید	sk. <i>V</i> drth	
	آشکار شدن	پوستگی ، چسبندگی ، فروزی =	
ucham <i>V</i> vach = Erezucham	سخن گفتن	vyām	گستردن
Eresh mōi	به راستی به من		علاقه ، بستن
	نمونه ، نقشه اندیشه ، طرح ریزی ، بافت	hithaush = sk.setu = <i>V</i> hāy =	
Vafush <i>V</i> vat	باید بداند ، میداند ، خواهد دانست	nā	آموزگار ، جوانمرد
vidyāt	سعادت روان خواهد شد ، خوش بختی ، کامیابی	dāmām	مردم ، گروه
	حست ، بر کت حست ، سعادت حست (عملی میشود)	Thwahmi	از تو
ushish anhat		dām	منزل ، جا ، مکان

## سرمه ۴۸۵ بند ۱۰

mānarōish	پیام ، برای انتشار	ka	چه
	سوشیت ، باوران ، قهرمان ، جوانمردان	vanheush	خوب ، به
narō	نژدیک شدن ، یافتن ، رسیدن ، دانستن	ishtish	اشتیاق ، آرزو ، خواهش
visentē <i>V</i> vid = sk. <i>V</i> vish		ashoish	به نظر آوردن ، شناسائی

## سرمه ۴۸۵ بند ۷

			خوش به ارادت میدان — خوش به گردیدگان

## سرمه ۴۸۵ بند ۸

ka	چه
vanheush	خوب ، به
ishtish	اشتیاق ، آرزو ، خواهش
ashoish	به نظر آوردن ، شناسائی
aka <i>V</i> Kās = sk. kas	

ادای وظیفه ، رضایت ، خوشنودی  
پیروی ، هم رنگی ، بکسانی  
**hachante**/*hach-hak*  
دستور ، فرمان ، آموزش  
تمیین نمودن ، نامزد کردن ، آفریدن ، دادن  
**dāta**/*dā*= **sk**/*dha*  
 نسلط ، پیروزی ، چیزهایی  
**hamaeshtarō**/*maēd+ham*  
 ایستادگی در رزم = **mith** = *mīth* یا از  
**aeshemahya** برخشم - از خشم

### سرو ۵۹ بند ۱

**Pafrē** مانع شدن ، گذرا کردن ، مخالف  
Dush - *erethrish* گمراه - راه بد  
**chikhshnushā** آرام ، راضی ، خوشنود  
**vanuhi** به ، حوب  
**ādā** (لقب ایزدایی و نویی) پاداش ، بخشش  
گام بردارید - بیایید  
**Galdi**/*gam-sk-gahi*  
**arapa** بی آزار ، مهربان ، باری  
**aeshō** رخشنده ، شکست  
**vidā** یافتن . رسیدن  
**yava - ahya** همواره - از او

### سرو ۵۹ بند ۲

ذکر آنی ، اندیشه ، فکر  
**mānayeiti**/*man=sk.man*  
**Tkaeshō** کیش ، آموزش ، آموزگار

از میان بردن ، تباہ نمودن ، زدن =  
**ajen/zan+a**=  
ادرار ، کثافت  
حمافت ، هستی ، شیفتگی ، تحمیق  
**madahya**  
**angraya** نیت بد  
فریب دادن ، به خود کشیدن ، جلب کردن ، منظره ،  
**urupayeinti**/*rupa* هیکل -  
نام تهمورت نیز از دو کلمه ادوپا + هیکل -  
اندام و تهم یا تخم = توانا ترکیب شده و  
مفهوم آن دارای هنظره یا اندام نواناست .  
**khratū** (خردید) خرد  
**dushekshathra** ورماده بد - خداوندید  
**dakhyunām** دهها ، کشورها

### سرو ۴۸ بند ۱۱

**jimat** می آید/*gam*  
**Husheitish** جای خوش - جای امن  
سايهبان - چراگاه - پناهگاه  
**Vāstravaitē**  
**khruraish** = خونخوار/*sk krura*  
**Rāmām** امن ، رامش  
برداشت - گرفتن  
**dānte**/*dā*= **SK**/*dha*  
**kēng** به آنکه  
**chistish** بصیرت - دانش

### سرو ۴۸ بند ۱۳

خواهند بود  
یاور راستی ، نجات دهنده  
**anhen**  
**saoshyant**

Hizubish	بر زبانها	Dregvā	دیویسني، دروغ، ناراست
Fshyaru	یاوران، دوست چرنگان، شباني	Daibita	دوني، ريا، دوروي
	ماون، دشمن چرنگان، ناشيان	Rāreshō $\sqrt{rak}$ =	دور شده، رها شده نکه داشتن - بر گرفتن
Afshuyanto		Doresht $\sqrt{dar}$ = ak $\sqrt{dhr}$	
Hvarshtaish	ورزنه بد، بد کار	Ahmai	براى او (اشاره به اشا)
Dān	مکان، جا $\sqrt{dan}$ = بارى كردن، بر گرفتن	Stoi	همه زمان، هیچ گاه، همواره
Daena	باطن، اندرشه باطن، وجودان		بیوستگى، پرسش و پاسخ، مصاحبه، مشورت
Vās	خواهش، آرزو، اشتياق	Frashta	
khvaish	از خود آنان		
yōi	او که		

### سرود ۴۹ بند ۵

iza	کوشش، ذوق
	کوشش باطنى، باليدگى، فراوانى، فربه
azuitish	
daenām	وجودان، دين
sarishtay $\sqrt{sar}$	اتصال، پيوستگى
Huzentush	دانان، تميز دهنده خوب
Taish	آنها
Vispaish	همه
	قدرت ايندی، اراده ايندی. خشتری تو =
ThWahmi	khshathrōi

Ahmai	اینهاهمه
varenai $\sqrt{var}$	بر چویدن، بر گزیدن
Nidatem $\sqrt{dā}$	دادن، نهادن
	باليدگى، فروزنى، سود
Suidyal $\sqrt{su}=sk \sqrt{sdu}$	
Tkaēshāi	کوش، آموزش
Rāshayenhē	بالغ شدن، رسن، آزار
Drukhsh	اهر، يمنى، ناراستى، باطل
Sarē $\sqrt{sar}$	آرزو
Antare mruyē	احتر، از گردن
Vispeng	همه
Hakhmeng $\sqrt{hak-hach}$	همراهى، دوستى

### سرود ۴۹ بند ۶

Fro fraeshyā	خواستارم، التعاس ميکنم
Mruite	آشكار كنيد، بگوئيد
	به اراده شما، به علم شما، به خرد شما، در خرد شما
khshmakahya khratesh	
Eresh	صحيح، راست، درست

	بدبيشى، اراده بد، خرد
Dush. khrathWa	
aeshmem	خشم
Rāmem	رشك

### سرود ۴۹ بند ۷

نیرو ، اراده ، خشترپاک ، اراده ایزدی	
Vanhāu khshathrōi	
برای همه زمان yavōi vishāi	
بسیار گرامی ، الهام‌آور ، دوست داشتن Fraeshtānhō پیام بران	

ā mananhō	اندیشه، طرح، نقشه
=	آموخته شود. اعلام گردد؛ شنیده شود
sravāyaemā √sru=sk √sru	
امتیاز دادن. برگزیدن، چون vichidyāe √ch + vi=sk vi-chi	

## سروود ۴۹۵ بند ۹

Sraotā	بشنود ، گوش دهد
Sasna	آموزش
Fsenghyō	ناور - فزو نی دهنده
Sūy ē=√su-	سود، بالیدگی آفریده شده، ساخته شده
tashto/ tash = sk/taks-	
Saram	نیزدگی . پیوستگی
Didas/da(y)-	توجه ، دید
hayt	تاكه
Daena	و جدان ، دین
yujen	به پو ندد ، چفت گردد ، بو غشود
mizdē	پاداش ، مزد
asha-yukhta	جفت به اشا ، پیوست به اشا
آغاز عصر زرتشتی رستاخیز ، آغاز زمانه جدید	
yāhi	آغاز ، برآمدن

## سروود ۴۹۵ بند ۷

Sraotū √sru-	بشنوید ، شنید
Gūshvā/ gush-	شنید ، گوش دادن
Airyama	طبقه دوم از جامعه مزدیسنی
ورزندۀ طبقه سوم جامعه مزدیسنی، کارگر	
Khvaetush	طبقه اعلای جامعه مزدیسنی
Verezanai	بنابر آئین زندگی میکنند، بنابر آئین هستند
Dataish anhat	
ye	تا که
/namoneh ، یند ، رهنمائی، شهرت	
Ferasastim	

## سروود ۴۹۵ بند ۸

Thwahmi ā dām	در اندر و مکان، تو
uruna	روان
ashaunām	نیکان
nemas	خانه
ize	آرزو ، ذوق باطنی
ارادة ایزدی ، خشتر برگ ، نیروی ایزدی ،	

Ferashaoshta	نیزد پیومن سیه ارگرامی و مرادر جاماسپ بود
بن رگن بن شادی ، بن ارنده ترین ، ناسعادت ترین	
urvazishtām	
Dā	د
Sarēm	پیوستگی
yāsā	به هندی آسا - التماس ، آرزو
maibya	به کسان من ، به من دمن

vahishtem	دهشت ، بهترین	maza khshathra vazdanhā Avemira	نیروی بزرگ یاری ، همراه ، پیوسته به شاشت ، با خنده رونی ، دوستانه
-----------	---------------	---------------------------------------	---

## سرود ۵۰ بند ۱

kat	که
mōi	ازمن
urva	روان
ise /is	نفوذ ، تسلط ، شاهی
chahya	بریکی
Avanhō	یاری
paseush	پیرو ، رمه
Thratā / Thra =sk / Tra	حامی ، یار
visto / vid	دانشمن
anyo	جز ، دیگر
ThWat	خودتو
	به ایمان خوانده شود ، به صدق دل خوانده شود ،
azda zuta	به راستی خوانده شود

## سرود ۴۹۵ بند ۱۱

Dush – khshathreng	بدکاران
Dnsh – shyaothneng	بدسختان
Dvz – vachanhō	بددینان ، بد و جدانان
Duz - daenēng	بد
{ Akaish	بیش ، بصیرت ، غذا
{ khvarethaish	کم بیش ، بی بصیرت
	روانها پس می آیند ، روانها بازگردند
paiti urvanō yeinti	یقیناً ، به راستی
Haithya	ساکنان ، مانندگان
astyō	

## سرود ۴۹۵ بند ۳

Rānyō sKeretim gam	شادی آور نده گوچی
	آرزو ، خواستن ، خواهش
ishasōit / ish = sh / is – iech –	
Vastrvaitim	جای امن ، چراگاه
stoi	جاوید ، همیشه
	خواست ، خواهش
usyāt / vas = sk vash	
Erezejish	راست در زندگی
	روشن از خور ، پوئندۀ خور

## سرود ۴۹۵ بند ۱۳

zbayente / zbay = sk hve	به زبان آوردن ، دعا کردن ، خواندن
avanho	یاری
kat	جه
	عزیز ، گرامی
Frinai / Fri = sk / pri –	
	پرسیدن ، الشناس کردن ، خواستار شدن
yāsas / yas	خواست . خواهش
ishtā / ish = sh / ich	تملک

Seraośhānē گوش دهد، شنود

Hvarē pishyasŪ

جای آشکار

ākā steng

خواهی بخشد

Nishyāsyā خواهی داد

دانشمند، مردم نداد

Dāthem

مکان

Dāhvā

برای خود

ahmai

## سرود ۵۰ بند ۵

Arōi	جهان اعلیٰ، جهان بلند، آنجهان
khshmā	ازشما
hyat	جون، هرگاه
(yishmakai)	بسه خواننده سرود به شما
Māthrāne	الفاظ سرود - خواننده سرود
aibi dereshta	درست دیده مشود
avishyā	بیدید، آشکار
Zashta ishtā	خواهش نزدیک، دم دست
Khvathre	روشنائی
	رهنمای خواهد بود (نه مکان)
dāyāt /dā=sk /dha	
vaorazathā	شما شادی می آورید
avanha	باری

## سرود ۵۰ بند ۳

Anhaiti /ah	خواهد آمد
Choist	پیمان کرده ای
Ashoish	برکت، نام ایزدانوی سعادت
Aojanha	
Varedayaētā	پیش رفت، بالایدگی
Nazdishtām	نزدیکترین (خوبیشان)
gaethām	زهین، گیتی
	به تصرف درآور، مده، به بخش
Bakhshaiti	
dregva	دیوبستی، ناراست

## سرود ۵۰ بند ۴

mathrā vachem varaiti	خواننده یا سراینده سرود - آواز برآورد
urvatho	دوست شود
nemanha	نمار
Dātā khrataush	دهنده خرد
hizvō	زبان
raithim stoi	راه - همواره
mahya	بهمن
	اصول دین، اصول رهنمایی، روش
Razeng /rāj=sk /rāz	
Sāhit	بیاموزد

## سرود ۵۰ بند ۴

stavas /stu=sk /stu	ستاد، ستودن
	جویندگی، خواهش
isho /ish=sk./icch	
ā Paithi	بر راه
stanhat /sta	تو نف کند، ایستاد
	الهام شده، آنچه بنارادت مند پیدا شده -
Ākā aredreng	
Demane Garō	بهشت، مکان نعمه

nemanhā	نماز
hunaretātā	هنرمندانه ، دانش‌شکفت‌آور
izayā	وجودانی ، اشیاق باطن

## سرود ۵۰ بند ۷

### سرود ۵۰ بند ۹

taish vā	این بشما
yasnāish	سرودها
stavas	ستایش
paiti ayeni	بازگرده
yadā	هرگاه ، چون
vase Khshye	کاملا رسیدم ، یافتم
Mahyā	ازمن
	پاداش ، هدف ، مرام . سعادت ، بخت
ashoish	
Hudanaosh –	درست ، دانش خوب
ادراك (y) /dā	ادران (ما) ، برترین دانش ، بصیرت
ishyās /ish	آرزو، خواهش
Gerezda /gered = sk.grdh	آرزو، التماس فریاد – یوستگی سخت
khyēm-Hyem /ah = sk / syam	بشو،

Zewishtyeng	سزاوار تبرین که خوانده شوید
حافظ آزادی ، نگهدارنده آزادی تندرو تبرین	
اسهها ، اسسهای فره	به یافتن ، کامیابی ، پیروزی ، اشاره
urvato (aurvato)	
Jyaish	در آئید، بیائید ، بل ، در آمدن
pēretush	ستایش پرستش
vahmahye	بهشما
yushmā – Kahya	(ای مزدای) توانا
ugreng	تاکه
yaish	پوشای (ما کرده)
azāthā	شما بشوید
khyātā(hyātā)	یاد ران (ما)
avanhē	یوغ ، جفت کردن،
ishyās /ish	یوچ ، می بیوندم ، جفت
yaojā	میکنم

### سرود ۵۰ بند ۸

### سرود ۵۰ بند ۱۰

Vareshā	می ورزم ، ورزیدم
Pairi aish	گذشته آینده ، پیش و پس
chashmām	چشم
arejat	ارزشمند ، ارجمند
Raocha	اشمه (روز)
khveng	خوردشید
asnam ukhsha	در بر آمدن روز

mat	به ، با
padaish	قطعه از سرود ، پا ، شعر
vā	بشما
Frasrutā	شایسته شنیدن ، فراشیدن
pairi jasāi	فزدیک میشویم
ustāna zastō	دستها را گسترد ، دستها را بلند کرده ،
aredrakhya	به گرویدگی ، به ارادتمند ، به ایمان

iza chit	ذوق و شوق باطن	aerush	ملایم ، لطیف
antare-charaiti	فعالیت اندرونی	Vahmai	ستایس ، پرستش
vahishtem	بهترین	yacha	آنکه
nu chit	اکنون و همیشه	khashmakai	برای (فر) شما
	خواهیم ورزید ، کوشیدن ، ورزیدن		
Vare shāne			

## سرود ۵۰ بند ۱۱

### سرود ۵۱ بند ۲

Paourvim	از ازل ، او لا ، از آغاز
Taibya	بsuma
	نمایید ، نمودن ، نشان دادن
Dōisha $\sqrt{dish}$ = sk $\sqrt{dis}$	نیروی اراده
ishtoish Khshathrem	Khshmākem
Vahmāi	برستش ، پرستنده
Savanhō	نجات ، سعادت ، آزادی

### سرود ۵۱ بند ۳

Geush	گاو ، گوشتی
	متفق شوند ، همراهی کنند ، بهم می‌آیند
Hemyantū	
yōi	آنکه
shyao thnaish	در کارشما (همراه) هستند
Hizva	آموزش ، سخنان ، زبان
ukhdaish	سخنان
yaēshām	ازینها
Paouryo	از آغاز ، از ازل
ta	تو
	آموزنده بودی ، آموزنده هستی
Fradakhshta ahi	

staota	ستایش
anha	خواهد بود
	اعلام نمودن ، آشکار کردن =
aojai $\sqrt{uj}$ – ug = sk $\sqrt{uh}$	تازمانیکه
yāvat	دهنده زیست . آئین زیست
dāta anheush	به انجام رساندن ، بجا آوردن ، عملی کردن
aredat $\sqrt{ared}$ = sk $\sqrt{rdh}$	داشت کردن ، کامل نمودن ، تکمیل
haithyā varəshtām	که مشیت ، که اراده
	که تجدید کامل ، چنانکه اراده (ایزدی است)
	Feroshotemem
	توانایی دارم و اراده دارم =
Tavacha isai cha	

### سرود ۵۱ بند ۱

Vairim	گرانها ، برگزیده
Bagem	مخشن
	رساندن ، آورده شدن ، بهترین صورت نقل می‌شود
aibi – bairishtem	خود را تقدیم کردن ، بجا آوردن
	vidishemnāi

khshyās	خواهد توانست	توحید مساعی ، همکاری ، همراهی
	آشکار کند ، پدیده گردد ، نشان دهد	
Chishta		Sārentē
ashivā	سعادت بیاورد ، خوشبختی بیاورد	

## سرو د ۵۱ بند ۴

### سرو د ۵۱ بند ۴

vahyō vanheush	از به ، بهتر
dazdē	می‌سازد ، می‌دهد
Hoi rādat	او که ایقامه کند بخت ، هدف ، دهره ، برگزیدن =
Varai / var	
akāt ashyō	بد ، بدتر
noit vidaiti	نمی‌بروراند
apemē	در انجام
anheush	زندگی
urvāesē	آخر ، واپسین

kuthra	کجا
aroish / arī	پارسا ، مهربان
	در کنیه بیستون Araika (دشمنی) نفرت ،
	دشمنی = / arī =
Fseratush	پاداش ، محبت ، شبانی
merezdika	مهربانی ، آموزش ، بخشش
	توجه ، واقع شود ، یاری ، روان
Akhshtat	
yaso hyen ashēm	اشارا خواهند یافت
Spenta	پاک
Thwa	از تو

### سرو د ۵۱ بند ۵

Gām tashe	سازنده گیته
apas cha	آبها
urvaras cha	کیامها
Tevishi	توانایی (روانی)
utayuiti	جاوید
	پاکترين گوهر ، پاکترین هاینیو، سپتامهاینیو
Spenishta mainyu	
Senghē	قضاؤت ، فرمان ، سخن ، آموزش
Daidi mōi	عطایکن ، بمن بده

vispā	همه
Peresas	پرسده
yatha	چنانکه
	چگونه زندگی اشائی به بورد
gām vidat ashat	
Vastryo	یاری ، حمایت ، شبانی
ereshvō	نهکان ، نیک ، راست
shyas thnaish	کارها
Hās hukhratush	دانش نیک "یافته"
Nemamhā	از فروتنی ، از نماز
Dāthaeibyō	بعد انشتمند
	آموزنده راستی
Eresh ratum ḥā ratush	

ashavanem

راستان ، نیکان

## سروز ۵۱ بند ۱۰

nā	مرد ، جوانمرد میکوشد فاسد کند ، میکوشد بعیر اند
merəkhshaitē	
anyāthā	عکس ، دیگر
ahmāt	بهاین
dāmōish	دنیابی
hunus=sk sūnu	هـ انگلیسی son فرزند (دروغ = drujō = ضعیف العقل ، نادان
duzdā	همه این چنین
yōi henti	برای کسان من
maibyō	که باید (آمدن رفتن)
gatē /gam—	امهور و سعادت
Vanhuyā ashi	خواهد خواند
zbayā	

## سروز ۵۱ بند ۱۱

urvatho	دوست
nā	جوانمرد ، مرد
مشورت میکند، هم سخن است، ارتباط دارد، پرسید	
afrāshṭa/Peres+ā=	
achista	تصمیم است ، میشمارد
magāi	نام انجمن زرتشی
Ereshvō	نیکان ، راستان

## سروز ۵۱ بند ۸

vakhshye	خواهم گفت ، اعلام خواهم کرد
vidushē (mruyāt)	بدهانشمند (mruyāt)
dregvaitē	ناراست ، بدخشی ، بخت بد
akōyā	اعتصام ، جسبندگی ، بیوستگی —
Dādrē /dar=sk /dhr	واژه پاک
mathra	شاد خواهد بود
shyatō	خواهد گفت ، اعلام خواهد کرد
mruyāt	روشنائی ، خودستی
ushta	اعلام میکند ، میگوید
mavaiti	

## سروز ۵۱ بند ۹

yām	این ، جه ، که
khshnuteṃ	پاداش ، خوشبودی
Rānoibya	دوگروه مخالف dā
Thwa athra	آتش تو
sukhrā	برافروخته ، سرخ آزمایش سخت ، فلز گداخته
ayenhā khshustā	(نشان میدهد ، اشاره میکند) رهنماست
aibi	احساس وجودی ، احساس روانی ، حس باطن
ahvāhū	نشان مهدی ، اشاره میکنی
dakhsṭem dāvōi	
dregvantem	ناراست را تباهمیکند ، ریش
Rashayenhē	میکند
Savayō	سعادت خواهند یافت

chinvato Pereta

چائیکه بد از خوب ممتاز می‌شود . پل چندو

سرو د ۵۱ بند ۱۲

سرو د ۵۱ بند ۱۳

urvata-uṛvatha	احکام
Dātoibyas cha	نیز آئین (داد)
vāstrat	شبانی - نگهبانی
Gavōi	زمین - جهان تن - مادر گیتی
arem	احترام گذاشتن - فرمان بردن
aroish	به پرستنده
senda(ā)	بوشاندن - فریبند
	آموزش ، قضاوت sengho
senghaish	درانجام
apemem	مکان ناراست ، مکان دروغ
drujō demāne	گذاشتن ، نهادن
ādāt	

Khshnaush	رضایت ، خوشبودی
vaepayō	بمعنی دشنام این کلمه را مترجم به لوح غلام باره ، ترجمه کرده ، دور وئی ، فریب خوردن
Peretō	در گذشت ، مرور
zemo	جهان ، زمین
	(کلمه دو معنی است) کامیاب شدن ، بالیدن ، مانع شدن
urUraost	
ashtō	سایه ، نجات ، پناه
	فعالیت ، جنبش ، تحرک ، چریدن
carata s-cha /char	
aoderesh-cha	اشتیاق ، ذوق
zoishenū	خوش
Vāzā	همت ، خلق ، نفس

سرو د ۵۱ بند ۱۳

سرو د ۵۱ بند ۱۴

choisht /cki - Ki	کنار گذاشتن ، پیمان
para	آن و
jasat /gam	= رسیدن ، بافن
savaish	سعادت
choishi	قصد ، طرح کردن
mizdem	پاداش ، مزد
magavabyō	برادری مگا
Garo demāne	مکان نفمه ، بهشت

meredaitē	میهمرا ند ، تهاء میکند
/mered.	مرگ
daena	وجودان ، دین
haithim = sk. satyam	راسی ، راست
erazaosh	راه راست
	خش - ملامت ، سرزنش =
khraodaiti /khrud =	
Ākā .	پدید گردد ، آشکار شود
hizvas	سخن ، زبان
shyacothanaish	کار ، عمل
	گمراهی ، کجر وی ، راه کج ، ناراست
nāsvā /nas = sk. nash - patho	

## سرو ۵۱ بند ۱۶

ishtoish	آرزو ، اشیاق ، نرود
khvarenō	روشنائی ، فرشاهی
varente /var	پرگزیده ، جیده —
vidō /vid	دانستن ، یافتن
hyat	تارکه
Rapen /rap	ارادت ، پنهانندگی ، پیوستگی —
chishtim	داش
Daidī	بده ، به بخش

Tām	آن ، این
khshathra	(نیروی ایزدی) نیرو
maga	احوت زرتشتی
nāsat /nas =sk nās	یافتن ، رسیدن
padebish	سود ، نعمتسرانی ، راه
manta /man	اندیشیدن ، طرح کردن ، اندیشیدن
sazdyāi	آموزش ، رهنمایی
ushta	روشنائی ، خورستنده

## سرو ۵۱ بند ۱۹

Ahmai	آنان ، به آنان
	خواهید داد ، و قسمیکنی خود را میدهی
Dazdē	
ahum	که به زندگی در باطن احساس کند ، وجود آنها بداند
Daenaya vaedemnō	
ishasas	میخواهد ، میکوشد
aibi (ahum)	بسوی زندگی
Dātā	آئین ها
mraot	خواهد موخت ، خواهد گفت
gayehyā	به زندگان
shyaothnaish	به عمل
vahyō	بهتر

Berekhdhām	قامتی ، گرانبها
Hvōgvō	نام خانواده جاماسب و فرشاوشتره
Daedōisht	نشان دادن ، تسلیم ، اشیاق
kehrpem	نفس ، ذن ، کالبد
Daenayāi	وجود آن ، دین
vanhuyāi	به ، خوب ، پاک
yām hōi	این او را
	خواهش را بدهد ، آرزو بدهد
ishyām dātū	اعتصام بخشش ، پیوشن
Gerezdem /gered-sk.grdh	رسیدن ، یافتن
azdyāi	

ashim سعادت  
yāsā آرزومندم، خواستارم، دعایمیکنم

## سروود ۵۱ بند ۳۰

### سروود ۵۱ بند ۳۲

Paiti	همه، هر یک
anhare /ahr	بودند
henti	هستند، وجود دارند
yazai	محترم، ستوده، گرامی بنام خودشان، بنام خویش
khvaish nemenish	
pairi	به سوی در هنر نماز: مهدازد یا می‌شناسد
yesne paiti Vaeda	
jasai	خواهید داشت، خواهید سوت
vantā	به ارادت
yehyā	به او که

Tat ne	این‌جا
Hazaoshanhō	هم‌جوشنس، یکدل، هم‌اراده
dr̥ بعضی نسخ vipanho بمعنی همه	
vispanho	
Daidyai /da	به‌دادن
savō	سعادت، خوش‌بختی
ukhdhā	آموزش، سخن
yaish	بدان و سبله آرزومندیم، خواستن، آرزو کردن—
chagedo/chag	ستایش کنندگان، پرسش—
yazem nanhō/yaz	
nemanhā	بانماز، بازیاز
Rafedhrem	برکت، سعادت

### سروود ۵۳ بند ۱

ishtish	خواهش، آرزو
sravi	کامیاب‌گشت، شنیده شد
āyapta/āp+a	بعخش، یافته
hvan hevīm=huranhū	زندگی خوب
yavōi vispāi ā	برای همه زمان مخالفت؛ فریب =
Daben/dab= sk/dabh	
sashken/saK	آموختند
Daenayā vanhuya	به‌دین، دین به

nā	ارادت‌مند
spento	پاک
hvō	او (یقوننا)
chisti	اندیشه، دانش
ukhdaish	آموزش، سخن
shyaothanā	عمل، کار
Daena	دین، وجودان
spinvat	موکسترد، می‌افزارید
ashem	کارآشائی، راستی
dadāt	به‌بخشد، بدهد
Tem vanuhēm	برای چندین این‌زدی

## سرود ۵۳ بند ۴

Zi.sK.hi	برای اینکه
	غورت ، شوق ، باستجش ، عمدأ
speredā /spered=sk.Sprdh	برگزیدم ، برگزیدن
varāni /var	برگزیدم ، برگزیدن
Fedhroi	پدر
	تمدون ، تخصیص ، سوردن =
vidät/dā +vi=sk vi-dha	
paithyaē	خواجه نمان ، خداوند ، خوهر
vastryaēibyō	شبانها
khvaetaovē	خواجکان ، بنرگان
	رخشیدن ، درخشیدن —
khvēnvat /Khvan /khvan	
ashavabyō	پیردان راستی
Hanhush	سود ، میراث
vanhuyai	خوب ، به
yavōi Vispai	چاوید ، برای همه زمان
dadāt	به بخشید ، بدهد

## سرود ۵۳ بند ۵

sakheni /sah =sk/saius	فرمان ، آموزشی ، سخن =
vivaha	بهمندی بیاوه
vazyābyo/vaz=sk/vah	عروضی
ainim	
vademno /vad=	مطلب ، خواننده ، گوینده ، خواستن ، سخن گفتن =
Kainibyo=kaini	عشق ، محبت /kam در فارسی کنونی کنیز

## سرود ۵۳ بند ۳

Scantu /hac-hak=sk/sae	جوئیدن ، کوشیدن
khshnum	خوشنودی
vahmai	پرسش
Fraoret/ver	برگزینند =
	= sk/dhyai —
danho /dā	
dadāt /dā	وقف کرده‌اند ، داده‌اند
spitamo	از خانواده اسپیتاما گویا اشاره به میدیوماه است

## سرود ۵۳ بند ۳

povru-chista	دانش کامل ، کمترین دخت زدشت
yezvi	کمترین - وابسته
dudedrām	دخت
paity āstem	اعتماد کامل
taibyo	به آنان
dāt	میدهد
Sarem	اتصال ، پیوستگی
atha	بنابرین
Hem Ferashvā	ارتباط ، همسخن
thwā	با خود تو
khratwā.	نیروی باطن ، خرد
spenishta	بهترین ، بترین
Hudānū	آگاهی واضح ، بیش واضح - الهام

$\left\{ \begin{array}{l} \text{dr̥ugvōdebyō} \\ \text{jit aretaeibyo} \end{array} \right.$	دروغ پستد ، نفرت کننده از راستی به نفس پی بردن ، دانستن =
<b>anaish</b>	<b>جهنمن</b>
<b>manahim</b>	<b>روحانی ، روانی</b>
<b>ahum merengeduyé</b>	<b>جان رانیاه می‌سازد</b>

## سرو ۵۳ بند ۷

<b>at·cha</b>	بصورت دیگر
<b>mizdem</b>	باداش
<b>anhat</b>	هست
<b>magahya</b>	از مکا
<b>yavat</b>	تازه‌مانیکه
<b>azush</b>	ذوق ، اشتیاق ، جوشش
<b>zerazdishto</b>	باعلاقه‌ترین
<b>bunoi</b>	بنیان ، اساس ، به ویژه
<b>hakhtayā</b>	جفت (زن و شوی)
<b>paracha</b>	معنوی ، خواه ، اعلیٰ
<b>mraochās</b>	عمل شود
<b>aora cha</b>	مادی ، جنسی ، ادنی
<b>(parā) ivizayathā</b>	آیا ترک خواهید کرد
<b>magem</b>	اخوت مکارا
<b>vayōi</b>	وای
<b>anhaiti</b>	خواهد بود
<b>apememvachō</b>	سخن آخر
<b>yathra</b>	هر کجا
<b>nāsat</b>	روان است . وجود دارد

<b>nen·cha</b>	ذهن ، سنجش ، تأمل ، تفکر
<b>mazdazdum</b>	تأمل

به نفس پی بردن ، دانستن =

<b>VaēdodŪm / vid</b>	محبت ، جان
<b>abyastā / yat+aibi</b>	یا

$\sqrt{vah=sk.as+aibi}$  به‌هندی ، ابهیاس - روان کردن

<b>ahŪm</b>	پادشاه نیک
<b>anyo</b>	بده کدام

کامیاب شدن ، برتری جوئیدن ، سبقت

<b>vivenhatv</b>	دراین
<b>/van=sk /van - vivāsatu</b>	حقیقت راستی
<b>Hushenem</b>	جوانان ، دوشیز گان
<b>hōi</b>	کشش ، رهنمای

## سرو ۵۳ بند ۸

<b>ithā</b>	دراین
<b>haithyā=sk.satyā</b>	حقیقت راستی
<b>narō jenayō</b>	جوانان ، دوشیز گان
<b>rāthemō</b>	کشش ، رهنمای
<b>spashuthā / spas=sk / spas</b>	بیان ، تصور
<b>Fraidim / da + Fra = sk.para + dha</b>	سود ، پوشیدن =
<b>āyase</b>	خود را علاوه مند کردن ، رسیدن
<b>tanvo para</b>	دور از خود
<b>vayŪ beredubyō / beret = sk.bhrt</b>	بار رنج دارند — آن‌که در نجع متحمل می‌شوند
$\left\{ \begin{array}{l} \text{nasat. / nas} \\ \text{dush-khvarethem} \end{array} \right.$	روشنانی
<b>khvathrem</b>	تیره ، ناپدید ، روشنانی ضعیف

## سرود ۵۳۵ بند ۹

Dush-varenaish	با گمر اهان، با بد کاران
vaeshō	نفرت
Rasti	رهنماست، موکشاند
Narepish	به محکوم نمودن
Arejish	ارجمندان
Aeshayā	بنده خواهشان نفسانی
jit areta	تحقیر کننده راستی
Peshō-tanvō	در کشمکش تنی، تن آزار دهنده‌گان
jyateush	بانیوی روانی او
ish	آن ازرا
Himithyāt	مبارزه خواهد کرد
vase-itoish	با کمال آزادی، با همه آزادی
	نمک کرداران، نیکان، نیک زندگی کننده‌گان
Erezejyoi	
dāhi	میدهی
vahyo	بر ترین پاداش، بهترین پاداش
Drigasve	افتداده، فروتن

## سرود ۵۴۵ بند ۱

ishyo	گرامی، بسوار مطلوب
Rafedhrai V rap	خوشی، یاری
jantū	باید
	مردان، زنان، جوانان و دوشیزگان
nerebyas - nairibyas	
vairim	بر گزیده، مطلوب
hanāt mizdem	پاداش می‌یابد
yasa ashim	دعا می‌کنم برای خوش بختی
yām ish yam	آرزوی (همه) یا بسوار خواسته شده (از همه)
masatā V man	و موده‌د یا خواهد داد

## سرود ۵۴۵ بند ۸

anaish	به آین ترتیب، چندون
	بدور زندگان — بد کاران
Duz-vareshnanhō	سزاوار فربدب <i>dab</i>
Da fsh nyā	خواهند بود <i>vhah</i>
Hentu	خود را سرزنش خواهند کرد
Zakhyā sk.hasya	استهzae
khraosentāmupā	نیک پیشوایان — راهنمایان نیک
Hukhshathraish	
jē-narām	دوشیزه - جوانان
Rāmām	آرام، امن
dadātū	بدهد
sheitibyō V shya	خوشی، شادی
vizibyō V vis	مردم، شهر —
	ناپدیدشدن، رفتن

iratu ish V ar-sk V ar	رنج، درد
Dvafshō	بسعن — <i>V aarez</i> مسلط، پیروز، بندش، زنجیر
Dereza	
merethyaush	پیروز بر مرگ
mazishstō	بن ترین
moshū	زود، سریع
astu	بازگردد، بیاید

## پایان نامه

به اهورمزدا نماز بردم (ویاری خواستم)  
اهورمزدا مر یاری فرمود  
هدسه سرود ستایش - یا ۱۷ ها.

این است ترجمه و تفسیر هفده یستا که از میان هفتاد و دو یستا انتخاب شده‌اند و در زمان مختلف الهام گشته‌اند. هم چنانکه بوسیله این سرودها زرتشت ملت آریانژاد را برآهراست رهنمائی فرمود، اینها اکنون هرگاه میخوانیم نام زرتشت را در ذهن ما زنده میکنند. بنابراین لازم نیست بدانیم زرتشت کجایی بود چه، زمانی بود، پدرش که بود، مادرش کجایی بود. کافی است در نظر آوریم که این سرودها را یکی سراییده و هدفی داشته و نام بالقب او زرتشتر ابه معنی روشنایی زرین خورشید بوده و چنانچه هفده سرود را موجودی بینیم و میخوانیم و می‌سنجمیم یقین داریم که گوینده آنها زرتشtra نیز وجود داشته.

ترجمه و تفسیر سرودهای گاتا از نگارنده منحصر به این نامه نیست بلکه در نامه‌های دیگر نیز انتشار یافته از جمله: -

(۱) در ایران نامه - جلد اول - تاریخ ایران عصر هخامنشیان که در سال ۱۹۱۳

نوشت آن آغاز شد و در سال ۱۹۲۵ انتشار یافت. اکنون کمیاب است.

(۲) در ایران نامه، عصر اشکانیان. در سال ۱۹۲۱ شـه از جانب وزارت فرهنگ ایران انتشار یافت.

(۳) کیش زرتشتی - عصر ساسانیان در سال ۱۲۵۰ بدچاپ رسید.

(۴) عصر اوستایی . در سال ۱۹۵۰ ش - ه به طبع رسید

(۵) در تألیف بنام *out lines of Islamic Culture*

(۶) در نوشت ایران نامه . جلد اول - به افزودن برخی مطالب و تصحیح بعضی

دیگر - این نامه هنوز به چاپ نرسیده و در سرد ۴۳ بند اول میفرماید :-

( آفریدگار همه موجودات ) روشنائی به او میبخشد که او نیز به دیگران برساند و ذهن آنها روشنسازد و اینک امانتی که یافتم تقدیم خوانندگان گرامی کردم امیدوارم که آنچه میخواهند از بنده ندانند بلکه از اوستا که نزد آنها گرامی است سپاس گزارم از آقایانی که در طبع این نامه بنده را یاری و همراهی فرمودند به ویژه آقای دکتر فربودون و رجایشان همراهی نمیکردند و دوست عزیز خود آقای رستم سروری را به دادن مصرف طبع تشویق نمینمودند این نامه وجود نداشت .

و آقای هوشنگ خرمی که جوانی است پاک سیرت که تصحیح و تنظیم چاپ کتاب به ایشان واگذار شده بود .

به سپاس و ستایش اهورامزدای مهربان عرض خود را پایان میدهم

ع. شوستری مهر بن

شهریور ۱۳۵۴

(۷) سمع. فاعم. و سمع طیلی سد. یعنی مدد و دفعه بیشتر. سد (سده) چیز.  
معبر و درسته بود. لعنه (عنه) چون بود. فاسد (فسد) معبر درسته. و سمع بیشتر، سو بیشتر درسته.  
و سیوسه. سمع بیشتر. چیز بیشتر. و اطیعه. همسایه سیوسه.  
و همسایه بود. لعنه (لعد) بود. دفعه (دفعه) بود. دفعه روزه (روزه) بود. سد (سد) بیشتر بود.

ترجمه: و یقیناً جفت خواهم کرد شما (ای) حافظ آزادی و سزاوار ترین که  
خوانده شوید و به ستایش شما ای مزدای تو انا و اشا و و هومن تاکه پیشوای ماشده  
باوران ما گردید.

توضیح: ترجمه علامه بارتلومه چنین است . برای شما جفت خواهم  
تندر و ترین اسبهای فربه و نیر و مند را بوسیله ستایش شما و گویا مقصود از آن به  
دلکش ترین عبارت شمارا ثنا خواهم گفت تاکه شما ای مزدای تو انا و اشا و و هومن  
مارا راهنمائی بکنید و باور ما گردید.

(۸) همسع. و اسع. لعنه (لعد) بود. و سد. (سد) (سده) سد. به له سدر سع.  
لعد (لعد) دنداده. و سیوسه. (سد) (سده) (سده) چیز.  
سمع. فاسع. سمع بیشتر. سد (سد) (سمع بیشتر) سد. {فسد} (فسد) سد  
سمع. فاسع. فاسد (فسد). همسایه سد (سد). لعنه (لعد) سد (سد) سد.

ترجمه: ای مزدا! با سرائیدن سرو دپر ذوق (و جدانی) شایسته شنیدن، هر دو  
دست را بلند کرده بانماز ارادت مندانه بوسیله اشا و دانش شگفت آور و هومن به  
شما نزدیک میشوم.

توضیح: در نماز چنانچه اکنون هم مرسوم است دست هارا به دعا بلند  
میگردد.

ترجمه: ای مزدا! تورا به این سرودها ستدوده بسوی تو باز میگردم با (آئین)  
اشاوهای و همن و هرگاه کاملا به مرام خود رسیدم آرزو مندم که دار نده دانش خوب  
(عالی) بشوم.

**توضیح:** از سرودها اشاره به سرو دی هست که در قطعه گذشته فرموده و از لفظ «مرا» مرا بخت و سعادت و پاداش نیز میتوان ترجمه کرد اشاره به رهنمایی و اصلاح جامعه هست.

(۱۰) سمع و مس. و ای و مس. و مس. و مس. و مس. و مس. و مس. و مس.

ترجمه: آنچه در گذشته ورزیده ام و آنچه در آینده خواهم ورزید (وبه)  
الهام) و هومن میباشند (امیدوارم) به چشم شما ارزش دارند در برآمدن روز و اشعه

لطیف خورشید (آئین) اشا ای مزدا اهورا همه به (فر) وستایش شما هستند.  
توضیح: تقریباً همین فکر در قرآن نیز اشاره شده که موجودات چه از  
جانداران و بیجان، از نباتات و حیوانات و جمادات هم پروردگار را می‌ستانند بنابراین  
بشر نیز نباید ازیاد او غافل گردد.

(۱۱) سع. فاع. ندینه طاں. ندینه سد. عسیوں. ندوں اللہ. ویں دنے اللہ.

ویں دنے (سع). ندوں اللہ. ندوں (سیوں). ندوں دنے.

ویں دنے. ندوں دنے. ندوں (سع). ویں دنے. ندوں دنے.

نندی دنے (سع). ندوں دنے. ندوں دنے. ویں دنے. لایں دنے ۴۴۴۰ء۔

ترجمه: ای مزدا! خودم را ستایش کننده شما میدانم و آشکار میکنم و ( چنین خواهد بود ) تازمانیکه از اشا نیرو دارم و دارای اراده هستم آئین این زندگی نو که از وهم من پدیدگشته تکمیل آن بنابر اراده اهوراست.

توضیح: بیم بر اعلام میکند که همواره اهورمزدرا خواهدستود و تازمانیکه بوسیله اشا یعنی راستی و درستی دارای اراده و نیرو هست در انتشار دین نو که از الهام ایزدی یافته خواهد کوشید و تکمیل آن وابسته به مشیت ایزدی است.

## خلاصه سروود ۵

در بخشی از سرودهای گاتا پیغمبر آرزوی خود را بیان میکند و در بعضی پرسشی میکند و خود پاسخ میدهد یا پاسخ را به شنووند آنواگذار مینماید. از جمله در آغاز این سروود از اهورا مزدا میپرسد که کدام کس یاور او و پیروان او خواهد شد و در پاسخ میگوید که اشایعنى راستى و نظم و وهم من یا بهترین بینش بشرطیکه آنها به نیت خالص خوانده شوند و در قطعه دوم میپرسد چگونه جای امن و جامعه ایرانی محیط راستی و درستی خواهد شد و پاسخ را به خواننده واگذار میکند و جائی میخواهد که بر آن خور بتاید و افراد جامعه آسوده زندگی کنند و به امن خاطر به وظایف زندگی برسند. جهان تن که در دیگر ادیان جای در دور نج است برای زرتشت آورنده شادی است و پیغمبر امیدوار است که ارمایتی بالاش و خشتو و هومن بسوی او خواهند آمد و از یاری ایزد بانسوی خوش بختی پیش خواهند رفت. میفرماید ای مزدا! تنها ترا میستایم و میپرسنم و آرزو مندم که جوینده تو به راه راست گام بردارد و به آنچه بر من ارادت مند تو پدید شده گوش دهد ای مزدا! تو از جهان بلند برای ما شادی میآوری و یاری تو آشکار و اشاره های تو مارا بسوی روشنایی رهنماست. نظر پیغمبر ایران همواره بر الهام ایزدی است و تمنا میکند که آنچه او میگوید به الهام ایزدی باشد. میگوید ای مزدای توانا! ترا به دلکش ترین عبارت ستایش میکنم تابا اشا و هومن مارا راهنمایی کنی و یاور ماگرددی و هر دو

دست را به نیاز و نماز بلند کرده امیدوارم که بوسیله اشا و دانش شگفت و هومن  
بشما نزدیک شوم و به سرود ستایش بسوی شما بازگشته هرگاه کاملاً به مرام خود  
رسیدم آرزو مندم که دارای دانش عالی گردم آنچه در گذشته گفته ام و در آینده خواهم  
گفت امید که به الهام و هومن باشد در برآمدن روز و تجلی اشهه لطیف خور هم  
عظمت و فر شما را ستایش میکنند و در پایان عرض میکنند که همواره اهور مزدا  
را خواهد ستد و تا زمانی که اشا و خشنتر ایزدی اراده مرا نیرو میدهنند در تبلیغ  
دین بهی که از الهام ایزدی یافتم خواهم کوشید و کامیابی وابسته به مشیت ایزدی  
است .

## سرود ۵۱ بنام و هو خشترا

منحصر بهیک سرود است در ۲۲ قطعه و هر قطعه در ۶ پادا که مجموعاً ۱۳۲ پادا میشوند و هر پادا در هفت سیلاب گفته شده.

( میرسدند. برسدند. ۵۱ )

۷. فام. نسقیم. سیمیستیمیده  
 (۱) فاطم-ن-نیمیمیم(۴). واسد(۴).  
 اسد(۴). سدمیمیم(۴).  
 فاطم-ن-نیمیمیم(۴). بروکسدند.  
 سیمیم. سیمیم(۴). برسدند.  
 برسدند-ن-نیمیمیم(۴). بسیمود. واسدندند.  
 میمیم. ۴. ۴. ۴. واسدندند.

ترجمه: نیروی ایزدی گران بهاست. و بخشی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا. او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بوسیله عمل (به بلند ترین مقام میرسد) (وبرای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهم کوشید. (یاخواهم ورزید).

توضیح: خشترا یعنی نیروی ایزدی به هر که رسید او نعمت گران بها یافت و باطن او تو اناشد. اگر خوش بخت باشد به نوع خود خدمت میکند و تنها از عمل

است که بشر به مدارج عالی میرسد و پیغمبر می فرماید من نیز باعزم ثابت به خدمت نوع خود خواهم کوشید.

ترجمه: این اعمال ای مزدا اولا بشما ( تقدیم می شوند ) ( و بعد ) به اشا  
و ای ارمایتی به شما- بهمن نیروی اراده بنمایید و بوسیله و هومن توفیق پرستش  
به دخشد .

توضیح : در این قطعه تسلسل فکر قطعه گذشته است. التماس میکند که در بجا آوردن کار نیک که به اشا و اهورمزدا تقدیم میشوند ارمایتی اراده را نیرودهد و وهومن سعادت پرستش به بخشید.

(۳) سد. خام. قاع. دیسیس. نرم. درست. پیشوند.  
پیشوند. خام. پسرد. دلیل. سه زدن. دندان. پیشوند.  
نهن (آ). سد. دیسیس. نرم. دلیل (سیم).  
دلیل سه زدن. دلیل پیشوند. دلیل سه زدن (آ).  
پیشوند (پیشوند). نرم. دلیل (آ) (درست).  
نهن (آ) (پیشوند). دلیل سه زدن. دلیل سه زدن.

ترجمه: برای (آبادی) گینی (باید) بهم آئید آنانکه در آن کار با شما همراه هستند، اشا زبان اهوراست که سخنان و هومن را (برمیگوید) و بهاینها ای

اهورا شما از ازل آموزنده هستی .

توضیح: برای آبادی گیتی بشر باید به فرمان اهورمزا (که بواسیله طبیعت پیوسته) آشکار میشود همراهی کند. اشا یعنی راستی و نظم گوئی زبان اهور است که سخنان یا آموزش دین را بواسیله و دومن یعنی دانش ایزدی بر میگوید و از ازل آموزنده اصل اهورمزاست.

(۱۴) و (۱۵) م. سلیمانی. سلیمانی (۱۶)

وَدْنَ (س). ٤٤ (عَلَهُ وَدْنَس). سَلَنَ وَدْمَسَج.

وَدْنَ (س). وَسْكَنَدْرَيْهِ. سَعْدَيْهِ. سَعْدَيْهِ.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرْبٍ

و دی (الہ) مسیح کا سرور دنیا مدد

وَدَلِيلُهُ كِتَابُ اللَّهِ وَسُنْنَةُ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

ترجمه: کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو و کجا مهر بانی روان است و کجا اشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و (بهترین منش) و هونمن را وای مزدا! (خشت) اراده تو انای تورا.

توضیح: به مهر و مودت و پاکی و نظم و بهترین منش واراده توانا کارها  
نیک و منظم میگرددند. پیغمبر این صفات را از اهورمزدا برای جامعه آرزو میکند.

(٥) فایدیدن سه. ۸۹۵ سه. لخ (ع) دیدنیود. و مسند ف سه.

وَاسْدَدْهُمْ أَدْهَنْ. وَسَرْدَسْلَفْسَلْسَسْدَدْهُمْ. (يُؤْمِنْ) <sup>ج</sup>

عن يهوده. عن ابن (الله) (أبي) (ع). {٤٦} سعد عن سعد.

وَسَعْيٍ وَقُوَّمٍ رَدِيلٌ ۝ إِنَّمَا ۝

مَنْ وَسَعَ دُرْبِيْوَدَدْ. لَدْ وَسَعَ دُوْسَعْ. لَدْ وَدَدْسَادْ.

ترجمه: همه اینها را پرسیده (میخواهم بدانم) چگونه زندگی اشائی را

به پروردشبانی که کارهایش بر راستی باشد به فروتنی دانش نیک را یافته .  
تنه ( اوست ) که خواهد توانست بدانشمندان آموزنده راستی شده خویش  
را آشکار کند و سعادت بیاورد .

**توضیح:** در این قطعه گویا سطر اول پرسش و سطرهای بعد پاسخ آن هستند  
پرسش این است که چگونه میتوان در جامعه زندگی اشائی پدید کرد و نگهداشت در  
پاسخ میفرماید تنها اوست که به نماز و فروتنی دانش یافته میتواند خود را آشکار  
کند و آموزنده راستی و درستی بدانشمندان گردد و برای جامعه سعادت و خوش بختی  
بیاورد . بگفته مولانای بلخی تا آموزنده نیک نباشد نمیتواند نیکی بیاموزد پس به هر  
دستی نمیشود دست اطاعت داد و اورابه رهبری پذیرفت .

(۶) **وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ**

**وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ**

**سِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ**

**سِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ**

**وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ**

**سِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ وَسِعْ**

**ترجمه :** او که خود را بهتر از به میکند و او که هدف و نیت (تني) را ایفا  
مینماید او از اهورمزدا توانائی (خواهد یافت) ولی او نمی پروراند زیست (گیتی تني)  
را آخر در پایان زندگی بدتر از بد خواهد شد .

**توضیح:** وظیفه بشر در این است که زندگی و صورت جامعه را از به بهتر  
سازد و به این ترتیب هدف زندگی تني را ایفا نماید تا اهورمزدا او را خشنتر یعنی  
نیرو عطا فرماید و او را بر نفس خود خداوند سازد ولی او که بد را بدتر میکند و  
وظیفه زندگی تني را بجا نمی آورد و مادر گیتی را به آبادی و شادابی یاری نمی نماید  
و در آن حال که از جان میگذرد به پاداش کار بد خواهد رسید .

(۷) وسدوی. چار. قاع. چپو. سیپی.  
 سمع ددم سد. (س) سمع ددم سد.  
 سمع ددم سد. سد. (س) سمع ددم سد.  
 سمع ددم سد. سد. درج. سمع ددم سد.  
 سمع ددم سد. (س) سمع ددم سد.  
 سد. سمع ددم سد. فاطمه سمع ددم سد.

ترجمه: ای مزدا! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هرو تات و امر تات را بمن وسیله سپتتا ماینیو عطا کن و نیز بوسیله و هومن جاوید نیروی روانی وزندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکار شد.

توضیح: هرو تات و امر تات یعنی تندرستی و زیست جاوید را آرزو میکند که اهورمزد بوسیله سپتاما نیو به او عطا کند و بوسیله و هومن یعنی دانش ایزدی جاوید تو انائی روانی و از کیش مزدیسنی که زندگی نونامیده چنانچه به الهم ایزدی بهشت زرتشت رسیده آگاه سازد.

(۸) سمع د. یپ. سیپ. فاطمه سمع د. سیپ.  
 فاطمه سمع د. یپ. (س) سمع د. (در سمع).  
 در سمع. سمع د. و (س) سمع د.  
 (س) سمع د. قاع. سیپ. سمع د.  
 سمع د. یپ. همین (س) سمع د.  
 قاع. فاطمه سمع د. (س) سمع د.

ترجمه: اکنون از جانب توای مزدا! بر میگویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بد تهدید میکند و به او که با اشاست و راست است خورسندي (روشنائي) می آورد و تنها او از واژه (ماتراي) پاک شاد خواهد بود که

به داشمند برگوید .

توضیح: پیغمبر میفرماید که از جانب اهورمزدا اعلام میکنم که :

- ۱- نار است را بخت بد تهدید و به راست روشنائی (وجدانی) می بخشد .
- ۲- تنها مردی که واژه پاک را به مردم دانابر میگوید دانا و شاد خواهد بود .

(۹) وَيَقُولُونَ مِنْ يَعْصِيَنِي إِلَهٌ لَّهُمْ لَا يَرْجُونَهُ وَسَعْيُهُمْ  
 لَّهُمْ لَا يَرْجُونَهُ سَعْيُهُمْ لَّهُمْ لَا يَرْجُونَهُ وَسَعْيُهُمْ

ترجمه : پاداشی که ای مزدابوسیله آتش سرخ (برا فروخته) به دو گروه (مخالف) بوسیله آزمایش (سخت) فلز گذاخته میدهی رهنماست به زندگی و جدانی (ما) که نار است را تباہ میکند و به راست سعادت می بخشد .

توضیح: آتش برا فروخته یافلز گذاخته را باید بمفهوم آزمایش سخت و رنج آور گرفت که به دو گروه مخالف در کشکش میرسد و هر کدام که در آن شکیباتی ورزید و تحمل کرد کامران و سعادت مند و هر که نتوانست متتحمل گردد تباہ خواهد شد .

(۱۰) لَمْ يَرْجُونَهُ وَسَعْيُهُمْ لَّهُمْ لَا يَرْجُونَهُ وَسَعْيُهُمْ  
 لَّهُمْ لَا يَرْجُونَهُ سَعْيُهُمْ لَّهُمْ لَا يَرْجُونَهُ وَسَعْيُهُمْ

ترجمه : مردی که میگوشد (جامعه را ) بمیراند (فاسد کند) بر ضد این

( آئین ) ای مزدا ! خود او فرزنه دروغ هست و چنین ( مرد ) نادان ( ضعیف العقل ) میباشد من برای کسان خودم اشا ( راستی و درستی ) را خواهم خواند که با مهر و سعادت ( بسوی ما ) بباید .

توضیح: اشاره به مخالفان میکند و میفرماید در صورتیکه آنان میکوشند که افراد جامعه را فاسد کنند من خواهم کوشید که اساسوی ما بباید و مهر و خوش بختی بسورد .

### ( وَسَرِدَدْدَسْ. مَنْسَرِدَدْدَسْ. ۵۰ )

(۱) وَسَرِدَدْدَسْ. هَلْدَدْدَسْ. (۲) سَرِدَدْدَسْ. دَدَدْدَسْ. لَسَرِدَدْدَسْ. سَسَرِدَدْدَسْ.  
وَمْ. هَلْدَدْدَسْ. لَعَسَرِدَدْدَسْ. وَمْ. هَمْ. سَسْ. فَلَسَرِدَدْدَسْ. فَلَدَدَدَدْدَسْ.  
سَسَرِدَدْدَسْ. سَسَرِدَدَدْدَسْ. فَلَكَلَسَرِدَدَدْدَسْ. هَسْ. سَسَرِدَدَدْدَسْ. سَسَرِدَدَدْدَسْ.  
سَسَرِدَدَدْدَسْ. هَلْدَدَدَدَدْدَسْ. فَلَسَرِدَدَدَدَدْدَسْ. هَلْدَدَدَدَدَدْدَسْ.

ترجمه: کدام ( جوان ) مرد است دوست زرتشت اسپینا ما والبته او به اشا ارتباط دارد و با ارماینی هم سخن است و یقیناً به و همن و نیکان ( ارادت مند است ) و خود را از برادری مگامیشمارد .

توضیح: مزدیسنی که دوست زرتشت است باید اشائی باشد و با ارماینی ( تسلیم و رضا ) نزدیک گردد و به و همن و نیکان ارادت مند باشد و خود را از برادری مگامیشمارد .

مگا نام انجمنی است که زرتشت تأسیس کرد و از اعضای متقدم آن شاه وبشتواسپ وزیر جاماسب و مابدیه منها ( maidhy<sup>o</sup> manha ) و فرشاوشتره بودند .

(۱۲) { دُخُلَّةٍ . مَرْسَى . بَرْجَى . سَلْكَى } سَدِّى نَدَى . وَاسْقَى نَعْدَى سَرْجَى .  
وَوْدَى سَلَّى . لَهْدَى } سَلَّى . سَلَّى .  
وَسَلَّى سَلَّى سَلَّى . سَلَّى سَلَّى سَلَّى .

ترجمه: خوشنود نباشد زرتشت اسپاتاما از (روش) فریبانه کوی در مروراز  
این جهان زیرا که او (به اندیشه اش) نجات را ( تنها در اعمال) دنیوی میداند  
(در صورتیکه) آن به فعالیت ذوق روانی پر جوش می شود .

**توضیح:** سرو دگویان کوی عقیده داشتند که ثروت و خوش گذرانی بهترین راه زندگی است و زرتشت اسپیانا این طریق رانمی پسندید بعقیده او اعمالی باید وجودانی و بهذوق و جوشش روانی بجا آورده شوند در صورتیکه کوی یکپارچه مادی بودند زرتشت جنبه معنوی را می پسندید.

(١٣) مَوْلَدُ وَلِيٍّ (سَهْجَةً). وَسَاجِدَةً.  
 وَسَعْيُهُ. حِلْيَةً سَدَدَهُ. مَنْسَدَلَيْهُ.  
 قَبْرِيْلَيْهُ درَسَهُ. (أَنَّهُ). فَلِلْمُطَوَّذِيْهُ.  
 لَدَهُ (سَهْجَةً). لَهُ (سَهْجَةً). سَدَسَنَهُ.  
 سَدَدَهُ درَسَهُ. فَسَرَدَسَطَقَيْهُ سَدَدَهُ درَسَهُ.  
 سَيْسَيْهُ سَرَدَهُ درَسَهُ. بَعْدَهُ (سَدَدَهُ درَسَهُ)  
 سَيْسَيْهُ سَرَدَهُ درَسَهُ.

ترجمه: به این ترتیب ناراست تباہ میکند و جدای خود را به (نیافتن) حقیقت راه راست که چون برآوپل چنود پدید گردد روان او سرزنش خواهد کرد (واو) به عمل و به زبان (سخن) خویش از راه اشا منحرف شود (و گمراه

کرد ( که به دین پاک خدمت کند ) .

اهورمزدای توانا! این بیوستنگی که آرزو دارد (یعنی) رسیدن به اشا به او بدهشند.

**توضیح :** به نظر بسیاری از مترجمین گاتا اشاره شده است که فرشاوشتره و دختر خویش را بهشت زرتشت به همسری تقدیم کرد ولی از دو سطر بعد چنین بنظر میرسد که فرشاوشتره نفس خویش را به خدمت دین بھی تقدیم کرد و شت زرتشت دعایمکند که اهورمزدا اورا در این خدمت توفیق دهد و به اشا پرساند.

(۱۸) ﴿۰۷۹-۰۷۸﴾ . ﴿۰۷۸-۰۷۷﴾ . ﴿۰۷۷-۰۷۶﴾ . ﴿۰۷۶-۰۷۵﴾ . ﴿۰۷۵-۰۷۴﴾ . ﴿۰۷۴-۰۷۳﴾ . ﴿۰۷۳-۰۷۲﴾ . ﴿۰۷۲-۰۷۱﴾ . ﴿۰۷۱-۰۷۰﴾ . ﴿۰۷۰-۰۶۹﴾ . ﴿۰۶۹-۰۶۸﴾ . ﴿۰۶۸-۰۶۷﴾ . ﴿۰۶۷-۰۶۶﴾ . ﴿۰۶۶-۰۶۵﴾ . ﴿۰۶۵-۰۶۴﴾ . ﴿۰۶۴-۰۶۳﴾ . ﴿۰۶۳-۰۶۲﴾ . ﴿۰۶۲-۰۶۱﴾ . ﴿۰۶۱-۰۶۰﴾ . ﴿۰۶۰-۰۵۹﴾ . ﴿۰۵۹-۰۵۸﴾ . ﴿۰۵۸-۰۵۷﴾ . ﴿۰۵۷-۰۵۶﴾ . ﴿۰۵۶-۰۵۵﴾ . ﴿۰۵۵-۰۵۴﴾ . ﴿۰۵۴-۰۵۳﴾ . ﴿۰۵۳-۰۵۲﴾ . ﴿۰۵۲-۰۵۱﴾ . ﴿۰۵۱-۰۵۰﴾ . ﴿۰۵۰-۰۴۹﴾ . ﴿۰۴۹-۰۴۸﴾ . ﴿۰۴۸-۰۴۷﴾ . ﴿۰۴۷-۰۴۶﴾ . ﴿۰۴۶-۰۴۵﴾ . ﴿۰۴۵-۰۴۴﴾ . ﴿۰۴۴-۰۴۳﴾ . ﴿۰۴۳-۰۴۲﴾ . ﴿۰۴۲-۰۴۱﴾ . ﴿۰۴۱-۰۴۰﴾ . ﴿۰۴۰-۰۳۹﴾ . ﴿۰۳۹-۰۳۸﴾ . ﴿۰۳۸-۰۳۷﴾ . ﴿۰۳۷-۰۳۶﴾ . ﴿۰۳۶-۰۳۵﴾ . ﴿۰۳۵-۰۳۴﴾ . ﴿۰۳۴-۰۳۳﴾ . ﴿۰۳۳-۰۳۲﴾ . ﴿۰۳۲-۰۳۱﴾ . ﴿۰۳۱-۰۳۰﴾ . ﴿۰۳۰-۰۲۹﴾ . ﴿۰۲۹-۰۲۸﴾ . ﴿۰۲۸-۰۲۷﴾ . ﴿۰۲۷-۰۲۶﴾ . ﴿۰۲۶-۰۲۵﴾ . ﴿۰۲۵-۰۲۴﴾ . ﴿۰۲۴-۰۲۳﴾ . ﴿۰۲۳-۰۲۲﴾ . ﴿۰۲۲-۰۲۱﴾ . ﴿۰۲۱-۰۲۰﴾ . ﴿۰۲۰-۰۱۹﴾ . ﴿۰۱۹-۰۱۸﴾ . ﴿۰۱۸-۰۱۷﴾ . ﴿۰۱۷-۰۱۶﴾ . ﴿۰۱۶-۰۱۵﴾ . ﴿۰۱۵-۰۱۴﴾ . ﴿۰۱۴-۰۱۳﴾ . ﴿۰۱۳-۰۱۲﴾ . ﴿۰۱۲-۰۱۱﴾ . ﴿۰۱۱-۰۱۰﴾ . ﴿۰۱۰-۰۰۹﴾ . ﴿۰۰۹-۰۰۸﴾ . ﴿۰۰۸-۰۰۷﴾ . ﴿۰۰۷-۰۰۶﴾ . ﴿۰۰۶-۰۰۵﴾ . ﴿۰۰۵-۰۰۴﴾ . ﴿۰۰۴-۰۰۳﴾ . ﴿۰۰۳-۰۰۲﴾ . ﴿۰۰۲-۰۰۱﴾ . ﴿۰۰۱-۰۰۰﴾ .

ترجمه: این دانش دین را که جاماسب دانا به آرزوی (رسیدن به) روشنائی از اشا بر گزید و این نیرو که از دانش و هومن در آمده است ای اهورمزدا به همه آنان که به تو پناهنده شده اند بخشن.

توضیح: دانش دینی را که جاماسپ بوسیله اشا و نیروی دانش و هومنی به اشتیاق روشنائی حقیقت یافته به آنرا که به توای اهورمزدا پناهنه شده‌اند به بخش .

(۱۹) مه «ج». هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

هدن دهندند. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

و سـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

ترجمه: بنابراین ای میدیه ای ماه شخص خود را استیاما به او تسلیم خواهد کرد که وجود آن احساس کند هر که بسوی زندگی (راست) میکوشد آئین مزدا را به زندگان بهتر به عمل خود (تا به سخن) می آموزد.

توضیح: اینکه رهبر باید به عمل آموزشی خود را به ثبات بر ساند و آنچه از خوبی بدیگران میگوید خود او نیز عمل کند. میدیه ای ماه (ماه بدر) فرزندار استی و عموزاده زرتشت نخستین شخصی بود که به کیش بهی گرویدنام پسر او اشاستو بود.

(۲۰) هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

و اـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ. هـ.

ترجمه: (شما) هم اراده باشید بهما همه بهدادن خوش بختی (وبهدادن) اشا (راستی و درستی) و آموزش و هشومی که از آن ارمابنی (تسلیم و اطاعت) می بالد (ما) پرستش کنندگان با نیاز آرزومندیم که چنین سعادت از مزدا (بیاپیم).

توضیح: خطاب به امشاسبندان هست که هم اراده شده به پیروان زرتشت

خوشبختی، راستی و دانش و هومنی به بخشند و چنین سعادت را از مزدا آرزو داریم.

(۲۱) سد (س) سه (س) ط (د) د (د). {سد. د (د) (س) ه (ه) ط (ط)}.

س (س) ط (ط). ن (ن) د (د) د (د). د (د) س (س) د (د). د (د) س (س) د (د) ط (ط) {سد. س (س) د (د) د (د)}.  
و (و) س (س) د (د). س (س) د (د) د (د). د (د) س (س) د (د). د (د) س (س) د (د).  
ف (ف) ط (ط). س (س) و (و) س (س) د (د). د (د) س (س) د (د). د (د) س (س) د (د).  
ه (ه) س (س) و (و) س (س) د (د). د (د) س (س) د (د).

۶۴۹. و (و) س (س) د (د) د (د). س (س) و (و) س (س) د (د) د (د).

ترجمه: ارادتمند ارمایتی پاک است - او به دانش (اندیشه) و سخن و عمل و وجود ان اشا (راستی) را می‌افزاید و (اورا) اهورا به وسیله و هومن خشت (نیرو) می‌بخشد و برای چنین سعادت دعا می‌کنم (خواستارم).

توضیح: ارادتمند ارمایتی (تسلیم و رضا) باید پاک باشد چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار و وجود و راستی را (در جامعه) بیافزاید و (نیکومنش را) اهورا دانش و نیروی ایزدی می‌بخشد و من چنین سعادت را (از او) خواستارم.

(۲۲) ق (ق) س (س) ه (ه) د (د) د (د). ه (ه) ط (ط). س (س) س (س) د (د).

و (و) س (س) د (د) د (د). ق (ق) س (س) ه (ه) د (د) د (د). ه (ه) د (د) د (د).

و (و) س (س) د (د). ه (ه) س (س) د (د). س (س) د (د) د (د).

و (و) س (س) د (د). س (س) د (د) د (د). ه (ه) س (س) ه (ه) د (د) د (د).

۶۴۰. و (و) س (س) د (د). س (س) د (د) د (د). ه (ه) س (س) ه (ه) د (د) د (د).

ه (ه) س (س) د (د). س (س) د (د) د (د). و (و) س (س) ه (ه) د (د) د (د).

ترجمه: من اورا که بوسیله اشا و هشت همه ستایش مزدا اهورا را میداند در هر نماز چه آنها که بودند و چه آنان که وجود دارند به نامهای خسودشان ستوده گرامی خواهم داشت و به ارادت به آنان خواهم رسید.

توضیح: در این قطعه برخی از واژه‌های دعای ینهه هاتام yenhe hatam گفته شده‌اند گوئی متمم دعای نامبرده است (رجوع شود به دعای ینهه هاتام).